

اخبار دول خارجی

در روزنامه هندوستان نوشته بودند که تجارت تریاک در مملکت چین رواج خوب دارد و در شهر کانتون محل اقامت و بندر داد و ستد تجارت دول خارجی است تریاک تنها صندوقی سیصد و پنجاه دالار و تریاک بنا سس سیصد و پنجاه و دو دالار و مال مالو اچهار صندوق شست دالار و مال ترکستان چهار صد و پنجاه دالار بوده و بسیار هم بفروش رسیده است در سال گذشته چین هزار صندوق تریاک بنکاله و میت و هفت هزار تریاک مالوه ارسال آنجا شده بود چون اهل چین تریاک زیاد مصرف می کنند و طور استعمال تریاک در آنوقت اینگونه است که تریاک را غلیظ حل کرده و میل آن با برنج و بهر میل را روشن کرده بانیچه دود او را مانند تون و تنباکو می کشند که مد هوش میشوند و می افتند و زیاده مایل استعمال آن هستند و همه کس از اعالی و ادانی مصرف می کنند لهذا از اطراف ممالک روی زمین تریاک فراوان با نولایت میرود و داد و ستد تریاک در ولایت چین عموماً است و در بندر شنکائی چین هم تریاک مالوه سیصد و پنجاه دالار الی سیصد و پنجاه دالار و مال تنباد و شست و پنجاه دالار بفروش میرفت دیگر نوشته بودند که ابریشمی که از چین بولایات دیگر ارسال می شد بسیار خوب رواج داشت در ماه دیسمبر چهار هزار و پانصد سته ابریشم بفروش رسیده بود و در سال گذشته تا آخر دیسمبر سی و دو هزار سته بفروش رفته بود و اکثر طالب ابریشم وسط تسلیم بوده اند و در این وقت

قیمت ابریشم در آنولایت ترقی داشته است چنانچه ابریشم اعلی سته سیصد و سی دالار و از آن قدیمی تر دولت و مقام دالار الی دولت و مقام و پنجاه دالار و ابریشم وسط دولت و چهل و پنجاه دالار الی دولت و شست و پنجاه دالار و ابریشم پست تر از همه از دولت و بیت دالار الی دولت و سی و پنجاه دالار و بفروش میرسد و ابریشم بسیار اعلی بقچه دولت و پست و پنجاه دالار الی دولت و سی و پنجاه دالار و ادنی یکصد و شستاد دالار الی دولت و پانزده دالار و ابریشم تر و تر دولت و شست دالار الی دولت و شست و پنجاه دالار بود و دالار پول رواج آنولایت است که هر یکصد دالار سیصد و سی و دو و روپیه هندوستان داد و ستد میشود دیگر نوشته بودند که پنبه زیاد به بندر مالای چین از بنکاله بمبئی و مدرس میرود و در آنجا خوب بفروش میرسد و داد و ستد جای نیز در آنجا بسیار میشود و برنج نیز در آنجا خوب و فراوان بعل می آید و از هر گونه تجارت در آنجا خوب میشود

دیگر نوشته اند که نواب کورنر بهادربهائی مجلس اجلاس مشورت منعقد نموده بود در باب تنخواهی که فرمانفرمای هندوستان بقرض خواسته است مبلغ این تنخواه دو کرو و مقام و پنجاه لک روپیه است پنجاه لک از آن بمبئی خواسته است و مابقی آنرا سایر ممالک هندوستان و کورنرها حکمران معمر بمبئی درین خصوص مجلس مشورت منعقد نموده بوده است که پنجاه لک روپیه را تدارک نموده بجهت فرمانفرمای هندوستان بفرستد

از قراریکه در روزنامه احسن الاخبار ممبئی نوشته بود
از رانی کج هندوستان تا کلکته که بقدر یکصد و بیست
فرسخ مسافت است راه آهن بجهت تردد کال که بخار
ساخته و با تمام رسانده اند و بالفعل کال که بخار از
سرتاسر آن راه عبور میکند و بجهت اهل هندوستان
ازین مرحله رفاه کلی حاصل گردیده است
دیگر نوشته بودند که در دلی و مرته و اگر در روز پنجشنبه

پنجم ماه مارچ قریب بظهور زلزله شدیدی شد
و لیکن چندان خرابی بجائی نرسیده است

و چیمپین از سمت فرنگستان نیز خبر رسیده بود که در
شهر کانیه زلزله بسیار شدیدی شده و کوه سونده
اتنه که در سینیلیاست ترکیده و خراب شده است
در ایام قدیم نیز یک وقتی از کوه منورسک و فلزات
جاری شده بقدر سه فرسخ عرض و پانزده فرسخ طول
تا دریا سرتاسر آن زمین را فرو گرفته بعضی دهات معتبر را
بکلی خراب کرده و بعضی دهات دیگر را کم و بیش خرابی
و چشمه های آب کو را که در آن راه بودند بعد از جاری شدن
فلزات و سنگ که اخته از روی آنها خشمگینند و چنان
و حیوانات زیاد تلف شده بودند بعد از آن جریان
فلز و سنگ که اخته موقوف شده بود ولی دود و آتش
علی الدوام از بالای آن کوه برنی میشد تا درین اوقات
که دوباره ترکیده و خراب شده است
نوشته بودند که یکی از تفنگ سازان اختراع تازه

تفنگ کرده است که تفنگ را بصاعقه خالی می کند
و احتیاج به باروت ندارد و کلوله آن مثل کلوله تفنگی است
که در انگلیس رایفل می نامند و فوجی که بان تفنگها مسلح باشند
فوج رایفل میگویند و از غریب اختراع این شخص کی است
که از تفنگ منور در هر ثانیه یک تیر خالی میشود که در هر
دقیقه شصت کلوله بیرون میرود و یکصد و بیست و دو تیر
فوت که عبارت از دو هزار قدم باشد میدان کلوله آن
باصحیح بسیار مرغوب و مطبوع طبایع افتاده و تا حال
اختراع کسی نکرده است و در جنگ بسیار بجاری است
دیگر نوشته اند که دختری خواننده از انگلیس که در فنون
نغمات ماهر و مشهور است در کلکته به بازیکر خانها میرود
و بازی و خوانندگی می کند و مردم که تماشا جمع میشوند
پول زیاد بآنها میدهند از جمله در یک شب دو هزار پانصد
روپیہ برای او در تماشاخانه جمع شده بود پانصد پانصد
از اسبجهت چراغان و سایر اخراجات تماشاخانه مجموع
داشته و دو هزار روپیہ دیگر برای اخراجات زنانش
بیوه و اطفال یتیم قشون انگلیس که در جنگها کشته شده اند
داده است
در روزنامه نوشته اند که در این اوقات اعلیحضرت
امپراطور استریه قدغن کرده است که رسم سیاستی
که در آن نقصان عضوی از اعضای انسانی باشد در
دولت استریه موقوف و متروک باشد و بعد ازین
کبریا بطور شوق و سیاست بخند
منجی در رینگه برلین در چهاردهم جنوری قریب بوقت سحر در طرف جنوب
آسمان در حوالی برج عقرب ستاره دو ذوبه دیده است

در خصوص سیم چرخ آتشی که بجهت فرستادن پیغام از
شهر بشهر و ولایت بولایت در اغلب دول فرمگهان
براه انداخته اند درین اوقات دولت انجلس این اسباب
در هندوستان نیز براه انداخته و در روزنامه بیسی
داک صاعقه می نویسند و نوشته اند که این کار امت
غریب و صنعتی است عجیب و عجب تر اینکه صنعتی دیگر
در داک صاعقه بکار برده اند که عقل عقلا بهیچ وجه نتواند
پی بدان برود و آنرا دریافت نماید و آن این است که دو
جبر از دو جهت مخالف در یک سیم بیک دفعه
می فرستند و اکثر ایشان بزرگ کارخانجات داک
صاعقه واقع در هندوستان اشتها ری برای اجتناب
و اطلاع مباشترین داک صاعقه هر ملک و دیار می
که نمایان باشد و داک مزبور در هر جا که باشند
ایشان را قدغن شدید و تا که داک است که پیغام های
داک را که در باب معامله تجارت است تا دو دفعه
نکشند و اجرت آنرا دو برابر بدهند پیغام را بصاحبش
فرستند و عدد الفاطمی که در پیغام است از آنجا حساب
نمایند که شروع بطلب میشود و اسم شخص و محل
منصب او و تاریخ نیز از جمله آن است و نقطه را که در
افصال مطلبی می گذارند آنرا نیز یک لفظ حساب می
و حرف تنها را نیز اگر از چهار زیاد تر نباشد یک
کلمه حساب نمایند و لفظی را که در پیغام می نویسند که
مشتمل بر چند لفظ است اجرت آنرا سخاوتمند گرفت یا که
اجرت آن را پیش داده نیز بی اجرت است زیرا که آن
و لفظ برای آسانی دریافت مباشر کارخانه پیش

و ضرورتی برای فرستنده خبر ندارد و طریق فرستادن
خبر این است از (در اینجا باید اسم تاریخ و جارا و
مثالش از کلکته مورخه اول فروری) از (در اینجا باید
اسم و خطاب شخص را نوشت مثالش از جان اسپت
(اسم جارا نویسند مثالش بمبئی) برای (هم
شخص را بنویسند مثالش برای سترنری چونز واجرت
الفاظ میکی داده شد مثال پیغام این پیغام بیت و
لفظ است از کلکته اول فروری از جان اسپت
مجلسه کلیم به بمبئی به سترنری چونز قطعه پول بیت و لفظ
پیشگی داده برات شما رسید و قبول هم کرده شد
چنانکه پول این بیت و لفظ را میگیرند و برای چهار لفظ
که این پیغام مشتمل بر بیت و لفظ است نمیگیرند و موافق
سیر دیم هر پیغام تجارتی و یا معامله که مشتمل باشد بر نرخ بازار
قیمت اجناس و غیره و بخصوص صرافانی و اجناس و اجناس و خبر
کردن و بیمه نمودن و غیره آن پیغام را باید دو بار تکرار کرد و دو
برابر پول داد و در صورت بعد از لفظ میکی داده بنویسند و دو
اجرت داده و دوباره گفته و برای این الفاظ نیز پولی نخواهند گرفت و آن
کرده میشود و نمایانرا که پس رسیدن این حکم اگر اجناس تجارتی یا معامله
پول دو برابر بگیرند و بفرستند نصفه دیگر آنرا از نمایانرا خواهند
گاست و نمایانرا سوپرنتندنت کلکته و مدرسی را اجناس و خبر
مزبور در آن مملکت که با اختیارشان است جاری نمایند و نیز
حکم است که اگر نمایان اطاعت حکم مزبور را ننمایند یا فراموش
کنند آن وجه معین را که ذکر شده از نمایانرا آنها کم نمایند
صح ایشان مباشر داک صاعقه هندوستان مورخه ۱۲
فروری از اگره

روزنامه قایم اتفاقیه تبایخ یوم شنبه شوال المکرم مطابق سال توستان میل ۱۲۷۱

نزد یک و دو یک

قیمت روزنامه

یک نسخه شش



منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط از چهار خط یکصد
بیشتر به هر خط یکصد

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاه

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت اقدس هالیون شاهنشاهی که بنیادان
تشریف برده بودند چهارشنبه در اینجا توقف فرمودند
و در روز یکشنبه شازدهم اینماه بارک مبارک
سلطانی و مقررسلطنت عظمی مراجعت فرمودند و
میں طالع فیروز می طالع و میمنت قدوم و بهجت لزوم
شاهنشاهی در روز و دو موکب هالیون هوای دارالخلافه
طهران نسبت بخیزد و رقیل قفاوت کرده خنک و خنوب
گردید و جناب امجدشرف افخم صدر اعظم نیز که بفر
صدرا با دلیکی خود رفته بودند نیم ساعت قبل از ورود
موکب هالیون بدارالخلافه مبارک آمده در خلوت کریم
مظهور و و اعلیحضرت شاهنشاهی بودند و اینجا شیرآب
حضور مهر ظهور گردیدند

قضیه رحلت اعلیحضرت امپراطور نیکولا ازین دای
فانی و خبر جلوس اعلیحضرت امپراطور الکساندر
موروثه آبا و اجدادی خودشان اقصا نمود که بکمال
حسن دوستی و مراوده دولتین دیشوکتین ایران

و روس سفیری از جانب سنی اجواب هیون بدار
اندولت بهیته مأمور شود که مراتب اندوه و جور و طا
وسرور خاطر مرحمت مظاهرا قدس را در انجمن حضور
اقاب ظهور اعلیحضرت امپراطوری لهر صه شود و بر
آورد لهند اجناب عمده الامراء العظام مقرب انخافان
سیف الملک عباسقلی خان میرنجه را که از اجتهاد چاکران
دولت و مقربان اعقاب علیت حضرت و قدیمی خان زند
سلطنت قوی شوکت است بعد از ظهور مرحوم ملوک
از اعطای القاب و منصب و نشان و حامیل میرنجه کی
و خلعت و شمشیر و کمر مرصع و دیگر رحمتهای شایان گویا
بر تبه ایچی کری کبیر بانامه مهر علامه بدر بار اندولت
بهیته مأمور فرمودند و تا بهیت و بهیتم شهر شوال حب
روانه مقصد خواهد شد و همچنین عالیجاه مقرب انخافان
قاسم خان که سابقا بر تبه کارپردازی اول دولت
علیه متوقف تفلیس و حب الامر بر کاب هیون احضار
شده بود چون خدمات او کلاً منظور نظر اقدس ملوک
گردیده بود و مستشاری سفارت کبری با جناب سفیر

امورات قشونی

توپچیان و زنبورکیان و افواج قاهره و سواره نظام
ملترم رکاب بیاون همه روزه در میدان ارک مید
مشق خارج در وازه دولت مشغول مشقتند و عموم
صاحب منصبان در کمال دقت در تعلیم آحاد و افراد کوچک
و سربازان تمام دارند

جناب ایلیچی دولت بهیه روسیه از امیرالامرا العظام
سردار کل عا کر منصوره خواش دوستانه نمود که
تیماشای مشق حرکت و تیراندازی قشون دولت علیه
بیاید و امیرالامرا العظام معری الیه بنجاکپای مبارک
عرض کرده اذن حاصل نمود اگرچه افواج قاهره که در
دارالخلافه تعلیم یافته و درست از موزن نظام و مشق
حاصل کرده اند بجهت ماه مبارک رمضان مخصش شده
مگر چهار فوج و قریب بیاضد سوار که بجهت قراولی
در بخانه مبارک که در دارالخلافه متوقف بودند در روز شنبه
یازدهم این ماه قرار دادند که دوازده عراده توپ یکصد
لوله زنبورک و چهار فوج مزبور و سواره مقدم در بالای
میدان اسب دوانی حاضر شده ساعت بغروب بانه
جناب ایلیچی بمنزل امیرالامرا العظام سردار کل آمده از آنجا
باتفاق میان نظام آمدند توپچیان و افواج قاهره مشق
و در کمال چابکی حرکت و تیراندازی را بجا آوردند بعد از
اتمام تیراندازی توپخانه و افواج و سواره در حالت
آمده از حضور سردار کل و جناب ایلیچی گذشته مرخص
شدند و تیراندازی توپخانه و افواج قاهره زیاده
جناب ایلیچی بسیار تحسین کرده بعد مراجعت نمودند

امور بطرز بورع خواهد شد و علاوه مأموریت مخصوصه
تیر بعهده او مقرر و متحول است که بنجانب جدالت
جانشین مملکت قفقازیه از جانب ستی بجوابت مأمور
و از طرف اولیای دولت علیه تفویض شدن منجانب
عالیه و شاعل عظیمه را بعهده کفالت و کفایت ایشان
تبریک و تهنیت بگوید

امور شهر دارالخلافه از اتهامات اولیای دولت علیه
و مناقبت نواب شهاب بنزاده و الایثار اردشیر میرزا
و مقرب انخاقان میرزا موسی قرین انتظام و انضباط است
عالیجا محسود خان کلانتر و که خدایان محلات پیر
در انجام خدمات محوله بنحو دهنایت مرقت را داند
اجبا رتازه نیت مکر اینکه چند نفر در در محلات
شده بقرار شرح ذیل بسزای اعمال خود رسیدند
از جمله نصیر نامی شیرازی که بکرات دزدی کرده بود
درین روزها نیز مرتکب عمل سرقت گردیده و گرفتار
حبس الحکم نواب شهاب بنزاده اردشیر میرزا یکدست او را
از پنجه قطع کرده عبرت للناظرین بدور بازار ما گردانند
و هم چنین اسکندر نام نهاوندی دزدی کرده بود
و سکیه شده بعد از استرداد اموال مسروق و کوشش
بریده در بازار ما گردانند دیگر حیدر بر جردی که سابقا
دزدی نموده و یکدست او را از پنجه قطع کرده بودند
از دزدی دست برنداشته بود درین روزها مرتکب
دزدی گردیده در ثانی و سکیه شده او را خدمت
نواب شهاب بنزاده آوردند و حبس الحکم نواب معری
هر دو کوشش او را نیز بریده در بازار ما گردانند اخراج

فوج خرقان جمعی عالیجاه علیقلی خان سرسبز ملک مأمور خلوص
فارس گردید

فوج پانزدهم شقاقی جمعی مقرب الخاقان ابوالفتح خان
سرتیب وارد دارالخلافه شده بودند هنگام
تشریف برون موکب هایون بطرف شیرانات باله
باغ لاله زار بنظر هایون رسیده مأمور انعام و نفقات
گردیدند این روزها مأمور خراسان گردیده بعد از
گرفتن مواجب خواهند رفت

نوپنجیان که مأمور ساخلو کرمان بودند روز شنبه ها
وارد دارالخلافه شدند روز یکشنبه هنگام
تشریف آوردن سرکار اقدس هایون از نیاوران
در دیوانخانه بزرگ شرفیاب حضور مبارک و مأمور
التفات ملوکانه شدند

سواره مقدم جمعی عالیجاه علیخان که احضار شده بود
این روزها عالیجاهان لشکر نویان عظام سان اینها
دید و عمل مواجب و جیره آنها را پرداخته حبس
مأمور خراسان شدند

سایر ولایات

فارس از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته
امورات انجا در نهایت انتظام و امانی قرین رفاه
و شکرگزاری پیداشد و در ایام ماه مبارک صیام
همگی در مساجد و معابد لطاعات و عبادات جناب
اقدس سبحانی و دعاگوئی وجود فایض ابجد هایون
شاهشاهی دامت شوکه مشغول بودند و نواب ستاد
شاهزاده والا تبار موید الدوله لاس میرزا حکمران فارس

ایام ماه مبارک رمضان را در باغ شهر بوده اند
هر شب جمعی از علماء و سادات را بجهت حصول دعای
وجود اقدس هایون شاهشاهی ضیافت کرده بعد
ساعت از شب که مجلس ضیافت منقضی میشد مشغول
انجام مهمات دیوانی بوده اند

از قراریکه نواب امیرزاده لطفعلی خان حاکم بهبهان
بنواب شاهزاده موید الدوله نوشته بودند بعد از آنکه
عالیجاه مقرب الخاقان لطفعلی خان سرتیب فوج
بمقتدین و اشراک الواران صفحات کوشمال شایسته
داده است انتظام کامل در امور انولایت حاصل گردید
و احدی مرکب تعدی و خلاف حساب نمیتواند بشود
و رعایا و اهالی آنجا از حصول امنیت و انتظام کمال
شکر که از میرا دارند

دیگر نوشته بودند که از اتهامات نواب شاهزاده موید الدوله
در طرق و شوارع فارس کمال امنیت حاصل است
از جمله یکبار وجه نقد مال تجارت قاطر مکاری بوده که با توپ
میرده است در باجگاه که دو فرسخی شهر قاطر مزبور از آنجا
گرفته و بار از دوش او افتاده بوده است مکاریان و
صاحبان آن خبردار شده بمقام تفحص برآمده اند و تنخواه
مربور را در همان حوالی سر بهر بدون کسر و نقصان پیدا کرده
با اینکه در محلی که وجه افتاده بوده است محل عبور و مرور بود
تنخواه مربور را با کسی ندیده یا از احتساب منای دولت علیه
دید و جرئت برداشتن نکرده اند با بجملة تنخواه مربور
باینطور در معبر عام عیب نکرده و درست بدست صاحب
رسیده از نوادرات اتفاقات است

عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند نوکر
موقوف آن ولایت از توپچی و سرباز با کمال نظم
حرکت می کنند و همه روزه در میدان مشق حاضر شد
معلم آنها نهایت سعی و دقت در مشق آنها دارد و در
حفظ و حراست سرحدات و حسن سلوک بار عایای
با کمال معقولیت حرکت می کنند

و دیگر نوشته اند که تجار شوشتری در پانز هجده خرد
مال التجاره بمبئی رفته بقدر پنجاه هزار تومان اجناس
فرنگستان و هندوستان خریده بودند چهار آنها
درین اوقات وارد محضره شده و بقدر بیت
توقف نموده حساب داد و ستد خود را که با
محضره داشتند مفروغ نموده روانه شوش شدند

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از
امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار کرمان
و کیرمان انتظام کامل در بلوکات و طرق و
شوارع حاصل است و عسوم مالی آنجا از حصول
افیت و انتظام بدعای دوام دولت جاوید
قیام و اقدام دارند

و دیگر نوشته بودند که درین اوقات سید نصر
خلایان ابویحیی عالیجاه مرادخان را امیرالاعظام
سردارسان دیده بود چون بعضی اسبهای آنها
تلف شده بودند مقرر داشته است که هر کدام
داغ اسب خود را بپسند و جوی برسم العام بآنها

بدهد که تهیه و تدارک خود را دیده روانه بلوکات
بم بشوند

و دیگر از قراریکه در ضمن روزنامه کرمان نوشته بود
عالیجاه سردار علیخان سستانی بنا بر اظهار طاعت
و انقیاد این دولت قوی شوکت علییه صفیات
بلوچستان را بنظم کامل داده و دست نظامی
و قطاع الطرق بلوچیه بکلی از مانت و ماز طریق
سمت کرمان و سیره کوتاه گردیده است

استرآباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
در ماه مبارک رمضان رعایای کتول شخصی عروسی
کرده عروس او را از استرآباد رستاق می آوردند
چند سوار از ظالیفه ضاله میوت ترکمان که اکثر اوقات
بباحت و سرقت آن اطراف مبادرت می کنند
رعایای کتول بغرم دست اندازی آمده بودند ظفرین
و ست بستیز و آویز گشوده چون رعایای کتول شین
اشرار نور بوده اند بر آنها فایق آمده و ترکمانان
مخدول و مشکوب شده فرار کرده اند و سه رستاق
از آنها بدست عالیجاه محمد صادق خان افتد کتول
آورده است

از قضایای اتفاقیه نوشته اند که طفلی در محله سبزه مشهد که در بلده
بالای درخت رفته بود است فوت بخورد طفلی دیگر تفنگ
شکار طیور پر کرده در دست داشته است غافل از اینکه
آدم بالای درخت است تفنگ را باندخت خالی کرد
تیر بآن طفل پچاره خورده فوراً افتاده و هلاک شده است

اخبار دول خارج

از قراریکه در روزنامه حسن الاخبار بمبئی هندستان
نوشته اند درین اوقات امیرالبحر کشتیهای دولت
انگلیس با دولت چپان که تابع دولت چین است بنا
دوستی و مودت گذاشته است و عهدنامه نوشته
که دو بند را از بنا در چپان بجهت اقامت و داد و ستد
انگلیس معین باشد چون ولایت مزبور تابع چین است
و اهل آنجا نیز بقانون اهل چین مالی دول خارج بولایت
خود راه نمیدادند درین اوقات که بزرگ کشتیهای
انگلیس که در آن سمت است قرار عهدنامه گذاشته و تجار
در آن ولایت در دو بند را از اقامت و داد و ستد
دارند راه تجارت با نولایت مفتوح و منافع کلی عاید
تجار و صاحبان کشتیها خواهد شد

دیگر نوشته اند که چند نفر از سیاهای حبش و زنگبار
لاتاری بشرکت خریده و یک لک دالار برده بودند

دیگر نوشته اند که دولت فرانسه هزارمیلیان فرانک
که هر فرانکی سه هزار و پانصد دینار است برای ساختن
راه آهن که کالکته سنج در آن عبور میکند جمع کرده اند
که در بعضی جایهای آن ولایت که راه آهن ساخته نشده است
بازند و ازین مبلغ یک هزارمیلیان را دولت فرانسه
داده است و دو هزارمیلیان دیگر را سایر مردم از تجار
و غیره که شریک شده اند

دیگر نوشته اند که از دولت فرانسه بیت هزار فرانک
و طیفه بجهت عیال مثل سنت آرنو سر کرده کل قشون فرانسه

که در مملکت قرم نوشته بود قرار داده بودند درین اوقات
امپراطور فرانسه بیت هزار فرانک دیگر از خزانه خاص خود
بر وظیفه مشارالیه افزوده است که چهل هزار فرانک
بهمه جهت عاید او بشود

دیگر در اخبار مزبور نوشته بودند که چون در مملکت ایرلند
که جزو ممالک انگلیس است قیمت نان ترقی کرده بود
باینجهت فی الجمله اعتاشی در آن ولایت بود

دیگر در اخبار هندوستان نوشته بودند که غلام حیدر خان
پسر امیر کابل که با چند نفر از معتمدین با بلوچی کری مامور
شده بودند در ورود با سنج از جانب حکمران پشاور کمال
اعزاز و احترام ثبت بانها بعمل آمده است از جمله دسته
اول از قشون دوم توپچیان سواره و فوج بیت و چهارم
خاصه پادشاه انگلیس و جناح فوج پانزدهم پیاده و سوار
و فوج اول سواران غیر نظام را بجهت احترام آنها پسر
آورده و بنظام پیاده هر یک چهل فشنگ بجهت شلیک داد
بودند

دیگر در روزنامه بمبئی که بتاریخ ۱۱ رجب سمت تحریر
یافته بود نوشته بودند که هواپیما و روان صفحات
اغلب اوقات ابر بود و کمیشیر بزرگ مملکت پنجاب
آن اوقات کمتر فراخی داشته است

دیگر نوشته بودند که از دولت عثمانیه حسب فرمان
اعلیحضرت سلطان عالیجاه محمد بیک پسر وزیر اعظم
و منشی سلطان از اسلامبول مامور باقامت پالس
پای تحت دولت فرانسه گردیده و این اوقات بحسب
ماموریت روانه شده اند

از نیویارک یسکی دنیای شمالی تا بفلو که بیشتر از این
فرسخ مسافت است پیغامی که مثل برده هزار لفظ باشد
از سیم چرخ آتشی فرستاده بودند در پنج ساعت و نیم
که اگر میخواستند این ده هزار لفظ را در پنج ساعت و نیم
بنویسند میسر نمی شد و بجای آن که در هند برای فرستادن
خبر از سیم منوره که واک صاعقه می نامند میگیرند
کراف می شده و راقم روزنامه حسن الاخبار سنی
حساب آنرا کرده است از قرار شانزده لفظ بیکروز
شصت و بیست و پنج روپی می شود
بزرگترین جهازات تجاری که در عالم است جهاز موسوم
بنوری پللیک است که حامل سه هزار و سیصد و شصت
طن است و جهاز منور را اول که ساخته بودند حامل
چهار هزار و چهار صد طن بوده است و قتی جهاز منور را
گرفته و آنچه از آن که از آب بیرون بود سوخت بعد
اوراد و باره ساخته هزار طن اوراکم کرده و کوچتر
نمودند و هرطن عبارت از سه خوار بوزن این ولایت است
در روزنامه سنی نوشته بودند که در احمد آباد هندوستان
امالی آنجا از راه حسن بقرانه هزار روپی بجهت زنان
بیوه و اطفال یتیم شکر بانی انجمن که در جنگها کشته شده
بودند داده اند
دیگر نوشته اند که راه سیم چرخ آتشی که در هندوستان
ساخته اند در این اوقات تا آنکه با تمام رسیده است
و تا سه ماه دیگر االی پشاور ساخته خواهد شد و وقت
از پای تخت لندن تا بمبئی و از آنجا تا پشاور پیغام
اندک مدت رفته و جواب می آید

دیگر نوشته بودند که زنی هندوستانی در کلکتہ درین
اوقات فوت شده است که یکصد و شصت سال عمر
کرده بود از اهل سرحدات که سیداق میباشند این قدر
عمر کردن غریبی ندارد و لیکن از اهل هندوستان که مردم
کر میزند باین سن رسیدن بسیار غریب دارد
قرار اسب دوانی در مجبور سنی را باین پنج نوشته اند که
در روزی معین که سه شنبه چهارم فروردست چهار دست
اسب دوانی می کنند دسته اول شرط بر سر دو هزار
روپی است و هر اسبی بیت کل مهر و دو میل میدوانند
و دفعه دوم بر سر چهار صد روپی است و به اسبی پانزده
کل مهر و این دسته نیز دو میل میدوانند و دفعه سیم بر
دولت روپی و هر اسبی پنج کل مهر و یک میل و نیم میدوانند
و دفعه چهارم بر سر سیصد روپی و هر اسبی ده کل مهر
و یک میل میدوانند
دیگر نوشته بودند که جهاز آتشی موسوم بمدرس با اجاب
پای تخت لندن که در بیت و ششم فروری نوشته بودند
در بغداد هم مارج از بندر عدن لشکر کشیده و در
بیت و پنجم ماه منور و اردمبئی شده بود و از جمله
اخباری که داشت این بود که لار دجان رسل که
سابقا وزیر اعظم دولت انگلیس بود و بعد استعفا
درین اوقات از جانب دولت انگلیس منصب وزیر
مختاری مأمور بپوشیدن پای تخت دولت استرلی
گردیده است
اخبار آخر که از بمبئی بلندن رسیده بود در هفتم
ماه جنوری بوده است

روزنامه قایم اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و هفتم ماه شوال المکرم سن ثانی توستان

مزه دیت وی ده
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شهر



منطبه دار الخلافه طهران
قیمت اعتدالت
بکسر الی چهار سطر یکبار
بیست و هفت سطر

اجتار داحت مالک محمدرضا پادشاه

دار الخلافه طهران

نظر بخوبی هوا و صفا و خرمی امیر آباد در روز و شب
اعلیحضرت شاهی تشریف فرمای آنجا گردیده تا
حوالی عصر تفریح و تماشای آنجا مشغول بودند و نزدیک
عروب افتاب بارک مبارکه سلطانی و مقرب سلطنت
مراجعت فرمودند

نواب بناده خسرو میرزا که این اوقات بدر بارهائی
آمده بود شرفیاب حضور مبارک آمدن شیرازی شده
و مورد مرحمت ملوکانه گشته عرایض و مستدعیاتی که داشت
همه را از راه رحمت قبول فرموده و از راه عنایت یکپوش
جبهه رسم برسم خلعت بنواب معظم الیه مرحمت شده
در نهایت امیداری بهمان مرحمت کردند
جناب جلالت نصاب موسیو بوده وزیر مختار و ایلمچی
دولت بهیبه فریاد که امور بشارت در بار دولت
علیه ایران بود بعد از ورود به بندر ابوشهر که بر حسب حکم
اولیای دولت علیه لازم احترامات از جانب کارکنان

دیوانی آنجا نسبت بنجاب معزی الیه بل آمد از راه شیراز
عازم در بارهائیون شدند نواب مستطاب مؤید
حکمران مملکت فارس از جانب خود عالیجاه محبت
تجدت تسمیه میرزا علی محمد خان را بهماننداری مأمور نمود
جناب معزی الیه را با کمال احترام وارد شیراز کردند و در
شیراز مقرب آنخاقان علیخان سرتیب فراگوزلو که از
در بارهائیون برسم هماننداری دولتی مأمور پذیرائی
جناب معزی الیه بود ایشانرا پذیرفته در منازل عرض راه
ایشانرا الی دار الخلافه لوازم هماننداری و مراسم احترام
ایشانرا بهین آورده تا روز شنبه بیستم شوال المکرم
در قریه نخچی آباد چادر دای زده شده و عابجا بهین
مقرب آنخاقان علیقلی خان افشار میرنج و عالیجاه نظر
سرتیب از جانب سنی اجواب بهائیون و عابجا چای با
سربنگ از طرف جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم
عالیجاه میرزا غفار خان نایب دوم وزارت امور خارجه
از جانب جناب وزیر امور خارجه و عالیجاه محمود خان

۱۲۵۳

عراق سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند در یکماه مبارک رمضان عالیجاه مقرب انخاقان میرخان سبقت حصول دعا کوی ذات اقدس هائون شاهنشاهی هرب شب جمعی از علما و سادات و تجار و کسبه و غیره را بهیچین ضیافت دعوت نموده مجلس روضه خوانی برپا کرده و علاوه بر آن سبقت فقر و مساکین هرب شب سی برنج طنج نموده و تمام لیا فی صیام را بهین منوال معمول در شبهای احیا را هم در دیوانخانه بزرگ دولتی تقسیم نموده و اطعام فقر و مساکین کرده است

دیگر نوشته اند که روز بعد از عید فطر که مژده خلعت افتخار طلعت هائون که سبقت مقرب انخاقان میرزا حسن خان مرشد رسیده بود با جمیع اعیان و اشراف و اهل ولایت با استقبال خلعت هائون شافیه لوازم توقیر و احترام بهیچ آورد و خلعت مبارک را زین برود و شش اعتبار و افتخار خود ساخته و جمیع اعیان و اهل آنجا مبارکباد و لوازم شکرانه و شادمانی را معمول داشته اند و شب نیز محض احترام خلعت هائون اسب حسن و چراغانی برپا نموده و روز دیگر میرزا و صاحب منصبان با لباس نظام مبارکباد داده

دیگر نوشته اند که امسال زراعت کل ولایات عراق بسیار خوب و بهتر از سالهای دیگر بهیچ آمده است مگر چند پارچه از فرامان و شراره و کزازه که تکرار زده اندیت بمحصل انجا نرسیده است میوجات سرد رختی را نیز در اول بهار سرما زده و ضایع کرده سوای انکه در همه جای باد و بسیار خوب بهیچ آمده است بطوریکه تلاقی کل میوجات که سرما زده بود کرده است

و که خدایان شهر مستقبلین بسیار از غلام و غیره استقبال جناب معزی الیه رفته و با احترام تمام وارد سفارتخانه خود شدند و آنطور احترام که لازمه پذیرائی سفر بود و موافق تشریفات بطور کامل در حق جناب معزی الیه بهیچ آمد در پنجشنبه بیستم ماه مزبور مقرب انخاقان محمد حسن خان پویشی نایب ایشیک آقاسی باشی از طرف بهیچ الشرف هائون رفته جناب معزی الیه و اجراء و صاحب منصبان سفارت را بحضور اقدس هائون دعوت نموده موافق تشریفات معمول ایشیک آقاسی مبارک وارد کردند و از آنجا امیرالامرا مقرب انخاقان محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی بهیچ معمول جناب معزی الیه و صاحب منصبان را با نامه علامه در مجلس خاص شرفیاب بزم حضور هائون ساجد و طرز آداب و اطوار جناب معزی الیه در پیشگاه حضور هائون درجه ارتضای پیروفت چنانچه سرکاریه قدس در نهایت میل خاطر با الفاظ علی و خطابات سینه جناب معزی الیه مورد نوازشات ملوکانه فرمودند و بعد از مرخصی از حضور مبارک بلافاصله با افراد صاحب منصبان بملاقات جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم رفته بعد از ادای مکالمات محبت آمیز بهمان ترتیب که آمده بود معاودت بسفارتخانه نمودند و روز دیگر جناب شرف امجد ارفع ایشیک آقاسی را زودید کرده لوازم دوستی و محبت بهیچ آوردند و روز شنبه بیست و دوم جناب معزی الیه بریدن جناب نظام الملک آمده و روز یکشنبه بیست و سوم جناب نظام الملک باز دیدار از بهیچ آوردند

سایر ولایات

فارس

از قراریکه در اخبار کمرسیرات فارس نوشته بود
در کله دار که بلوکیست در اواخر کمرسیر مرض طاعون
عارض شده و جمعی از اهل آنجا را هلاک کرده است
چون بجای دیگر سیرات نکرده است امیدوار بوده اند
که از آنجا هم بزودی رفع بشود و نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار موند الدوله طماسب میرزا حکمران فارس
گذاشته اند که در دو منزلی یا یک منزلی کله دار گزین
گذاشته هر کس که از آن سمت می آید هفت روز نگاه
داشته بقاعده که اگر اختین دو و بدیند بعد از خاطر جمعی
مرخص کنند که خدای نخواسته این بلیه بجای دیگر
نمکند

دیگر نوشته بودند در شب عزه شوال از قضایای اتفاقیه
آتش بخانه عالیجاه مقرب الخاقان میرزا نعیم افتاده معلوم
که بعد کسی انداخته باشد یا سهوا آتش گرفته باشد
با بجه ضرب بسیار را الیه رسیده است اگر چه سربازان
و غیره اتهام در خاموش کردن آتش نموده اند ولی
مفید نیفتاده و آنچه آلات خشنیه بوده است از آری
و دروب و سقف شیروانی و غیره همه سوخته است
و مقرب الخاقان شجاع الملک و عالیجاه محمد ابراهیم خان
سرتیپ با جمعی قریب سه هزار نفر جمعیت آتش را منجمد
اعلب جامای عمارت را خراب کردند که سیرات سجا
دیگر نکرد خاصه که قورخانه هم نزدیک بهمان عمارت بود
و ازین خراب کردن طوری شد که آتش بقورخانه
نرسید

از جمله غرایب امور که نوشته بودند در یکی از دماست نوشته
شیراز که قریب بشهر است و دهی دیگر که در میان جوم
و بلوک کربال واقع است در وقت حاصل در یک هفته
سه دفعه بلخ حاصل آنجا ریخته بار اول یک روز و یک
و در دفعه ثانی و ثالث دوشبانه روز در میان حاصل
بوده است سجدی که هر سنبلی البته بیت بلخ نتجاور شده
از تفصیلات خداوندی مطلقا اسیب و ضرری بجای
نرسانده اند و این از جمله غرایب امور است

دیگر نوشته اند که شخصی مدتی مشغول سرفت بود و از خاینها
مردم اموال بزودی میبرد درین اوقات دستگیر کردند
نواب موند الدوله حکم حبس او نمودند تا اموال مسروقه
از او استرداد شد بعد بصرای عمل خود برسد

افواج قاهره متوقف شیراز از قراریکه نوشته اند
همه روزه مشغول شومیه باشند و کمال انتظام را
دارند و نواب موند الدوله در رساندن جیره و جوا
آنها کمال اهتمام را معمول میدارند

دیگر نوشته بودند که تعمیر اجناس در آن ولایت
رو به تنزل است با اینکه قلع محصول و ظهور آفت در
امور زراعت آنجا حاصل بوده مع ذلك سجد الله روز بروز
حبس رو به تنزل بوده است

اسداباد

از قراریکه در روزنامه اسداباد بودند نهایت منت
و ارزانی و وفور نعمت در آنجا حاصل است و بخلاف
ایام سابق که قطاع الطرق در آن حول و حوش بال
رؤار و قوافل دست اندازی میکردند درین اوقات

دست تطاول سارقین بجای کوتاه گردیده و کمال	گوشت یک من و پنج سیر یک هزار دینار	۱۰۰
انیت در راههای آنجا حاصل است و عالیجا خان	برنج یک من پانزده شاهی	۱۰۰
به اقبه و سنی تمام در انتظام امر آنولایت دارد	روغن یک من دو ریال	۱۰۰
نخ نفر سوار قرا سوران بمحافظت راه اسد آباد	یک من ده شاهی	۱۰۰
گرفته است ده سوار آنها همیشه در سرگردنه اسد آباد	یک من هفت هزار دینار	۱۰۰
میباشند و پانزده سوار دیگر در راهها مشغول حفظ	یک من چهار هزار	۱۰۰
هستند که زوار و قوافل را صحیحاً و سالم بنزل میرسانند	سه من هزار دینار	۱۰۰
و چا پارخانه اسد آباد را نیز بر حسب حکم اولیای	سه من هزار دینار	۱۰۰
تعمیر و بنائی خوب نموده و امور آنجا را بهیچ وجه مضبوط	یک من و نیم هزار دینار	۱۰۰
و مقنن دارد	برنج قطعه هزار دینار	۱۰۰
دیگر نوشته بودند که در ماه مبارک رمضان بقدر	هشت من هزار دینار	۱۰۰
تکرک بسیار شدیدی که هر دانه آن بقدر کرد وئی	یک من ده شاهی	۱۰۰
بوده است در آنجا آمده و بسیاری از محصول	سه من هزار دینار	۱۰۰
باغات را ضایع و تلف نموده است خصوصاً باغات	کنکاو	۱۰۰
مشهور بشهراب را که در دامنه گردنه اسد آباد واقع	از قراریکه در روزنامه کنکا ورنوشته اند درین اوقات	۱۰۰
ضرر بسیار زده است و بدو سه قریه نیز کامیش ختارت	زوار بسیار از اطراف آمد بعبقات عالیات میروند	۱۰۰
و خرابی رسانده است و لکن محصول سایر دما	و تخمیناً روزی پنجاه شصت نفر با عبقات میروند بام	۱۰۰
نکرده است و غله مسجد الله در آنجا بسیار خوب و فراوان	کرده می آیند و عالیجا حاجی محمد علی خان افشار در انتظام	۱۰۰
و بیشتر از سالهای دیگر آمده است با اینکه امسال کمتر از	طرق و شوارع آنجا اهتمام زیاد دارد و شبها را مستحق	۱۰۰
سنواته سابقین بذر کاشته بوده اند آنچه کاشته شده	و تفکیکی بر راهها روانه می کنند که زوار و قوافل را	۱۰۰
خیلی خوب بچل آمده است و تعمیر اجناس آنجا را که	با سود کی عبور بدهند با اینکه نوشته اند درین روزها	۱۰۰
بودند از اینقرار است	و قطاع الطریق از جماعت لرستانی در آنجا بسیارند	۱۰۰
کندم بک معمولی آنولایت یک من و چهار ده هزار دینار	لکن از حسن مراقبت و اهتمام عالیجا مشارالیه که آدم	۱۰۰
جو یک من و یک تومان	سجرات گذاشته است دزدان نمیتوانند دست انداز	۱۰۰
نان یک من و دو تومان	بال زوار و متر دین نمایند	۱۰۰

تعییر جناس در اختلاف طهران در ریخته		از اینقرار است	
کندم ساوجبلاغی	یکخوار	سه تومان	قذارسی
کندم غریبه	یکخوار	دو تومان و هفت هزار	یک من پنجهزار
جو	یکخوار	سیزده هزار و پانصد	یک من سه هزار و ششصد
گاه	یکخوار	شهرار و پانصد	یک من بیت و یک هزار
همه	یکخوار	نه هزار	یک من پنجهزار
نخودرسی	یکخوار	سه تومان نیم	یک من یکتومان
لوبیا	یکخوار	سه تومان و نیم	یک من پنجهزار و پانصد
عدس	یکخوار	سه تومان و یک ریال	یک من دو تومان
ماش	یکخوار	سه تومان و نیم	یک من سه هزار
ذغال	یکخوار	پانزده هزار	یک من دو هزار و چهار
کرچک	یکخوار	پنج تومان	یک من چهار هزار
منک	یکخوار	پنجهزار	یک من سه هزار
شیره شهد	چهار من	سه هزار	یک من چهار عباکی
روغن	چهار من	یک تومان	یک من دو عباکی
کک	چهار من	دو هزار و یک	صد عدد دو هزار
نخودقرونی	چهار من	دو هزار و سیصد	صد عدد نه عباسی
برنج صبرلو	چهار من	دو هزار	بیت من چهار هزار و ده
نان	یکخوار	دو تومان و پنجهزار	یک من دو هزار
ماست	چهار من	شش عباسی	برنج رسی
پنیر شور	چهار من	چهار هزار	یک من یکریال
شع	یک من	دو هزار و دو	یک من یکریال
تباکوی اعلی	چهار من	پانزده هزار	یک من پنجهزار
تباکوی وسط	چهار من	دوازده هزار	یک من پنجهزار

اخبار دول خارج

از فرار یک در روزنامه جریده الاحداث سابق
نوشته بودند راه سیم حرج آتشی بجهت فرستادن
خبر که از واره و ششی و ر و بحق ویرکوی و بکرش
بسمت وینه و سایر دول فرنگستان قرار شده
بود که کشیده شود درین اوقات از فرار خبری که
از فرم آمده است راه مزبور از زیر دریا از واره
الی فرم کشیده میشود و اسباب لازمه او قبل
از انخلیس با کشتی بخار با سنجار رسیده از واره الی
چو چند وسیله بالوقلو تا ایالور کی مناسری نام
این سیمها کشیده شده است بالجمعه راههای مزبور
در کمال استحکام تا اواسط ماه گذشته شعبان با تمام
رسیده و در ابتدای کثود شدن راه مزبور اخبار
از جانب مرشل لاردرکلن سرکرده قشون
بسمت واره مبسبی بر سفارش رسیده و از
اردوی انخلیس که در نزدیکی بالوقلو بوده است
در مدت هجده ساعت جواب و سؤال شده
و در سه ساعت از در سعادت اسلامبول الی
لندن مخبره آن محقق گشته است و این راه مخصوصا
بجهت مخبره جناب لاردرکلن سرکرده قشون
انخلیس و جناب ژنرال فار و بر سرکرده قشون
فرانس معین است و بغیر از اینها کسی ماذون
که ازین راه اخبار نماید
از فرار یک در روزنامه احسن الاخبار مبسبی نوشته
داکتر میلر که یکی از نامورین انخلیس و انیسایر طبای

۱۴۵۸

ماهر تر است در معمره مبسبی اظهار و اعلان نموده
که هر روز از ساعت دو تا وقت ظهر در خانه خود
که در راسته ریمیرت را واقع در قلع مبسبی است
بمعالجه دندان مشغول است و مقرر داشته است که
اجرت آن را از آنچه سابق مسکرفه تحفیف
و کمتر بکشد و لهذا دندان نو تمام در طلا یا در نقره نشاند
یا از استخوان از حال نصف قیمت سابق درستی
نماید و کار زرگری آن بعده و اهتمام یکی از زرگران
خوب انولات است و قیمت متعارفی این است که
برای کشیدن یک دندان پنج روپیه و برای
جاسج کردن دندانها و صاف نمودن آنها بمقدار
اوقاتی که صرف آن میشود از ده روپیه الی سی
روپیه و برای ساختن تمام دندانها موافق قیمتی که
معین شود و ولوح ساختن برای تمام دندانها نیز
بموجب قیمتی که مقرر شود و داکتر صاحب مزبور
تمامی روزها را بغیر از آن ساعتی که مذکور شد بجهت
ولجاست مشغول است و اخبار کرده است که هرگز
مرضی باشد با و رجوع نماید که در صحت آن مرتب
حداقت و مهارت خود را ظاهر سازد
دیگر نوشته بودند موافق اخباری که از لندن پای
انخلیس رسید دولت انخلیس سوای توپهای بزرگ
و کوچک که در بند و ستان دارند نبوده اند
که سه هزار توپ بزرگ و کوچک نیز تازه ساخته
از انجا بسمت نستان بفرستند

روزنامه قایم افایه تبایخ یوم خیارم شهر و قعدہ الحیدر مطابقی سال شمس ۱۲۷۱

نمره اول و سوره

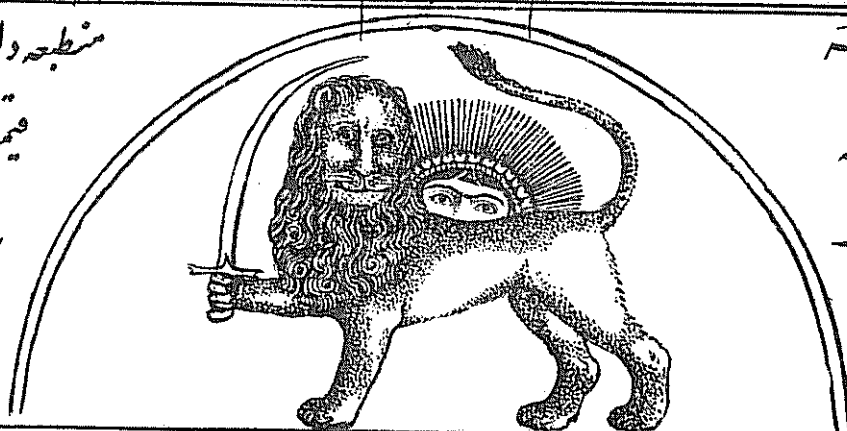
قیمت روزنامه

هر نسخه دوشهر

منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنج مهر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

چون هوای دار الخلفه طهران درین اوقات که آیاموز
گرم گردیده و سیلاب نیوران و صفی شیران مطلوب
و مطبوع خاطر اقدس هایون بود لهذا در روز پنجشنبه
ماه شوال موکب هایون تشریف فرمای نیوران گردید
و چند روز در آنجا توقف خواهند فرمود و بعد از آن به سمت
لواسان و سیلاب لا غرمت شگامیفرمانند و جناب
اشرف ارفع صدر اعظم سببه انجام بعضی مهمات دیوانی
دوسه روز در شهر متوقف بودند و بعد از فراغت از امور
مهمه در روز پنجشنبه موکب هایون پیوسته در وقت حرکت
موکب هایون به سمت لواسان و لار طرزم رکاب سیر فرمود
انتساب مستند نواب مستطاب شایسته نژاده و الابرار و
حکمران دار الخلفه طهران و مقرب انخاقان میرزا موسائی
درین اوقات که موکب هایون در نیار و نیار تشریف داشتند
بیشتر از سابق با موجود خلق رسیدگی دارند و منافی دیوانه

مبارک که حسب الامر مقرر است که کماکان در اطاق دیوانه
هر روزه تا عصر نشسته بعرایض و مطالب مردم رسیدگی
نمایند و همچنین چند نفر از مستوفیان عظام و لشکریان
گرام طرزم رکاب هایون و مابقی با عالیجا مقرب انخاقان
میرزا جیم پیشینمت و محصل محاسبات مقرر است که در
در دفتر خانه مبارک که جمع شده بتفریح محاسبات و معالطه
دیوانی مشغول باشند و همچنین صاحب منصبان نظام
امضت فرجام در مشق احاد و افراد توپچی و سرباز همه روز
کمال مراقبت و مواظبت را بعمل می آورند و خلایق حسابی
احد کی ناشی و صادر نمی شود و امور قورخانه و جبهه خانه و
دارالفنون همه جبهه منظم است و بعلین و متعلین دارالفنون
و صاحب منصبان قورخانه و جبهه خانه هر کس در سرکار و
خدمت خود میباشند عالیجاه محسود خان کلاتر و کلاتر
مجلات و نظام و اول خانها هر یک در انجام حدت
محو له بنحو داتهامات کافی معمول دارند

چون مراتب اهتمامات نواب مستطاب هزاره و آلات
 مؤید الدوله لحساب میرزا حکمران فارس در انجام خدمت
 دیوانی و فرستادن بیت هزار تومان مالیات اقطاع
 جوزا و بقیه فرستادن دولت هزار تومان از مالیات
 هذاه السنه فارس بدر بارها یون مشهود خاطر اقطاع
 کردید درین اوقات از جانب سنی اجواب استقامت
 یکشوب جبهه ترمه رنجیره و در جبهه نواب معزی الیه حرمت
 و هم چنین مقرب الخاقان مهر علیخان شجاع الملک در انجام
 خدمات مزبور اهتمامات کامل بعمل آورده مراتب مستطاب
 اوستحسن مطبوع خاطر خطیر ملوکانه افتاده یک ثوب کلمه
 کرمانی خوب از طبوس بدن مبارک بجهت مزید افتخار و
 مبایعات مقرب الخاقان الیه حرمت گردید

نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا در انتظام امر بندر عباس
 مراتب جان نثاری و خدمتگذاری خود را معلوم و مشهود
 خاطر خطیر خسروانی داشته و درین اوان که موسم شد
 کرمانی بندر مزبور و آن صفات است و زیت و در انجام
 کمال صیوبت را دارد و محض امثال امر اولیای دولت
 در انجام توقف و مشغول انتظام امور آن صفات میباشد
 خدمات نواب معزی الیه زیاده حسن و مقبول افتاده
 درین اوقات حسب الاشارة العلیه منصب جلیل سیر
 سرافراز و در ازای منصب مزبور یک ثوب جبهه ترمه بجهت
 نواب معزی الیه خلعت مرحمت گردید

چون عالیجا مقرب الخاقان علیقلی خان میرنجه در سفر
 ماموریت خراسان مصدر خدمات کلیه گردیده و حسن
 اهتمامات او در انجام خدمات محوله مشهود خاطر

اقدس پادشاهی و منظور اولیای دولت علیه
 شده بود و لهذا پس از احضار شدن برکات مبارک
 درین اوقات از جانب سنی اجواب ملوکانه با عطا
 نشان اول و حایل میرنجه کی و خلعت مهر طلعت پادشاهی
 قرین مفاخرت و پیا کر دید

امور و اختلاف طرآن هر جبهه قرین انتظام و الصیاط
 و کنی مرکب خلاف نمیتواند شود و اگر احیاناً فتنه
 اتفاق بیفتد سارق و سبک و تبیه و اموال مسروقه
 استرداد و بصاحبش تسلیم میشود از جمله مالی از مقرب الخاقان
 میرزا جعفر خان شیر الدوله در شاهزاده عبدالعظیم
 کرده بودند و در اوقاتی که موکب پادشاهی مسنور نشین
 ییلاق نیاران شده بودند بلکه مال مسروقه بدست
 بود درین اوقات سارق با تمام مقرب الخاقان
 وزیر و اختلاف طرآن و توابع بدست آمد چون بعضی
 اموال را تلف کرده بود آنچه موجود بود و بعضیها
 و آنچه تلف کرده بود قیمت آن از او دریافت
 و سارق بجهت استرداد اموالی دیگر که زدیده
 و حبس است

و زینفعه گذشته و و نفرز و آریلانی از زیارت مسجد
 مقدس حاجت کرده و رسا و جیلاع مال آنها را بزرگ
 بودند مراتب بعضی نواب مستطاب هزاره و آلات
 اردشیر میرزا حکمران و اختلاف طرآن و توابع رسید
 از قرا سوزانهای سا و جیلاع حکما و زده را خواستند
 قرا سوزانها نیز حسب احکام رفته سارقین را پیدا کردند
 چون مال را فروخته بودند پنجاه تومان قیمت آن دریافت

بصاحبان مال تسلیم کردید

چند نفر از آن روز در محله حاج شهر با یک نفر صادق نام
فرش سفارتخانه انگلیس شرب و شمرات کرده بودند
آنها را گرفته نزد مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر ^{انقلاب}
آوردند صادق نام را نزد مقرب انخاقان عضد الملک
فرستاده و انهای دیگر را در میدان ارک تنبیه مضبوطی
که عبرت دیگران بوده کسی دیگر مرتکب شرب و شمرات
و اعمال ناشایست نشود

مقرب انخاقان میرزا موسی از اول صبح الی یک ساعت
گذشته در ارک مبارکه پناش و بعد از آن بجهت اینکه کسی
و مطلبی اگر داشته باشد رسیدگی نماید بخانه خود میرود

امورات قشونی

مقرب انخاقان محمد خان میر پنج حب الامر برای نظم و
ارک مبارکه و عمارات سلطانی و قراول خانهای شهر
و میدان مشق و محل قورخانه و جبهه خانه و امور نظامی عا
قاهره من جمیع الجهات مانور است که مراقب بوده و نظم
و آنچه از اهل نظام خلاف قاعده ناشی و صادر بشود مقرب

میرزا موسی وزیر در انخلا فطران بهیچوجه حمله نکرده خود
میر پنج تنبیه نظامی نماید و همه روزه جمیع مباشرین امور
روزنامه میر پنج بدیند باردوی هایون بفرستد و خود
مقرب انخاقان مشاور الیه روزنامه اوقات در تالار
جناب امجد اشرف ارفع افخم صدر هم مراقب امور
مرجوعه بوده شبها هم در عمارات عالی سلطانی پنا

فوج طهران جمعی مقرب انخاقان محمد ضا خان سرتیپ که

دار انخلا فده شده بودند در کمال نظم و ار استکی وارد ^{انقلاب}
شدند روزیکه سرکار قدس هایون شاقشای بنیاد
تشریف فرما میشدند فوج فرور را ملاحظه فرموده و انتفات
کامل در حق سرتیپ مشاور الیه مبذول و انعام حمت فرمودند

فوج پانزدهم شقای جمعی مقرب انخاقان ابو الفتح خان
سرتیپ که احضار در انخلا فده شد بودند حب الامر
هایون با کمال نظم و ار استکی مامور خلوصشان شدند

مقرب انخاقان پاشا خان سرتیپ حب الامر با سوار ^{سجده}
خود با کمال نظم و ار استکی مامور خراسان گردیدند

فوج بندپی جمعی عالیجاه نصر الله خان سرتیپ که احضار ^{انقلاب}
شده بودند حب الامر مامور خلوصفهان شدند انعام
با آنها حمت گردیده

فوج تخته قاپوی قراجه داعی جمعی عالیجاه محمد علیخان سرتیپ که احضار ^{انقلاب}
دار انخلا فده شده بودند با کمال ار استکی مامور فارس شدند
پارزه عراده توپ با قورخانه که لازم داشتند حب الامر مامور فارس شدند
که به پند را بو شهر بروند

چهار عراده توپ با قورخانه که لازم داشتند مامور ^{انقلاب}
شدند

عالیجاه کلبه حسن خان نایب اول اجودان باشی موافق فرمان
هایون بنصب حیل تیرپی قورخانه مبارکه سرفراز گردیده ^{مکتوب}
جبهه ترمه از جانب سنی ابجانب قدس هایون با و خلعت
مرحمت شد

عراق سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
دولتی سلطان آباد را مقرب انخاقان سرزبان
بنا و عمل که است خرابیهای انجا را خوب تعمیر کرده اند
و بسیار بشکوه و رونق و آبادی انجا افزوده شده
خاصه میدان خاج شهر و سردری انجا که کمال سکوه
و صفار ابراهیم رسانده است و همچنین قنات و قفی
سلطان آباد را محض حصول دعای خیر سجه ذات
اهدس هایون داده است تنقیه کرده اند بطوریکه
آب بگل شهر کفایت می کند و عسرتی که اهل انجا در
سواة گذشته از بی آبی داشتند که از نیم فرسخی آب
بشهر می آوردند رفع شده و اهل انجا زیاده از نمغنی
شاکر و عا کو پیا شدند و همچنین دو رشته قنات
جالبه را نیز تنقیه مضبوطی کرده اند که کل باغات انجا
ازین دو قنات سیراب میشوند

دیکر نوشته اند که آنچه از فوج کراز مامورستان بجا
و متوفایا با فوج و عالیجا علیستی خان رفته بودند
الی دو تیم شهر سوال همگی کسرا آنها با تمام مقرب انخاقان
میرزا حسن خان گرفته شده بهر خدمات ماموره
روانه گردیدند

دیکر نوشته بودند که مقرب انخاقان مشارالیه در
حصول امنیت و انتظام ولایات عراق اهتمام کامل
بلبل آورده و عموم خلق انجا از حسن سلوک و مردم داری
او کمال رضامندی و شکرگذاری دارند

کنکا و ر

از قراریکه در روزنامه کنکا و ر نوشته بودند زراعت
انجا اسال بسیار خوب آمده است و جو را در کابل
در و کردن بوده اند و اهل لی و رعایای انجا با کمال سود
و رفاه بکار و کسب خود و دعای دولت قاهره
دارند و عالیجا محمد علیخان بازواری که از هر ولایت
بآنجا آمده روانه عتبات عالیات میشوند با نهایت
معقولیت رفتار کرده اغلب شبها محترمین زوار را
صیافت کرده و بفقرا و اهل استحقاق بقدر مقدور
خرچی داده روانه نمایند

دیکر نوشته بودند که شخصی از اهل کنکا و ر بیان خزل
بشکار ماهی رفته بود در رودخانه بزرگی که از انجا میگذرد
دام انداخته ماهی بسیار بزرگ بدام او افتاده بود
که روز صیاد نرسیده بود او را بیرون بیاورد
و ماهی روز آور شد صیاد را بپایان آب کشیده بود
نزدیک بوده است غرق کند صیاد فریاد برآورده
چند نفر بآمدند او آمده بودند و او را با دام و ماهی بیرون
کشیده بودند ماهی بسیار بزرگی بوده است که پانزده
من وزن داشته است

دیکر نوشته بودند که بربح حکم اولیای دولت قاهره
مقرر شده است که چا پارخانه های مالک محروسه را
تعمیر و درست نمایند از جمله چا پارخانه کنکا و ر را عالیجا
محمد علیخان بجهت کاهی و ورو و میرزا محمد علی غلام چا پار
داده است بنائی کرده و سفید کاری نموده در کمال استحکام
درست کرده اند و امر چا پارخانه انجا نهایت انتظام را دارا

اثر پانجهان

از قساری که در روزنامه دار السلطنه نیز نوشته
 از فضیلت الهی و مین طالع فیروزی مطالع کمال
 علی حضرت شاهی نهایت ارزانی و امانت و نعمت
 در انولایت حاصل است و نواب مستطاب نیز از
 و الاستبار نصرت الدوله و مقرب الخاقان قائم مقام
 در انتظام امور ولایت و رفاه و آسودگی نوکروست
 اهتمامات کافی معمول داشته اند و مقرب الخاقان
 قائم مقام بعد از ورود پتیر قرار داده است از
 ایام هفته دو روز در اطاق نظام نشسته از طلوع قبا
 الی غروب بکار آحاد و افراد نظام رسیدگی مینماید
 و دو روز نیم در دیوانخانه مبارکه نشسته بکار
 رعایا و عمایض و مطالب آنها غوررسی میکند و
 از نوکر و رعیت عرض و مطلبی داشته باشد درین
 چهار روز بدون مانعت و مزاحمت نیز در مقرب الخاقان
 مشارالیه رفته حوائج خود را صورت انجام میدهند
 و شبهای جمعه را نیز فحوض حصول دعا کوئی بجهت وجود
 مبارک سرکار اقدس همایون شاهی مجلس
 تعزیه داری و صنیافت برپا داشته و علما و فضلا
 و سادات و اعزّه و اشرف و اعظم و اعیان در هر
 جمعه جمعی دعوت شده بمجلس فرمود حاضر میشوند
 و بعد از فراغت از روزه خوانی و صنیافت در همان
 مجلس آن اعزّه و اشرف هر کس مهمی داشته باشد
 رسیدگی میشود حکام جزو آذربایجان نیز که مسراه
 مقرب الخاقان مشارالیه از دربار همایون رفتند

هر یک بمحل ماموریت و مقر حکومت خود رفته مشغول
 انجام خدمات مرجعه میباشند و سایر مامورین
 و چاکران دیوانی هر کس با انجام خدمات محوله خود
 قیام و اقدام و امور انولایت از هر جهت قرین نظام
 الهی نظام نصرت فرجام از توپچی و سر باز همه
 در میدان مشق حاضر گردیده مشغول مشق نظامی میباشند
 و از جانب صاحب منصبان و معین کمال اهتمام در مشق
 و انتظام امور آنها بعمل می آید و چنین امر شریف
 در نهایت اشظام است و که خدایان و ستغفیر محلات
 و نظام قراول خانها نهایت مراقبت و محافظت را
 از کار و انحراف و بازار و دکانین و غیره بعمل می آورند
 و اگر بندرت سیر قبی اتفاق بیفتد سارق بدست آید
 قبیله و اموال مسروقه استرداد و بصاحبش تسلیم
 میشود و کسی مرکب شراکت و خلاف حساب نمیتواند
 بشود و عموم خلق در عین رفاه و آسودگی بکار و
 خود و دعا کوئی دوام دولت جاوید مدت علیه
 دارند و چنین امور طرق و شوارع سرحدات استخا
 از مراقبت و مواظبت نواب شانه زاده نصرت الدوله
 و مقرب الخاقان قائم مقام و اهتمام سایر چاکران
 دیوانی امانت و انتظام کماض دارد و مستحفظ و قرا
 در هر یک از طرق و شوارع مامور مشغول حفظ و حرا
 عابرین و مسرودین مستند و قوافل در کمال آسود
 و اطمینان از منازل و طرق عبور و مرور مینمایند
 و بعضی اشعار و قطاع الطریق که دست اندازی بالعبان
 میکردند در این اوقات دست نظاول آنها بکلی کوتاه گردیده است

بروجرد و عربستان

از تفریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
نواب مستطاب شاهزاده والا بتار حشام الدوله
بروجرد و عربستان و لرستان و خبثیاری در
امور ولایات ابوالجهمی خود کمال مراقبت و اهتمام
داشتند و از هرجهت سودکی و امنیت برای نوکری
حاصل است و بخار نظام رسیدگی کامل دارند از جمله
در ماه گذشته فوج عالیجاه ولیخان سرتیپ رادسته
پسته احضار فرموده و یک یک رسیدگی کرده
داده اند که ملبوس فوج را در کمال اعیان تمام کنند
و از تفکهای فوج مزبور هر یک نقص و شکستگی داشته
در میدان عمارات دیوانی استادان چاقی ساز
و قذاق ساز نشاند و مشغول تعمیر هستند و اگر تیار
از محلی فوت شده یا فراری بوده است عوض آنها
سرباز خوب گرفته اند

دیگر نوشته بودند که در دوم ماه شوال چهارصد نفر
سرباز ابوالجهمی عالیجاه خیر و خان مومین و
ایو تیوند که سرباز قدیم لرستان هستند و با کمال
صداقت خدمت می کنند و در بروجرد شدند و
نواب شاهزاده حشام الدوله کارمای آنها را
انجام داده اند که بعد از تدارک ملبوس و تفنگ چاق
و سایر ملزومات مأمور و روانه لبست هرو و بالا
شوند

سوارمای باجلان و خبثیاری ابوالجهمی مقرب الخاقان
نور محمد خان دسته بدسته وارد بروجرد شده اند

و از سان نواب مستطاب حشام الدوله گذشته
مقرب الخاقان نور محمد خان مشغول انجام کارهای
سواره مزبوره بوده است که اسب و اسلحه آنها درست
شده و موجب شان عاید گردیده مأمور خدمت شوند

دسته یار احمدی ابوالجهمی عالیجاه خاقان خان
دادن سان و گرفتن مواجب با دسته عربان ابوالجهمی
عالیجاه یوسف خان مأمور لرستان شدند که در خدمت
نواب جلال الدین میرزا باشند و سایر دستجات
بعد از انجام کار مأمور مت خواهند گردید

دیگر نوشته بودند که امالی بروجرد و لرستان و کمال
اسودکی مشغول امر زراعت و عیشتی خود هستند امور
و داخل شهر در کمال انتظام و عموم امالی آن ولایت
دولت جاوید مدت علیه استعال دارند و کمال فراوانی
و لرزانی در آن ولایت حاصل است که کم خرداری
هزار و چهار صد هزار است و سایر اجناس نیز
از حیوانات و ماکولات بقاعده متعارف است

امور عربستان و سرحدات حمزه و غیره منظم و بسیار
امور دیوانی آن ولایت هر یک در انجام خدمات محله
سجود کمال مراقبت و مواظبت را دارند و توجیهی و سرباز
ساحل آن سرحدات همه روزه بشق حاضر میشوند و
با نهایت نظم و قاعده حرکت می کنند و امالی آنجا
رضامندی تمام احسن سلوک و رفتار آنها دارند که
خلاف قاعده آنها ناشی و می شود

روزنامه قانع تقاضای پنج روز بخشید و ما بجز امطایرین سالستان میل ۱۲۷۱

منزلہ وحیت وی و چهار

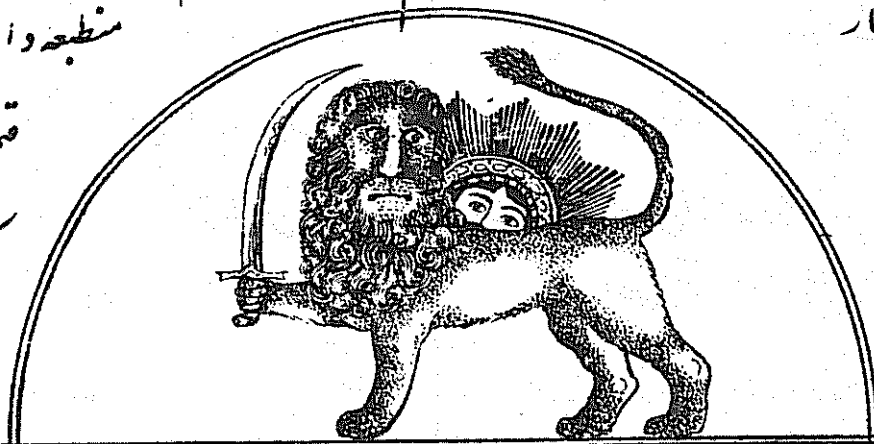
منطبعة دار اختلاف طهران

قیمت روزنامه

تمت اعلانات

یک نخل دہ

کیسٹریج



احبابِ راحلہ ممالکِ محرومہ بادشاہ

اردو ہیپاٹون

سرکار اعلیٰ حضرت قوی شوکت شانهشای که تشریف فرما
سیاق نیوران کردیدند بجهت خرمی و صفا و اعتدال هوا
آنجاب وجود مبارک بسیار خوش گذشتہ چند روز
در آنجا توقف فرموده اند و بعضی از روزها را سوار
بسیاحت و تفریح اطراف تشریف فرما شده و طرف عصر
بقصر سلطانی ساوران معاودت فرموده اند

مکنه استند که بخرمنهای دیگر سه ایت نماید و آنچه از
خرمنها که سوخته بود و ضرر بصاحبان رسانیده
بود مقدار نمودند که خست آنها را بر او رد نمایند
آنچه مشخص گردید بجلاوه آن حالت عت وجه نقد
با آنها محبت شده و ظهور این عنایت سبب از دنیا
امیدواری و دعا کوفی عموم نوکر و رعیت گردید

یکروز بعد از ورود موکب های یون به نیوران چند خرم
کندم و جواز رعایای نیوران که درو کرده و خرمن نموده
بودند از قضایای اتفاقیه آتش گرفته بود چون قصر سلطان
نیوران مشرف بخرمنگاه است اعلیحضرت شاهنشاهی
سوغتن خرمینهارا ملاحظه فرموده از راه رافت بجال رعایا
تمام بقایان و فرشتان سرکاری حکم فرمودند که بخرمنها
رقه آتش را خاموش نمایند آنها نیز با جمیعت تمام بنجاموش
کردن آتش اقدام نموده زود اظهار آن نایره را گرد آ

نظر بطور و فورم جسم ملوکانه در باره جناب نظام الملک
در روز شنبه گذشته اعلی حضرت شاهنشاهی بفریاد
منزل جناب معظم الیه که در قرب نیاوران است و
عارت و باغ باقضا و خوش روح ساخته شده
تشریف فرما گردیدند و از جانب جناب نظام الملک
لوازم پیش و پای انداز و قربانی تقدیم شده و
حسن منبتگذاری آن بطبوع و سخن خاطر اقدس مایون افتاد
و عصر در آنجا تشریف داد و بعد از صرف عصر نایب نیاوران محبت

دارالخلافه طهران

درین اوقات که موکب سیروزی کوکب هایون علی بن
شامشای بهت سیلاقات شیران و لواسان حرکت
نواب مستطاب شاهزاده افخم و الابر و لعیهد دولت
پایدار حب الامر هایون در دارالخلافه طهران متوقف
و اعظم چاکران در بار هایون بعضی از روزها
نواب معظم الیه شرفیاب گردیده مورد التفات
نظر بطور کفایت و شایستگی و کار دانی عالیجا میرزا

ستوفی رسید کی امورات و رب خانه نواب مستطاب
شاهزاده اعظم افخم و لعیهد دولت جاوید مدت
امرا قدس هایون بعده عالیجا مشار الیه مفوض
گردیده که از روی صداقت و کفایت با امورات و ربخانه
نواب معظم الیه ویر خدات مرجوعه بخود پردازد

در روز پنجشنبه چهارم این ماه مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر
دارالخلافه و محمد خان و علیقلی خان میران پنج و محمد رضا خان
و جمعی دیگر از صاحب مضبان نظام شرفیاب حضور
نواب مستطاب و لعیهد گردیده و مورد التفات
و در روز یکشنبه نیز مقرب الخاقان میرزا زمان امیر دوله
و عالیجا مان محمود خان کلانتر و که خدایان بقرار مقررت
خدمت نواب معظم الیه و مورد التفات شدند

چون در ماه مبارک رمضان عالیجا حکیم پولاک معلوم
مازندران رفته و امر مریشخانی که معلوم مشار الیه بود
ش کرد از مرتبه اول که میرزا علینقی میرزا حسین باشند
و اکذابه کرده بود و میرزا علینقی ناخوش شده رسید

امر مریشخانی به میرزا حسین انحصار یافته و خوب از غمیده
برآمد و از قرار تصدیق عالیجا جعفر قلیخان سرشپشت
نفر مریش سباز با تمام و معالجه مشار الیه صحت یافته لهذا
و وظائف شال از جانب سنی ایچو امب ملوکانه برسم خلعت
مرحمت شد و پس از آمدن معتمد معالجه و عمل به که در حاج
مریشخانی اتفاق افتاده از این قرار است

جوانی بس سیزده و چهاردهه مرض استغای زرقی مبتلا
شده بود و او را بزل نموده بقدر سه من آب از خوف لظن
او خارج کرد

ضعیفه سرطانی در چشم از زیر مقله بقدر سیب دست
بیرون آورده بود و او را نیز در کمال مهارت و تروستی در

جوانی بینی او را کلوله برده بود از جلد پیشانی او بقدر بینی
نموده و بر محل بینی وصل کرده تا مدت دو هفته ملحق
و صحت یافت

شخصی مرض شقاق فلوکس شدیدی مبتلا گردیده و در غایت
شدت و التهاب بود چهار انگشت بالاترا مفصل قدم
قطع نموده تا یکجا صحت یافت

شخصی انگشت سبابه او صدمه خورده و استخوانش درم
کرده و در میم شده بود عالیجا حکیم آمده به میرزا رضا ولد
مرحوم حاجی میرزا مقیم تبریزی که از جمله شاگردان ارشد
از مرتبه اول بود محمول داشت و مشار الیه آنرا از مفصل
مسطح قطع نمود و خوب از غمیده برآمد

معالجات دیگر نیز که از عالیجا مشار الیه بطور رسیده
هفته آینده نوشته میشود

ایامی که موکب بیون تشریف فرمای قصر قاجار و فوج جدید
 شقای جمعی عالیجاه سرزادق خان سرمنک قراول بودند
 سربازی یکبار علف چیده سرمنک را لیه گفته بود که با
 علف او را جستجو نمایند اگر از زراعت مردم چیزی چیده و در
 بار علف پنهان کرده باشد او را بتنبه نمایند و درین بین سرباز
 مزبور که در بار او غیر از علف چیزی نبود از دلشکی گفته بود که
 دیگران قاطر را با بار می برند و سرمنک بجهت یک خوشگند
 جستجوی بار علف مامی کند سرمنک در مقام تحقیق حرف
 برآمده مشخص شده بود که پاشا سلطان و محمد یقینی سلطان
 و اسکندر بیگ تائب سپرو برادرزاده کان حاجی عباس علی
 سربازی چند پیشتر که حسب الاحضار بدار انحلاف می آمده اند
 در عرض راه قاطری با بار بدست آورده میان خودشان
 قسمت نموده اند چون جدید بودند و حرفشان آیین بود که بار
 در راه پیدا کرده ایم فقط باخذ اموال مقسومه بقرار اقرار خود
 و اخراج دو نفر آنها اکتفا شد این روزها پاشا سلطان
 مزبور که در منصب خود باقی بود با رخصت کرده و نفر
 از سربازان خود را فراری قلمداد نموده و با طنا بهمت از نزد
 فرستاده یکدفعه دو قاطر سرقت کرده به پاشا سلطان
 و دفعه دیگر الاغی و زردیده و درین بین دستگیر شده اند
 صاحبان قاطره الاغ که محتملاً نزدیک بهم بوده سربازان
 مزبور را گرفته خدمت اولیای دولت علیه آوردند سربازان
 بتفصیل سطور اعتراف نموده بعد از تحقیق و غوررسی مشخص شد
 که پاشا سلطان قاطرهای سرورده را از دار انحلاف بخاج
 فرستاده است چون اینگونه حرکت او و انگی بعد از مقدمه
 ماضیه و اخراجی بنی اعلام بغایت جرات و خلاف بود

علیهذا حسب احکام اولیای دولت علیه و رحق او و سربازان
 مزبور بتنبه نظامی بعمل آمده هیت قاطر با المصاعف
 و خودشان هم از منصب نظامی و نوکری اخراج ابدی شد
 تا بایرین نیز عبرت شده هرگز پیرامون خلاف و
 بی نظامی نکردند

سایر ولایات

قزوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته بود
 نواب هزاره عبدالصمد میرزا و مقرب انخاقان حاجی حسنعلی
 که با آنجا وارد شده اند امانی آنجا از اعیان و اشراف
 اعلی و ادانی لوازم استقبال را بعمل آورده اند و بواسطه
 شاهزاده و مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان کمال حسن
 سلوک و رعیت داری را معمول داشته و در منزل
 عرض راه با سم سیورت جنبه و دیناری مکرر قبیله
 و رعایا از اینمغنی زیاده راضی و شاکر و دعا گوئی
 اندکس تا بیون شاهنشاهی بوده اند

مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان محض حصول دعای خیر
 بجهت وجود فایض اسجود بیون شاهنشاهی استخاوی از خود و
 که قنات و قنای استجار اتقیه نموده آب و را بشهر قزوین جاری
 نمایند که امانی آنجا از بی ابی عسرت نکشند و همین قنات
 خالصه را نیز آدم کذاشته است که تقیه نمایند
 و رعایای آنجا را نیز بیدار و مصالح الاطاک ساعت
 کرده است که مشول زراعت و آبادی آنجا باشند

از جمله غریب نوشته بودند که قطعی مرده از راه آب پرن آوردند که
 داشت و هر دو سر او تمام اعضای ریه داشته است اکثری از
 علماء و اعیان و غیره او را تماشا کرده و دیده بودند

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند بنابر
انیت و انتظام در امور آن ولایت حاصل است و بواسطه
مستطاب شاهزاده افخم والا تبار فرما فرما حکمران
مملکت خراسان و مقرب انخاقان و وزیر نظام بحال
اهتمام در رفاه و آسودگی حال نوکر و رعیت دارند و
رسیدگی و عوزرسی کامل بامور جمهور خلق خراسان
می نمایند و امالی آن ولایت از اینمقی زیاد باشد که
و عاکوی این دولت جاوید مدت علیه میباشند

حاصل آن ولایت از قراریکه نوشته بودند امسال
از تفصیلات جناب اهدتس الهی بسیار خوب عمل
و هر چیزی نهایت و هوز را دارد و از قراریکه تعبیر
اجناس آنجا را نوشته اند کدم خرواری دوازده
هزار و جو خرواری یک تومان و سایر اجناس
بهین منظمه مستقر است

جعفر آقای کلانی که منشأ فساد و مصداق آشوب
صفحات مرو و آن اطراف بود و غالباً خان خجوق
سحرک تباحت و تاز و لایات خراسان میکرد
بعد از سگت قشون او رکنی و کشته شدن خان خجوق
شار الیه با آنها که از دم تیر و شمشیر کمر منضوره
جان بیک پابرون برده بودند بنحیوق فرار کرده بودند
از قراریکه نوشته اند بعد از ورود بنحیوق سرور از
آنجا بریده اند

۱۴۶۸

دیگر نوشته بودند که حاجی میر اسحق نام جلگه را حسین
ناکمانی مقتول ساخته بوده است متعلقان مقتول
او را ببارض اقدس آورده بوده اند مراتب بعض
نواب شاهزاده افخم والا تبار فرما فرما حکمران
مملکت خراسان رسیدگی و عوزرسی کامل بامور
فرمودند که رفعت حسین بیک ناکمانی را بیاورد
تا قصاص فرماید

دیگر نوشته اند که شخصی شابوری در استانه مقدس
رضویه برفت مبادرت کرده در خفیه از در باب
ضریح قبر که نقره می کند است حدام سرکار فیض انار
از غل دزدی او مطلع گردیده بمقرب انخاقان وزیر
نظام عرض کرده بودند او را فرستاده آورده و
بعد از تحقیق و ثبوت بینه مضبوطی نموده و بعد
اخراج بلیه کرده اند

امورات سرکار فیض انار از اتهامات مقرب انخاقان
وزیر نظام از هر جهت و هر حیث نهایت نظام را
دارد اغلب املاک موقوفه که پروردگار متصرف
غیر درآمده و بخلاف حق حساب مالک و متصرف
بوده اند مقرب انخاقان شار الیه آنها را از
ید غاصبین اشتراع و منافع آنها را صرف تعمیرات
روضه قبر که و مخارج خود سرکار فیض انار میسر
چنانچه تا بحال بسیاری از جایهای صحن و ایوان و
رواق را که تعمیر لازم داشته است داده و بحال
تعمیر کرده اند

استرآباد

سک

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند غرض از پیشخدمت جناب نظام الملک که جمیع اوری خانوار متفرقه استرآباد رفته بود در انجام خدمت مرجوعه بخود کمال اهتمام راجع آورده است و عیسی که از اول جاوید مدت از ساکن و اوطان خود بخارج رفته بودند همه راجع اوری نموده و آورده به بلوک باشیها رفت و قبض وصول آنها را گرفته بانهایت محقوبیت حسن سلوک حرکت کرده است بطوریکه هم رعایای مزبور بادخوشی و امیدواری تمام باماکن و اوطان خود آمده هر یک مشغول عیسی و شغل و کار خود شده اند و هم مقرب انخاقان محمد ولیخان بیکلر بیکی استرآباد و سایر اهالی ولایت از نوکر و رعیت منتهای رضامندی اند داشته اند

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه شوال که بارندگی مطلوب بود باران بسیار خوب و به موقع در محال انزال و آن اطراف آمد و اراضی آنجا را سیراب نموده رعایا آنجا از جهت زراعت بسیار امیدوار شدند خصوصاً بجهت زراعت شلوک که نوشته اند فایده کلی این بارندگی حاصل کردید

دیگر نوشته بودند که هم در آن اوقات کرکی دیوانه در کنار محمد رایتگان پشت کوه پیدا شده پیره مردی را زخمی کرده بود که بعد از سه روز فوت شد و از آنجا رفته یک نفر دیگر را زخمی کرده و از آنجا بچچین و رفته صورت یکی از جلوداران مقرب انخاقان محمد ولیخان بیکلر بیکی را

کنده و یک اسب را نیز زخمی نموده بود جمعی اورتعاب نموده بودند که شاید به تیر زده دفع نمایند ولی نرسیدند

دیگر نوشته بودند که سید طاووس نامی از سادات بلده استرآباد را طایفه جعفریای ترکان با سیرنی برد و مقرب انخاقان محمد ولیخان بیکلر بیکی مستحضر شده و از مجوسین طایفه مزبوره عوض سید مزبور فرستاده بود که او را را کنند قبول نموده بودند در ثانی نوشته بودند عالیجاه محمد علیخان فوجر دی نوشته بود که یک نفر از مجوسین طایفه انا بای را عوض سید مزبور بشهریارالیه نیز از همان قرار معمول داشته یک نفر از معتبرین آنها را گرفته و بشهر آورده مجوس نموده بود آنها نیز لا علاج سید بشهر فرستاده آدم خود را متخلص نمودند

دیگر نوشته بودند که چند نفر از طایفه ضاله ترکان با یک نفر سردار سبجه چپاول بقرای کتول آمده بودند قراول آنجا عالیجاه آقاخان را خبر نموده مشا رالیه با چند نفر پیاده بر سر راه آنها رفته در بیرون قریه با آنها برخورد شده بنای زد و خور و را کد داشته بودند در بین جنگ سردار آنها مقتول و ده نفر زخمی شده با بقی تاب مقاومت نیاورده و مخدولاً و مسکوباً مراجعت نسبت آنکر کرده بودند عالیجاه آقاخان سردار را با اسب و اوراق او برداشته مراجعت کرده و مراتب را بمقرب انخاقان محمد ولیخان نوشته بود و او هم اسب و اوراق سردار مزبور را بخود عالیجاه آقاخان بخشیده و خلعت و انعام نیز بجهت او فرستاده بود

و هم چنین یکصد نفر سوار از طایفه ضلّه ترکمان بغزم خیمه
 قریه و یکی محله بیرون آمده بودند مستحقین معایرت
 بعالیجاه محمد جعفر خان نایب الحکومه استرآباد اخبار نموده
 عالیجاه شاره الیه در همان شب ملک رمضان که خدای
 قریه مزبور را اطلاع داده و قدغن نموده بود که جمیعت بمعا
 التجار برده مشغول حفظ و حراست باشد شاره الیه نیز با جمعی
 پیاده بر سر گذر مارفته از سر شب الی دو ساعت
 روز رفته مشغول قراولی بوده اند درین بین سواره کمر
 رسیده پیادگان شلیک کرده یک نفر سردار آنها را
 یاد و نفر دیگر بگزیده از اسب انداخته بودند و مشغول
 گردیده ترکمانان دیده بودند که کاری از پیش نمیرود
 افتد ر کرده بودند که آن دو نفر را که نیم جانی داشتند
 بدر برده و مخدولاً فرار کرده بودند ملک رمضان
 سرسره را آنها را بنزد عالیجاه محمد جعفر خان آورده
 عالیجاه شاره الیه انعامی پیادگان او داده بود
 دیگر نوشته اند که چون سابقا جمال استرآباد و دو نفر
 از ترکمانان ایل را ندانسته بخمال اینکه از جمله اشرارند
 که بهرقت آمده اند مشغول نموده بودند بقدر صد نفر سوار
 از ایل مزبور برسم قلائی آمده بقریه سلطان آباد
 چپاول انداخته دو نفر کاهچران و چند ریس کاه
 پیش کرده مراجعت میکرده اند در بین راه عالیجاه
 آدینه خان اتابای بانجا رسیده از در محافت در آنجا
 کار بجای آورده انجامیده چند نفر از آنها زخمی و خود او
 هم زخم برداشته معه دست از مجاوله بر داشته
 تا محله کاه مارآباد و نفر اسیر سرد و بصاحبان

۱۲۷۰

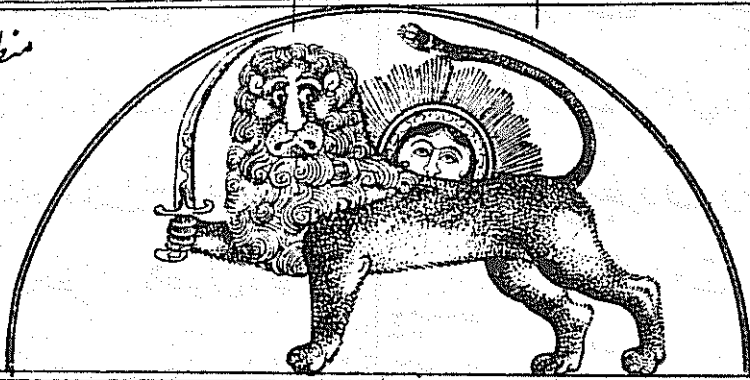
تسلیم کرده بود عالیجاه محمد جعفر خان نایب الحکومه استرآباد
 بعد از استحضار بر این محسنی خلعت جبه عالیجاه آدینه خان
 و شیرینی بجه سواره او به اتابای فرستاده و انجا
 خور سندی و رضامندی از حسن خدمتگاری آنها
 کرده بود

و دیگر از قراریکه تعبیر اخبار اس استرآباد در ماه گذشته
 سوال نوشته بودند از اینقرار بوده است

برنج	یکخوار بیت و پنجهزار	۱۰۰
کندم	یکخوار و دوازده هزار	۱۰۰
کنجد	یکخوار چهار تومان	۱۰۰
جو	یکخوار یک تومان	۱۰۰
ماش	یک من ده شاهی	۱۰۰
باقلا	یک من ده شاهی	۱۰۰
پياز	یک من ده شاهی	۱۰۰
روغن	یک من دوریال	۱۰۰
گوشت	یک من پانزده شاهی	۱۰۰
بره	یک ریس یک هزار دنیا	۱۰۰
مرغ	یک ریس یک هزار دنیا	۱۰۰
تخم مرغ	یک ریس یک هزار دنیا	۱۰۰
قندرسی	یک من هشت هزار	۱۰۰
قندرسی	یک من شش هزار	۱۰۰
عل	یک من دوریال	۱۰۰
شیره	یک من هزار دنیا	۱۰۰
پیرشور	یک من دو هزار دنیا	۱۰۰

روزنامه قایم التاقیه پنج شنبه سهر قیعد و سهرم مطابقی سال توستان ۱۲۷۱

مزه دیت و سی و پنج
قیمت روزنامه
هر نسخه ده سهر



منصبه دار اخلاف طهران
قیمت اعلانات
هر خط پنج سهر

احبار داخله ملک محروپ و شاه

اردوی همایون

موجب همایون علیحضرت شاهنشاهی در روز شنبه
نهم اینماه از سیلاب و ران بهمت سیلابات و
حرکت فرمودند و غنیمت چند روزه تفرج و کشت
در صفحات لوان و لار دارند جناب جلالتاب
امجد اشرف ارفع صدر اعظم و جناب نظام الملک
و بعضی از مقربان حضرت گردون لبث سینه و
لرزم از سایر خدم و حشم مقدم رکاب حضرت
همایون میباشند

دار اخلاف طهران

امور دار اخلاف مبارکه از هر جهت در کمال انتظام است
و از حسن مراقبت و رسیدگی نواب مستطاب شاهزاده
والا تبارار و شیر میرزا و مقرب اخاقان میرزا موسی
قدرت سرفقت و شراکت و حرکت خلاف ندارد و اگر
بندرت شرب یا شرارتی اتفاق بیفتد در مقام خفا
و تبصیه بر می آیند.

امورات در بخانه نواب مستطاب شاهزاده اعظم فخر
و یعهد دولت جاوید مدت از حسن کفایت کار گذاران

مضبوط و منظم است مقرب اخاقان میرزا علینقی میسر
حب الامره روزه در خدمت نواب معظم المیه مشغول
انتظام امور آن سرکار و انجام سایر خدمات مرجع
بخود میباشند و تا ساعت از شب گذشته در ارک
مبارکه بامورات لازمه رسیدگی نموده بعد از آن بخانه
خود میروند و چنانچه در هفته گذشته نوشته شد بعضی
از روزگاری که مقرب اخاقان میرزا پنجه و سایر اعظم
چاکران در بار همایون شرفیاب خدمت شاهزاده اعظم
اعظم میشوند بعد از شرفیابی و حصول التفات نواب
ساسان میرزا الله باشی آنها را با طاق علیحده برده
توقیر و احترام هر یک اموات و تبرع بعمل می آورد
در هفته گذشته اهل محله ملک آباد که از بی ابی و عسرت بودند
خدمت نواب مستطاب شاهزاده اعظم افخم اندیشه
شدند که ابی با آنها رحمت شود چون آب قنات مهر کرد
در روز چهارشنبه قیمت کار و انشای جدید دولتی بود
محض حصول دعا کوئی ذات اقدس همایون شاهنشاهی
مقرر فرمودند که عالیجاه آقا مهدی ملک التجار را خواسته
خواستش نمایند که در آن روز و شب آن آب را با اهل محله

۱۴۷۱

ملک آباد و اگذار نماید که خانه های خود را سیراب و آب انبار
و حوض های خود را پر آب نمایند و آب ساسان میرزا حبیب
فرمایش عالیجاه ملک التجار را خواسته فرمایش نواب
معظم الیه را القاف نمودند عالیجاه ملک التجار نیز برضا و رغبت
خود و محض امتثال امر نواب معظم الیه و حصول دعا کوئی
ذات اقدس هایون یک شبانه روز آب قنات مزبور
بجمله ملک آباد و اگذار نموده جمیع آب بنارها و حوض های
ملک و از آب و باغها و خانه ها سیراب گردیده سبب
شکر گذاری و دعا کوئی عموم مالی دارا بخلاف مبارکه خصوصاً
اهل محد مزبور شد که عسرت و پریشانی که از بی آبی داشتند
رفع گردید

چون عالیجاه مقرب الخاقان محمد قاسم خان که سابقاً
بکار پردازی اول امور با قنات تعلیس بود از عهد
خدمات محوله بخود بخوبی برآمد و خاطر اقدس هایون
و امنای دولت علیه را از طرز خدمت و ارادت خود را
و خورسند داشت لند درنده پسند تو شکان نیز از
قرار فرمان مهربان مبارک او را بامتثاری سفارت
و بعد از آن بر تبه مصلحت گذاری مامور توقف مستطیر
فرمودند و یک قطعه نشان سپسی از درجه اول با حایل
سرخ از جانب سنی اجوانب ملوکانه بجهت مزید افتخار او
مرحمت شده و این اوقات حسب الامر عازم محل
خوابد گردید

از معاجات و کارهای عالیجاه حکیم پولاک و شاگردان
ارشاد قابل او که بعضی در هفت گذشته نوشته شد بعضی نیز
که درین هفته مسطور میگردد از این قرار است

شخصی سلع از طرف ایرکوند بقدر تخم مرغی داشت
که بر روی ظروف شریفه و موی اتفاق افتاده بود
عالیجاه مشارالیه در کمال وقت و مهارت بیرون آورد
که هیچوجه آسیبی بظروف و موی نرسید و باندک زمان
شفایافت

شخصی پیره مرد هفتاد و سه ساله مدت دو سال بود که مرض
جنون و مالخولیا و لگت زبان سجدی مبتلا بود که قدر
حرف زدن نداشت و بیارم داد و استعلاج کرده
مفید نیفتاده بود میرزا سید علی که در قوا عهده طبابت
و از جمله شاگردهای ارشد و از مرتبه اول بود و او
داده و پست کردنش را خوش کشیده و تدبیر دیگرکار
برده و در مدت یکماه شفایافته و بکار خود مشغول شد
و دیگر جوانی مادر زاد لب شکری بود میرزا احمد علی که در قوا
طب و جراحی ایرانی خدایت داشت و از جمله شاگردهای
ارشاد در مرتبه اول بود او را بریده بهم وصل کرده و با
تبی صحت یافت

میرزا حسین ولد مرحوم میرزا احمد طبیب نکابنی که در قوا
طب مهارت دارد و از جمله شاگردهای ارشد از مرتبه
اول است کتابی در امراض ناکه در عهد محمد علی پاشا
در مصر در کمال وقت از فرانسه بعرنی ترجمه شده
مشارالیه بفارسی ترجمه میکند و بسیار بکار خواهد
آمد نقش عام خواهد بود

از اخبار شهر درین هفته چیزی نیست که در روزنامه
مکرانیکه بجهت الله و فوئدت و کمال ارزانی و امین حاصل

و عموم چاکران دربار همایون هر یک در انجام خدمات
محو له بخود نهایت اهتمام را دارند

امور اتقونی

افواج قاهره توقف دار اختلاف مبارکه از لوجی و برپا
و سرباز همه روزه در میدان ارک و میدان شق
خارج دروازه دولت مشغول مشقتند و در کمال
نظم میباشند و همچنین امورات دار الفنون و قوچا
و جبه خانه در نهایت انتظام است و مقرب انخاقان
محمد خان بیکر سکی و میر بیچ کمال مراقبت و موبت را
در انتظام امر نظام و انضباط بیوتات مذکوره و سایر
خدمات محوله بخود بعمل می آورند و سایر صاحب
نظام و معین هر یک در کار و خدمت خود سعی و جفا
میباشند

فوج قراکوزلو ابوالجبعی عالیجاه محمد حسین خان سرنک
که در قراول خانهای دار اختلاف مشغول حفظ و حرارت
بودند درین اوقات که مدت قراولی آنها بسر رسیده
بود حسب الامر مرخص گردیدند و از جانب اولیای دولت
قاهره کمال التفات بجایگاهش رالیه و سربازم بود
بعمل آمده خلعت همایون نیز در حق عالیجاه محمد حسین خان
عنایت گردید و فوج طران ابوالجبعی عالیجاه مقرب انخاقان
محمد رضا خان سرتیپ بجای فوج قراکوزلو مامور ولی
قراولخانهها شدند

عالیجاه فتحعلی بیک نایبیم اجودان باشی چون در
خدمات محوله بخود کمال مراقبت و اهتمام را بعمل آورد
بود و مراتب خدمتگذاری او معلوم و مشهود مناسبت

علیه گردیده درین اوقات بمنصب نیابت دومی سرفرا
و یکصد تومان هم بر موجب بقا و علا و حمیت شد

چون عالیجاان بابابیک افشار و رضابیک لک یاوران
تو پخانه مبارکه از قدیمی خدمتگزاران و در سفره مصدر
خدمات و جان نثاری شده بودند مراتب قدست
خدمت و لیاقت و شایستگی آنها معلوم و ملحوظ امنای
دولت قاهره شده درین اوقات حسب الاشاره
بمنصب جلیل سرنکی تو پخانه مبارکه سرفراز گردیدند
و فرمان همایون نیز در باب منصبش رالیها شرف
صدور یافت

سایر ولایات

قرقوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته
نواب شاهزاده والا تبار عبدالصمد میرزا و مقرب انخاقان
حاجی حسنعلی خان عبدالزور و دبالو لایت قراولهای دست
که بمنی بر امانیت ولایت واسودکی رعیت است گذشته اند
از جمله مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان مستخفین
قرا سورا نهایی طرق و شوارع را خواسته و در باب
حفظ و حرارت راهها قدغن اکید نموده و التزام از
آنها گرفته است که اگر مال کسی در راهها سرقت شود
از عهده غرامت آن برآیند و آنها نیز بر حسب التزام
خود مشغول حفظ و حرارت طرق و شوارع میباشند
و نهایت وقت و اهتمام را درین باب دارند و بجهت
عابرین و مترددین کمال اطمینان و خاطر جمعی ازین حلیه
حاصل گردیده و همچنین امور شهر و محلات در عین انتظام
و خلاف حساب از احدی ناشی و صادر نمی شود

فارس

از قرار یک در روز نامه فارس نوشته اند نواب
 مویده اله و له حکمران مملکت فارس در موجبات حصول
 ولایت و رفاه و آسودگی نوکرو رعیت و انجام خدمات
 دیوانی بحال اسام را معمول میدارند خصوصاً در وصول
 مالیات دیوانی و افتاد آن بدربار جهاندار شاهنشاهی
 و مواظبت تمام دارند که علی التوالی بحیطه وصول رسیده
 از قرار قسط افتاد و از انحراف مبارکه شود و نیز در انتظام
 طرق شوارع قدغن آید نموده و مستحفظ و قراسوران
 نواب معززی الیه در همه راهها مشغول حفظ و حرارت
 میباشد که قوافل و مترددین بی تسویش دزد و قطاع
 با اطمینان و آسودگی عبور و مرور نمایند
 دیگر نوشته بودند که رعایای بلوک کربال سببه کمی آفت
 بودند جمعی از آنها خدمت نواب مویده اله و له آید عرض کردند
 که اسال با وصف قلت آب در بلوک مزبور آنقدر کم است
 رعایا در آن باب تعدیل منظور نمیدارند و باین شهر کار
 نسبت بضعیف ستم شرکی ظاهر میشود نواب معززی الیه نیز
 میرزا مادی حاکم حومه را مقرر فرمودند که به بلوک مزبور رفته
 ملاحظه بندهای آنجا را که از قدیم بجهت جاری شدن آب
 بقرأ و مزارع بسته اند نموده درین باب دقت نماید و
 حق حساب قرار درستی باین رعایای آنجا بگذارد که هر
 حق به خود را برده نسبت بیکدیگر تعدی و احجاف نکنند
 عالیجا مشار الیه هم حسب الامر نواب شاهزاده بلوک
 مزبور رفته و بندهای آنجا را بدقت و ارسی کرده و قرار
 تعدیل باین رعایای آنجا گذاشته مراجعت کرده است

۱۴۷۴

دیگر نوشته بودند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا
 حکمران لارستان و بنادر و راه گذشته شوال این
 عباس بلار مراجعت کرده اند و علاوه بر شصت نفر
 که همراه عالیجا به باقرخان تنگستانی ساخلو بند عباس
 میباشند پانصد نفر دیگر تفکیمی پادار با اعتبار جدال
 ساخلو کشیده بنزد عالیجا مشار الیه روانه کرده اند
 که با خلوی بند مزبور و محافظت و محاربت آن حدود
 و سنور مشغول باشند و خود امیرزاده در لار مشغول نظم
 آن صفحات و وصول و ایصال مالیات و انجام خدمات
 دیوانی میباشد
 دیگر نوشته بودند که در بیت و ششم ماه شوال نواب
 عالیجا بمقرب انخاقان محمد ابراهیم خان سرتیپ و فوج
 اصفهان را با سربازان و مأمورین در بو شهر نموده
 و موجب وحیره آنها را تا ماکار سازی نموده با توپخانه
 و قورخانه و سایر ملزومات و تدارکات بسته در کمال
 آرامش و انتظام روانه بند مزبور گردیدند که
 ساخلوی آنجا باشند
 و هم چنین در بیت و ششم ماه مزبور فوج شیرازی ابوالجهمی
 بمقرب انخاقان مهر علیخان شجاع الملک را مأمور ببلار
 نمودند که در خدمت نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا
 باشند و مقرب انخاقان شجاع الملک صاحب منصبان
 و اعیان و افراد فوج مزبور را احضار کرده موجب وحیره
 آنها را بر داخته سایر ملزومات آنها را از هر جهت تدارک
 شایسته دیده با کمال آرامش و انتظام روانه لار نمود
 که در خدمت نواب امیرزاده مشغول انجام خدمات محوله بنحود باشند

روزنامه قایم القایه پنج شنبه پنجم شهریور ۱۲۷۱

نزدت در شش

قیمت روزنامه

هر نسخه دشار



منبعه دار الخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر

اخبار داخله ملک محروسه پادشاهی

اردوی هایلون

اعلیحضرت شاهی که در نهمین ماه ازین اوران بهست
سیلاقات لواسان و لار حرکت فرمودند و دوشنبه در
که متعلق بنجانب جلالت تابش شرف ارفع اکرم صدر اعظم
توقف فرمودند و بعد از آن تا روز چهارم در لواسان
بسیار مشغول بودند و روز بعد از آن اردوی هایلون
بلا رتزل اجمال فرمودند جناب شرف امجد ارفع فخر
صدر اعظم نیز در حین حرکت موکب هایلون در رکاب
مبارک بودند پس از ورود و در سرکار اعلیحضرت شاهی
بنزل کل هندوک اذن مرضی از رکاب هایلون حاصل
بقریه افجه که یکفرسخی آنجا و ملک مخصوصی جناب معظمت
رفتند و روز چهارم در هم را از افجه قبل از ورود موکب
هایلون بچشم منور وارد گشتند چون در این چند روزه که
موکب هایلون در لواسان تشریف داشتند خبری ضرر
و خسارت با مالی آنجا رسیده بود اعلیحضرت شاهی

یکصد تومان وجه نقد بر عایای آنجا انعام محبت
فرمودند که بتوسط جناب مقرب آنخاقان نظام الملک
بر عایا تقسیم گردید و یکصد تومان نیز از مالیات
آنها تخفیف محبت نمودند که سبب از دیاد امیدوار
و دعا کوئی عایای منور باشند

چون عالیجا میر هاشم خان حاکم سراب و کمرود
در انجام خدمات دیوانی و حسن سلوک با رعیت و امان
ولایت داری اهتمام خود را مشهود داشته خدمات
او در نظر امنای دولت علیه تحسین افتاده لهذا درین
اوقات حب الاساره العلیه حکومت ولایت
مفتخر و سرافراز گردید

چون مراتب خدمتگذاری عالیجا خان حسن خان سر
و نجفقلی خان نایب اول قراپا پاق بعض اولیای دولت
قاهره رسید در این اوقات از جناب سنی ابجواب
هایلون بهر دولت محبت گردید

دارالخلافه طهران

جناب مجدتسره جنرال بروسیلوف ایلمچی دولت
بهیه روسیه که از جانب علیحضرت امپراطور با نام بود
ختمه بتاریخ ۲۱ ماه رمضان المبارک شریف
حضور علیحضرت شاهنشاهی کردید و کیفیت ورود و
شرفیابی جناب معزی الیه در نمره ۲۲۱ و ۲۲۲ این
روزنامه سمت الطباع یافت بعد از آن نیز لوازم الکرامات
و احترامات از جانب سستی اجواب ملوکانه و از اولیای
دولت علیه من جمیع الجہات بعمل آمد نظر بر اینکه جناب
معزی الیه مسافر بود و اولیای دولت علیه خواستند
بضیافت دعوت نمایند چون کسر مزاج داشت
و ناخوش بود اجابت دعوت ضیافت را ننمود
معذرت خواست در اوقات معاودت و مخصی
از دربارهایون از جانب علیحضرت شاهنشاهی
ایلمچی معزی الیه و سایر صاحب منصبان موافقشان
و مرتبه هر یک نشان مهر لعلان و خلعت افتاب طلعت
مرحمت و عنایت گردیده عالیجا علیستی خان شیر
نشار بهماننداری آنها مامور گشته روانه شدند

امورات دارالخلافه مبارکه در نهایت انتظام است
و کمال اتمیت و وفور نعمت حاصل است بحمد اللہ عزوجل
فراوان و ارزان است ناخوشی نسبت بهالهای دیگر
بسیار کم است بلکه هیچ نیست چاکران دربارهایون
دارالخلافه مبارکه از اعالی و ادانی نظام و غیر نظام
هر یک در انجام خدمات مرجوعه بخود نهایت سعی و تمام
دارند هوامی دارالخلافه طهران چند روز بت کرم بود

ولی دوسه شب قبل ازین فی السجده بارانی در شهر شمران
آمد که ششبران را نیز کی برف زده بود از آنوقت
در هوا افتاد و تی بهم رسیده شبها خنک است و روزها
هم بآن شدت که کرم بود حال نیست عمارات مبارکه
ارک و غیره را در کار بنانی و تعمیر سپاسند در این اوقات
بنانی زیاد و دیوانی و غیر دیوانی میشود و بازارچه پشت
میدان جدید سمت بازارچه صندوقدار را تازه میکنند
و بازارچه صندوقدار وصل میشود قرینه آنجا نیز گشت
جبه خانه و سمت بازار قدیم است اینطور ساخته شود
بسیار بر شکوه و رونق میدان جدید خواهد افزود و
آبادی بازار سمت دروازه جدید مجدیه روز بروز در
تراید است و عنقریب بازار آن سمت نیز از دروازه
مرزبویه تا میدان جدید بهدیکر متصل خواهد گردید افواج
قاهره نظام از توپچی و سرباز همه روزه در میدان
ارک و میدان خارج دروازه دولت مشغول مشق
پنا شدند و از جانب صاحب منصبان و معین کمال
و اهتمام در مشق و انتظام امر آنها میشود آمر قراولی
عمارات ارک مبارکه و قراول خانهای شهر نظم و
مضبوط است و سرقت و شرارتی اتفاق نمی افتد

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان گشته اند
نواب مستطاب شاهزاده والا تبار حشمت الدوله
حکمران اصفهان وارد التولایت شده اند و مالی
لوازم استقبال و احترام را بعین آورده اند اما
معزی الیه قبل از ورود آدم فرستاده و خبر کرده بودند

که استقبالیان تا منزل مورچه خورت بالاتر نیاید
و بعضی تکلفات که ضرر و خمت مالی و رعایاست موقوف
دارند و در روز و روز و با صفهان نهایت التفات
بعموم مالی انجام داده و بحسن سلوک و رعیت داری خود
و تفهعات اولیای دولت علیه آنها را امید واری
رنیاد داده اند

و دیگر نوشته اند که عمارات دیوانی اصفهان را بنای
و عمل رنیا و در کار و مشغول تعمیر کردن آنها میباشند

پیره مردی بجام رفته داخل حرات حمام که شده بود
فورا تسلیم کرده و بروی آب افتاده بود

و دیگر از قرار یک تعمیر اجناس اصفهان را نوشته اند
مان یکم پنج شاهی و نیم و گوشت یک من هزار دینار
و برنج یک من سه عباسی و روغن یک من سه هزار
و کندم یک من سه عباسی و نیم شاهی و جو یک من یک
و سایر اجناس نیز باین منظمه متر بوده است

فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند که کمال
و انتظام در انولایت حاصل است و نواب مستطاب
شاهزاده و الا تبار موید الدوله حکمران مملکت فارس
در نظم و ولایت و رفاه حال رعیت و امنیت طرق و شوارع
مراقبت و مواظبت تمام دارند و خرابیهای شهر از
که از زلزله بهم رسیده بود و هر جا که خراب شده
بود و تازه ساخته اند بسیار بهتر و محکمتر از سابق شده
و جایهایی که سابقا زشت خام ساخته شده بود

بعد از خرابی همه را با آجر پنجه در کمال استحکام ساخته
مقرب الخاقان حاجی قوام الملک مسجد نور تعمیر نموده
طرف رو بقبله مسجد را از روی شالیده بنایی کرده
و با تمام رسانده اند و سه بدنه و یکرا از در کارند
میازند آنچه ساخته شده است بحسب وضع و استحکام
بهرتر از سابق است و بعد از اتمام از قرار یک نوشته اند
خیلی باشکوه خواهد شد مقرب الخاقان میرزا ابوالحسن خان
مشر الملک مسجد جدیدی که ساخته بود از صد مزرعه
خراب شده و در این اوقات مجددا خرابیهای انجارا
در کمال استحکام تعمیر نماید بعضی از مالی و اعیان نیز
برخی از مساجد و کاروانسراها و حمامها و خانهها را که از
زلزله خرابی بهم رسانده بودند اقدام به آبادی آنها
کرده و محکم و مضبوط میازند و کوهها و سیعتر از سابق
و بسیار با فضا و صفا شده است

و دیگر نوشته اند که باغستان جدید رنیا در جمیع
بلوکات فارس احداث کرده اند خصوصاً در مسجد
بردی شیراز و سایر بلوکات و در شهر که میوه
ممتاز بعل آورده اند از آنجمله اشجار نهال نارنج در
خانههای شهر شیراز و باغستان بعل آورده اند و
نهال نارنج بسبب و نور بسیار ارزان شده است
و همچنین در صفحه جات کرمیرات نیز نخلستان رنیا
احداث کرده اند و در زیر در آبادی باغستان
تخیلات رنیا در پیش و هم چنین قنوات جدید
هم در هر بلوک و محل بقدر فراخو حال خود در آورده
و در می آورند و قنات قدیم و جدید را هم تقویت می نمایند

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند مقرب الخاقان
محمد ولینجان بیکریکی در انتظام امور ولایت تحصیل
موجبات اسودکی رعیت و وصول و ایصال مالیات
و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل دارد و هم چنین
عالیجاه محمد جعفر خان نایب الحکومه استرآباد و غیاب
مقرب الخاقان بیکریکی بانتظام امور شهر رسیدگی تمام
دارد

دیگر نوشته بودند که درین اوقات ده نفر از پیاده
دزد های مشهور علی قول ترکان ببرداری سعد نام بمر
راه مرزدین اردو آمده بودند مقرب الخاقان
محمد ولینجان متحضر شده عالیجاه آفاقان کتول را
با چند نفر سوار بر آنها فرستاده دزدان خود را
بجنگل و نیز از انبوهی که مانع خود کرده بودند زده عالیجاه
شارالیه با همسرانی که داشت پیاده شده و
بجستجوی دزدان برآمده بودند با آنها رسیده سردار
دستگیر و پنج نفر زخمی و یک نفر مقتول کرده بودند
سردار مزبور را نیز و مقرب الخاقان بیکریکی آوردند
اظهار کرده بود که چهل نفر بعضی خود میدسم مرا حص
چون مردی مفتد میشه و از دزدان مشهور و بکرات
مصد رسفک و مار و شرات شده بود مقرب الخاقان
بیکریکی حکم کرد و او را بدم توپ گذاشته اش دادند

دیگر نوشته بودند که یکصد نفر سواره چار و ایت
خدرسک رفته بودند قراولان انجا خبردار شد

با جمعی پیاده بمر راه آنها رفته با هم زد و خورد کرده
یک نفر از اشرار مقتول و دوس نفر زخمی شده
یکر ساسب نیز از آنها بدست قراولان افتاده باقی
با کمال خذلان و خواری فراری شده نهمیت کردند
بودند

دیگر نوشته بودند که در ماه گذشته قریب شصت سوار
ترکان بکنار شهر استرآباد آمده بودند که دستبرد
بزنند اتفاقا چهار نفر از رعایای قریه زنگی محمد که تا
یک میدان مسافت دارد بسوار مارو برو برخورده
مشغول زد و خورد شده بودند قریب یک ساعت جنگ
کرده و دو نفر از ترکان را را تیر زده یک نفر از رعیت
هم زخم کلوله برداشته از دلت حول و خوش رعایا
خبردار شده بآمد آمده بودند ترکان مان تا مقام
نیار و دالقدر کرده بودند که از دو نفر زخمی خودشان
یکی را بدر برده فرار کرده بودند و یک نفر دیگر را رعایا
سر نموده سر او را با استرآباد آورده بودند

مقرب الخاقان محمد ولینجان از قراریکه نوشته اند هنوز
در میان کولکان مشغول وصول مالیات بوده است و
بعضی از او به جات مالیات خود را پرداخته اند بعضی
یکر که دور دست بوده اند در ادای مالیات تعلل و دفع
میسند و از مقرب الخاقان شارالیه نیز آوم نیز عالیجاه
محمد حسیم خان کرد فرستاده بود که سواره کرد در رفته
بارد و ملحق شود که با جمعی و استعداد بسوار و جایت
رفته مالیات آنها را وصول نماید

کرمان

از قرائیکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از اتمام
امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد
کمال امنیت و انظام در آن ولایت حاصل است و عموم
اعیان و مالی و رعایا و برایا در عین رفاه و آسودگی
و شکرگزاری میباشند و دروغه و کذب و خیانت و ستم
حسب احکام مراقب و مواظب نظم شهر و محلات مستند
و سرقت و شرارت از کسی ناشی و صادر نمیشود و چنین
طرق و شوارع و محابر بلده و بلوک در نهایت امنیت
و عابرین و مترددین با اطمینان و خاطر جمعی عبور و مرور
مینمایند

دیکر نوشته اند که چون بسبب خرابی که در قنات آبجی
از سیلاب بهم رسیده بود صاحبان قنات آبجی
اجناس را بقیمت زیاد خریداری نموده بمصرف
قنات می رسانند در ماه مبارک رمضان جنس کباب
شده و تسعیر میسازند و امیرالامراء العظام سردار
محض رعایت حال رعیت و حصول دعای خیر بجهت آن
اقدس همایون شایسته حبشی که در انبار باغ گلشن
ارک و باغ نظر بجهت ذخیره ارک موجود بود حکم کرد
بنجایز و علاف دادند و قرار شد که در رفع محضول
جنس را بقیمت پس بدهند و باین سبب و فوری در اجناس
و توسعه در امر معاش مردم بهم رسیده رفع تشویش
خلق شد

دیکر نوشته اند که در ماه مبارک رمضان هوای کرمان
نسبت به لاهای دیکر بسیار خوب و با عذال بود و در

فی الجمله گرم بود و لکن شبها را باد خنک میوزید و مردم
در ایام صیام شبها در روزهای و مساجد و معابد مشغول
عبادت و تعزیه داری بوده اند و اوقات شبانه روز
بعد از طاعات و عبادات مصروف دعا گوئی وجود
فایض بخود همایون شایسته میباشند

دیکر نوشته اند که سید نور محمد شاه و سید جمال شاه
قدامری که از جانب جناب سردار کمدل خان با عیال
و پیشکش و نوشجات بجهت اولیای دولت علیه آمده بود
در این اوقات و اندک کرمان شده اند چون از اجله
و از زمره اشرف قدامر بودند امیرالامراء العظام سردار
نهایت احترام و هماننداری از آنها بعمل آورده چون
مالهای آنها قدری لاغر و مغلوب شده بود چندی
کرمان توقف نمودند که مالهای سواری آنها بحال آمده
روانه دار اخلافه مبارک شوند که عرایض و پیشکشی
خود را از نظر اولیای دولت علیه بگذرانند

اموالی که چندی قبل ازین طایفه بلوچیه در راه لوت برده
بودند امیرالامراء العظام سردار قورخمر خان صاحب
کرده با یک نفر از صاحبان مال بیستان نزد عایجا سردار
علیخان فرستاده بود عایجا پشارالیه نیز پنج بار الاغی
کرمانی و سه ریس الاغ و دو ریس قاطر از ابرهیم خان
مسترد کرده و مسجوب آدمی از خود بنزد امیرالامراء العظام
فرستاده و نوشته بود که این مال را بجنک و نزاع پس گفتم
باقی را نیز وصول کرده با اتفاق محض و حبال جو هم فرستاد
سردار نیز بطایفه شان بسیار سنگین خلعت و پنجاه تومان نقد انعام
بفرستاده سردار علیخان داد و پرخص کرده بود

اجبار دول خارجه

شخصی کلوله تازه در شوبزین اختراع کرده و مکرر آنرا تجریم
نموده اند و آن بقسی است که کلوله شازده پوندا
دو پوند و نیم بار و طمیه مند و پیران و دیت و مفاصل
کزد و رتر از کلوله های متعارفی می رود و در تفنگ و طپاچ
نیز این قاعده را مجرب کرده اند و در جنگها بسیار بکار
خورد

ذکر نوشته اند که در لندن پای تحت انگلیس تحت روانی
تازه اختراع نموده اند برای اشخاصی که در جنگها زخم می
خورند و زده نفر زخم دار در آن جایگیر و موضع سطح آن جای
ده نفر مجروح است که برای چهار نفر آنها هر کدام چهار پایه
در پیش رو او نیخته است که با ستراحت بتوانند در آن
سجوانند و شش نفر دیگر در میان تحت روان و در مرتبه
آن جایگیر میشوند و در جانب اسفل تحت روان صندلی
بسته اند که آلات و ادوات جراحی و دواها و غیره در آن
گذاشته میشود و هرگاه آن صندلی را بیرون می کنند
مانند میز منظمی میگرد که عضو مجروح را بر آن توان گذاشت
و برید یا بخیمه کرد و در زیر وسط آن تحت روان چهار پایه
که چهل پنجاه کلن آب و پانزده یا بیست کلن شراب در آنها
میریزند و کلن وزن معمول آن ولایت است و این سجه است
که آب یا شراب هر چه برای بیمار آن و زخم داران لازم
باشد در همانجا موجود و فنیاداشته باشند و
تخته استر تجریم نیز در آن است که زخم داران را در آنها
گذاشته تحت روان بیاورند و دیرک و کرباس نیز
در آن گذاشته اند که در وقت ضرورت در دوطرف

۱۴۸۰

تحت روان خیمه بزنند و زخم داران را در زیر آنها
معالجه نمایند و استر تجریم را چنان ساخته اند که
هر یک خیمه جداگانه میگیرد و دیرک تحت روان را
بر آورده در وسط آن نشاند که سقف خیمه فرو نیفتد
و این تحت روان را بطوری بسک ساخته اند که با
نفر زخم دار و آن همه اسباب لازمه دور پس اسباب
بآسانی بیکد و این تحت روان را ساخته و بچشمور
پادشاه انگلیس و پرس البرط آورده بسیار تحسین
نموده بودند و مختص آن مورد التفات شد بود

و ذکر نوشته اند که از معدن طلا که تازه در مملکت روس
پیدا شده است در این اوقات دو کاری پر از طلا می
روانه سنت بطر بورغ نموده بودند حال دوشم
که این معدن پیدا شده است و این دفعه سیم است
که طلای آنرا بیای تحت حمل و نقل کرده اند و از معدنی
که در کوه آرال پیدا شده است پنجاه پوند و از قران
و محال آنجا نیز درین سال هجده هزار پوند که هر پوند
عبارت از شش سیر باشد طلا در آورده اند

و هم چنین در کلیفاریای سیکی دنیا نیز نوشته اند که
سوی معادنی که چند سال است پیدا شده و طلای
فراوان از آنجا حاصل کرده اند درین اوقات در
حوالی رود خانه کرن که از آن ولایت میگذرد معدن
طلا تازه پیدا کرده اند

عبارت بلور مانند آنکه در لندن پای تحت انگلیس بر پا
کرده بودند درین سال در پاریس پای تحت فرانسه

با اساس و زینت تمام برپا کرده اند و مردم بسیار از ولایت انگلیس و سایر دول تماشای عمارت مزبور رفته اند و از جمله نفایس و جواهر که آنها که در عمارت مزبور گذاشته اند الماس بسیار بزرگ شفاف بزرگ مشهور است و به جنوب که متر کاستر است و مردم نام آنرا تراشیده و صاف نموده در عمارت بلور بجهت تماشا گذاشته است

دیگر نوشته اند که مارگیری مارهای خود را بیرون آورده بود و با آنها بازی میکرد درین بین یکی از مارها را بدور که خود حلقه کرده بود و مار چنان زور زده بود که سه دنده مارگیر را شکسته بود

دیگر نوشته اند که در ضلع مرآت مملکت برازیل نیز همان طلائع تازه پیدا شده و طلای فراوان از آنجا بیست می آید و مردم بسیار از هر ولایت بجهت درآوردن طلا با آنجا میروند

در اخبار هندوستان نوشته اند که از جانب فرنگیه ها هندوستان حکم شده است که بر روی بعضی از راههای سکه و سکار پور در سر رودخانه ها و نهادهای سنگی بازند و برآورد اخراجات از آنجا چهار هزار و یکصد روپیه کرده اند و از قرار یک نوشته این پلهای بسیار بجا را اهل ولایت خواهد خورد

در اخبار چین نوشته اند که در کانتان و بندر شنگائی امنیت تمام بود و سکنه آنجا در رفاه و آسودگی مشغول کسب و کار و داد و ستد خود بودند و اغتشاش یا غیاب از آن ولایت بکلی رفع گردیده بود و لکن دزدان دریا

در اطراف کانگان بسیار بودند و شرارت و تاخت زیاد میکردند سر کرده کشتیهای انگلیس در آنجا چند کشتی با جمعیت و توب برای دفع دزدان مزبور فرستاد

بازار تجارت در چین است بوده و رونق داشته است

دیگر نوشته بودند که یک کشتی انگلیس موسوم بکونتس سفید که حامل چهار صد و پنجاه طنو که هر طنو تخمیناً سه هزار پون تیریز است تماش و متاع چین از بندر شنگائی روانه لندن بود چون شرعهای اورا همه بالا کشیده بودند و سرعت تمام حرکت میکرد ناگاه بکوه خورده شکسته و غرق گردید

و هم چنین چهار دود و دلی موسوم به بت که از سنگا پور هندوستان روانه مملکت استرالیا شده بود در دریای غرق گردید و لکن کسانی که در او نوشته بودند بابت بیرون آمدن و کسی از آنها تلفات

دیگر نوشته اند که در بروسه که یکی از ممالک عثمانیه است زلزله های شدید پی در پی وقوع یافته و بار هم اغلب زلزله میشود و ضرر و خسارت بسیار بر عیایای آنجا رسیده و میرزا علی حضرت سلطان بقدر که نخواهد آنجا برسم انعام فرستاده است که صرفت خرابیهای آنجا نموده و با تشخیصی که ضرر و خسارت رسیده به هند

پسچین و قسطنطنیه نیز نوشته اند که سه روز متوال زلزله شد و لی معلوم نبود ازین زلزله خرابی بجا می آید یا از بت بکسی رسیده باشد

راه چرخ آتشی بجهت فرستادن پیغام از شهر به شهر این
طریق و نیز درین اوقات با تمام رسیده است و همه
پیغامها را در آنجا بزبان ایتالیا میفرستند و لکن چون
زبان فرانسه پیش از زبان ایتالیا در آنجا متداول است
اهل آن ولایت سعی دارند که پیغامات را از راه مزبور بزبان
فرانسه جاری نمایند

در این تو غله کران و نان کم یاب بوده است از قراریکه
نوشته اند مزدور و عماله آنوقت که گرسنه و بی نصبت
بودند یکروز از دحام کرده بد کاکین جباری هجوم آوردند
ناهار را غارت کرده بودند

چون قرار کشیکچیان و مستحقین که در بیست و چهار روز
مشغول حفظ و حراست اسواق و محلات میباشد خصوصا
لشکریان هندوستان سابقا چنین بوده است که سیاه
شخصی را که میدیده اند صد میکرده اند اگر آن شخص حراست
نمیداده است مستحق با آلات حرب بضر او اقدام
میکرده است درین اوقات این قرار را میخوانند و سر
نمایند و بر لشکریان و مستحقین قدغن شود که در ایام آفت
و عدم فتنه وقت و بجهت عابرین دست سلاح حرب برند
مگر اینکه در دوحرامی بودن عابر بر مستحق متحقق شود یا خطر
در محل کشیک متصور بشود در آن صورت کشیکچی ماذون
باشد که دست با آلات حرب ببرد

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه می در سرانندیکه سیلان
نیز میماند طوفان شدیدی بارعد و برق بسیار است
شده بود و جمیع زمین در هفتم ماه مزبور در سلم طوفان شد
و مکرک بسیار هم باریده و در چهار روز در او نکلند او

بشکل طوفان شدیدی و رعد و برق بسیار ظاهر
گردیده بود

دیگر نوشته اند که یکی از دارالشفاهای شهر پاریس تشکر
و هر چه اسباب و بیمار و زخم دار که در او بوده است بانه
سوخته و تلف گردیده است در ثانی نوشته بودند که
تلف شده است

و همچنین در طرابلس از آن نوشته بودند که پیش از یک عظیم
تبرکی یا نقون میگویند شده و بازار عطاران و قنادان
و قهوه خانها و چهار دکان جباری و یک باب مسجد بجای خود
آتا بکک خانه اسپری رسیده است

دیگر نوشته اند که صاحب مضبان انگلیس که درس
زبان هندوستانی و مرثه میخوانند معلین زبانها
مزبور آنها را امتحان کردند کمال مهارت در تکلم
بهم رسانده بودند

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی
باسمه چی در محله نزدیکی دروازه دولا بباع شده
از تفرار فروخته میشود

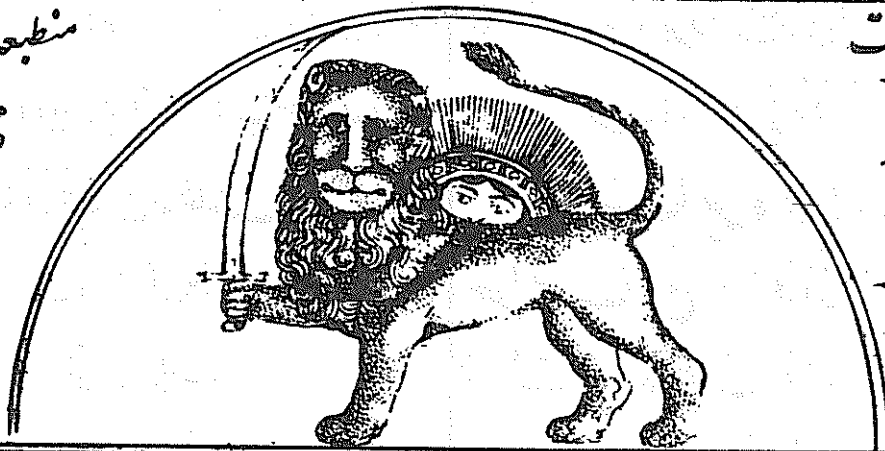
وسایل بافندگی یکجدا ده تومان
خسته نظامی دو تومان و چهار
سرایر دو تومان
زبدۃ المعارف دو تومان
معراج السعاده یک تومان
شاهنامه چهار تومان و نیم
هدیه الشیعه هشتاد

روزنامه قایم اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه و ششم شهر ذیحجه الحرام مطابق سال ۱۲۷۱

مزد ویت و سر و هفت

قیمت روزنامه

هر نسخه ده هر



منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پنج

اخبار واحده ممالك محروسه پادشاه

اردوی همایون

سرکار عالیحضرت شاهنشاهی که در چهاردهم ماه گذشته
تشریف فرمای پهلوان لاری شدند از قراریکه نوشته است
در انجا بروجد مبارک بسیار خوش گذشته است
سپاه مزبور در هوای خوش و چشمه های کواری از
اغلب جایها امتیاز نام دارد بعضی از روزها را
شاهنشاهی بجهت شکار و تفریح اطراف سوار شده و از
هر قسم شکار کوهی و غیره فرموده اند از قورخانه
مبارک که حسب الامر اساس تشبازی بار دوی همایون
برده بودند در شب یکشنبه بیت و یکم ماه ذیقعد
اسباب تشبازی را در قفل کوبهای بلند حیده در
اول شب بنای تشبازی را در قفل مزبور و آغاز
توپ و زنبورک و در دامن کوه نموده اند چون اسباب
تشبازی را در جایهای مرتفع تشبازی داده بودند
از اغلب دوات لوان و شمیران پیدا بوده و

یک ساعت امتداد داشته بسیار مطبوع و مستحسن خاطر
ملوکانه افتاده بهمه قورخانه و زنبورک و صاحب
که مشغول تشبازی بوده اند انعام محبت شده است
دیگر نوشته بودند از هر قسم آذوقه و مایحتاج علی التمام
از اطراف بار دوی همایون می آورند و هر چیزی فراوان
و ارزان است و بهمه ملزمین رکاب مبارک بسیار خوش
میکرد

نظر بحسن اتمامات نواب مطاب شاهزاده و الایثار ام
خانم میرزا حکمران بروجد و عربستان و تختیاری و لر
در انتظام امور ولایات ابوالجمعیتی خود و انجام خدمات
دیوانی و ظهور بر اسم خاطر اقدس همایون شاهنشاهی
در باره نواب محسنی الیه درین اوقات یک ثوب
کلیجه ترمه از ملبوس بدن مبارک برسم خلعت باطلعه
فرمان مبارک مبسوط بر التفات از جانب سنی الجواب
ملوکانه بجهت شان حمت و اسرار شد

نظم مراتب استعداد و شایستگی عالیجاه فتحعلی یک
 نایب اجودان باشی و درین اوقات حسب الاشارة
 منصب سرمنکی فوج نسا بور باو محبت و بلقب خان
 سرافراز گردیده فرمان مایون و در باب منصب و لقب
 او شرف صدور یافته تجلعت مهر طلعت شاهنشاهی مخرج
 شد و درین روز ماهیه و تدارک خود را دید و بسر فوج
 منور خواهد رفت

و هم چنین عالیجاه کریم خان سرمنک قدیم فوج نصار
 در این اوقات حسب الاشارة العلیه منصب سرمنکی
 ترشیزی سرافراز و فرمان مایون شرف صدور یافته
 خلعت آفتاب طلعت باو محبت شده این روز ماهیه
 و بسر فوج منور روانه است

نظم تحسین خدمات و لیاقت عالیجاه حاجی شکر الیهیک
 یاور توپخانه مبارکه و آردلی باشی جناب جلالتاب
 اشرف امجد از فاعل انجم صدر اعظم در این اوقات منصب
 سرمنکی توپخانه مبارکه باو محبت و فرمان مهر لجان
 شرف صدور یافته و رازای منصب منور یک طاقه شال
 از جانب نسی بجانب ملوکایه خلعت باو عطا شده

دارالخلافه طهران
 عالیجامان سید نور محمد شاه و سید جمال شاه قدایی
 که از جانب جناب سردار کندل خان کمران قدس
 با عریضه و پیشکش بدر بار مایون شاهنشاهی آمده بود
 درین روز ماهوار و دارالخلافه مبارکه شدند و در روز
 و روز دشان حسب احکام نواب مستطاب بنزاده و الاستاد
 ارشد شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع عالیجاه

۱۴۸۴

میرزا زمان و میرزا رضای که خدا و زکیان که خدا
 با ابراهیم میرزای قدس هاری آنها را استقبال نمود
 بعد از ورود و دهم نواب مغربی الیه شیرینی بمنزل آنها
 فرستاده لازم اعزاز آنها را بعمل آوردند

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
 نوشته اند و فور بعثت و فرادانی در آن ولایت حاصل
 و امسال بحمد الله زراعت هر جای خراسان بهتر از
 سالهای دیگر بعمل آمده است ولی میوه جات سرد خنجر
 از قراریکه نوشته اند سرما زده و تلف کرده است

و دیگر نوشته اند که قشون متوقف خراسان از نظام
 و سواره در کمال نظم و معقولیت حسن سلوک حرکت
 میکنند و خلاف حسابی را آنها نسبت بکسی ناشی و
 نمیشود افواج قاهره متوقف ارض اندکس هر روز
 در میدان توپخانه مبارکه حاضر شده تا سیاحت
 از روز گذشته مشغول مشق میباشند و از جانب
 صاحب مضبان نهایت اهتمام در مشق و انتظام
 امر آنها بعمل می آید امر قوادل خانهای ارض اندکس
 بسیار ضبط و منظم است و اگر بندرت سرقه
 اتفاق بقصد سارق با تمام سختی و فراوان
 دست آمده بیهوده اموال مسروقه و سر دزدان
 تسلیم میشود

و دیگر نوشته اند که نواب مستطاب بنزاده محترم و الا
 فرمانفرما حکمران مملکت خراسان و مقرب الخاقان

در انتظام امور ولایت و رفاه و آسودگی نوکری و عت
 اتمامات کافی و مراقبات کامل بعل می آورند کسیر
 مباشرین و غیره بکسی جرئت تعدی و قدرت زیاد
 نیست و نهایت رفاه و فراغت برای رعایا و اهالی
 آنجا حاصل است مقرب انخاقان و وزیر نظام در
 نظام امور سرکار فیض آمار سعی و کوشش زیاد

و بیکر نوشته اند که رزار زیاد از اطراف مالک
 بزبانت روضه مبرکه رضویه می آیند چنانچه اغلب
 اوقات دوسه هزار رزار در ارض اقدس
 با وصف این مرحله کمال ارزانی و فراوانی است
کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند
 از حسن مراقبت امنای دولت علیه و اتمام مقرب
 امان الله خان و الی امور آن ولایت از هر حیث قرین
 انتظام و کمال امنیت و وفور نعمت و رانجا حاصل است
 غله و حبوبات هر جنسی فراوان و ارزان است
 از قراریکه نوشته بودند از غله شهر شوال الهی تم
 هوا در غایت اعتدال بود و از نیم تاییار و هم هر روز
 حوالی عصر در هوا بر سرخوردگی و انقلاب بسیار
 شروع ببارندگی نمود مگر ک زیاد و باران شدید
 آمد بطوریکه در تمامی رودخانهها آب زیاد شد
 کرده و در کوهستان سیلاب جاری گردیده و بعضی
 از دماهای که در کوه پایها و نزدیک رودخانهها بود
 کبابش خرابی رسیده بود و در هنگام سیل خیز

از مردوزن را نیز سیلاب غرق و تلف کرده بود
 از جمله در دیرمولی و و نفر دختر را آب برده بود
 که یکی از آنها مفقود الاثر و از مرده و زنده او خبری
 ظاهر نشد و یکی دیگر کیسوش بد رحمت پیچیده و بند
 شده بود که بعد از فروکش کردن سیلاب مرده
 او را با نظر یافته بیرون آورده دفن کرده بودند
 قریه سرخانه هم یک نفر فالیزبان را از سرمان فالیز
 آب سیل پیش کرده برده بود که از مرده و زنده او خبر
 اثری ظاهر نشده است

و بیکر نوشته اند که از ایلات جاف که هر ساله تعدی
 و اجحاف بابل کردستان می شد امسال از اتمام
 مقرب انخاقان و الی تعدیات آنها بکلی موقوف جمعی
 از معتبرین آنها برسم کردی در نزد مقرب انخاقان
 مشارالیه هستند و باین واسطه دست قتل و اشرار
 ایل مزبور بکلی کوتاه گردیده و اهالی کردستان این
 مرحله در عین رفاه و آسودگی و شکرگذاری میباشند

و بیکر نوشته بودند که در نیم ماه شوال در جوانرود باران
 زیاد شده و کربلین را که داد و ستد عمده اهل آنجا
 از آن است بلامرسته و یاس کلی بجهت اهل آنجا از
 حاصل کربلین روی داده است و در پاده نیز که از
 محال جوانرود است مگر ک شدیدا آمده بوده است
 که هر دانه آن بد برشتی گردونی بوده است اگر چه
 چند آن طوبی مکشیده بود ولی در همین قلیل بد
 زیاد و با شجاری و میوه جات آنجا زده و بسیاری از شاخهای درخت

سمنان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نهایت
نیت و ارزانی در اینجا حاصل است و عالیجناب
ارعیان و مالی اینجا کمال حسن سلوک و رفتار را دارد
و رعایا از هر جهت اسوده و شکر گذارند

و یکم نوشته اند که عالیجناب علیخان که با سواره ابو اجمعه
خود ما مورخرسان بود در چهارم ماه شوال وارد
سمنان شده چون چادر بجهت آنها زد و یوان اعلی حواله
بآنجاشده بود سه چهار روز بجهت گرفتن چادر
توقف نموده و چادر را دریافت کرده روانه محل
شده اند در ایام توقف اینجا خلاف حسابی از آنها
نزد است و موافق قاعده حرکت کرده اند یک نفر
از سواره مزبور بدکان تهرانی رفته بود و بخیار
خریدن چند دانه انجیر خورده بود بقال با او نزاع
نموده و عالیجناب را الیه رفته عارض شده بود و او هم
آن سوار را خواسته و تنبیه مضبوطی کرده بود

و یکم نوشته اند که در سال قبل قدری سباب از خانه
شخصی برفت رفته و آنچه تفحص کرده بودند سارق
نشده بود و درین اوقات حضرت آن شخص را که اجمعه
اسباب سر و قه بود و در دست ابراسیم نام خاشاک
او دیده بودند او را بنزد نایب الحکومه بردند
بزرگان خوش و طایب او را با قرار آوردند آنچه از سباب
سر و قه موجود بود بینه مسترد کرده و آنچه فروخته بود
قیمت آنرا گرفته بجا بش تسلیم کرده بود

و یکم نوشته اند که مقرب انخافان ابوالفتح خان سرتیپ

فوج شقاقی که با فوج خود ما مورخرسان بود
در نهم ماه شوال وارد سمنان شده بود چون در روز
ورود در سربازان او قدری بخرمنهای رعایا دست
شده بود صاحبان خرمنها آمده عارض شدند و به
نیز آن سرباز را خواسته تنبیه نموده و قراول بر سر
خرمنها گذاشته بود که کسی از سربازان دست درازی
بجای عیت نکند و بهم چنین در دوازدهم ماه مزبور
مقرب انخافان پاشا خان سرتیپ افواج سمنان
و اصفهان وارد آنجا شده و در روز ورود صاحب
خرمنها دست و قدغن کرده بود که تا پانزدهم ماه مزبور
همچو سربازان را از دوات حول و حوش و بلوکات
حاضر نمایند که روایه هر اسان شوند روز دیگر
صاحب منصبان و سربازان خانه شهری یکی در
خارج شهر چادر زدند و سربازان دوات و بلوکات
هم معاقب و متوالی بآنها ملحق شده مقرب انخافان
پاشا خان اتمام زیاده و نظم آنها نموده و همه سربازان
و صاحب منصبان را خواسته و اقرارام از آنها
گرفته بود که اگر احدی از آنها در منازل عرض راه
بمحمول و میوه عیت دست درازی نماید یا بخلاف
حساب با احدی رفتار کند تنبیه نظامی شده
تومان جریمه بدهد و از منصب و نوکری معزول باشد
آنها نیز موافق اقرارامی که سپرده اند در کمال نظم
و بقاعده و قانون حرکت میکنند و از بیم جرم و
سیاست نظامی جرئت تعدی و حرکت خلاف حسابی
نبت با احدی ندارند

کرمان

از قرار که در روزنامه کرمان نوشته اند زوار
بسیار از آن ولایت بزیارت مشهد مقدس رفته بود
درین اوقات باو طمان خود صحیحاً سالماً مراجعت کرد
نهایتش که کداری از اینت طرق و شوارع داشته اند
که کمتر ایامی طریق کرمان بخراسان این قسم امن بود
که زوار و مترددین باین آسودگی و الطمینان بتوانند عبور
و مرور نمایند و مذکور میباشند که محض حصول این
که بجهت زوار فراغت و آسودگی میسرست در اوقات
توقف در ارض اقدس کل زوار همه روزه در روضه
مقدس رضویه علیه الف الثناء و التمجید متفقاً دست
بدعای وجود فایض اجداد اقدس بجا یون شامشاهی
بلند میکردند و بجهت حفظ و حراست زوار در راه لوت
امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
پناه نفر تفنگچی مخصوصاً معین کرده است که زوار را از
منازل مخوف آنجا باطمینان و آسودگی عبور و مرور بدهد
و نیز از قرار که نوشته اند زوار در مراجعت مذکور شده
بودند که در راه لوت حوضی بود که زوار از آنجا آب میبردند
و آب آنجا منحصراً بجان حوض بود در این اوقات حوض
منور خراب و پراز خاک و گل و خالی از آب است و بجهت
زوار و عابرین ازین حمله عسرت حاصل است امیرالامراء
سردار بعض استحضار آدمی بخصوص مأمور و به بلوک راه
وجه مخارج حوض منور را برآه کرده قرار داد که مقنی و غله
و چادر و سایر ملزومات آنچه در کار باشد با آنجا ببرد
حوض منور را پاک و تعمیر کرده پر آب نمایند که عابرین

ازین باب نیز آسود و خاطر باشد

دیگر نوشته بودند که فوج خلیج ابو اجمعی عالیجاه منسوب
شیخی خان سرتیپ با سواره چهار دوی که مأمور
کرمان بودند در این اوقات وارد آنجا شده اند و عالیجاه
رستم خان سرتیپ در دوازدهای شهر و ارک را که بقدر
فوج او برقرار بود بفرج خلیج سپرده خود با فوج فراگوزلو
در خارج شهر نقل مکان کرده چون قدری از سرباز
او نیز در ارک بم ساخلو بودند دعوض آنها نیز از فوج
خلیج مشخص شده روانه گردیدند که پس از وصول آنها
بارک بم بقیه فوج عالیجاه رستم خان از آنجا بکرمان
آمده باو ملحق شوند که بدار اختلاف مبارک که روانه گردید

فت
دیگر نوشته اند که امانی بلوکات از رویه و اسفند قهوه
بعض سردار رساندند که محصول آنها را از یک نوده
و بجای ضایع و تلف کرده است و ضرر فاحش با آنجا
آنجا رسیده است بطوریکه بقدر بذر آئینه محصول
ندارند عالیجاه محمد علیخان و چند نفر مقصدی و مقیز کرمان
حب الامر برسید کی این مراتب مأمور شده رفتند
رسید کی کردند فی الحقیقه ضرر زیاد ازین حمله بلوکات
منور به رسیده بود بعضی از اهل آنجا که بی بضاعت
بودند و قوه زراعت نداشتند امیرالامراء العظام
از خود بذر و غیره آنها را مساعدت کرده روانه
منوره بودند که از کار عیسی و زراعت خود باز نمانند
و مالیات بلوکات منور را علی احباب موقوفه احوال
داشته است تا بعض اولیای دولت قاهرین بجهت حق

آنها مذبذول شود

دیگر از قرار یک تیر اجناس کرمان را نوشته بود
در ماه گذشته از این قرار بوده است

کندم	یک خوار	سه تومان و نیم
جو	یک خوار	دو تومان
ارزن	یک خوار	هفده هزار و پانصد
برنج چپای از رونی	یک من	یک هزار و سیصد
برنج چپای فارسی	یک من	هفصد و سیصد
برنج سیسی	یک من	هفصد و سیصد
برنج شهری	یک من	ده شاهی
روغن	یک من	دویال
گوشت	یک من	هفصد و سیصد
کشک	یک من	هشتصد و سیصد
شیره	یک من	هزار و سیصد
قند ارسی	یک من	هشتصد
قند یزدی	یک من	ششصد
نبات	یک من	ششصد
شکر	یک من	چهار هزار

سایر اجناس ماکولات و غیره آنجا نیز بهین
مستقر بوده است

۱۴۸۸

واعیان خلعت های یون را استقبال نموده لوازم
توقیر و احترام را بجا آورده اند و در باغ غار شجر
زیب پیکر مغاخرت و مباحث خود کرده امالی و اعان
رسوم مبارک با دجل آورده صرف شربت شیرینی
نموده شهر مرا حجت کرده اند

دیگر نوشته اند که در باب اخذ مثال دیوانی بلوکات
کرمان امیر الامراء العظام سردار در هر حال رفاه و
آسودگی رعایا را منظور دارد و از جمله در بعضی بلوکات
همان که خداوریش سفید آنجا را خواسته و قرار داده
که بدون مطالبه و مزاحمت محصل مالیات خود را از
قرار قسط آورده تحویل بدهند و بعضی از بلوکات سرحد
و دور دست را که بدون ضابطه نمی شود ضابطه این
درست رفتار معین و مامور نموده است که بحسن سلوک
رعایا را از خود راضی داشته باشد و مراقب باشد
که کسی زیاده دتی و اجحاف بدگیری ننماید و همچنین کسانی
در سال گذشته ضابطه بلوکی بوده و بار رعایا حسیل
و رفتار سلوک داشته و رعیت آن بلوک از اذیت
بوده اند و در هذمه اسنه نیز همان ضابطه را بار همان
بلوک مامور نموده است و هر یک از ضابطه که در آن
گذشته بر رعیت زیاده دتی و اجحافی کرده بوده است
مقرر داشته است و در دفتر خانه عالیجاه میرزا شفیع
و مستوفیان کرمان رسیدگی کرده اند هر چه زیاده
کرده بوده است محصل گذاشته حکما از آن ضابطه
و بر رعیت تسلیم و او را از غل خود معزول کرده است رعایا از آن
زیاده دشا کرد و عاگوی دولت جاویدت علیه پیا
شدند

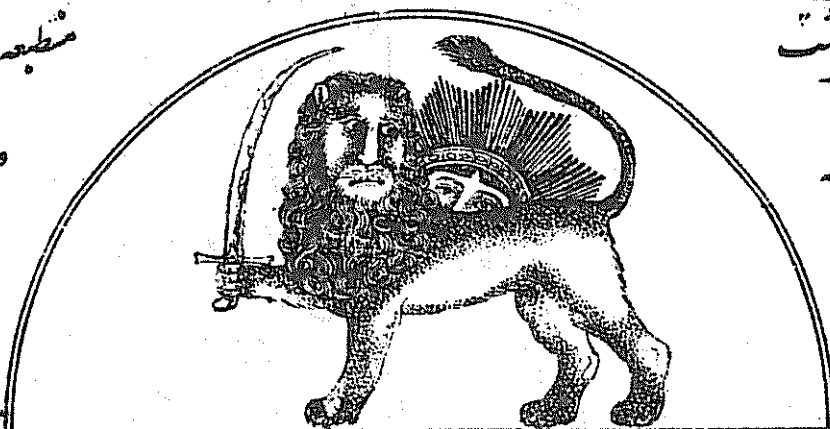
دیگر نوشته بودند که خلعت مهر طلعت های یون که از اجاب
سنی اسجوان بلوکانه بجهت امیر الامراء العظام محمد
سردار حکمران یزد و کرمان مرحمت شده بود در
چهارم ماه شوال با آنجا بر تو وصول افکنده بمقر آنجا
مشاریه با اتفاق جمعی از خوانین و مستوفیان و اعظم

روزنامه قایق آفتاب پنج پونجم سید محمد سید محمد آخرام مطاب سال نوین ۱۲۷۱

مطبعة دار اختلاف طهران

قیمت اعلانات

هر خطی شش



نزدیک بر وشت

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شبر

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

برکات حضرت آفتاب محاد دت نمودند از هزار گنج

اعلیحضرت اقدس شاهی از آن محل میلاق

از اردوی بهایون رسید بجهت خوبی و صفای افجه عید

که تشریف داشتند در روز ۲۲ ماه گذشته

اصحی را اعلیحضرت شاهی در آنجا تشریف دارند

حرکت بهمت پانین رودخانه لاریجیل موسوم به

وسلام عید در آنجا می شود و مقرر فرموده اند که اهل

فرموده دوسه روز در آنجا تشریف داشتند

واصحاب طرب و غیره بطوریکه سال گذشته در آنجا

باران شدیدی و بگرگ ریاد در شب بیت پنجم

حاضر شده بودند امسال در فریه افجه شرفیاب

آمد بطوریکه سیل از رودخانه و بعضی جا بهای

چون جناب جلالت آب موسیو بوره وزیر مختار

دیگر جاری کردید از آنجا موبک بهایون بفریه افجه

البحی مخصوص دولت قرانه از روز و روز دیگر

بجناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم تشریف فرما

دولت علیه ایران بکمال معقولیت و حسن رفتار

کرده و لوازم پای انداز و قربانی و پیشکش از جانب

مبارک اعلیحضرت اقدس شاهی را از خود بخشید

متعلقان جناب معظم لعل آمد چون خود جناب امجد ارفع

راضی ساخته در انعقاد عهدنامه دوستی و تجارتی

و جناب نظام الملک بر حسب اذن و اجازت اعلیحضرت

فیما بین دولتین و شکستین ایران و فریه نهایت اتمام

شاهی بجهت رسیدگی امور ولایتی و دیدن متعلقات

بعل آوردند و اعلیحضرت اقدس بهایون شاهی

اهل ولایت از میلاق لاریچند روز مرخص شده بودند

مجلس نور کرمت خاصه در حق جناب سزای اله و بجهت

رفته بودند در روز تشریف فرمائی موبک بهایون

۱۴۸۹

تشیه بنانی اتحاد دوستی و ولتین یک قطعه نشان
مکمل بالماس و شش بتمال مهرمال هاپون و حمل
آلی مخصوص درجه و مرتبه نشان مبارک که از اعظم
اجل ثنائی این دولت است بافتن جناب مغری
مرحمت و دو قطعه نشان شیر و خورشید یکی از مرتبه
دویم و ستاره دار بافتن رعالیجاه فحامت سراه
کنت و وکیو و دیگری از مرتبه دویم بدو ستاره
بافتن رعالیجاه مجد سراه موسیو نیکولا مترجم
اول سفارت عنایت گردید و نشانهای مبارک
روز چهارشنبه غزه ماه ذیحجه الحرام که عید تولد
امیرطورفرانس بود بصحابت عالیجاه میرزا ملکهم
و مترجم مخصوص دولت علیه ابلاغ شد که این مکرر
دلیلی واضح بر اتحاد و ولتین و استحکام روابط
دوستی جانیین بوده با وجناب وزیر مختار تمشال
مهرمال هاپون و صاحب مصبان مشارالیه نمایان
مبارک را در کمال توقیر و احترام در روز مژبور
که عید مولود اعلی حضرت امیرطورفرانس بود رین
بیکر مفاخرت خود ساخته احسن نیت و مراتب
یکجبتی اولیای این دولت نهایت امتنان را
حاصل نمودند

چون عالیجاه مقرب انخاقان عباسعلیخان بادکوبه
میرچ مدت هفت سال است که در رکاب هاپون
مشغول خدمت و جان نثاری بود درین روزها و در
از رکاب ظفر انتساب برخص و مامور آذربایجان گردید
رفته فوج امیریه را بصوابید مقرب انخاقان قائم مقام

گرفته برکاب مبارک میاورد و بجهت ظهور رحمت ملوکانه
یک قبضه شیر کل مرصع بشار الیه التفات شد که
سبب مزید مفاخرت او شده بکمال خوشحالی مشغول
انجام خدمت محوله بنجود باشد

و نیز نظر بطور مرحمت ملوکانه در حق مقرب انخاقان
و ملاحظه شایستگی و لیاقت عالیجاه بجهت انجوائین
ابر اسیم خان پسر ادمضرب سرسبکی فوج جید
امیریه را بعالیجاه ابراسیمخان حرمت و بکمال شوال
کرمانی خوب رسم با خلعت عنایت گردید

دارالخلافه طهران

امورات دارالخلافه مبارکه بهبه جهت قرین انتظام و با
سجده الله نهایت ارزانی و فراوانی است و بهر خبری
کمال و فور را دارد در شب پنجشنبه بیت و پنجم ماه که
در شهر دارالخلافه نیز باران شدیدی آمد لیکن
خرابی بجائی و اذیت بکسی نرسید و بالفعل هوا کی
دارالخلافه کمال خوبی و اعتدال را دارد و آب و طاب
شاهزاده و الاتبه را در شیر میرزا حکمران دارالخلافه
طهران و مقرب انخاقان میرزا موسی در دربار هاپون
و مقرب انخاقان میرزا ارمان بهر دیوانخانه مبارکه و
اقای نایب الصدر و عباس خان وکیل دیوانخانه و
میرزا عبد الرحیم مثنی باشی در دیوانخانه مبارکه و مقرب
محمد خان بیکر بیکی میرنجه و اغلب صاحب مصبان
نظام در عمارت باغ جناب شهرت احمد ارفع هم
صدر اعظم و مقرب انخاقان میرزا رحیم محصل کل سجات
و مستوفیان عظام در عمارت مژبور هر یک مشغول

انجام خدمات محو که بخود میباشند و همه روزه
عموم صاحب منصبان نظام بمنزل مقرب انخافان
محمود خان بیکر بیکدی و میر پنجه جمع شده هرامی که
داشته باشند اظهار کرده صورت انجام داد
میشود و امور نظامی در کمال نظم و قاعده است
و خلا فی اهل نظام نسبت بکسی سر نمیزند و اگر
بندرت از یکی خلا فی ظاهر شود همان ساعت
در جلوا حاق نظام تنبیه نظامی میشود
چون سببه گرمی هوا چندی مشق توپچیان و زربور
و افواج قاهره متوقف دارا خلا فیه مبارکه که حب
موقوف شده بود این روزها که شدت گرمی است
یافته و هوا اعتدال بهم رسیده و خوب شده
ارز و زبانه شنبه سلخ شهر ذی قعدة الحرام نبای
مشق گذاشته شده افواج قاهره از طلوع آفتاب
تا دو ساعت ارز و زبانه آمده همه روزه در میدان
مشق حاضر گشته مشق می نمایند
و هم چنین معین و متعلمین دارالفنون همه روزه در
و تعلم قواعد نظامیه از حربیه و طب و غیره کمال حسی
و اهتمام را بعلم می آورند
در یوم چهارشنبه غزه اینجاه که روز عید تولد علیحضرت
امپراطور فرانسه و در یامروز جناب جلالت تاب
موسیو پوره وزیر مختار و ایلمی مخصوص دولت
بهیته فرانسه و صاحب منصبان نشانی همتی
علیحضرت شاهی را آویزه بیکر مفاخرت خود
کرده بودند عالیجاه محمد حسن خان نایب شکیک آقا

باشی از جانب نواب مستطاب شاه هزاره اعظم کرم الله
و لعید دولت ایداره و مجموعه شیرینی و عالیجاه
محمود خان کلاتر از جانب نواب مستطاب شاه هزاره
والا تبار در شیر میرزا حکمران دارا خلا فیه طور ان
و توابع پنج مجموعه شیرینی بقریه رسم آباد که منزل
جناب مغزی الیه و صاحب منصبان سفارت
بود برده لوازم تهیت و مبارکباد را بعلم آورده
و جناب مغزی الیه نیز کمال معقولیت و امانت را
معمول داشتند
چون عالیجاه رنده الا کا بر ایچه خواجه الله پور دینی
ارمنی مراتب امانت و صداقت و درست کاری
خود را مرسوم و ملحوظ الیای دولت قاهره ساخته بود
درین اوقات حب الا شاره العلیه بمنصب تجار
تجار را رانده اذربایجان تبعه این دولت علیه سرافراز
و در ازای منصب مر بور خلفت هر طلعت ها یون نیز عالیجاه
مشار الیه محنت کرده که از روی کمال امانت کفایت مایه
محاسبات و داد و ستد تجار مر بور رسیدگی نماید
چند نفر از رها بای سید اسفان قزاقین مدبر بارها یون عا
شده بودند که برادر مارا حرنه کشته اند و نسبت قتل بر کسان
عالیجاه میرزا عبد الجواد شیخ الاسلام ابرود داده بودند
امنای دولت علیه محصلی از دیوانخانه مبارکه معین و تعلیق
بعید و مقرب انخافان حاجی حسنعلی خان پیکار قزوین صا
شده چهار نفر قاتلین را گرفته مدارا خلا فیه فرستاده و معلومه
که دغلی بجای شیخ الاسلام کسان نوشته مقرب انخافان میرزا
ابرود دیوانخانه آنها را داده در نظام محسوس کرده اند تا محکمان
نشد

سایر ولایات فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب
مویذ الدوله طهاسب میرزا حکمران مملکت فارس در
امر ولایت و انجام خدمات دیوانی کمال مراقبت و
مواظبت را بعمل می آورند و روزی یک ساعت از
بالا آمده الی یک ساعت از ظهر گذشته در دیوانخانه نشسته
بغیر این و مطالب مردم رسیدگی می نمایند و در
حال عموم اهل ولایت و اسودگی رعیت نهایت دقت
بعمل می آورند و همچنین در انتظام امر طرق و شوارع
و تعیین مستحفظ و قرا سوران قدغن اکیده نموده اند
که اسودگی و اطمینان بجهت عایرین و متردین حاصل
شود

دیگر نوشته اند که سرعت در شهر شیراز نسبت سابق
بسیار کم شده است درین اوقات دو نفر سارق
و سرکشی شده بودند بعضی نواب شاهزاده متوکل الله
رسیده حبس الحکم سیاست شدند و بواسطه
اتهام نواب معزی الیه در قلع و قمع سارقین اگر
در دوی باشد سر بر او پیه حمل کشیده جرئت سر
ندارد

دیگر نوشته اند که در شب بیست و هشتم ماه شوال
چهار ساعت و نیم از شب گذشته زلزله شدیدی
در شهر شیراز شد و لی بجهت اندک سیلابی و خرابی
سجائی نرسید

دیگر نوشته اند که حاجی محمد علی نام مشرف فوج
اصفا

بدفترخانه مبارکه آمده برات یکا به سیورسات ایام
شوال المکرم فوج اصفا فی را که از دفترخانه مبارکه
صادر نموده بود و مستوفیها داد و اظهار کرد که درین
در هر روزی دو باره من علق و شست من جیره علاوه بر
سیورسات فوج قلعه داده شده چنانچه عالیجناب
محمد ابراهیم خان سر تپ مطلع شود در مقام مواظبت
و تنبیه بر می آید مستوفیان نیز زیاده جیره و علق
از برایه مذکور برگردانده و مشار الیه راجع است
قلعی تحسین کرده بود

دیگر نوشته بودند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا
در انتظام امر لارستان و بندر عباس کمال سعی
و اهتمام را دارند عالیجنابان رضاقلیخان سر تپ فوج
عرب و مصطفی خان بستکی و باقرخان تنگستانی هر یک
با جمیع خود مشغول نظم امور صفحات بندر عباس
میشوند و در امر اسم ساحلوی و حفظ و حرارت
با وصف شدت کرمای آن صفحات کمال اهتمام
دارند

مقرب الخاقان عبداللہ خان صارم الدوله بافقو
ابو ابجحتی خود در دارالبحر و توقف دارد و بعد از حاجت
از بندر عباس اغلب سر باز و اهل اردوی مشار الیه
مریض بوده و بعضی هم تلف شده بوده اند بعد
ناخوشی از میان اردو رفع شده بوده است در
ثانی باز ناخوشی در میان آنها بر سیده و بعد در
پنجاه شصت نفر تلف شده اند و لی از قراریکه نوشته
بودند مقرب الخاقان رالیه سکنت جمیع خود در کمال نظام دارد

آذربایجان

افتراریکه در روزنامه این ولایت نوشته شد
از اتهامات نواب سبط شاهزاده والا بنار نصرالله
و مقرب الخاقان قایم مقام امور آنجا از هرجه و
انتظام و انضباط است و نوکر و رعیت مرز و محال
هر کس مشغول شغل و کار خود میباشند و خلایق
از کسی ناشی و صادر نمیشود

مقرب الخاقان قایم مقام افواج قاهره و سواره و
موقوف آذربایجان را بجهت دیدن سان و تعیین نیاز
و نقصان و رسیدن سایر اعمال ایشان به تبریز
موده بود

سواره شاطرا لخواحصار تبریز شد و مقرب الخاقان
قایم مقام سان آنها را دیده آنچه اسب بد داشته
عوض نموده و اع کرده اند و در رسم سوال روانه
خلخال گردیده اند که چند روزی در آنجا توقف کرد
بعد از پرداختن مستجاب شده روانه دربار
هایون شوند

فوج جدید مرانه ابوالجنتی مقرب الخاقان حسین شاه
سیرنج در مصر حدودی ساحلو بودند چون فوج ماکونی
مرخص خانه بودند و نصف فوج نهم ابوالجنتی عالیجاه
ابراهم آقا حیشه در خوی مستند بودند فوج مراغه
در آنجا گرد می نه است لهذا آنها به تبریز احضار شد
بعد از دادن سان مرخص خانه گردیدند چون عالیجاه
اسکندر خان سرشک فوج مرز و در انتظام امر فوج
اتهام کرده بود و مقرب الخاقان قایم مقام از جانب

اولیای دولت علیه یکتوب کلججه با و خلعت داده
همراه فوج مرز و در خصل خانه گردید

فوج اردبیل و شکیمن ابوالجنتی عالیجاه حسنعلی خان
به تبریز آمدند و بان آنها رسیدگی شده جدید
و بمصرف در میان آنها بسیار بود و اشخاصی که بجا
خدمت نمی آمدند و بی پا بودند مقرب الخاقان قایم
انهارا اخراج کرده و قدغن نمود که جوانان خوب پا
دا و او طلب بگیرند و چندی در تبریز بود و مشغول مشق
باشند معین نظام حسب الامر در میدان سربازخانه
مشغول مشق و ادان آنها باشند

تو پشیمان آذربایجان که موقوف خانه بودند طایفه
بطایفه از هر ولایتی که بودند به تبریز احضار شده
بان آنها نیز به وقت رسیدگی شد در میان آنها
هر چه بمصرف بود اخراج شد و آنچه با امور بودند بعد از
سان مرخص خانهای خود گردیدند که رفته مواجب
سه ماهه محلی را بپردازند بعد به تبریز آمده در اطلاق
نظام مواجب سه ماهه ثانی را نیز نقد دریافت کردند
روانه در بارهایون شوند

فوج مخبران شقاقی ابوالجنتی عالیجاه قاسم خان سیر
که قراول در ب خانه بودند سان دادند و بسیار
اراسته و بالظم بودند مقرب الخاقان قایم مقام
انهارا نیز مرخص خانه کرده فوج مهاباد را ابوالجنتی
آقا جان خان سرتب را که مدتی بود در خصل خانه و
مشق معاف بودند بقراولی در ب خانه معین نمود که
مشغول امر قراولی باشند

سواره قراچورلو ابوجحی مقرب انخاقان خجندی
میرینچ و سواره جمعی عالیجاه جوادخان نیزسان
مقرب انخاقان قایم مقام از هر که ام پنجاه سوار در
حوالی شهر قرا سوران تعیین نمود که این یکصد سوار
از قافلان که تاحلت پوشان همیشه در گردش
بوده مشغول حراست باشند

فوج دهم خوی ابوجحی عالیجاه خجندی خان بنک
که بر حسب حکم اولیای دولت قاهره احضار
بمایون شده بودند هنگام رسیدن حکم مزبور خود
عالیجاه خجندی خان در تبریز حضور داشته است
مقرب انخاقان قایم مقام حکم نوشت که موجب
سه ماهه محلی فوج مزبور را از محل خودشان برداشته
و بمش رالیه قدغن اکید درین باب نمود که برود
سه ماهه محلی آنها را عاید ساخته فوج را بر داشته
به تبریز بیاورد که سه ماهه ثانی را نیز در اطراف
وجه نقد دریافت کرده روانه دربار جهاندارش
شوند و بعالیجاه خجندی خان نیز تهنیه اتمام او در نظم
فوج مقرب انخاقان قایم مقام از جانب اولیای
دولت علیه کتب کلیه تر مخلص داده بود

فوج شقایق ابوجحی عالیجاه رحمت الله خان بنک
که حسب الامر مأمور گردستان بودند مقرب انخاقان
قایم مقام در اوقات غمیت در بارهای یون عرض
راه از منزل میانج حکم داده بود که موجب سه
محلی فوج مزبور را بر دازند این اوقات که حکم فتن
فوج بتاکید رسید چهار دسته از فوج مزبور بجهت

قراولی در تبریز بودند در اطاق نظام موجب سه
انهارا وجه نقد داده و بجهت شش دسته دیگر موجب
سه ماهه ثانی را وجه نقد مسرا یک نفر میرزا با
مشرف همان فوج روانه نمود چون اگر فوج مزبور
به تبریز آمده از آنجا روانه گردستان می شدند
طول می کشید قرار دادند در میانج وجه سه ماهه را
بآنها داده روانه گردستان نمایند در سیزدهم
ذیقعه تنخواه فوج مزبور را فرستاد

و همچنین فوج خلخال ابوجحی عالیجاه علی اکبر خان بنک
که مأمور خدمت میباشند مقرب انخاقان قایم مقام
نوید که آن نوشته است که موجب سه ماهه محلی آنها
از محل پرداخته و وجه سه ماهه سینه ماضیه فوج مزبور
نیز که وصول شده باستحضار عالیجاه اسمعیل خان
سر بنک توپخانه نایب الحکومه خلخال و میرزا نصر الله
مختار سربازان عاید دارند که حالت معطلی در مأمور
فوج مزبور نباشد

سواره فشار ابوجحی عالیجاه زمان خان در دهم
ذیقعه وارد تبریز شده اند مقرب انخاقان
قایم مقام در بالای باغ شمال بان آنها بدقت
رسیدگی نموده جمیع اسبان آنها را ملاحظه نموده
هر که ام بدو دند عوض نموده و داغ گرد و نهایت
دقت در راستگی سواره مزبوره نموده در پارت
مرخص شدند

سواره جوادخان و محمودخان چلبیانکو نیز درین
وارد تبریز شد این دو پاسبان آنها بوده است

والا تبار نصره الدوله اور بقصاص میزند دیگر نوشته اند که اسال زو از بیشتر از سالهای دیگر از تبریز و سایر ولایات آذربایجان بقیات عالمیات میروند و درین اوقات فوج فوج روان پیاستند	فوج ششم تبریزی ابوالنجبی عالیجاه محمد باقر خان سرمنک نیز در این اوقات وارد تبریز گردیده و بنا بوده است که سان آنها دیده شود ست
دیگر نوشته اند که در اوایل ماه ذی قعد هجری طیال فوج خاصه ابوطالب نامی را که چند سال قبل برادر او را کشته بود با خنجر زده بقتل رسانده ورفته و رسید خمر لبشین است	افواجی را که مقرب انخاقان قایم مقام سان یک نفر پیر و پمصرف در میان آنها یافت میشود ازین قبیل بوده اند اخراج کرده و آنچه کسر انواج بوده است قدغن اکید شده است که سرانجام خوب و او طلب بگیری و از جمیع صاحب مضبان و سرکرده و سر دسته گان التزام گرفته شده است که اگر
از قرار یک در روزنامه قزوین نوشته اند بجهت کمال امانت و ازرانی در این ولایت حاضر است و لو اب مستطاب شاهزاده والایا عبدالعزیز و مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان در انتظام امور در فاه حال عیب اتهام کامل دارند و علوم الهی ان ولایت در عین فراغت و آسودگی بدعا کوفی اقدس هایون شایقی اقدام دارند	یک نفر هم زده و شریک در میان فوج و دسته بهم برسد خود صاحب منصب انصاف معقول باشد حکام جزا آذربایجان که در تبریز بوده اند مقرب قایم مقام محض فرار عمل و زور راه انداختن آنها روز در باغ مرحوم نجفعلی خان بیکر سبکی رفته که قرار کار آنها را داده روانه کند
دیگر نوشته بودند که یک نفر بنده دوزا در محله شهر شب کشته بودند و آورده بخندق انداخته چند نفر در آن حوالی آب پیورده اند نشی در خندق دیده خون او را پر داشته سجانه کلاه دوزی رسانده که خدای آن محله را خبر کرده بودند که خدا او را همان کلاه دوز را باقیه خون او گرفته نزد مقرب قایم مقام او بردند مشارالیه منکرش گفته بود این مرد بابر او من که امر است ربطی داشت بر خود نکردم و او را کشته بیکم نواب مستطاب شاهزاده	دیگر نوشته بودند که یک نفر بنده دوزا در محله شهر شب کشته بودند و آورده بخندق انداخته چند نفر در آن حوالی آب پیورده اند نشی در خندق دیده خون او را پر داشته سجانه کلاه دوزی رسانده که خدای آن محله را خبر کرده بودند که خدا او را همان کلاه دوز را باقیه خون او گرفته نزد مقرب قایم مقام او بردند مشارالیه منکرش گفته بود این مرد بابر او من که امر است ربطی داشت بر خود نکردم و او را کشته بیکم نواب مستطاب شاهزاده

کروکس

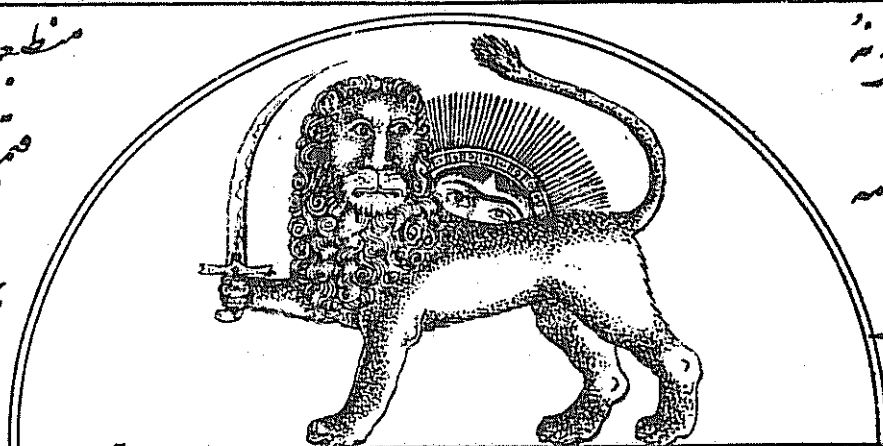
از قرار یک از این ولایت نوشته اند کمال اینست و دوزخ	انگور بیت من	دو هزار	۰۰۰۱
نعمت در اینجا حاصل است با این که اسال بجهت نیاید	یک من	یک هزار دینار	۰۰۰۰
باران در پاییز و بهار زراعت درستی شده بود و	چهار من	دو هزار و یکجای	۰۰۰۱
سباهای دیگر غله کم است باز کدو خرواری هفت هزار	یک من	دو هزار و یکجای	۰۰۰۱
دشت هزار و دوازده	چهار من	هشت هزار	۰۰۰۶
تغیر اجناس و اصلاح و طهران	چهار من	شش نبای	۰۰۰۱
کندم ساجبلانی	چهار من	پنج هزار	۰۰۰۶
کندم رزندی	یک من	دو تومان	۰۰۰۰
کندم دور شهر	یک من	شش هزار	۰۰۰۰
کندم و اینی	یک من	نه هزار	۰۰۰۰
جو	یک من	پنج هزار	۰۰۰۶
کاه	یک من	سه هزار و شش	۰۰۰۶
باقلا	یک من	دو تومان	۰۰۰۰
لوبیا	یک من	دو تومان و دوازده	۰۰۰۰
ماش	یک من	دو تومان و چهار	۰۰۰۰
سجودرسی	یک من	دو تومان و چهار	۰۰۰۰
ارزن	یک من	دو تومان	۰۰۰۰
نان	یک من	دو تومان و چهار	۰۰۰۰
شیره شهد	چهار من	دو هزار و شش	۰۰۰۰
کک	چهار من	شش نبای	۰۰۰۱
خرما	چهار من	سه هزار و یکجای	۰۰۰۱
کشک طعام	چهار من	چهار هزار	۰۰۰۰
خر بزم	چهار من	پنج هزار	۰۰۰۰
مندوانه	چهار من	سه هزار و یکجای	۰۰۰۱

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاح یوم شنبه در شهر نجف مطبوعه دارالخلافه طهران

مزه جیت و روت

قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده



منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پنج

اخبار واحد مملکت محروسه پادشاهی

تقدیم شکرانه و مبارکبادی عید اضحی را تهیت ب
آوردند

دارالخلافه طهران

در روز جمعه دهم که روز عید قربان بود نواب
مستطاب شاهزاده اعظم محترم والا تبار ولیعهد دولت
ابیدار بنیادت وجود فایض انجود هما یون بسلام
نشسته و اجرای شلیک توپ در خارج شهر گرد
اول شاهزادگان عظام که بنزد نواب مستطاب
شاهزاده والا تبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه
طهران و توابع آمده بودند بالاتفاق خدمت نواب
ولیعهد شرفیاب گردیدند بعد از آن مقربو الخاقان
محمد خان بیکر بیکی میرنجه و سایر میرنجهکان و صاحب
نظام و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه
با عالیجنابان محمود خان کلانتر و که خدایان و معارف
و اعیان شهر و سایر چاکران دیوانی شرفیاب گردیدند

اردوئی هما یون

در روز جمعه دهم این ماه که روز عید سعید اضحی
بود اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی در عمارت
قریه افجه متعلق بجناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم
بار سلام عام دادند جناب معظم و شاهزادگان
عظام و امنای دولت علیه و صاحب منصبان نظام
و سایر اهل سلام بعضی هم که در شهر بودند بزرگ
هما یون رفته هر یک در مرتبه و مقام خود پیش
حضور مبارک گردیده اجرای شلیک توپ و زنبور
بقانون سایر اعیاد شده عالیجا حلیب باشی
ادای خطبه بلیغ بنام هما یون اعلیحضرت شاهنشاهی
نموده و عالیجاه میرزا سر و شمس الشعرا قصیده
عزا که بجهت عید اضحی برشته نظم کشیده بود در حضور
مبارک عرض کرده مورد تحسین و التفات ملوکات
گردید و اقصین حضور مبارک سلامتی وجود فایض انجود

تسلیت عید را بعل آوردند و بعد از شرفیابی نواب
ساسان میرزا الله باشی و مقرب الخاقان میرزا علی
مستوفی لوازم احترام هر یک را موافق شان و
منظور داشتند

چند نفر در وزن در شهر مشغول بزرگی و خلاف شرع
بودند آنها را گرفته خدمت نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران
و توابع آوردند حسب احکام تنبیه مضبوطی شده از
شهر اخراج و هر یک بوطن اصلی خود فرستاده شد

باقی تمام رنجانی در میدان کاه فروشها دکان عطار
رفته بود سرفت نباید توسط میرزا بزرگ که چندان
دستگیر شده چون از دزدانهای مشهور و بکرات بزرگ
سرفت شده بود حسب احکام نواب شاهزاده بعد از تنبیه
سیاست مهار کرده در بازارها گردانده اخراج
بله کردند

محمد قاسم نام ترک پختومان میرزا خلیل بروجردی
قرض داده و اسبابی هم کرده گرفته بود درین اوقات
و عده تنخواه رسیده محمد قاسم منور سباب کرده
بر داشته با اتفاق شخصی بروجردی که واسطه بوده است
روانه خانه میرزا خلیل شده اند که تنخواه را دریافت
نمایند در بین راه حالت مشا را الیه بهم خورده و سر
بدیوار خورده و فرار کردند

مرحوم میرزا ابوالقاسم خان که از غنوبان جناب
اشرف اجداد رفیع صدر اعظم بود در نور حجت ایستاد
پسوسته نفس او را بدار الخلافه مبارکه آوردند و روز

ورود عالیجنابان محمود خان گلستانه و که خدایان و محافل
بیرون رفته با احترام تمام جنابزه او را آورده در پیش
مقرب الخاقان میرزا فتح الله شکرلوئیس باشی گذاشتند
در خانه مقرب الخاقان قایم مقام مجلس فاستحه برپا نمود
تا سه روز عالی واعیان دارالخلافه از وضع و شرف
و نوکر باب و غیره بجلوس فاستحه حاضر شده روز ششم
نواب مستطاب شاهزاده والا تبار اردشیر میرزا حکمران
دارالخلافه طهران و توابع با تنجاری رفته مجلس فاستحه پدید

چنانچه طاق از بازار نو قدیم سمت دکان علی یک قازی
که بعضی وقف مسجد شاه و بعضی مال اشخاص دیگر است
سگت خورده در کار خراب شدن بود مراتب بعض
نواب مستطاب شاهزاده والا تبار اردشیر میرزا حکمران
دارالخلافه طهران و توابع رسید مقرر داشتند که
صاحبان دکانین خراب کرده از نواب زند در

خراب نمودن طاقها فضا ان آقا برادر عالیجناب مقرب
میرزا رحیم پنجمت که در توپخانه صاحب منصب بود
شب در ارک کشیک داشته صبح بمنزل خود حجت
میشود از قضایای اتفاقیه معارف عبور مشا را الیه از بازار
منور طاق بر سر او فرو داده مکران او را خورده و
و همان ساعت تسلیم نمود یک نفر آدم او نیز در زیر
خرابی مانده بود بیرون آوردند و غیب نموده است

عالیجناب میرزا رحیم در خانه خود مجلس فاستحه خوانی برپا
نموده روز دوم چون روز عرفه بود مقرب الخاقان
میرزا موسی وزیر دارالخلافه از جانب نواب مستطاب

شاهزاده اعظم و الیاء و لیعهد دولت علیه و ثواب
مستطاب شاهزاده اردشیر میرزا با سخا رفقه مجلس

برجید امور اتقونی

تو چنان وز بنور کجیان و افواج قاهره متوقفین
مبارکه همه روزه از طلوع افتاب در میدان ارک
میدان شوق خارج در وازه دولت حاضر گشت مشغول
مشق میباشند و عموم صاحب منصبان کمال بر آ
در تعلیم قواعد نظامی دارند

در یوم چهارشنبه پانزدهم امیرالامرا، العظام
کل عا کر مضوره که بعد از ورود موکب بایون
بشهر آمده بود صبح روز مفرور بلاخطه قورخانه و جبهه
رفته بکارخانها و کارهای هر یک هر یک وقت و
رسیدگی نموده قرار انظام امر آنها را داده مرا
نمود

سواره نظام که مرض خانه بودند احضار و انخلافه
مبارکه شده حاضر گردیدند و سان دادند و همه روز
در بیرون در وازه دولت مشغول میگردیدند

۲

از قرار یک خبر از اردوی بایون رسید در روز
دوازدهم موکب فیروزیه کوکب از افجه حرکت
کرده یک شب هم در کنار رودخانه جاجرو توقف
فرموده روز دوشنبه را بنیاد و ان تشریف فرما
گردیدند و عید غدیر را نیز از قرار مذکور در آنجا
خواهند داشت

چون امسال عید قربان را اعلیحضرت شاهنشاهی
افجه تشریف داشتند حسب الامر مقرر شد که شتر
قربانی در آنجا نحر شود و عالیجاه محمود خان کلانتر
اصناف را که از هر صنفی یک اسب یورغه پالانی
و چند نفر پیاده چوب دار در پیش روی او و نقاره
در جلو سوار بقربانگاه رفته بعد از نحر شتر قربانی
عضومی از آنرا که سهم آن صنف است برداشته
روی مالهای خود گذاشته چوب داران پیش روی

انها افتاده از قربانگاه مراجعت می کنند امسال بهمان
ترتیب بقریه افجه برده نحر شتر قربانی را موافق معمول
در محلی که مسافتی تا عمارت و جای سلام داشت نمود
هر صنفی سهم خود را برداشته مراجعت کردند چون
عالیجاه محمود خان کلانتر در انظام آنها اتمام نموده
و بهتر از سالهای دیگر از عهد برآمده بود حدما
او مستحسن خاطر ملوکانه افتاده حسب الامر یک ثوب
ترمه لاکه کرمانی خوب بشا را لیه خلعت مرحمت کرد

سایر ولایات

هم از قرار یک در روزنامه قم نوشته اند امور ولایات
در کمال انظام است و از حسن مراقبت و موافقت
مقرب انخافان و والفقار خان نهایت رفاه و
از برای رعایا و امانی آنجا حاصل است و کسی
سرفت و شرارت و خلاف حساب ندارد و اگر
بندرت سرقی اتفاق بیفتد سارق دستگیر
تنبیه میشود و اموال سرورقه مسترد و بجا
و هم چنین در بیرون شهرها مستحقین در گردش

قزوین

از قرا که در روزنامه قزوین نوشته اند نوابش برادر
والا تبا عبد الصمد میرزا حکمران قزوین و مقرب الخاقان
حاجی حسنعلی خان پیشکار در انتظام امور ولایت و قضا
و اسود کی رعیت نهایت سعی و اهتمام را دارند
خصوصاً در آبادی ولایت و تنقیه قنوات قری و مزایع
از جمله قنات سکر آباد را که خرابی بهم رسانده بود
مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان معنی و آدم و سایر
فرستاده تنقیه خوبی نموده اند و آب زیاد از آنجا
جاری شده است بطوریکه از قرار صدین رعایا تا
بمال اینقدر آب زیاد از قنات منور جاری شده
بود و چون در سنوات سابق بجهت قلت آب در آن
در آنجا کم می شد امسال که آب آنجا زیاد شده است
مقرب الخاقان مشارالیه آدم بدست حول و حوش
فرستاده است که بجهت زراعت سبزه عوامل و آدم
امداد نموده بقدر کفایت در آنجا زراعت نمایند
اینمخی سبب از دیاد شکر گذاری و دعا گوئی رعایا
گردیده است

دیگر نوشته اند که رضا خان نامی آدم آقا محمد جعفر لیس
از قریه آقا بابا بجهت معنی بشهر آمده در کار و انصرافی حاجی
از آقا محمد تقی نام سقط فروش قند و چای خرید و در
حوز جین گذاشته و بالتفک خود بدست آقا محمد تقی
سپرده بود که بیازار رفته سایر کارهای خود را
صورت انجام داده بیاورد و روانه شود بعد از مراجعت
از بازار حوز جین را گرفته برکاسب بسته و لشکر را

۱۵۰۰

خواسته بود آقا محمد تقی لشکر را از طرف ته قند
بدست او داده بود و بعضی رسیدن دست او به قند
لشکر در رفته و کلوله به آقا محمد تقی گرفته مقبول شده است
و رضا خان قاتل محبوبس است که اگر معلوم شود
بعد از کتب قتل شده باشد بقانون شریعت مطهره
قصاص شود یا بدیهه امر او را با ویرانه مقبول بگذرانند
دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان
هر روز از طلوع صبح الی غروب در عمارت باغ
نشینند بفرایض و مطالب مردم کمال دقت و غور
مینمایند و در انجام مهلت دیوانی نهایت اهتمام مبذول
میدارند و بعضی بهر کی که سابقاً در آن ولایت بود
حالا بکلی موقوف شده است از جمله قمارخانه قزوین
و رجز و عمل و اروجی شصت تومان در سال اجازه بدست
و باین واسطه الواط و او باش بر ملا قمار بازی میکردند
و احیاناً در خانهای مردم نیز باین سبب سرقه افشا
می افتاد و مقرب الخاقان مشارالیه شصت تومان را
از خود تخفیف داده و عمل قمار بازی را موقوف کرده
و قدغن نموده است که اگر کسی مرکب قمار بازی بشود
مورد مواخذة و سیاست باشد و از آنوقت که
این عمل موقوف شده است مالی آن ولایت نهایت
اسود کی و شکر گذاری دارند

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان مشارالیه در انتظام
امور طرق و شوارع نهایت سعی و اهتمام را دارد و در
اوقات فراغت و استراحت با خواسته و التزم گرفته است
که اگر مال کسی در راهها سرقه برود آنها از عهده برآیند

میرد

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته اند از اجتماعات مقرب الخاقان
محمد یوسف خان سر قیپ نایب الحکومه یزد امور انولات
قرین انتظام و انضباط است و رعایا و برادر کمال
فراغت و آسودگی مشغول عیشتی و کار و کسب خود و عا
دات اقدس هایون شاهنشاهی میباشند و خلاف
قاعده از کسی ناشی و صادر نمی شود امر حراست و مستحق
شهر و محلات بعد از سر باران فوج جدید کرمانی الی
عالیجا میرزا کوچک خان سر بنک است و شبها
در سر گذر و محلات شهر مشغول قراولی میباشند
و باین واسطه کسی نمیتواند مرتکب سرقت و تشرارت
و خلاف حساب بشود و عموم مالی انولات از حصول
رفاه و امنیت کمال امیدواری و شکر گذار می
دارند

چون در منازل عرض راه یزد آذوقه و اجناس را
بنرخ کران بجا برین و متر دین می فروخته اند و بجهت
این حسله عسرتی حاصل میشد است مقرب الخاقان
محمد یوسف خان بحسب حکم دیوان اعلی دیرین باب
قدغن اکید کرده و التزام گرفته است که در منازل
مربور زیاده از نرخ آبادیه اگر جنس بجا برین و
متر دین بفروشد مورد هواخذ و جریمه باشند و
زیاده اهتمام درین خصوص نموده قوافل و راهگذر
باین سبب کمال شکر گذاری و آسودگی را دارند

و یکر نوشته اند که از خانه شخصی یک مجری سرقه

بودند صاحب مال آمده مراتب را بعرض مقرب الخاقان
محمد یوسف خان رسانده و سبب لغی کزاف او
نموده بود که در مجری بوده است مقرب الخاقان
بدار و غنه و کدخدایان قدغن اکید کرده بود که حکما
سارق بدست بیاید و مال مسروقه پیدا شود آنها
نیز در مقام تفحص بوده اند همان روز چهار نفر سر بار
از کنار خندق مسکند شده اند مجری شکسته یافته
بودند درین بین آدمهای دار و غنه رسیده سر بار
گرفته با مجری نیز مقرب الخاقان مشارالیه آورده
بودند تا ریانند ریاد با نهان زده و مطالبه مال را کرده
بود گفته بودند ما از مال خبر نداریم این مجری را گستا
در خندق یافته ایم گفته بودند آنها را بجهت برده بودند
شخص سارقی که چند وقت قبل دستگیر شده و
حبس بود بحال سر بار که بی خبر از وجه مسروقه
بودند ترجمه نموده گفته بود که من و زو این مال را نمی
حین نامی است یزدی در فلان محله فرستاده او را
آورده بودند معلوم شده بود که چند دفعه سم زد
کرده بود و گرفته بودند بعد از تنبیه مرخص کرده اند
در باب این مجری تحقیق کرده بودند گفته بود مجری را
من برده ام و دو هزاره تومان وجه نقد در میان او
بود و دفن کرده ام آدم همراه او فرستادند تنخواه
آورده بصاحبش رد کردند و دزور اقبیه و سیات
نموده اخراج بلد کرده سر بار که بی قصیر تازان
خورده بودند آورده بتلافی صدمه و اذیت بانها
و نوازش کرده بود

دیگر نوشته بودند که سه چهار نفر اطفال کوچک بسن
هفت شش ساله در صحرای مشغول شترچرانی بوده اند
و با هم بازی میکردند انداز راه شوخی بازوئی
بهم راستی بسته بودند درین بین شتر رم خورده
حرکت کرده بازوی آن طفل از گت جدا شده
بود

از قراریکه تعبیر اجناس و ماکولات یزد در نوشته
بودند در ماه گذشته و یقیناً بحرام ازین قرار
بود است

کندم	یکخوار	سه تومان و شش هزار
جو	یکخوار	دو تومان و چهار هزار
گاه	یکخوار	شش هزار
هیزم	یکخوار	شش هزار
گوشت	یکمن	پار و پشای
برنج چپا	یکمن	هزار و دینار
قد	یکمن	چهار هزار و پانصد
روغن	یکمن	سه هزار
غیر شور	یکمن	هزار دینار

سایر اجناس نیز باین مطلق تعبیر داشته است

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا کوچک خان
در انتظام امر سرباز و مشق آنها نهایت اهتمام
دارد و روزهای هفته را با اهتمام تشریف کرده است
در میدان مارنج قلعه مشق می کنند و در مشق مهارت
تمام بهم رسانده اند و در رساندن جیره آنها تمام

زیاد دارد و در اول هر ماه در دیوانخانه سرباز را
حاضر کرده در حضور مقرب انخاقان محمد یوسف خان
جیره آنها را فردا فردا میرساند و سرباز را در کمال
انتظام حسن سلوک با مالی آنها رفتار مینمایند
و خلاف نظامی از هیچیک از آنها ناشی و صادر نمیشود
کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیرالامرا
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در انتظام
امرولات و رفاه و آسودگی نوکر و رعیت و انجام
خدمات دیوانی اهتمامات کافی معمول میدارد و بهم
در انتظام امر طرق و شوارع قدغن آید کرده و مستحق
و قراول در هر جا که داشته است که مشغول حفظ و حرا
باشند و عابرین با اطمینان و خاطر جمعی عبور و مرور
نمایند

چون حب الامر امنای دولت علیه مقرر شده بود
که چاپارخانه های ممالک محروسه در همه جا ساخته
تعمیر شود از جمله چاپارخانه های کرمان را امیرالامرا
سردار بحصول آگاهی و ورو و محمد جعفر بیک چاپار حکم
نوشته و آدم روانه کرده است که از کرمان الی آخر
خاک یزد آنچه چاپارخانه ها تعمیر لازم داشته باشد
در کمال خوبی و استحکام تعمیر کرده بضابط چاپاران
سپرده قبض رسید از آنها دریافت کرده بدر بار
جانبدارتایون بفرستد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و نهم ماه رجب الحرام مطابق سال ۱۲۷۱

نزد دولت و عهد

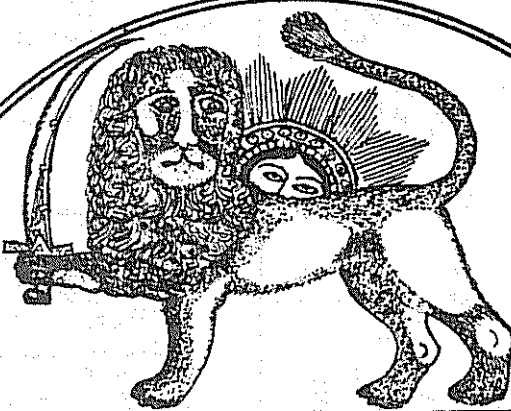
قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده

منطبعة دار الخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط یک



اخبار داخله ممالک محروسه شاهنشاهی

اردوی هالیون

در روز پنجشنبه این ماه که روز عید غدیر و آخرت اعیان و عظمی است و دولت علیه است و قوت شوکت شاهنشاهی در عمارت نیوران بار سلام عام دادند جناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم شاهزادگان عظام و سایر ائمه دولت علیه و مقر بان حضرت کرد و ولایت سینه و صاحب منصبان نظام و خوانین عظام و عموم چاکران در بار سپهر احتشام شرفیاب حضور مبارک گردیده هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شلیک توپ و زنبورک تقالو معموله گردیده یکصد و ده تیر توپ بجهت تسنیت شلیک شده و ادای خطبه بلیغ در حضور مبارک بنام جناب ولایت مآب علی ابن ابیطالب علیه السلام

گردیده بدعای بقای وجود فایض ابجد هالیون ختم شده و عالیجاه میرزا سر و ششمین شاعر قصیده غزلی که بجهت عید غدیر برشته نظم کشیده بود در حضور مبارک عرض کرده موقع قبول و استجواب یافته و اربعین موقوف حضور مبارک از عنایات ملوکانه بهره مند گشته سلام عام منقضی گردیده چون توقیر و احترام جانب علمای اعلام و فقهاء همواره اوقات منوطاً بر اقدس هالیون شاهنشاهی از جمله جناب حاجی ملا محمد مجتهد کاشانی که بزیارت ارض اقدس رفته و معاودت بدر بار هالیون نموده در نیوران شرفیاب حضور مبارک و مورد تفقدات ملوکانه شده بودند و روز عید غدیر علی حضرت شاهنشاهی بیارزدید جناب مشاور الیه که

در عمارت جناب اشرف امجدارفع انجمن صدر اعظم منزل داشت تشریف فرما کردید لوازم و احترام او را بعل آورده بکثوب عباسی ترمه بجاه توان وجه نقد بخود جناب شایه و بدین موجب

جناب آقا سید احمد مددی
عالم رضا و وجه نقد
طافه پنجاه تومان
عجای ترمه و وجه نقد
توب پنجاه تومان
در وجه همران جناب شایه
وجه نقد پنجاه تومان

و انعام بهرمان او محبت فرمودند و از جناب اشرف امجدارفع انجمن صدر اعظم و جناب هم لوازم تعارفات در حق آنها بعل آمد مقتضی رخصت انصاف از موکب هایون بکاشان حاصل نموده در روز یکشنبه که جناب اشرف امجدارفع صدر ابدار امخلا فدی آمدند جناب شایه هم سیرایشان بدار امخلا فدی مبارکه آمدند که روانه وطن شوند

چون خاطر مظهر اعلی حضرت قدر قدرت اندیش هایون شایه سواره در ابداع و اختراع در طلبه امور تصرفات بدعت که هیچیک از ملوک ماضی را اینگونه جودت ذهن و استقامت تلیقه دست نداده من

چندی قبل بمقرب انخاقان آقا محمد حسن صندوق دار خان جواهر نسیه خاصه پادشاهی حکم شده بود که کل کمری بالما سهای بر لیانت که در صفت زر کمری حسن بر

وسبکی وزن و سنگینی قیمت از سایر کل کمرهای پادشاهی امتیاز داشته باشد با تمام رساند مقرب انخاقان شایه اهتمامی تمام در این باب نموده با ستادی استاذ زر کمری موافق فرمایش اعلی حضرت شایه کل کمر بر لور

در مدت چند ماه در کمال خوبی و امتیاز با تمام رسانید و در روز عید غدیر که در آن روز زر کمر دین احمدی قیمت اسلام را راسه بود در قصر نیاوران بنظر کیمیا اشراف زر کمر بر لور مورد تحسین انعام و خلعت شایسته از جانب سنی ابجواب هایون کردید از قرار که قیمت او را حسب الامر معین نمودند بمبلغ دویست هزار تومان با تمام رسانید

چون عالیجا میرزا علی اکبر اجودان باشی توپخانه مبارکه در خدمات محوله مراتب اتهامات و صداقت و راستی خود را ظاهر ساخته و مقرب انخاقان فضا ن آقا میر خجه توپخانه مبارکه رضامندی از حسن خدمتگذاری او داشت لهذا بربط طبق استدعای مقرب انخاقان شایه استای دولت قاهره حب الاشارة العلیه مبلغ یکصد و بیست و پنج تومان و افروده و تحویل داری کل توپخانه مبارکه و اصطبل توپخانه مبارکه را بعالیجا شایه واکده فرمودند

چون عالیجا نصر الله خان سرهنگ زنبورکخانه مبارکه در عید اضحی و عید غدیر و جشن بازی آخچه زنبورکچیان بارده بیون برده و خوشبلیک کرده بودند لهذا یکم شال لاکه خوب شایه

۱۵۰۴

خلعت و وجه نقد به زنبور کچیان بر رسم انعام محبت
کردید

و هم چنین عالیجاه الله خان سرمنک قورخانه
مبارک و قورخانچیان او اسباب آتش بازی باخچه
و خوب آتش بازی کرده بودند یک طاقه شال کشمیری
بعالیجاه مشارالیه خلعت و وجه نقد بقورخانچیان
آتش بازی کرده بودند انعام فرمود

و از آنجمله طهران

در روز یکشنبه نوزدهم جناب امجد اشرف ارفع
افخم صدر اعظم بجهت رسیدگی امور قورخانه مبارک
وجه خاها و بنایشهای عمارات مبارکات و سایر
دیوانی از نیادران بشهر آمدند اولاً بنائی سر در
نکارستان و سایر جایهای انجار را ملاحظه و بدقت
نموده بعد از آن بیاض نظامیه آمده ساعتی در آنجا
وقت عصر بخانه مقرب انخاقان قایم رفتند و بجهت
مرحوم میرزا ابوالقاسم خان دلجوئی از متعلقان
کرده بعد از آن بخانه مقرب انخاقان میرزا فتح الله
که مکر مزاج داشت رفته عیادت نمودند و شب را
بیاض نظامیه کردند و روز دوشنبه بشهر آمده خرابی
متصل مسجد شاه را ملاحظه کرده قرار ساختن انجار دادند
و از آنجا بقورخانها و جبهه خاها آمد و جمیع کارخانها
سرکشی نموده و بکار هر یک از اصناف بدقت تمام
رسیدگی نموده نمونه از هر اسبابی که در کارخانهاست

بودند بر داشته مقرب انخاقان حاجب الدوله
که بنظر اقدس همایون شاهنشاهی برساند و با حاد
افراد استادان کار و از باب صنایع نهایت التفات
نموده پس از تماشای جمیع کارخانها بکارخانه خالصه
رفته در آنجا با امیرالامرا العظام سردار کل نشستند و
مباشرتین قورخانها و جبهه خاها را احضار و رسیدن
تخواه قط هر یک را سؤال و تحقیق نمودند و معلوم شد
که قط هر یک تمام و کمال رسیده است و در گرفتار
کار از مباشرین و تحویل دادن بعالیجاه حاجی موسی
کمال تاکید و سفارش را بمقرب انخاقان کلب حسین خان
سرتیپ نمودند که ماه باده مطابق قطی که معین شده است
اسباب بدون عیب و نقص از مباشرین گرفته بجهت
انبار نماید بعد از فراغت از امور انجا به بازارچه جدید
شهر اکتی مقرب انخاقان حاجب الدوله و عالیجاه محمود خان
کلاتر آمده تماشا نموده قرار دستور العمل انجار دادند
و بعد از آن ببارزید بنایشها و تعمیرات ارک مبارک که از
قبیل و قورخانه و توخانه و دیوانخانه بزرگ و عمارات
باغ و کلاه فرنگی و حوض بزرگ و بنائی و تعمیرات
اندرونی و عمارات پشت تخته پل جدید هر یک هر یک
بدقت رسیدگی و تاکیدات اکیده و اتمام آنها نموده
از آنجا بکاخ کورخانه پروین شهر رفته تاحیاه ضاع و
بنائی انجار را ملاحظه کردند بعد از فراغت از این امور سه ساعت بجهت
بنیاداران سایر ولایات روانه گردیدند

کرمان

کاشان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امور
انولایت از بهر حجت و بهر حقیقت منظم و مستقیم است
امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد
و کرمان در خالصه سعدی خارج شهر بوده است
و بنا بوده است که بجهه ماه محرم بشهر بیاید مقرب
عبداللہ خان میرنچ نیز در خارج شهر نقل مکان کرد
اراده ما کو داشته و بنا بوده است که در دویم
ماه ذیحجه از آنجا حرکت نماید از قراریکه خبر از راه
جنبیص رسیده بود جمعیتی از بلوچ بجهه دست اندازی
از آن راه گذشته بودند اندامیرالامرا العظام
سردار بخش احتضار احکام موکد بهمین منزل فرستاده
بود که قراولان و مستحقین در هر جا با استعداد
و جمعیت آماده و خبردار باشند و اگر از آن فرقه
خبری بشود و احتیاج بجمعیت باشد رود خبر بفرستند
که امداد برای آنها روانه نمایند
دیگر نوشته بودند که چون سال تجار از هر جانی و ج
نقد فرستاده بودند که کورک خرداری نمایند بجهه
کورک در کرمان ترقی کرده بجهه شالبا فهای کرمان
حتی رتی حاصل می شد امیرالامرا العظام سردار
درین باب قدغن نموده و احکام بجل بلوکات فرستاده
بود که کورک نجارج نفر و شدند و بکرمان بیاورند
که کارشال با فهای کرمان از رونق و رواج نیفتد

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته بودند
در آران و بیدکل چند وقت پیش ازین ناحوشی
و بابر و زکرده و بقدر یکصد و پنجاه نفر ازین ناحوشی
تلف شده بودند و مردم ازین حمله زیاده شوش
بوده اند لکن از تفصیلات خداوندی چند روایت
که بکلی رفع گردیده و اثری باقی نمانده است و
همه مردم آسوده خاطر گردیده هر کس بکار و کسب
خود مشغول میباشد

دیگر نوشته بودند که صفنامی که بذری و شرارت
مشهور بوده است در روز روشن شخص سیدی
و مرد صراف را زخم زده بود خواسته بودند او را
بگیرند فرار کرده با نام زاده پشت مشهد به بستی رفته بود
حالیچاه محمد حسن خان حاکم کاشان نیز در جناب
آقا سید مهدی پشت مشهدی فرستاده او را
خواسته بود جناب مشایخ را ایسم چند نفر آدم
فرستاده فرستاده همان صفنام را بدارت یار
دستگیر کرده بنزد حاکم فرستاده حاکم او را بجهه
نموده چون از اشعار مشهور انولایت است او را در
محبوس کرده و مراتب را با ولایای دولت علیه
عرض نموده است تا به آنچه حکم از دربارهایون
در باب شالبا فهای صادر شود حاکم در آنجا از آن
رفتار نماید

استراداد

از قرار که در روزنامه استراداد نوشته اند امور
الولایت احسن مراقبت متب انخاقان محمد و لجان
بیکری یکی قرین انتظام است خود متب انخاقان مشایخ
بجهت انتظام امر طایف ترکمان و وصول مالیات انخا
در میان کوکلان است و تا دهم ذیحجه احرام نور
نگرده بوده است عالیجاه محمد جعفر خان پسر بیابا
در استراداد مراقب انتظام امر ولایت و انجام حدا

دیوانی است

در هفتم ماه ذیحجه احرام از قرار که نوشته بودند
باران بسیار شدیدی از وقت ظهر تا حوالی عصر
آمد بطوریکه در اندک مدت راه آمد و رفت از اغلب
جایها آب گرفت و ده پانزده خانه را خراب کرد
بروج و بدنه شهر نیز قدری خرابی رسانده بود
دیگر نوشته بودند که در نوزدهم ذیحجه بقدریکصد
پنجاه نفر از طایفه ضاله آتابای ترکمان بنا بر عداوتی که
با عالیجاه قلیخان یوزباشی دارند بغرم تاخت و تار
اطراف شهر استراداد آمده کاوهای شهر را پیش کرده
بودند و در مراجعت علما و سیدان سیر جمعی عالیجاه محمد جعفر خان
که در نواحی شهر مشغول قراولی بوده اند سر راه با آنها گرفته
و چون جمعیت قراولان زیاد از چهل و پنجاه نفر بوده است
آدمی نیز عالیجاه محمد جعفر خان بجهت اخبار و استداد فرستاد
بودند عالیجاه مشایخ نیز فوراً مستحفظین بروج و دروا
بآمد و فرستاده خود نیز بیرون آمده بعد از وصول
مستحفظین پیاده سواره سیر جری شده و سوارگان

حکله و رو پنجاه نفر از آنها را بتیر کلوله روانه سفر کرده یکس
اسب هم از آنها بدست مستحفظین پیاده افتاده باقی چاره
بجز فرار ندیده همین قدر توانسته بودند که زخمی از خود
تبرک کشیده دست از کاو و ما برداشته مخد و لا و
با کمال خواری فراری شده بودند

و همچنین در شب بیست و یکم ذیحجه سوار بسیاری از
طایفه مزبور آمده در نزدیکی قلعه محمود کین کرده بودند
فرزادی آن شب قریب بظهر بقبله مزبوره تاخت آورده
عالیجاه قلیخان یوزباشی نیز با سواره و استداد خود مقابل
و مقابل شتافته سواره ترکمان صرفه در جنگ ندیده
بی نیل مقصود مراجعت کرده اند

و همچنین در بیست و سیم ماه مزبور باز یکصد و پنجاه نفر
سوار از همان طایفه بخیر بقریه قلی آباد تاخته کاو و رزمه
مزبوره را زانده دو نفر مرد و زن نیز اسیر کرده بودند
ملک اسمعیل عموی قلیخان یوزباشی که کدخدای انجاست با
پیاده و ایلجاری خود آنها را تعاقب کرده بود سواره
ترکمان نیز بکثرت عدت خود و قوت جمعیت از الیه مغرور شده
بر گردیده دندان طمع تیر و مشول تیر و او نیز شده بودند
بعد از نزد و خورد و کیر و دار ملک اسمعیل بر آنها فائق آمده
و نیزه سر و شش ریس اسب از آنها بدست آورده
و چنانچه نیز زخمی نموده و نفر اسیر را نیز سترده کرده
سواره ترکمان کاو و رزمه را بجا گذاشته جان خود را
بدر برده بودند

و هم در آن اوقات سواره بسیار از ترکمان مزبور بغرم
تاخت فوج برد آمده بودند چون عالیجاه محمد علیخان بسب

اینکه چند وقت پیش ازین از اسب افتاده بود هنوز نایب
 میباش سواره نر بوریان واسطه قدم جرتش گذاشته
 طایفه حاجی و بلوچ که بزراعت و قراولی انجامشوند
 بقدم محاربه پیش رفته بنای تیراندازی و زد و خورد
 گذاشته بودند چون کل سوار در بسق و قلی و رسیدن
 جنگ بوده اند لکچی حاجی و بلوچ جری شده بانها
 رور آور و سواره نر بوره نیز توشن کریر است بسق
 سبک عنان کرده تا بچین گاه رسیده مابقی سواره
 بسق بیرون آمده لکچیان بعد از مشاهده این حال
 یکجا جمع شده محصور گردیده اند چون از آبائی یا
 دور بوده اند و رسیدن آمد و قدری طول کشیده
 بود چهار نفر از آن لکچیان از عدم تجربه و شدت و
 بنجیل فرار از میان جمعیت خارج شده بودند سواره
 پی باین معنی بر جمعیتی فرستاده از بیراهه آنها را جلو
 و یکی را مقتول و یکی را زخمی و دو نفر را دستگیر کرده
 مابقی لکچی در هاجنای ثبات فشرده خود داری نمود
 بودند و ترکمانان نتوانسته بودند ملک جمعیت آنها
 از هم بپاشند تا اینکه علامات امداد از اطراف نمایان
 شده سواره ترکمان مایوس از پیشرفت کار و
 از مجادله برداشته مراجعت کرده بودند
 دیگر نوشته بودند که چون طایفه اتابای ترکمان درین
 اوقات زیاده هرزگی می نمایند عالیجاه محمد جعفر خان
 نایب الحکومه مراقبت تام در حفظ و حراست معابر و قراول
 و قراول خانها دارد و جمیع سرکردگان و مستحقین
 قدغن کرده است که با جمعیت و استعداد خود همیشه آماده
 و از اطراف خبردار باشند و انانیر کمال اتمام را
 هر کدام و حفظ سمت و سامان خود بجل می آورند
 از جمله عالیجاه احمد علیخان سرکرده پیاده استرآباد
 رستاقی که سکرا و نزدیکی او به ترکمان و قریب
 بد و فرسخ از آبادی دور است چه در غیاب عالیجاه
 بشار الیه که در کوکلان مشغول خدمت بوده و چه این
 اوقات که خود در سر سکرا نر بوریان است همیشه امر محار
 بنج کمال انتظام داشته است چنانچه بکرات از طایفه
 ضاله ترکمان جمعیت بجهت اینکه اگر بتوانند سکرا نر بوریان
 اش بزنند یا اسبهای با خلوص و مستحق انجام برسانند
 آمده اند و هر وقت که آمده اند از دست مستحقین سکرا
 بلنج یافته اسب و آدم از آنها زده شده بی نیل مقصود
 مراجعت کرده اند عالیجاه احمد علیخان از راه کمال
 و که خدایتی که دارد درین اوقات بارش سفیدان
 و که خدایان طایفه نر بوره طرح مراد و ریخته است که
 کافی سابق در مقام ایل و انقیاد برآمده دست
 اقبال و غان ترمز از چپا و ل زاحی کشیده و از نیکو
 در صد و تصنیع و تلف اسب و آدم خود بر نیاند تا
 مراجعت مقرب الخاقان محمد و لیخان بیکر بسکی از کوکلان
 قراری در کار آنها داده شود که رفع کدورتی که قیامین
 آنها و عالیجاه قلیخان یوزباشی حادث شده است
 گردیده امر آنها بطور اصلاح بگذرد و ریش سفیدان
 طایفه نر بوره نیز متحد گردیده و در مقام استقامت و
 اطمینان انکروه برآمده از تاخت و تاز مخالفت کرده اند
 از آنوقت دیگر از آنها خبری نیست

بروجرد

قلعه مشغول مشق میباشند و صاحب نصیبان
آنها نهایت مراقبت را در مشق و انتظام امر آنها
دارند

از قرار یک در روزنامه بروجرد نوشته اند کمال آشتی
در انولایت حاصل و امالی و رعایا نهایت رفاه
و آسودگی را دارند و امور انولایت از حسن مراقبت
و اهتمامات نواب استطاب شاهزاده و الایثار^{جیش الدوله}
خان میرزا حکمران بروجرد بختیاری و عربستان
و لرستان از هر جهت قرین انتظام و انضباط است

فوج عالیجاه مقرب انخافان و لیجان سیلاخوری
که مأمور عربستان بودند تدارکات آنها بجهت
از طلبوس و مواجب ششماه و سایر ملزومات
دید شده در اول ماه ذیحجه احضار بروجرد شد
که منکام حرکت بفرع عربستان در کار آنها هیچ وجه
معطلی نباشد احاد و افراد فوج مزبور را درین
سال نواب شاهزاده حشام الدوله خود وقت
رسیدی کی نموده و نظام و رستی در کار آنها کمال

چهار عزا به توپ که با قورخانه مأمور عربستان شد
بودند در ماه گذشته ذیقعه وارد بروجرد گشته
چون اسبهای توپ کشی در عرض راه قدری
صدمه خورده و لاغر و مغلوك شده بودند در میان
قلعه بروجرد توپچیان و اسبان توپخانه راجا و
داده اند که چند روز در آنجا توقف نموده اسبهای
آنها بحال بیاید روانه عربستان شوند

و دیگر نوشته اند که نواب جلال الدین میرزا که
مأمور اشتراک شده اند بسیار با نظم و قاعده حرکت
کرده اند و امالی و ایلات آنجا کمال امیدواری
نهایت رضامندی و شکر گذاری از حسن سلوک
و رعیت داری نواب معزی الیه دارند

و اسم چنین شترهای دیوانی را که حامل قورخانه بود
چون در راه لاغر و مغلوك شده بودند بحسب حکم نواب
شاهزاده علوفه یکماهه با شترها و جیره بشتر داران
داد شد که بعد از آنکه شترها را بحال آورده
روانه دارانخلا مبارکه شوند

و همچنین نواب غلامحسین میرزا که روانه هرو و بالا
کرده شده بودند بعد از ورود امور انجارا لظم دست
داده و ایلات و احشام انجا هر یک بجای خود
قرار گرفته مشغول عیسی میباشند و از حسن مراقبت
و مواظبت نواب معزی الیه از احدی خلافتی
ناشی و صادر نمیشود

دولت نفرسبازان مراغه که مأمور خدمت بروجرد
بستند طلبوس بنده اسنه آنها را درین اوقات
داده اند و همه روزه با کمال آراستگی در میدان

فارس

از قرائیکه در روزنامه بند را به شهر نوشته اند کمال
افیت و انتظام و فراوانی و ارزانی در آن ولایت حاصل
و هوای آنجا اسال در نهایت طایمت و اعتدال
مالی آنجا از این حد بسیار خرسند و خوشوقت بودند
که در هیچ سال هوای باین خوبی و اعتدال در آن
ولایت که اغلب لها کرمانه است شدت را داشت
ندیده بودند

دیگر نوشته بودند که چون عباس خان زیر ابی حبش
قلعه زیراه معرور و سر از اطاعت و انقیاد این دولت
قوی شوکت باز زده و در ادای مالیات دیوان
مینمود و علاوه بر آن تعدی و اجحاف زیاد با مالی نیز
میکرد و زیاده از بدهی رعایا مالیات از آنها دریافت
و بخود سری و تیرد سر بر آورده بود و عالیجاه دریا
میرزا ابراهیم نویسنده خود را با غلامان ابو اجمعی خود
و بلوچهای جزیره خارک و محمد رضا بیک خوشابی را
با تفکیکی قریه زیارت و شیر و برادر رضا خان
با تفکیکی انگالی و که خدایان رود حد را با تفکیکی بسیار
و احمد خان ضابط حیات داود را با تفکیکی حیات داود
به بنیشت رالیه و تنجیر قلعه زیراه مأمور نموده مأمورین
با اتفاق جمیع کمال انعقاد داده یورش قلعه مر نوره
برده عباس خان و محصورین نیز دستگیر و او نیز
کشته و بعد از کوشش بسیار که اغلب جمیع خود را کشته و

و خود را در معرض تلف دیده بود آنچه مقتول و زخمی کرده
با عیال و اطفال خود برداشته با کمال خذلان و
راه فرار پیش گرفته مأمورین بقهر و غلبه بر بروج و بند
استعدا و بیدتی استیلا افزاینده قلعه را تصرف نمودند
درین یورش از تفکیکی زیارت سه چهار نفر مقتول
و چهار پنج نفر مجروح شدند و از قلعه کیان معلوم
چند نفر مقتول و زخمی شده اند زیرا که هر چه بودند
عباس خان همراه برده بود عالیجاه دریا بیک
استماع خبر فتح قلعه زیراه بجهت میرزا ابراهیم و چند
از ضباط و که خدایان فرار خویشان و خدمت خلق
و بجهت زخمی اران جراح روانه نموده بود و همچنین
شبانکاره را نیز که مدتی بصدت میشد و در خود را
مالی عباس خان بود عالیجاه دریا بیک به شهر
و پس از ورود گرفته مجبوس و زیراه و شبانکاره
مجرمانه بر دمان محمول معتبر خدمتگذار و اکتاف کرده
مالیات آنجا را برزودی و خوبی بخیط وصول رسانند
روانه دارند و مالی آنجا از اینکه شر آن و منفعت میر
از سر آنجا رفع و دست تعدی و تجاوزشان از
آنولایات کوتاه گردیده است زیاده شاکر و دعا
این دولت جاوید مدت علیه میباشد و با
فراغت و اسودکی مشغول عیسی و کسب و کار خود
هستند

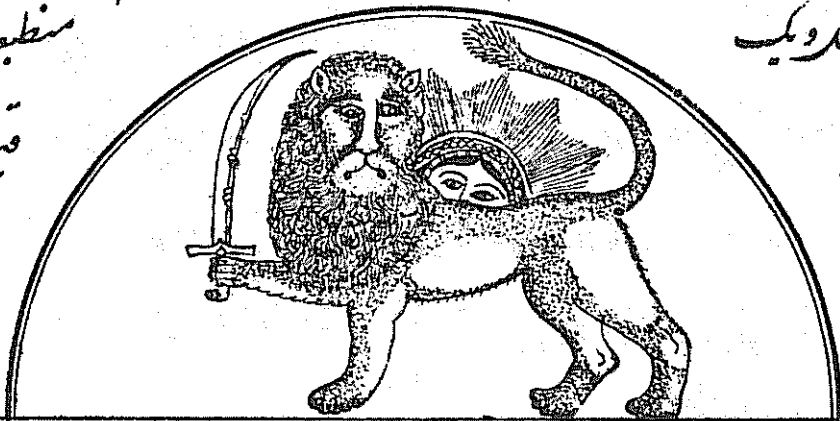
اخبار دیگر ازین ولایت بود که در هفته آینده نوشته میشود

روزنامه قایم اتفاقیه تاج پویم پیرمیش سهریچه محرم مطاب استقائیه ۱۲۷۱

مزه دیت و چهره یک

قیمت روزنامه

برنجی پسر



منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پانزده

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی که در نیاوران تشریف داشتند در روز یکشنبه شب بیست و ششم ماه ذیحجه اسحرام عزیمت دارالخلافه مبارکه فرموده چاکران دیوانه عمارت سلطانی را بجهت ورود موکب سیروزی کوکب هایون زینت و آرایش داده و بهم چینی کوچه ها و بازارها و جامانی که محل عبور موکب هایون بود آرایش دادند عموم اهالی دارالخلافه مبارکه بجهت زیارت وجود فیاض بیرون آمده در سیرود داخل شهر همه جا از دهان تمام نمودند و از آنجا که موکب هایون حرکت فرمودند همه جان نظام نصرت فرجام از توپچی و سرباز و سواره نظام و زنبورچی فوج فوج و دسته دسته در دو راه صف نظامی کشیده و شلیک توپ و زنبور بکرات بقاعده معموله که کردید سواره نظام و افواج

قاهره در کمال شکوه و آراستگی بنظر مبارک رسید و موکب هایون از دروازه شمیران وارد شهر گردید چاکران در بارهایون از اعالی و ادانی و عموم اهالی دارالخلافه از زیارت وجود هایون مردوم دیده را چشم روشنی داده تقدیم قربانی و پیشکش و پایی نمودند نزدیک بعصر اعلیحضرت شامشاهی مبارک سلطانی نزول اجلال فرموده تحت مرمر دیوانخانه بزرگ را بقدر وجود هایون زیب و زینت بخشوده سلام عام انعقاد یافت تا منی شاهزادگان عظام و دولت علیه و سهران و صاحب منصبان نظام فوج کرام هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده بعد از شلیک و زنبورک ادای خطبه بلیغ بنام اقدس هایون و عیسی و عیسی و شوکت ابدی قرون ختم شد جناب شرف امجد فحم صدر اعظم مخاطب نموده در باب خوش گذشتن و میلقات و خوبی هوای این اوقات

و از آنکه در اینک در اینک عاشر انشاء الله
بهر مردم در تفریه داری جناب سید الشهدا قرین
و از خدمات که ما فایز خواهند بود و فرمایشات علیه

رفت سلام عام منقضی گردید

سرکار اعلی حضرت اقدس هایدون ظل اللهی بآقا
احکام شرع بین و ملزومات رایی اقدس عدالت
قرین که جمیع طوایف مل و ادیان و قاطبه اهل کتاب
و دین که در بلاد و ممالک اسلام در خلق شریف مطهر
جستند از هر گونه تعرض محروس و مصون و در تحت
حمایت این ملت طاهره و دولت قاهره بشمار ایلیا
محفوظ و مأمون باشند امر و مقرر فرمودند که مجدداً

این کیفیت به عموم خلق اعلام و اخبار شود اگر از جمله
و عوام بالفرض در رصد و خلاف آن برانید بمانند
که منافات کلیه بارای اقدس هایدون دارد و فی
احدی از افراد نامس بیچو جمن الوجوه آذیت و آزار
بیچیک از اهل کتاب اعم از نصارا و یهود و کبر و مجوس
و غیره رعایای این دولت برساند بلکه آنها را در ظل
ظلیل اعلی حضرت اقدس هایدون در هر نوع از محوله

حفظ ناموس و جان و مال و آسایش و امنیت و
آرامش و بهره یافتن از آثار حمایت دولت
و سلطنت عظمی مساوی و برابر دانند و نیز امر و

فرمودند که که خدا یان و ریش سیدان جمیع بلاد محرو
عامه اهل بلد خود را و ضیعاً شریفاً از بدول حکم قضا
شامل

شاهنشاهی آگاهی داد و مطلع سازند که هرگاه کسی
تعرض یکی از ایل مل مزبور شود مورد مواخذه خواهد

چون ایراء العظام میرزا محمد خان سرکشچی باشی
در سفر بیلاقات خاطر اقدس هایدون شاهنشاهی
از حسن خدمتگذاری خود و خرسند داشته بود
لهذا خدمات مقرب انخافان مشارالیه تحسین و مقبول
خاطر ملوکانه افتاده در روز و روز و موکب هایدون
از دنیا و ران بدار انخافه مبارک که یکشوب کلیجه
ترمه از ملبوس تن مبارک با و خلعت رحمت فرمودند

و همچنین مقرب انخافان حاجی علیخان حاجب الدوله
نیز در انجام خدمات محوله بخود مراتب حسن کفایت
و اهتمامات خود را در پیشگاه حضوره مظهر ظاهر ساخته
در خور عنایت ملوکانه آمده بود لکن هم در روز و روز و
موکب هایدون یکشوب کلیجه ترمه نیز از ملبوس
بدن مبارک بمقرب انخافان مشارالیه خلعت
رحمت گردید

نظر بحسن قابلیت و شایستگی عالیجاه عبدالحی خان
ادیب الملک و اهتمامات او در انجام خدمات
مرجوعه بخود مورد التفات خاطر اقدس هایدون
گردیده در روز عید غدیر در دنیا و ران یکشوب
ترمه با و خلعت رحمت گردید

چون عالیجاه مقرب انخافان جعفرقلبیان سیرت
مراغه در مشق و آراستگی و انتظام سر بار جمعی
آثار کفایت و معقولیت ظاهر ساخته و خاطر اهد
همایون را از حسن حد متکذاری خود خوشنود
داشته بود خدمات او مطبوع و مستحسن خاطر
اقدس همایون شایسته افتاده لهندارین
اوقات از جانب سنی ابجوانب همایون یک
لوٹ جبهه ترمه بسیار خوب بمقرب انخافان
شارالیه خلع رحمت گردید

چون امور رسیدگی و راه انداختن معادن
مخروطه سلوٲه المنفعه و جدیدہ اعدائی مالک
مخروطه بموجب فرمان مہر لعلان همایون
مقرب المحضرہ انخافانیہ حاجی میرزا جبار نظام
محول و واکذا بود شارالیه نیز بربط اموریت
همیشہ در خدمت محولہ مراقبت و مواظبت تام
بعل آورده در بعضی جایها که سراغ و مظنہ
داشت آدم فرستاده بکار کردن مشغول شدند
و از بعضی جایها ہم نمونه سنگ و خاک آورد
و امتحان نمودند از جمله در چند جا از صفحات
و بلوک سبزوار که آثار معدن مس داشته است
کار میکردند در این اوقات که حاصل منفعتی
از آنجا معلوم گشته و عاید شده بود مراتب
بعرض اولیای دولت ابد آیت قاهرہ رسانده

مورد عنایت و التفات گردید و مکتوب جبه
ترمه از جانب سنی ابجوانب ملوکا نیحسب الاشایہ
بعالیجاه شارالیه خلع رحمت شد که ریب
برود و دوش مفاخرت و مہامات خود ساخته
بیش از پیش در انجام خدمات محولہ بخود جاہد
وساعی باشد و چون خود شارالیه متقبیل
و متعهد پیشکش گردید اولیای دولت علیہ تہامی
معادن مس و غیرہ صفحات سبزوار را بشارالیه
واکذا کردند کہ ہر چه منافع و مداخل حاصل
شود بخود او عاید گردد و احکام متوکد نمجند و در
این باب نوشتند کہ در صفحات سبزوار
بدون اذن و اجازت کان شارالیه ایچہ
را احسنہ در امر معادن آنجا نمایند و در سایر
جاہ نیز ہر جا کہ مہاسرین و کان او سراغ
معدن بکنند و خواستہ باشند کار نمایند
احدی مانعت نگردہ از احکام و ضبط آنچه
لازمہ حمایت و تقویت است بعل میاورند یا
ہست کہ بعد ازین امر معادن در تمام مالک
رواج و انتشار یابد و فزاید آن عاید دولت
و رعیت گردد

این اوقات کہ دہہ عاشورائزد یک است
و از اختلاف و رتبتہ و مدارک بستن تکایا و غیرہ
داری جناب سید الشہداء میباشند

سایر ولایات

اوربايجان درين هفت ازين ولا
اخباري نرسيد است که در روزنامه نوشته شود

استراماد

ازين ولايت نيز اخباري نرسيد است که نوشته شود

اسداياو

ازين ولايت نيز اخباري درين هفته نرسيد است

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند کمال

و انتظام در امور آنجا حاصل و بجهت ابد نهايت

فراواني و ارزاني است و قيمت بر خيز از ماکولات

و غير نسبت ببق تزل کرده است فقر و فاقه

از اين حمله کمال دعا کوني و شکر گذاري دارند

و کير نوشته بودند که نواب ستطاب شاهزاده و

حشمت الدوله که وارد اصفهان شده اند در

ورود جميع اشرف و اعيان و اعزّه ولايت باستقبال

آمده اند و نواب مغزي اليه کمال التفات پانها نموده

و بخواطف اولياي دولت عليه اميد واري تمام

و هر یک از مباحثرين و کارگذاران دستور العمل

و طريقه سلوک خود را مطابق فرمايشات نواب مغزي

دانسته مشغول انجام خدمات محوله بخود کرده اند

و همچنين در نظم حفظ و حراست شهر و محلات و قراولها

بعد از ورود و قرار مای درست داده اند از جمله پاچها

ساعت از شب رفته هر کس از قراولها نماند عبور نماید

با فانوس يا بي فانوس متعرض نشوند مگر کير که سرب

کرده و شرارت نموده باشد بکيرند و بعد از چهار ساعت

هم اگر کسی با فانوس ميگذرد و مزاحمت نرساند و اگر

بي فانوس است قراول او را بنزد سربنک فوج سوار

و معلوم نموده روزنامه بکند اگر شرارت تبنيه شود

و الا متخص نمايند و همچنين در نظم افواج متوقف اصفهان

از توپجي و سرباز قرار داده اند که هر روزه از طلوع

صبح صاحب منصب تا بين در ميدان حاضر شده تا دو

ساعت مشق مينمايند و دو ساعت بغروب مانده نيز

سربنک و بکتراده و جميع صاحب منصبان در ميدان

حاضر شده تفنگ سربازي بدست گرفته مشق ميکنند

و سبجه تسويق اهل نظام بعضي روزها را خود نواب

سربشق آنها حاضر ميشوند و همچنين در انتظام طرق و شوارع

الترام از ضابط و مباشر هر بلوک گرفته اند که هر

خاک خود را محافظت نمايند اگر سرقت اتفاق بنقيد بيا

سارق را حکما بدست بياورند و الا از عهد و عادت

اموال مسروقه بر ايند و در عرض راه در هر جا که لازم

بود است از سواره افشار و غلامهاي جمعي حاجا

ايا زخان قراول و قرا سوران مستخص و مأمور نموده

که مشغول حفظ و حراست طرق و شوارع باشند که عابر

و سرب و دين با اطمینان و خاطر جمعي عبور و مرور نمايند

و همچنين در باب روزنامه شهر و بلوک و توابع

دیگر نوشته بودند که قبل از ورود نواب حشمت الدوله
با صفهان چهارصد تومان از خانه که خدای تعالی
سرقته کرده بودند داروغه و که خدایان در
تفحص برآمده و منطقه در درانجا برده تخواه
مربور را در انجا از زیر خاک پیدا کرده بحضور
معنی الیه آورده بصاحبش تسلیم نمودند و کان
این سرقته به رجعی نامی بنامیرفته است
گرفته محبوس دارند تا حقیقت معلوم

بروچرد و لبطام

ازین دو ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده است
خراسان

از قراریکه در روزنامه ارض اقدس نوشته بودند
در محله عیدگاه منزل ملا حسین نام خوارش گرفته
و متایکان هر قدر خواسته بودند خاموش کنند
ممکن نشد بود از انجا سرباگ کرده یک طاقین
و یک باب دکان که متصل با انجا بوده است آتش گرفته
و از انجا بنجانه مسایه آن خوارش افتاده مردم
مشغول خاموش کردن آنجا شده بودند درین
بین بعضی اسباب که از شخصی شرع باف و بعضی
دیگر از زواری سبقت رفته بود در خانه آن
خوار یافته بصاحبان تسلیم نمودند و آتش را خاموش
کردند با اینکه خانه او دکانین اطراف اغلب خوب
بوده است سرباگ جای دیگر کرده بود

دیگر نوشته بودند که درین اوقات چند خانوار از
طایفه هزاره بشهر نوآمده ریش سفیدان آنها بحضور
مستطاب شاهزاده محترم و الا تبار فرما نفرما حکمران
ملکت خراسان آمده مورد التفات گردیدند و
امیدواری تمام بعنایات اولیای دولت علیه صل
کرده خلعت و انعام با آنها داده شده مقضی المرام
بشهر نورفتند سایر طوایف هزاره نیز بعد از استماع
التفاتی که در حق آنها که بشهر نورفته اند شده است
بمیل و رغبت خود دسته دیگر باز بشهر نوآمده و ریش
سفیدان آنها نیز شرفیاب خدمت نواب مغزی الیه
و مورد التفات گردیدند

دیگر نوشته اند که در بصره صحن جدید که از طرف خیابان
دکانین متصل دیوار صحن را مقرب الخاقان وزیر
نظام گفته بود که خراب کرده از نو بازسازی
دیوار را که بر میداشته اند خمره پیدا شده بود
مقرب الخاقان مشارالیه مطلع شده چند نفر آدم
فرستاده بود خاک اطراف خمره را برداشته
اورا کشوده بودند از قرار مذکور پراز خاک بودند
و غیر از خاک چیزی دیگر نیافته است

در باب شالباف خانه ارض اقدس نوشته بودند
چون تا پارسال قرار بدی دیوانی گذاشته اند
پارسال مباشرین جمعی با آنها بسته و تخواهی
کرده و گرفته بودند در بنده اسنه محض رفع عیت

دیگر نوشته اند که بهروز نامی از اهل لیراوی بهبهان
که در یکی از قرای حیات داود ساکن و بدزدی و ریزش
مشهور بود و عالیجاه در باب یکی اتمام داشت که او را
دستگیر کرده شش را از سر مردم رفع نماید در
اوقات مشارالیه بجزم دستبرد منزل میرزا ابراهیم
نویسنده در باب یکی که در حیات داود حاکم است
بود یکی از بلوچهای مستحق اوردین تعاقب کرده بود
در خارج آبادی باورسیده بجزم و زخم کار
باورسیده و بلوچ نیز دوزخ شمشیر بهروز زده اهل
آبادی خبردار گردیده بهروز را گرفته بودند عالیجاه در
بعد از اطلاع نوشته بود که بهروز را به پیشوایان
از قراغه کور خشم هرد و کاری است معلوم نیست
که ام یک روز تر خوانند و از قرار روزنامه که
در ثانی رسید زخم بلوچ مستحق التیام پذیرفته
و خوب شد و بهروز بهان زخمها در گذشته و
دیانتی کردید

دیگر نوشته بودند که در این اوقات عالیجاه در باب یکی
محمد باقر خان سربک فوج فریدن و محمد کریم خان یاور
بابک سلطان و یکدسته سربازان جزیره خارک
و قرار داده است که قلعه انجرا را هر چه تعمیر لازم داشته
باشد کرده مشغول حفظ و حراست انجا باشند و
یک عراده توپ شش پوند و پنج قبضه جراب و بقدر
لزم قورخانه با توپچی و قورخانچی متعاقب آنها روانه

جزیره مزبور کرده است
قسم و قروین از این ولایات نیز درین هفته
روزنامه رسیده است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند درستم
ماه ذیقعه زوار زیاد از بلده و بلوکات کرمان
ارض اقدس روانه شده بود

دیگر نوشته بودند که عالیجاه مقرب الخاقان شجاعی
سرتیپ هر روز در میدان بیرون شهر سربازان
خود را مشق میدهند و کمال اهتمام در مشق و انتظام امر آنها

دارد

کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته بودند شخصی
که بدزدی مشهور بود و در سنه قبل در دارالخلافه
کرده و یکدسته او را بحکم اولیای دولت قاهره در
طهران قطع کرده بودند در این اوقات در کاشان نجاش
ضعیفه رفته و دو بچه رخت زنانه برقت برده بود
محمد حسن خان حاکم کاشان فرستاده او را دستگیر
سروقه رانسته و تسلیم ضعیفه مزبوره نموده او را بعد از
مضبوط اخراج بلد کرده التزام گرفته بود که او را هیچیک از

بلوکات و بلده راه نهند
کرمانشاهان و کردستان و کوهس و کمان
و مازندران و نهاوند و همدان و نیز ولایات نیز درین
اجتاری رسیده است

سجود پناشد

چون از جانب اولیای دولت قاهره بعالیجاه
در یابیکی حکم شده بود که دیوار حصار شهر بوشهر را
که نسبت در یاست باز دعالیجاه مزار الیه در
دویم ماه ذیقعد بنا و عمله بکار انداخته و شروع
بباختن آنجا نموده ابتدا از برج سحری تا برج اول
که جنب برج مزبور است شد و قرار شد که بهین
برج سرج دیوارش را بزند تا بچهار برج دیوار
متصل شود و تا سرج شهر مزبور دیوار حصار از برج
سحری الی برج اول از قرار یک مایه دید کرده اند
از شالیده تا سه ذرع ارتفاع ساخته شد
و آنچه ساخته اند در کمال خوبی و استحکام است
و از قرار یک نوشته اند در ماه ذیحجه بنا بوده است
که شروع بباختن جان پناه نمایند و عالیجاه قریبا
سعی و هتمام ریاد دارد که بزودی حصار چهار
برج متصل شود

عالیجاه مقرب انجاقان محمد ابراهیم خان سرتیپ
بافوج سه ده اصفهان در یازدهم ماه ذیقعد
وارد باغ لیل که یکفرسخی بوشهر است شده و عالیجاه
در یابیکی او را استقبال نموده و در روز دوازدهم
وارد بوشهر گردیده تمامی نوکرهای دیوانی با توپخان
و فوج فریدن در روز و دو با استقبال رفقه لوازم
احترام و راجل آورده اند

و حصول دعای خیر بجهت ذات اقدس هانیون
شاهنشاهی مقرب انجاقان و وزیر نظام بعضی بوشهر
شاهزاده رسانده و نواب معزی الیه حکم داد
که نوشته شده و در سنگ کنده نصب نمایند
که بعد ازین دیناری و حبه از صنف شال باف
مطالبه نشود که آسوده خاطر مشغول کسب خود و
کونی ذات اقدس هانیون باشند
حمشه و خوار و کلیایکان و غیر
و عراق سلطان آباد ازین ولایت
نیز درین هفته اخباری نرسیده است که در روز
نوشته شود

فارس

از قرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بود
چون عالیجاه در یابیکی در انتظام امور ان صفیات
و انجام خدمات دیوانی مراتب اهتمامات خود را
ظاهر ساخته بود لهذا نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار مؤید الدوله طحاسب میرزا حکمران مملکت
فارس یکطافه شال کشیری و یک ثوب قبا
یک قبضه کار و در صبح بجهت مزار الیه حلت فرستاده
و مزار الیه نیز لوازم اعزاز و احترام خلعت را در
روز و دو راجل آورده با مالی واعیان آنجا
استقبال کرده و نهایت دکر می با التفات و کرامت
دولت علیه هم رسانده مشغول انجام خدمات محوله

تاکید اب اکیده نموده اند که همه روزه که خدایان
و قایع اتفاقیه را ثبت و ضبط نموده نواب معزی
از جزئی و کلی امورات استحضار بدهند و نیز جازجی
ببازار انداخته جاز زده اند که در هر هفته دو روز
خود نواب معزی الیه بعرایض و مطالب عموم مالی
انجام رسیدگی می نمایند از اعالی و ادانی هر کس
عرض و مطلبی داشته باشد بی مزاحمت در بان غنیمت
آمده عرض نماید و در سایر ایام هفته هر کس مطلبی داشته
باشد بدیوانخانه حاضر شود عرض بکنند کار گذاران
دیوانخانه مطلب او را نوشته بعضی نواب معزی الیه
برسانند تا حکم آن بشود و همچنین در تعمیرات و آباد
عمارات دیوانی تاکیدات اکیده نموده اند و بنابر
سختار و تجارت مشغول کار میباشند و در تعمیر عمارات
جدید و پل خاجو و عمارت جدید هفت دست اهتمام
نموده اند که زود با تمام برسانند و همچنین در بنا
محاسبات دیوانی بده بده و انجام قطعات
و قرار داد امور رعایا و تشخیص بقایای دیوانی بجای
میرزا زکی سفارشات بلیغ شده همه روزه با
مستوفیان و سر رشته داران در دفترخانه
انجام خدمات محوله بجا آورده هر عملی و حسابی که در
دفترخانه مشخص شود روز بروز عالیجاه مشا را الیه
صورت آنرا خدمت نواب معزی الیه معروض داشته
خود جز، بجز، رسیدگی می نمایند

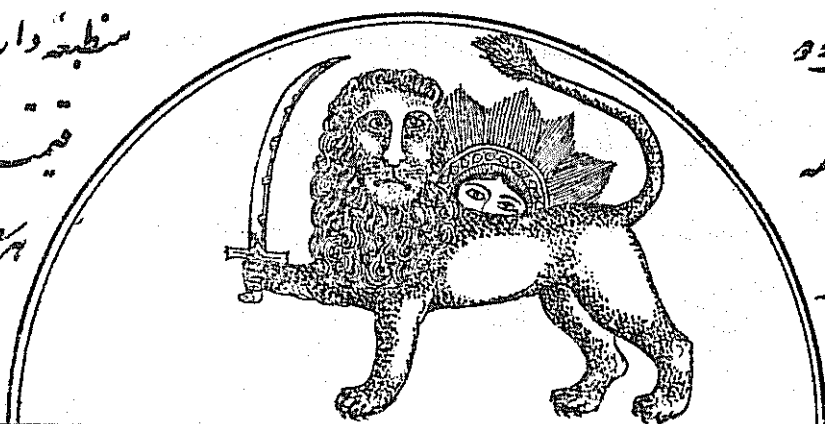
درین اوقات چند نفر از که خدایان و رعایای
بلوک ماربین در دفترخانه بنزد عالیجاه میرزا زکی
آمده مذکور داشته بودند که مادی حسینی چند سالت
که از خاک و گل انباشته شده یا زده قره که بیشتر
آنها خالصه دیوانی است از آب این مادی مشروب
میشوند اگر مادی مزبور تنقیه نشود مبالغه کلی بدیوان
و رعایا ضرر خواهد رسید مراتب بعضی نواب
حشمت الدوله رسیده حسب احکام تقدیر پنجاه ارمد
تقسیم شد که مادی مزبور را تنقیه نموده زراعت
خالصه و اربابی را مشروب سازند و همچنین بجهت
تنقیه مادیهای کلیش و بلوک لیجان عمل مشخص نموده
و سایر قوا خالصه و مادیهای بلوک بر آن ادم
فرستاده اند که باز دید کرده آنچه خرابی داشته
باشد مشخص بکنند که هر قدر عمل لازم بشود روان
نمایند که آنجا را تنقیه بکنند عموم رعایا و اربابان
اطلاک این امر رسیده و ده شاکر و دعاگوی دولت
قوی کنت علییه میباشند

و دیگر بجهت باز دید محصول شتوی و صیفی بلوکات و توابع
جمع از که خدایان این را با اتفاق عالیجاهان علی اکبر خان
و ابراهیم خان روانه نموده اند که از روی وقت
وامانت و راستی محصول آنجا را باز دید کرده
ثبت آنرا بدفترخانه مبارکه بپارند تا قرار آنها
بمقتضای عدالت داده شود

روزنامه قایم انفاقیه تاج پویم هفتم مهر محرم امطاس سال اول ۱۲۷۲

منطقه دار الخلافه طهران

قیمت اعلانات
هر خطی



نزد دولت چهره

قیمت روزنامه

هر نسخه ده

اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در روز پنجشنبه شمس شهر ذیحجه الحرام اعلیحضرت
هالیون شاهنشاهی عزیمت زیارت بقعه مبرکه امامزاده
عبدالعظیم فرموده اول افواج قاهره و سواره نظام
که در خارج دروازه دولت مشغول مش بودند تماشای
فرموده بعد از آن بجا عدک خانه که تازه در خارج دروازه
دولت میازند تشریف فرما گردیده ملاحظه وضع
و اسباب کارخانه مزبور را فرموده از آنجا بتفج باغ
نظامیه جناب جلالت آفتاب اشرف امجد خیم صدر اعظم
تشریف فرما شده مدتی تفج و سیر آنجا را فرموده
و بعد از آن بزیارت امامزاده واجب التعظیم تشریف
گردیده هنگام عزوب آفتاب بزرگ مبارکه سلطانی
معاودت فرمودند
عالیجا سید نور محمد شاه فرستاده جناب سردار کنگد
از قراریکه در این اوقات عریضه امیر قاین معروض
حضور هالیون گردیده سید سوار افغان بغرم باخت
قایات آمده و بسبب طبعش گذشته بودند عالیجا
میر علم خان پسر مقرب الخاقان امیر قاین کیفیت
مورد التفات خسروانی گردید

شده با جمیعت و استعداد با آنها مقابله نمود و چون
جنگ در پیوسته از اقبال بیروال سرکار اقدس
هایون شاهی جمیعت میر علم خان غالب آمد چهل
نیزه سر و چهل نفر زنده از افغانه مرزور دستگیر
بقیه السیف مخدولاً و منکوباً سرخویش و راه فرار
پیش گرفته هم در روز سه شنبه ۲۸ ذیحجه احرام
که اعلیحضرت شاهی در دیوانخانه بزرگ با سلام
عام داده بودند عریضه شالیه واصل و معروض
پشگاه حضور هایون گردیده مواری یکثوب جبهه
بجبهه مقرب انخاقان امیر قاین و یکثوب جبهه ترمه
کرمانی و یک قطعه نشان از مرتبه دویم سیرپی
حق عالیجا میر علم خان حجت شد
در روز پنجمه سلج شهر دپچه احرام حسن یکادم
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان وارد
خبر فوت مرحوم شالیه را آورد که در ماه ذیحجه
بر حمت ایزدی پوخته است از اینکه شالیه از
عمده چاکران این دولت علیه و کمال کفایت و کمال
موصوف و مصدر خدمات کلیه بود اعلیحضرت اقدس
هایون شاهی و جناب جلالت مآب امجد محمد ششم
صدراعظم از فوت او بسیار متأسف خوردند
و فرمان مهر لعلان هایون مبنی بر اظہار رحمت و تلیت
عماله بکل اولاد و باز ماندگان انرحوم شرف صدور
یافت تا بعد از عاشورا و فراغت از ایام تغیره دار

در حق هر یک محتسب مخصوص بنمایند

نظر بامت مآتی که از مقرب انخاقان میرزا ابوالحسن
میر الملک در وصول قسط دیوان و محاسبات
و معاملات فارس در پشگاه حضور هایون واضح
لاج گردیده بود لهند درین اوقات از جانب
اقدس ملوکانه یکثوب جبهه ترمه مقرب انخاقان شالیه خلعت مر
و ارسال گردید

چون اعلیحضرت اقدس شاهی زاویه مقدسه
حضرت امامزاده عبدالعظیم را برای مظلومین بست
قرار دادند کسایکه پناه بان زاویه مقدسه برد
هر هفته عریض ایشان بتوسط نواب شاهی علیقلی میرزا
نظر مبارک اعلیحضرت شاهی رسیده و از نظر
جناب جلالت مآب اشرف امجد محمد ششم صدر اعظم
گذشته حکم هر یک صادر گشته بعد از زیارت حکام
که بتوسط نواب شاهی علیقلی میرزا بانها رسیده
هر یک باز درست مانده بیرون نیامده یا در انجا
بنای کسب را گذارده باشد البته مورد مواظبه
خواهد شد

در این اوقات که دهنه عاشورا و ایام تغزیه دارکی
سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء میباشد
حسب الامرا اقدس شاهی عسوم چاکران دار
هایون از نظام و غیر نظام از التزام خدمت در خط
مرخص و معاف اند که به تکیا و جایهانی که مجلس تغزیه

داری جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام برپا شود مجلس روضه خوانی و ذکر مصیبت جناب اباعبدالله
 رفته اوقات را صرف تغذیه داری و دعا کونی ذات دارند و در هر شبی جمعی از علما و سادات و اشرف
 اقدس بایون شاهنشاهی نمایندگیای دولتی و اعیان و بعضی از معارف چاکران و دربارهایون
 ارک مبارک که سلطانی و سایر تکیای شهر را مخصوصاً دعوت نموده بعد از ذکر مصیبت و صرف
 خوب بته اند و درین سال بیشتر و خوشتر از سالهای پیش و در تکیه دولتی چراغانی و شمع
 و کبر تکیا بسته شده است و نشاء الله بصل میشود با بنجارفته اوقات را صرف تغذیه داری و
 امانیت و وفور جمیعت درین عهد ابد متروک سال حصول دعا کونی ذات اقدس بایون دارند
 بال زیاد تر خواهد شد چنانچه امسال در تکیه مسجد و جایهای دیگر که تفصیل آن نوشته
 خواهد شد مجلس تغذیه داری و روضه خوانی بر وصولت کربانگی شکسته است و با وصف از جام
 پاست خاصه در تکیه دولتی ارک مبارک که وجهیت تغذیه داران در تکیا و مساجد و مجلس
 که صفه و طاق نما و ایوانها مشحون با انواع تغذیه کسی از کربا و حرارت متالم نیست و از صفا
 نقایس از قبیل شاههای کربانها و بلورات زیاد کرمای تابستان فارغ و آسوده مشغول تغذیه دار
 میباشد و شبها چراغانی خوب میشود و با کمال پیا شد
 سکو و زینت و صفا دار است که بته شده است دیگر سجد الدین اوقات در دار الخلافه طهران و نور
 و هر روزه اعلیحضرت شاهنشاهی بجهت حصول ثواب لغت و کمال فراوانی و ارزانی است و چهری
 تشریف فرمای آنجا میشوند و از امنای دولت علیه از ماکولات و میو جات و آذوقه و جو بات
 و شاهزادگان عظام و سران و صاحب منصبان غیره فراوان است و عسوم خلق در عین رفاه
 نظام و خوانین کرام و عسوم چاکران در بارگاه و امنیت آسوده خاطر مشغول تغذیه داری و دعا
 حشام و قاطبه ناس ذکورا انما کبیر اصغیر از دعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی میباشد
 زیاد و در آنجا نموده مشغول تغذیه داری و دعا کونی و با وجود کثرت خلق در تکیا و از احدى شرارت
 میباشد و جناب احمد شرف المفسم صدر اعظم و هرزگی ظاهر نمیکرد و صد از کسی باندنی شود و دیگر
 علاوه بر تکیه دولتی شبها را هم در عمارت باغ در ذکر مصیبت جناب سید الشهدا علیه السلام

سایر ولایات

اذربایجان و استراباد و اسفند
از این ولایات درین هفته نیز اخباری رسیده

اصفهان

از قرائکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند بواسطه
مستطاب شهزاده والا بتاحمت الدوله حکمران
اصفهان در انتظام امر ولایت و اسودکی نوکری و رعیت
کمال مراقبت را دارند خاصه در امر نظام که بسیار
و توپچی متوقف اصفهان را همه روزه بمشق حکم کرده

و بعضی روزها خود بمشق آنها حاضر میشوند و درین
اوقات یکروز چهار عراده توپ بجهت تیراندازی
به سمت فولاد برده خود نواصب سترگی الیه یک تیر

قراول رفته نشان زده بودند بعد از آن عالیجناب
هشتم خان سرهنگ نیز یک تیر قراول رفته نشان
زده بعد از آن توپچیان مشغول مشق تیراندازی گردیدند
تا نزدیک بغروب مشغول بوده اند

دیگر نوشته بودند که یازده عراده توپ که از دیار
هایون مامور بندر ابوشهر بود در بیت و پنجم دقعه
دارد اصفهان گردیده در میدان نقش جهان در
سر توپخانه چادوزند نواب شهزاده مقرر فرمودند که
بعضی چوبهای چرخ و عراده توپها که در عرض راه سنگینی بهم
رسانده بودند ساخته و تعمیر شوند و شش روز
نیز توپچیان مامور در آنجا توقف داشته بعد از آن

کار روانه مقصد گردیدند و نواب شهزاده حکم نمودند
که در هر یک از منازل سیوریات آنها را تا از خاک
اصفهان بیرون بروند و مباحثین کایاری نمایند
دیگر تعمیر اخبار اصفهان را که نوشته بودند در
ماه ذیقعه از اینقرار بوده است

ناب پلین بوزن کویس بوزن برنج روغن
خاصه الله الله صرغ

سجود حدس جو کدوم
تخت تخت تخت

بر و جرد و بطام و خراسان حمت و دارا
و سمنان از این ولایات نیز درین هفته اخبار
نرسیده است

عراق سلطان آباد از قرائکه در روزنامه
عراق نوشته بودند مقرب الخاقان میرزا حسن خان
بهای بلوکات عراق گردش نموده و بکار رعایا و سوار
عز و سی و دقت تمام کرده است و در دماست هیچ جا

سیورسات و اخراجات مکرفته و جمیع اخراجات
از شهر نو بجل مال خود برداشته است و هر یک از
عمال و مباحثین که نسبت بر عت نقدی کرده
بوده است او را معزول نموده و اگر چیزی از عت
گرفته بومه است مسترد و بصاحبش تسلیم و هر یک از
عمال و مباحثین که بار عایا بکد خدمتی حسن بلوک
رفقا کرده و رعایا از او راضی بوده اند او را نوار

نموده باز کماکان در سر شغل و عمل خودش برقرار
کرده است و رعایا از این جهت کمال شکر گذاری و
دعا کوئی را داشته اند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان شارالیه در بنا
سلوک مباشر و نایب و تحصیلدار بار عایا چند
فقره قرار داده و حکم به بلوکات فرستاده است
که باعث رفاه و دعا کوئی رعیت است از جمله نایب
که بدات ابوالجهمی خود میر و قربانی کشتن جلور
و رسوم قربانی و رسوم سفره و رسوم فراش و شست
موقوف و مطلقا از رعیت مطالبه نشود و دیگر بزرگان
که بر حسب امر اولیای دولت قاهره ممنوع است
موقوف باشد اگر عمرتی تقصیر کند نایب باندازه
تقصیر او را تنبیه نماید و دیگر خدمتانه آدم نایب که
بجهت آوردن مقصود یا اخبار مالیات یا اخبار سرباز
و ازین قبیل کارها مأمور بشود از یک هزار دینار تا
یک تومان مجوز باشد و نایب باندازه آن در حکم
بنویسد و اگر معلوم شود که زیاده از یک تومان
در کارهای عده خدمتانه گرفته اند مواخذ باشند
و دیگر هر وقت نایب بجهت وصول مالیات یا خدمتی
دیگر از خدمات دیوانی ببلوک برود باید بهمه جهت
از آدمهای خودش و ارباب رجوعی که با او کار دارند
زیاده از ده سوار شب و ریش و هیچ دهنی نمانند و سکار
هم بدات نزود و اگر از رعیت غیر از زمان و کوشش

عربستان

از قراریکه در روزنامه محمده نوشته بودند نواب
امیرزاده ابراهیم میرزا حکمران عربستان در
امر ولایت و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل
دارند و عالیجاه حاجی محمد علی ستوفی عربستان را
درین اوقات مأمور بدیدن سان سرباز و قوت
و نوکر بلوچ مأمور خدمت محمده کرده بودند که باطلاع
عالیجاه میرزا ابوالفضل سان آنها را بدقت بد
طو مار پامبهر گرفته بنزد نواب معزی الیه بنفرد
که روانه حضور نواب مستطاب احتشام الدوله
نماید

چون هر ساله در اوایل تابستان دواخر بهار بجهت

شدت جزو مدد دریا آب از سایر فصول بیشتر
 طبیان دارد و درین سال سنگام مدد دریا آب خنان
 بالآمده بود که بازار و دکانهای محرمه را نزدیک به حراج گاید
 اخرا لا مریعی و استام عالیجاه میرزا ابو الفضل اعراب
 اطراف ایلیجاری کرده بچوب بخت و خاشاک جلوه
 آب راستی محکم بسته و مردم آسوده شدند
 دیگر نوشته اند که در ماه شوال هوای محسره شدتی
 گرم شده بود که نیم ساعت از روز بالا آمده
 قدرت بیرون آمدن نداشت اکثری از سربازان
 و نامورین و امالی محسره مبتلای بهای حاره و
 امراض مختلفه شده بودند چند نفر از توپچی و سربازان
 و کان عالیجاه میرزا ابو الفضل فوت شدند و
 مستطاب حشام الدوله طبیب فرستاده و مقرر
 داشته بودند که مریضها را مداوا نموده خارج دو
 و غذا بدهند و عالیجاه میرزا ابو الفضل حسب احکام
 اهتمام را در برستاری آنها نموده بود
 دیگر نوشته بودند که چون سابقا خبر از آن و توپچی
 نامور خدمت محرمه همه روز صبح و عصر مشغول مشق
 بودند در اوقات گرمی بواسطه شدت حرارت آفتاب
 مشق کردن صعوبت تمام داشت و از مشق صبح بصبح
 صبحها را مشق می کردند
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه آقا حسین غلام پیشخدمت
 نواب مستطاب حشام الدوله که عامل فرمای
 مطاعه و خلایع منمنی از دربار جهاندارها یون بخت
 نامورین خدمت محسره بود در رفت و رودی
 عالیجاه مان میرزا ابو الفضل و شیخ حاکم خان فتح
 خان یا و ربا سایر اعیان و اشرف با استقبال
 شافیه لوازم توقیر و احترام خلایع و شمع رطل
 آورده زینت میکرد مغاخرت خود نموده
 دیگر نوشته بودند که در سال گذشته چهل نفر کو
 بلوچ در بند محسره مشغول خدمت بودند درین
 سال نواب مستطاب حشام الدوله حکمی فرستاد
 بودند که عالیجاه میرزا ابو الفضل از بلوچهای سابق
 و لاحق بقدر رسید نفر جمع آوری نماید تا حکم ثانی
 در باب مأموریت آنها برسد و تا این اوقات بقدر
 و ولایت نفر از آنها جمع آوری شده است

فارس

از فراریکه در روزنامه فارس نوشته اند نواب
 مستطاب شاهزاده والا تبار مؤید الدوله حکمران
 مملکت فارس بقانون معهود مشغول انتظام امور
 و رفاه حال نوکرو رعیت و انجام خدمات دیوانی
 میباشند و در چهارم ماه و یقعد بعزم شکار
 روزه شکارگاه و کوک بیابان نو نقل مکان کرده
 چون تکسر مزاجی بهم رسانند بشهر معاودت
 در یوم یازدهم ماه مزبور که خلعت مطلعت هایون
 ۱۵۲۴

شاهی بر تو وصول آنگذره بود کمتر مزاج تو
 معنی الیه رفیع شده با جمیع حاکزان دیوانه
 و اعظم و اعالی و اعیان و مالی باستقبال
 همایون شایسته لوازم توقیر و احترام ^{مغلول}
 و در باغ نو خلعت همایون را زین پیکر مبارک
 نموده بعد از تقدیم مبارکباد و صرف شربت و
 شیرینی بشهر رجعت کرده اند
 و همچنین خلعت مقرب انخاقان ^{ملک} مهر علیخان شجاع
 نیز در همان روز بر تو وصول آنگذره زین برود
 و دشش مفاخرت و مهابات خود نمود
 دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده مؤید الدوله
 بصواب دید مقرب انخاقان حاجی قوام الملک ^{لقب}
 یکبار حروار غله مقرر داشتند که حمل شده بشهر
 برده تحویل عالیجاه میرزا حسنعلی خان دریابکی
 نمایند که در انبار آنجا بجهت اذوقه مأمورین ضبط
 نماید و هم در آن اوقات حکم نمودند مقرب ^{انخاقان}
 مهر علیخان شجاع الملک سیصد نفر سرباز ^{انخاقان}
 روانه لار نمایند و حسب الامر سربازان را در ^{انخاقان}
 دیده روانه نمود
 دیگر نوشته بودند که صید ابراهیم نام دزد
 مشهور که بکرات سرقت کرده و بستیهای مختلفه
 رسیده بود باز متنبه نشده مشغول سرقت
 و شرارت بودند این دفعه دستگیر گردیده و
 معنی الیه مصلحت در اعدام او دیده او ریاست
 و مردم را از جنایت او آسوده کردند
 دیگر نوشته بودند که نور الدین نام کتونی دزد مشهور
 در اوقاتی که نواب مؤید الدوله که حکومت کرمان ^{افرا}
 بودند در قلعه علی آباد لاری جمع از اشهر و قطاع ^{الطریق}
 بدو رخود جمع کرده و یک لوله توپ چو دنی هم با
 گذاشته علی رؤس الاشهاد راهبهای کرمان و
 فارس را میزد و مال قوافل را میبرد نواب ^{عسکری}
 از سمت کرمان جمعی را باستیصال آنها مأمور نمود
 سارقین تاب مقاومت نیاورده فرار کرده بودند
 مأمورین قلعه را که محکمه آنها بود عالیها سا فلک ^{کرده}
 نور الدین نام باز در جایهای دیگر مشغول سرقت
 شرارت بودند تا در این اوقات دست اجل بر
 قهای او زده کوسفند بشیر از او رده بود و بفرست
 در بین مباحیه با مشتری منازعه کرده نیز مقرب ^{انخاقان}
 حاجی قوام الملک آمده بودند نواب شاهزاده ^{انخاقان}
 گردیده فرستاده مشار الیه را دستگیر و حکم
 بجهت او نمودند تا بعد از ای اعمال خود بربانند
 دیگر نوشته بودند که درین اوقات اجناس و
 ماکولات فارس نسبت سابق بسیار تنزل کرده
 و هر چیزی و فور بهم رسانده است و سجد الله ^{نهایت}
 و اوانی و ارزانیست و مالی آنجا کمال شکر گذار و دارند

دیگر از قراریکه نوشته بودند نواب امیرزاده علی میرزا
در صفحات لایستند و امور انجرا را هر چه قطع
مضبوط دارند و از تفکیک ان لاری مجتهدا دوست
نفر نیز بجهت مستحق بنده عباسی فرستاده اند

دیگر نوشته بودند که دو بند از بلوک کربال را که
موسوم به بند جهان آباد و بند خشک است نواب
برده و خراب کرده بود و بدین واسطه بجهت کربال
و صاحبان ملک و زمین کربال که همه شلوک کار
و ایشان از بندهای مزبور بود ضرر فاحش روی
داده مراتب را بعرض نواب مؤید الدوله رسانیدند
نواب معزی الیه ادم فرستاده بر آورد و خرابی
انجرا را سه هزار تومان مشخص کرده بودند مقرر داشتند
که بنا و غله و تنخواه و اسباب با انجا فرستاده
بندهای مزبور را در کمال استحکام باز کند که رعایا
انجا مشغول زراعت و عیسی خود بوده متفرق و پرا
نشوند

عالیجا علیقلی خان سرسنگ فوج فشار خرقانی که
مأمور خدمت فارس بود در پانزدهم ماه ذی قعدة
با فوج وارد شیراز شده در پهلوی باغ نوارد
زده و در شانزدهم ماه مزبور فوج را در کمال
آرامشی و شکوه بحضور نواب مؤید الدوله برده
در میدان صف نظامی کشیده بودند نواب معزی
انها را یکی یکی ملاحظه فرموده بعد از آن عالیجا را

حکم مشق با آنها داده با اینکه میدان مزبور چندان
وسعتی نداشته است بطوری مشق کردند که اهل نظام
همه تحسین نموده بودند چون نوشتجات و عرایض حکام
و ضباط عرض راه که رسید انجا رکال رضایت
از معقولیت و نظم عالیجا علیقلی خان کرده بودند
که بسیار با قاعده و نظم حرکت کرده و سربازان
بسیار بجهت خلاف حسابی نموده بودند لهذا نواب معزی
الیه التفات زیاد به عالیجا پش را الیه نموده حلقه بجهت
او فرستادند و مقرر داشتند که هتیه و تدارک
خود را دیده بخدمت صفحات لارستان روانه
شوند

مقرب انخاقان عبداللہ خان صارم الدوله که در
دارا سجد با فوج توقف داشت و بعضی از افواج
او هم در شیراز و جایهای دیگر ماموریت داشتند
نواب مؤید الدوله مقرب انخاقان پش را الیه را از انجا
احضار و مقرر داشتند که سرباز خود را جمع آوری
نموده روانه دیربایون شود

دیگر نوشته بودند که خرابیهای شهر شیراز را که تازه
بنائی کرده اند بسیار خوب و با صفا تر از اول شد و فی الحقیقه
شهر نوی کشته است و باز هم مشغول ساختن جدرانها هستند
و هر چه ختم میشود کمال استحکام و بهتر از بنای اول است
قسم کربال و کربال و کربال و کربال و کربال و کربال و کربال
کیلان و کربال و کربال و کربال و کربال و کربال و کربال و کربال

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۲۷۲

نزدیکیت چهره

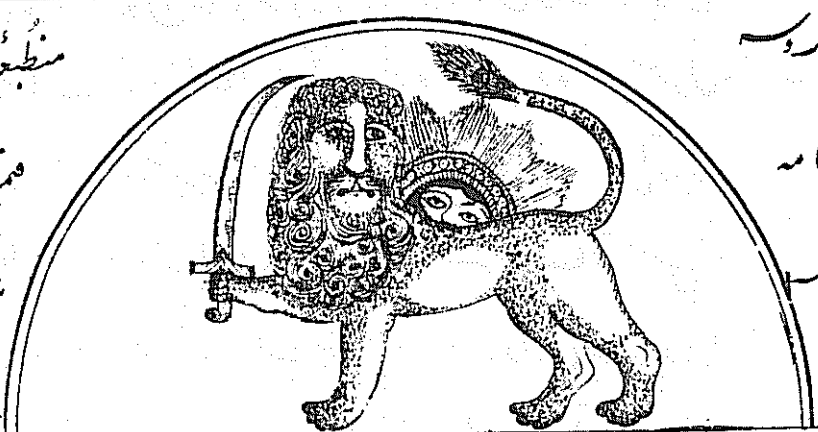
وقت روزنامه

هرنجه دوشنبه

منطقه دارالخلافه طهران

میت اعلانات

هرطریخ



اخبار و خدایک محروسته پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون بر ساله از جانب دیوان اعلیٰ جبهه تغریه داری
جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام در ویه عاشورا
در میدان ارک چادر پوشش زده میشود اما سال نیز
حب الامراقدهس هایدون شایستهی چهارده دیر
که تازه مخصوص تغریه در میدان ارک دوخته اند زده
شده در روز نهفتم محرم الحرام بقرار سنو استابقه
اعلیحضرت شایستهی بکیه میدان ارک تشریف فرما
گردیده لوازم پیشکش و قربانی از جانب مغرب انجان
عین الملک که ناظر کارخانه مبارکه و مباشر آن بکیه
بعل آمده شربت و قهوه در آنجا صرف فرمودند و از آنجا
بجارت ارک جناب شرف مجد رفیع صدر اعظم تشریف
فرماشته بنهار را در آنجا میل فرموده بعد از ظهر از آنجا
بکیه دولتی تشریف بردند چون از محلات و بعضی

دارالخلافه در روز نور تغریه داران دسته دست
با ادضاع تغریه داری در یک میدان ارک یاد بکیه
دولت شرفیاب حضور مبارک میشوند از روز ارکا
فی السابق از محلات و تکایای دارالخلافه غریب و
بومی اعلیٰ و ادانی با اسباب تغریه داری بکیه
آمده شرفیاب حضور مبارک گردیده و رسوم
تغریه داری را بعل آوردند و از جانب سرکار اعظم
شایستهی لازمه انعام و القات در حق مستحقین و انجا
لازم بود مبذول گردید و شب ششم و شب عاشورا
سرکار اقدس هایدون شایستهی همه تحصیل نواب
تغریه داری و تفریح چهره غانی بکیه دولت تشریف
فرما گردیدند

چون از قدیم الایام در دوحله دارالخلافه که عبارت
از چال حصار و چال میدان باشد در روز عاشورا

جمعیت می شد اوضاع تعزیه را درین دو جا برپا
 میکردند و این هر دو مکان جای مخزوبه و غیر
 قابل بود اما جناب اشرف اجمدارفع فخر
 صدر اعظم وجهی از خود بجهت تعمیر میدان چال
 و بنائی تمکین در آنجا داده بودند با تمام عالیجا
 محمود خان کلانتر میدان فرورنگینه بسیار خوب
 و پاکیزه ساخته شده دور تا دور میدان
 مزبور را حصار و دیوار کشیده و طاق نما کرده و
 صفه بسته اند که در مرتبه اول بعضی از اعیان
 و اشراف چادر میزنند و در دو مرتبه دیگر تاج
 مردم می نشینند و استماع تعزیه واری و سر خوان
 می کنند و در وسط تمکین آب انبار بسیار بزرگ
 خوب ساخته شده که بالای آب انبار مزبور صفه
 و میدان بجهت تعزیه خوانهاست و این تمکین
 و همه با تمام رسیده بود جناب اشرف ارفع صد
 اعظم و جناب نظام الملک در روز ششم انماه
 بتمکین مزبوره آمد بسیار تعریف و تحسین و
 محمود خان کلانتر نهایت التفات و تواضع نمود
 و در روز عاشورا که در آنجا شبای تعزیه بود
 از دحام عام و جمعیت تمام شده مردم بخلاف
 سایر ایام دیگر با کمال آرام و استراحت نشسته
 بلو از م تعزیه داری جناب سید الشهدا و دعا گو
 ذات اقدس علایون پرده چشند و بعد از اتمام

تعزیه داری آنجا اساس و اوضاع تعزیه را
 محمود خان کلانتر و زکی خان که خدا بر دستها
 دولت برده بقرار معمول مراسم تعزیه داری برادر
 بهل آوردند
 از سنو آه سابقه بعضی رسوم و قانونها در تکیا و
 در تعزیه داری فیما بین عوام الناس و جمال معمول و
 متداول بود از قبیل شبیه سر بریده از مقوا ساختن
 و مجلس آوردن و ساز و ثنی در مجالس تعزیه زدن
 و غیر ذلک از اینگونه چیزها که شرعا و عرفا جایز و ممدوح
 و علمای اعلام فتوی به تجویز و ترویج اینگونه افعال و
 اعمال میدادند اما سال بر حسب فتوای علمای اعلام از
 جانب سرکار علیحضرت شاهی امر و فرمایش بر
 منع اینگونه حرکات کثرت حب الامر موقوف شد
 و اینجمله سبب مزید دعا گوئی الهی و در انحراف و کام
 اهل ملت و مذمب گردید
 گوی فقره مال مقرب انخافان ملک الکتاب از کرد
 اسبکان او در کوچ افتاده و مفقود شده
 بود و سر باز آن قرا و خانه جمعی عایلی و محمد رضا خان
 سر قیپ پیدا کرده و نزد مشا را لیه او برده بودند
 او هم سپرده بود که نگاه دارند تا صاحب معلوم
 شود درین اوقات معلوم شد که مال مقرب
 ملک الکتاب است او را در مقرب انخافان مشا را لیه
 تسلیم نمودند

۱۵۲۸

سایر ولایات
از فرمانان و استر اباد و اباد
ازین ولایات درین مهفته اجاری رسیده

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند
ستطاب هزاره و الا بتبار حشام الدوله فوج

ولینچان سرپ را احضار به بروجرد کرده و در
باغ شاه چادر زده اند و توپخانه مأمور عربستان
هم از شهر خارج نموده روز بروز دسته دسته
سرباز را میرسانند و مواجب آنها را رسیدگی نمایند
هر یک از سربازان که کارشان ناتمام است
نموده بانجام میرسانند که هنگام حرکت ناتمامی
در کارشان نباشد

دیگر نوشته بودند که در ۲۱ ماه دیچه سرمای شدیدی
در بروجرد شده بود بطوریکه آب یخ بسته بسیاری
از زراعات شلتوک و جو زق و ماش و لوبیا
را سرما زده و بیافات انکور نیز ضرر رسانده است
زارعین از اغلب زراعات مایوس گردیده چنانچه
مگر زراعت شلتوک را که کمان داشته اند نصفه
حاید بشود و شب دیگر هم هوا سرد شده و لی
بشدت اول نبوده است بعد از آن هوا با عذال
آمده بود و در تاریخ مزبور از کرمانشاهان هم نوشته
بودند که هوا در آنجا نیز بسیار سرد شده بود

دیگر در روزنامه لرستان نوشته بودند که
جلال الدین میرزا با فوج عالیجاه جعفرقلیخان خداند
و سوار دسته عربان و یار احمدی دسته خانجانی
از اشر حرکت کرده بسمت خاوه رفقه و امر
انتظامی کامل داده و نواب مستطاب حشام الدوله
تاکید نموده اند که امور کا کا و ندر اهرم نظم بند

دیگر نوشته اند که نواب غلام حسین میرزا که با
نفر دلفان و دولت نفر پشتکوی و دولت نفر
و الوند و سواره قاید رحمان و یک عراده توپ
بهرو و بالا کرویه رفقه اند امور آنجا را نظام تمام
مستول وصول و ایصال الیایات دیوانی میباشد
با اینکه ایلات مختلفه در آنجا هستند از احادی
خلاصیابی ناشی و صادر نمیشود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند
افیت و نظام در امور آنجا حاصل است و نواب
مستطاب هزاره افیم و الا بتبار فرمانفرما حکمران
مملکت خراسان نهایت رسیدگی و اهتمام را در نظم
ولایت و آسودگی نوکرو رعیت دارند و از جایهای
که سابقا سی چهل نفر با حیات میرفتند حال یک نفر
و دو نفر با کمال آسودگی و خاطر جمعی عبور و مرور
نمایند

شاهنشاهی بفقرا و مساکین زیاده اطعام جهان کرده اند

بر و جرد و بطام و خراسان و خواف و دارالمز و عراق و عربستان ازین ولایات نیز درین مهفته اخباری رسیده است
فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند عالیجاه محمد علیخان سرتیپ فوج تحفه قاپوی قراچه در دویم ماه ذیحجه با فوج وارد شیراز شده فوج مرزور را با کمال آراستگی بحضور نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مؤید الدوله حکمران مملکت فارس برده بود ولی از قراریکه نوشته بودند بقدر رسید نفر از سرباز و صاحب منصبان و ناخوش بودند و بعضی هم فوت شده اند نواب مؤید الدوله حکیم بجهت آنجا تعیین نموده خود سرتیپ مشارالیه همه روزه با خاد و افراد میر رسیدگی نموده و آنها را ولایت داری داده و بداد و معالجه و پرستاری آنها اهتمام زیاد دارد

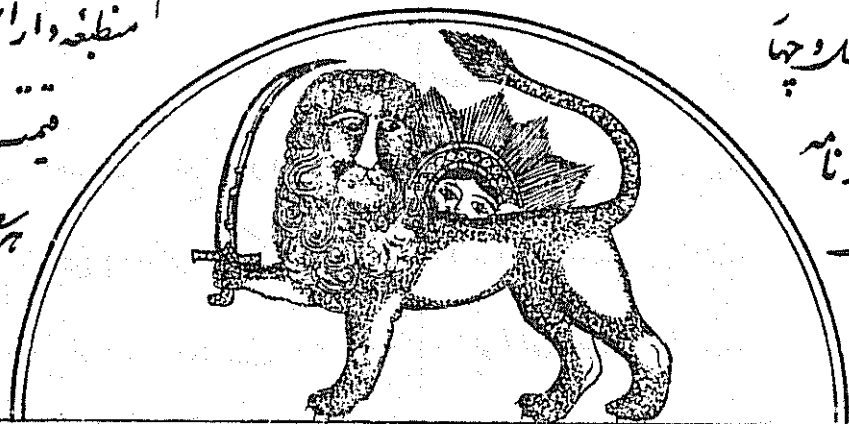
قزوین
 از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند مسجد جامع دارالسلام قزوین موقوفاتی داشت که واقف بشرایط چند وقف کرده و قرار داده بود که بمصارف موقوف علیه سربازان و سواران و سنجایی چند موقوفات را ضبط کرده بمصارف خود میسر نمایند و مسجد خراب شده و از رونق افتاده بود و مقرب انجاقان حاجی حسین خان وزیر قزوین از کدارش مستحضره اومی از خود کماشت که موقوفات انجاء را باستحضار جناب اخوند ملا حسن مجتهد ضبط نموده بمصارف موقوف علیه برساند چند روز است که بنا و عمل مسجد بزرگ انداخته آنجا را از وجه موقوفات خودش تعمیر می نمایند

دیکر نوشته بودند که محمد جعفر بیک چابار که محقق چابار خانها بود بحضور نواب مؤید الدوله آمد و عرض کرد که کار و انصرافی خان خزه که در بیابان واقع و آب در آنجا کم یاب و قلیلی آب در نزدیکی

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم محرم الحرام مطابق سی و شش سال ۱۲۷۲

نزد ویت و جهاد چها

قیمت روزنامه
هر نسخه دوازده



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
هر خط پنجاه

اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت امیرکبیر
شاهنشاهی غزیت تفرج و تماشای سیراب
و آن اطراف را فرموده بعد از ظهر سوار شده
و آن اطراف را گردش فرموده هنگام عبور
اقاب مبارک که سلطانی و مملکت
عظمی را تحت فرمان دارند

رفتند و حضرت امیرکبیر شاهنشاهی غزیت چند
توقف در آنجا دارند چون روز قبل مرحوم حاجی محمد
نظام العلماء بر حجت ایزدی پیوسته بود جناب
از دفع اخم صدر اعظم در روز حرکت مرکب
همایون در سر سواری مجلس فاستخو خوانی مرحوم
رفته مجلس فاستخو را بر چیده از آنجا همکب
پیوستند

چون درین اوقات بعضی ناخوشیهای مختلف
در دارالخلافه طهران بروز داشت و هوای داغ
و شیرانات خوب و طایم بود اعلیحضرت امیرکبیر
همایون شاهنشاهی در روز دوشنبه ۱۱ ماه محرم
غزیت را وداع فرموده تشریف فرمای آنجا گردید
و از خواص و مقربان حضرت گردون ببط
بعد از نوم از سایر خدم و حشم در مرکب همایون

چون بر ساله در فضل پانیر بجهت اختلاف و او
و فرمیوجات ناخوشیهای مختلف در دارالخلافه
طهران بهم میرسد حتی بعضی استنباط ناخوشی و با
میکنند در این اوقات اگر چه با عتقا و بعضی ناخوشی
و با در طهران فی الجمله بروزی دارد ولی بعضی ناخوشی
که فوت شده اند محقق معلوم نیست که از ناخوشی
و با بوده باشد یا از امراض دیگر و اگر ناخوشی با

هم باشد چون در کاشان نیز فی الجمله بروزی
داشت و زود رفعت امید است که از دارالخلافه
هم در همین روزها اشارت از توجه آنده اطهار و خلوص
نیت اعلی حضرت شاهی رفیع شود و از قرار روزهای
شهر بجهت اتهام عالیجاان کلا نتر و که خدایان در
پاکیزه نگاه داشتن کوچه و محلات روز بروز
ناخوشی و رتناقص است و کمان کلی است که هر
امراضی باشد غریب رفیع شود

نواب مستطاب هزاره و الابرار و شیرمیرزا
حکمران دارالخلافه طهران و توابع و مقرات
میرزا بوسی و زیر درامتظام امور ولایتی و اسود
رعایا و برایا اتهام وافی دارند و بهرجهت امر
دارالخلافه منظم است و کسی قدرت حرکت
خلاف ندارد و سایر چاکران در بارگاهین
از میران پنجه و صاحب مضبان و عالیجاان
محمود خان کلا نتر و که خدایان هر یک در انجام
خدمات محوله بنحو مراقب و موطن هستند

در قلعه آرامنه مارکو صاحب خانه داشته است
و اسمعیل خان زرگزین در خانه مشاییه بوده
در هفته گذشته که ایام عاشورا بود سه نفر در
باجی رفتند و از دیوار رخنه بمیان خانه زده بای
سرقت کرده بودند و مارکو صاحب مطلع شده
آنها را تعاقب کرده بود و سارقین سه زخم

باورده و در رفعت بودند ابو القاسم بیک داروغه
خارج شهر حبس محکم در تفحص و زندان بود تا مگر
بعد از عاشورا آنها را گرفته با اسباب مسروق
با اتمام بحضور نواب شاهزاده و الابرار و
آورده اسباب مسروق و بصاحبش تسلیم
و ابو القاسم بیک در ازای این خدمت
مورد التفات گردیده نواب معتمدی الیه
یک طاقه شال و خلعت دادند

درین روزها ضعیفه و طاقه شال و بعضی
اسباب در بقیچه گذاشته و بنزد ضعیفه دیگر
برده بود که برهن گذاشته تنخواه قرض نماید
بعد از آنکه شال و اسباب را نشان داد
گفته بود که چون اینها امانت شخصی است و منجم
مضبوط باشد مبرم بقیچه را میدوزم و لاک مهر
زده می آورم بقیچه را برده و تبدیل کرده بکای
شال و اسباب پلاس در میان آن گذاشته
و سر بقیچه را دوخت و مهر کرده بنزد صاحب
تنخواه برده و بیت تومان پول گرفته و رفعت
بعد از رفتن او ضعیفه صاحب پول خدعه او را
فهمیده و که خدای محله را بلا فاصله خبر کرد که خدا
آن ضعیفه مکاره را پیداکرده مراتب بعرض
نواب شاهزاده رسیده و ضعیفه مزبور
بجهت مطالبه تنخواه حبس است

در این اوقات بسبب انقلاب هوا افواج	لنگ چار من دو هزار و شصده
فابره نظام متوقف دارا انحلا و سبار که از	پیه کداحته چار من هفت هزار و نوزده
شق حسب الامر اقدس بایون معاف و محض	خربزه چهل من پنجاه و پانصد
میباشند	هندوانه چهل من سه هزار و پانصد
در روز سه شنبه نوردهم اینها افواج فابره	اکو خوراک بیست من سه هزار
نظام و توپچی و زنبورچی و سواره نظام را بوقت	اکو ترشی بیست من دو هزار
این لشکر و سایر کزونیان سان دید به	نان یک من پنجاه
رسیدگی نمودند	گوشت یک من یک هزار و پانصد
شعر اجناس دارا انحلا و طهران	پیر شور چار من هفت هزار
هفته بقرامسطور ذیل است	مات چار من یک هزار و شصده
کندم دور شهر یک خورار بیت و دو هزار	شع یک من دو هزار و چارصد
کندم ساجبلاغی یک خورار بیت و سه هزار	برنج غنبلو چار من دو هزار و هفتصد
چو یک خورار سیرده هزار	برنج کرده چار من دو هزار و چارصد
گاه یک خورار پنجاه	روغن چار من دو هزار و پانصد
پونجه یک خورار هشت هزار و پنجاه	قذاری یک من شش هزار و پانصد
ذغال یک خورار هفده هزار و پانصد	چهار هزار چارصد
نخودرسی یک خورار بیست و شش هزار	چهار هزار چارصد
لوبیا یک خورار سه تومان	شکر یک من سه هزار و پانصد
عدس یک خورار سه تومان	تنباکوی اعلا چار من شازده هزار
مش یک خورار سه تومان	تنباکوی وسط یک من دوازده هزار
رزن یک خورار دوازده هزار و پانصد	آبغوره یک من ده شاهی
حزما چار من سه هزار و پانصد	آب لیمو یک من سه هزار
شیره چار من سه هزار	کنجین یک من سه هزار و پانصد

سایر ولایات

اثر بایجان و استر اباد و اسدیه
آزین ولایات درین مهفته نیز اخباری رسید

اصفهان

از قرار که در روزنامه اصفهان نوشته اند
مستطاب هزاره والاتب حتمت الدوله حکم
اصفهان چند روز علی الموالی بجهت رسان نوکر متوف
اصفهان بجات چهل ستون آمده غلامان علی
ایازخان و غلامان صدالدیک و سربازان
علیجاه محمد هاشم خان و سربازان زدنانی را
بدقت تمام سان دیدند چون سربازان زدنانی
زیاده مریض و اشته و جوی بجهت مداوا بانها انعام
مموده مقرر داشتند که اطباء مشغول معالجه و مداوا
انها باشند

دیگر نوشته بودند که در چهار فرسخی مورچه خورت
جمعی از قطاع الطریق طایفه بختیاری و دکل کوفته
وقدری اسباب سبوت برده بودند خبر مورچه
رسیده اقا قربا علی نام که خدای انجا بقدری نفر
تفکیکی برداشته متعاقب دزدان رفته و بانها
بنای زد و خور و کذاشته بقدری عمت دعوا
انها طول کشیده بود یک نفر از دزدان مقتول
یک نفر از تفکیجیان نیز زخمی شده باقی دزدان
کوفته و اسباب را بجا گذاشته فرار کرده بودند

مشار الیقش آن یک نفر دزد را با صفتان
نواب حتمت الدوله در از این خدمت اورا
داده بودند و ده نفر قرا سوران که بجهت تحقیق

مورچه خورت مشخص بودند در امداد به اقا قربا علی
که خدا احوال کرده بودند مراتب بعضی نواب شاهزاد
رسیده آنها را خواسته تا دیب مضبوط کرد بودند
که بعد ازین در خدمت محوله بخود تکیا بل و احوال نور

دیگر نوشته بودند که چون حاجی محمد رضا خان چال
از جمله اشخاص معتبر و بصفت کفایت و خدمت
موصوف بودند نواب شاهزاده بلوک لیجان را با
و اگذار کرده اند که امور انجا را عظم و رعایا
از خود راضی داشته منال دیوانی بلوک مزبور را
بخطه وصول برساند بعضی از مفیدین بلوک مزبور
تیز که در کار مشار الیه اخلال میکرده اند نواب
مغزی الیه آنها را تنبیه و تادیب نموده و در پیشرفت
کار مشار الیه لازم تقویت را کرده اند که از
عهد خدمات دیوانی بخوبی برآید

دیگر نوشته بودند که در عید اصحنی و عید غدیر
نواب حتمت الدوله بقرار معمول لوازم عید را
آورده بعد از شلیک ادای خطبه نموده و بدعای
بقای ذات اقدس علویون شایسته ختم کرده
و در هر دو عید بجهت حصول دعا کوئی وجود فانی بخود

عربستان

دیگر نوشته که قراولانهای ارض آقدس بعد
حراست افواج کردی جمعی عالیجاه حسن خان
سرتیپ است و از قراریکه نوشته اند با نهایت
نظم و حسن رفتار با امانی آنجا سلوک کرده اند
و امانی آنجا کمال رضامندی از آنها دارند

از قراریکه در روزنامه حمزه نوشته بودند نهایت
افیت و آرزائی در آن ولایت حاصل است و
اجناس که سابقا تعیری داشت در این اوقات
تزلزل کرده و امانی آن ولایت ازین حمله کمال خوش
وقتی و شکرگذاری را دارند و در راه هر سال

عالیجاه میرزا ابراهیم خان سرتیپ افواج خسته که
بانو کر ابواجمعی خود مامور خلوی کلمات است
از قراریکه نوشته اند بسیار با معنویت و حسن
سلوک با امانی آنجا رفتار کرده و زیاده از نظم
و رعیت داری او توصیف نوشته اند

غله بهتر از سالهای دیگر بعل آمده است
دیگر نوشته بودند که یکی از لواحق کرستان که
محل کشت و زرع طوایف امرائی متعلق بعالیجاه فتح
سرهنگ فوج امرائی است هفت سال بود که مرغ
می شد امسال عالیجاه شاد و فرسوار و

دیگر نوشته اند که افواج شقاقی ابواجمعی عالیجاه الفتح
خان در ۲۴ ذیحجه و افواج سمنان و دامغان
ابواجمعی عالیجاه پاشا خان سرتیپ در ۲۷
ماه مزبور وارد ارض آقدس گردیده و درین
دروازه حبس محکم چادر زده اند تا بعد جا و مکان
برای آنها مشخص شود

کرده از چشمه شیرم که باین اصفهان و فارس
به آب که مرغ مرغ خوار است میباشد آب بار
بشرایطی که در میان اهل آنجا متداول است از چشمه
برداشته بآن ناحیه آورده اند و بجنس رسیدن آب
بآنجا چندان سار ملخ خوار آمده که حد و حصر آن معلوم
نمی شود و ملخ آنجا را بکلی برچیده زراعت آنجا از

دیگر نوشته اند که افواج کردی و توپچی متوقف
ارض آقدس هر روزه در میدان شش حاضر شده
شش شش میباشد و روزی ساعت شش گرد
بعد بخدمت محوله بخود میروند

ملخ سالم مانده اند توضیح این فقره اینکه در هر جا
که ملخ بروز میکند سواری از آنجا بچشمه مزبوره فته
آب از آنجا بر میارند و باید روی باز پس کنند
و کوزه آب را بدست گرفته بسمت چشمه مزبوره دراز
نمایند و بانجا که ملخ بسمت براندس بسیار از
عقب آن سوار و کوزه آب بکشت آمده تا بان

دار المرز و دامغان و سمنان
این ولایات نیز در این هفته خبری نرسیده است

۱۵۳۵

که بلخ دارد میسند سوار طرف آب را از جوی یا
درختی می آویزد سار را در آنجا مشغول کشتن می
میوند و بلخ را بالمره از آنجا تمام کرده بجای خود
معاودت می کنند و این کارش از غرایب کار
و در وقتی که این سار را مشغول کشتن بلخ می شوند
از لعاب و خون بلخ مقدار آنها بهسم می چسبد
و بآب قنات پار و دخانه یا چشمه که در آنجا
در آمده مقدار خود را می شویند و باز بر کشتن بلخ
میروند و اگر آب در آنجا نباشد مقدار سار را
بههم چسپیده از کار می افتند و غلبه بلخ راست

دیگر نوشته اند که درین اوقات شخصی بلوچ در مقابل
قلعه بند محسره در وسط روز برهنه گردیده میان
شط رفت تا گاه ماهی کوسه که قسی از ماهیها

دیگر نوشته اند که چون بجهت شدت گرمای محسره
اغلبی از فوج امرائی مرین بودند و روزی دو نفر
مشق کردن بجهت آنها صعوبت داشت قرار مشق
انها را بصبح که هوا هنوز خندان گرم نشده است
داده اند که تا هوا گرم بشود از مشق فارغ شده
باشند و عالیجاه فتح الدخان در پرستاری و
معاوجه و مداوای مریمهای فوج مزبور اهتمام زیاد
دارد

مزبور او را بلعیده رفت
دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخ فارس خان چون
درین اوقات بریارت بیت الله محرام رفته است
عالیجاه شیخ حاکم خان برادر او که در زمان بود
خود مشارالیه هم مصدر خدمات دیوانی و نظام

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه دیحجه در بندر محسره
طوفان شدیدی شته و تاده روز آمد اودا
و هوای بطوری تیره کرده بود که بعضی روزها
میان اطلاق اشخاص یکدیگر را نمی دیدند و در پانزدهم

تقوای او دارند

دیگر نوشته اند که سابقا چهل نفر نوکر بلوچ ^{ساخته} بجهت بندر محقره برقرار بودند درین باب نواب ^{ساز} ش هزاره و الایثار احتشام الدوله درین سال عالیا علی میرزا ابو الفضل نوشته بودند که علاوه بر نوکر استماری سابق مکصد و شصت نفر هم جدید بلوچ نوکر ساختی بکیر و مثالیه نیز حسب الامر فرستاده از آن اطراف از ظایفه مزبور جمع کرده و سان آنها را دیده با الفعل آنچه در ماه ذیحجه سان آنها دیده شده مکصد و چهل و دو نفر در بند محقره مشغول ساختی میباشند

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند بعضی از تفکیکیان عالیا علی باقر خان تنگستانی از بندر عباس فرار کرده بودند نواب ^{ساز} ش هزاره و الایثار مؤید الدوله حکمران مملکت فارس مقرر داشتند که آنها را گرفته به بندر عباس معاودت بدهند ولی خود عالیا علی باقر خان با اینکه مریض است کمال اهتمام در امر ساختی انجام دارد و از تفکیکیان خود که مخصوص عالیا علی ^{ساز} رالیه هستند کسی فرار نکرده با وصف اینکه بعضی ناخوش بوده اند کمال ^{ساز} در امر ساختی انجام دارند

دیگر نوشته اند که چندی بود که راه عبور کشتی و بار تجاری از جزیره ششم به سمت بندر عباس و غیره مقطوع و ممنوع بود درین اوقات مانع اعراب آنجا موقوف گردیده و بار تجاری می ^{ساز} و خود اعراب هم بجهت معامله و داد و ستد به بندر عباس و لاریان ^{ساز} رفتند

شم و قره وین

ازین ولایات نیز درین هفته اخبار رسیده است

کاشان

از قراریکه از کاشان نوشته بودند قبل از ورود عالیا علی محمد حسن خان حاکم کاشان با ساجا شخصی عروسی داشته بعد پانصد شصت تومان حوا ^{ساز} و رخت زنانه از مال تجارت و غیره بابانت آورده در بین عروسی اشیا مزبوره را سرقت کرده بودند صاحبان مال بعد از تفحص بسیار که از پیدا کردن قاصد آمده بودند مراتب را بدربارهایون عرض و حسب ^{ساز} الاشارة العلیه مقرر شده بود که عالیا علی محمد حسن خان اموال مسروقه را حکما پیدا کرده صاحبان اموال ابرساند عالیا علی ^{ساز} رالیه نیز در مقام تحقیق و تفحص برآمده چند نفر را که کان صاحبان مال ^{ساز} میرفته است گرفته و از آنها مطالبه کرده چیزی معلوم نشده است باز چند نفر آدم کاشته است که در داخل و خارج شهر در تفحص باشند درین بین

در هشر آخر ذیحجه که ناخوشی و باد رکاشان شد
 کرده بود رمضان نامی کاشانی در خارج شهر
 فوت شده پیری داشت او هم روز بعد همان
 ناخوشی در گذشته بود کسی که او را می شناسختند
 عیال بجا میسر حسن خان گفته بودند که این شخص رمضان
 از دزدان مشهور بود عیال بجا میسر را ایسم همان
 اشخاص که بتفحص اموال مسروق گماشته بودند با
 نواز سادات و طاهای آن محله بخانه او فرستاده
 بعد از کاوش سخت مسروق را علاوه دو بچه
 دیگر که صاحبش معلوم نبوده پنج بچه از دهنه که در خانه
 او بوده است در آورده بودند و جبهه جواهرات
 هم در میان خم جووان پنهان کرده بود بیرون
 آورده آنها را بصاحبانش تسلیم کردند و دو بچه
 دیگر که صاحبش معلوم نبود بآدم سنی سپرده است
 که صاحبش پیدا شده با و تسلیم نمایند

کرمان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند در ۲۶
 ذیحجه خبر بانجا رسیده بود که جمعی از قطاع الطریق
 و اشترار بجهتیه بسر راهها آمده چند نفر شتر از بزرگ
 خبیص و مالی اطلبس برده اند عیال بجا میسر استغ
 پیشکار کرمان بجهول آگاهی سی نفر از خوار چهار دیو
 جمعی عیال بجا عسکر خان با آب و اذوقه و قورخانه
 سبت لوت خبیص روانه کرد عیال بجا امام علی خان

سرمشک نیز که در ار بجهتیم بود بمحض استحضار
 جمعی تفکیکی مستعد از آنجا برداشته تبعاقب
 بلوچها تا ماساکن خود آنها رفت جنگ در پوسته
 و کمال رشادت و جلالت را بعل آوردده سی و دو
 نفر از اشترار مذکور را سر نموده و یک نفر زنده و یک
 کرده شتر و اموالی که برده بودند بآلهم از آنها
 مسترد کرده بود

دیگر نوشته بودند که عیال بجا میسر استغ معیه بلوکات
 کرمان آدم فرستاده نوشته است که اولاد
 حفظ و حراست حدود سامان خود مراقب باشند
 که از اشترار بلوچ و غیره با نجا دست اندازی نشود
 و تانیا مبارشرین در بات منال دیوانی داد و
 بکنند تا حکم از اولیای دولت قاهره برسد
 و در سر راهها همه جا سوار تحفظ فرستاده است
 که عابرین بی تشوش عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته اند که عیال بجا شیخی خان سر قیابانها
 نظم و حسن سلوک با مالی کرمان رفتار میکند و از سب
 او کسی قدرت حرکت خلاف ندارد و عیال بجا را
 نهایت مراقبت در شت و نظم آنها بعمل می آورد

کرمانشاهان و کروک و کروستان
 و کیلان و طایر و نهاوند و بهمان و پور
 ازین ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده است

در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود که
یک صفحه پلاستیکی شل و سباب در بقیه گذاشته
و بنزد ضعیفه دیکر برده میخواه گرفته بود و اصل
ان نوزده تومان بود است درین هفته از او
گرفته شد به بشارت تسلیم شد و آن ضعیفه
بضامنی پرده تا حکم آن بشود

سیارویات

اذربایجان

از قراریکه در روزنامه اذربایجان نوشته اند
از اتمامات نواب مستطاب مراده و الیار
نصرت الدوله و مقرب انخاقان قایم مقام کمال
اینست و انتظام در انولایت حاصل است و
عموم امانی انولایت در نهایت فراغت و آسودگی
مزید و عاکونی ذات اقدس بایون اعلیحضرت
شاهنشاهی اشغال دارند و امور حفظ و حرارت
شهر و محلات و قراولخانهها و طرق و شوارع دین
انتظام است

دیکر نوشته اند که جناب عمده الامراء العظام
عناقلیجان میرنجه و سید الملک سید کبریا
خلیفه که نامور دولت بهیه روس بود و در نوزدهم
و بیست و یکم تیرین شد و در و در و مقرب انخاقان
شارالیه لوازم استقبال و اعزاز و احترام ارجا
میران نجه و سرشیپان و سرسکان و اعیان

و اشرف و امانی بعل آمده و مقرب انخاقان حاجی
میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه و میرزا احمدخان
برادر مقرب انخاقان قایم مقام تا با سپنج استقبال
کرده و اسبان یک یراق طلا از جانب نواب
نصرت الدوله و مقرب انخاقان قایم مقام بجلوه
معزی الیه برده اند و عالیجا جنرال قونول دولت
بهیه روسیه نیز که در نعمت آباد بوده است از نجا
با اجرای سفارت با استقبال رفته اند و بعد از آن
و در و جناب مشارالیه مقرب انخاقان قایم مقام
در باغ شمال ضیافت بسیار سکین نموده و جمع
اعیان و اشرف و عالیجا جنرال قونول دولت
بهیه با اجرای سفارت در آن ضیافت بوده اند
و لوازم تکلفات بعل آمده و در دوازدهم ماه محرم
با مسرا امان روانه مقصد شده اند و بمقام فتن
میران نجه و صاحب مضبان و اعیان و اشرف
رسم شایسته معمول شده اند

دیکر نوشته اند که در عید اضحی و عید غدیر نواب
مستطاب نصرت الدوله مراسم سلام عید را
از اجرای شلیک توپ و غیره بعل آورده اند
و ادای خطبه نموده بدعای بقای وجود فایض
همایون ختم و تقدیم شکرگذاری کرده سلام عام
منقذی گردیده است

دیکر نوشته اند که دو نفر الواط در حکم آباد

سکنی داشتند در دم در واره کجی نزاع کرد
 پیر حاجی اللہیار که از اوطا مشهور است زخمی شد
 مقرب الخاقان قایم مقام مستخضر شد و فرستاد
 فوراً آنها را که زخم زده بودند گرفته دست
 حاضر کردند آنها را حسب حکم بعد از سیاست
 مهار کرده بگرد بازارها و محلات گردانده و
 بهانجا که دعو کرده بودند تنبیه مضبوطی شد
 که عبرت سایرین شده کسی بجرکت خلاف
 اقدام ننهاد
 دیگر نوشته اند که او فایکه مقرب الخاقان قایم مقام
 در دار الخلافه مبارکه بود چند نفر قصاب تبریزی
 بعد مشقت تو مان تنخواه برداشته سمیت مؤغلا
 رفته بودند که گو سفند خرید و تبریز بیاورند در
 برزند مشکین چند نفر شاهسون بر سر ایشان
 تنخواه مزبور را از آن اشخاص گرفته و خودشان را
 برهنه کرده بودند صاحبان مال رفته بقاصحا
 ایل بیکی اظهار کرده و در تبریز خدمت نواب
 مستطاب حضرت الدوله معروض داشته حکم و
 محصل برده ولی تنخواه بدست نیامده بود تا این
 اوقات که عالیجایان سلطان احمد خان حاکم
 طالش و قاسم خان ایل بیکی تبریز آمدند و
 مقرب الخاقان قایم مقام تحقیق و غوررسی کردند
 معلوم شد که مرکبین بعضی از وایسکان سلطانی
 احمد خان و بعضی از وایسکان قاسم خان
 هستند مقرب الخاقان قایم مقام تنخواه قصابها را
 تمام و کمال گرفت با آنها تسلیم کردند و صاحبان
 تنخواه زیاده از اینمغنی شاکر و امید وارد و جایگز
 دولت جاویدت علیه گردید
 دیگر نوشته بودند که علی آقای شکاک جذبی بود بواسطه
 عدم اطمینان از مباحثین دیوان در مباحثی
 این شکاک متزلزل بود و در سلاسل و دعات
 آنجا بر میزد تا این اوقات خود مشایه
 تنها سوار شده بر نزد مقرب الخاقان قایم مقام
 آمده در مقام تذلل و اطاعت درآمد و مقرب الخاقان
 مشایه از او اطمینان و خاطر جمعی بهم رسانید
 مباحثی ایل مزبور را کما فی السابق با محفل
 و اگذار کرده این روز محفل و غم بود
 دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان قایم مقام
 همه روزه از طلوع آفتاب الی نصف ساعت از
 شب گذشته اوقات خود را مصروف رسیدگی
 معاملات و محاسبات دیوانی و وصول الصای
 مالیات و رساندن مواجب نظام و غیره دار
 و بعد ایض و مطالب عموم الی ارباب بایجان از
 عالی و ادانی وقت و غوررسی تمام دارد و تنخواه
 مالیات علی التوالی از ولایات رسید بایضا
 دیوان اعلی میرسد

استر آباد و اسد آباد و اصفهان و
بروجرد و بسطام و خراسان و
عراق و عربستان و فارس
ازین ولایات در بخت اخباری رسیده است

قزوین

از قزاقیکه در روزنامه قزوین نوشته اند
انولایت در نهایت انتظام و در طرق و شوارع
کمال امنیت حاصل است و در هر جا که مستحق
قراسوران لازم بوده است مقرب الخاقان حاجی
حسنعلیان پیشکار آنجا مشخص کرده و فرستاده
و عابرین بنجا طرحی عبور میکنند و اگر احیاناً مالی از
مترودین بسرقت برود قراسورانها یا بعینه
پیدا کرده بصاحبش تسلیم نمایند یا انعمه عمر
او برمی آیند و همین امر شهر و محلات انتظام
تمام دارد و خاصه در ایام عاشورا که از اتهامات
مقرب الخاقان مشارالیه و مرقت که خدایان از
احدی حرکت خلافی صادر نشده است

چون هر ساله در ایام عاشورا در دیوانخانه نایب
نخستین دولتی مخصوصاً از جانب علیحضرت شاهنشاهی
بسمه میگرد و مخارج آن از دیوان اعلی داده میشود
درین سال مقرب الخاقان حاجی حسنعلیان مخضرمید و عا
بجهت و ات قدس بایون علاوه بر شاد تومان که از دیوان
منظور میشود هفتاد تومان هم از خود داده و هنر از سب

دیگر تکیه بسیار خوب با کمال راستی و زینت
شده و مراسم تعزیه داریراجل آورد و فقر و ضعیف
خلق را هر روز و هر شب محتاج داده و مردم از این
زیاده و عاکوی وجود فایض انجود اقدس بایون

بوده اند

دیگر نوشته اند که خانها بانی را در زده و باب او سر کرده
بعد از تفحص معلوم بود که نفر از بزرگان شهر جمعی از خانها با
سر منک مرتکب شده اند چنانچه رالیه آنها گرفته بیست
و بصاحبش تسلیم و آنها را خسته بود بقطر نظام بنیدار خباب
اقا سید جواد شفاعت کرده و الان هر سه محبوس اند
قم و کاشان و کرمان و کرمانشاهان و کرس
کر و استان و کیلان و مازندران و ملایر و نهاوند
و همدان و میرو

ازین ولایات نیز اخباری بنود

اخبار خارجه

نخلستان
از قزاقیکه در روزنامه خارجه نوشته بودند علیاحضرت پادشاه
در ۳ ماه او وارد پاریس شد و آنچه لازم اعزاز و احترام بود
در روز و رالیها اعلیحضرت امپراطور فرانس و اهل مملکت
آورده اند و خود اعلیحضرت امپراطور تا به بولون که بندر فرانسه
استقبال کرده و از آنجا علیاحضرت پادشاه انگلستان
از کشتی بیرون آمده با اتفاق اعلیحضرت امپراطور
وارد شهر پاریس شده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه شانزدهم منظر مطابق سال ۱۲۸۳

روزه حیات چهارم و شش

سنگینه دارا خلافت طهران

قیمت اعلانات
هر خط پنج شلر



قیمت روزنامه
هر نسخه دوشاهی

اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

اردوی هایون

مؤکب هایون شاهنشاهی از وقتی که اردوگاه مبارکه حرکت فرموده اند تا کنون در اوایه تشریف دارند و سبب خوبی هوا و صفای آنجا بر وجود فایض ایجود هایون و سایر ملزمین رکاب نصرت انتساب بسیار خوش گذشته و بجهت اندک کسی در آنجا ناخوش نشده و یکی کمال صحت پیدا دارند

در روز پنجشنبه گذشته حسب الامر اقدس هایون شاهنشاهی یکراه داده و از توپهای بزرگ میان میدان ارک را با چند عراده توپ دیگر بیرون شهر میدان بالائی کشان دلاله زاده برده مشغول شق تیراندازی شدند و اعلیحضرت شاهنشاهی از دوا و دیه لبر شین

تشریف فرما گردیده جناب جلالت یاب اشرف و محترم صدرم و سران و صاحبان نظام در مؤکب هایون بوده تا نزدیک عجب و آفتاب یا توپ بزرگ و توپهای دیگر نشان گذاشته تیراندازی نمودند و خود سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی دو تیر نشان زده و بجهت چابکی توپ در تیراندازی و اهمیت معلین دارالفنون در مشق توپ انعام زیادی با آنها محبت فرمود و مورد تحسین ملوکانه گردیدند و نزدیک عجب و آفتاب مؤکب هایون پدا و دیه محبت فرمود

چون درین اوقات از قرار روزنامجات و عرایض که از استر اباد میرسید از طوایف ضاله بیوت عنبره ترکان زیاده تظاول

و دست اندازی بصفحات استر اباد و
ان اطراف می شد و مقرب الخاقان محمد یون
نیز کما یجب از عهده تعذیات آنها نمیتوانست
بر ایدامهای دولت قاهر حب الاشاعیه
صلاح در این دیدند که شخصی کافی و کار دان
که در انولایت بلدیت و باطوائف ترکان
سابقه تسلط و حکم داشته باشد بحکومت
انجا سرافراز دارند لهذا مقرب الخاقان
جعفر قلینان ایلخانی که سالها در سرحدات
انولایت با کمال رشادت و جلالت با
طوائف مزبور زده و خورده نموده و همگی آنها
از او کمال خوف و بیم داشتند و شکستهای
متواتر که از او خورده بودند جرئت اقدام بجای
و تازان صفحات نمیکردند حکومت استر اباد
بعلاوه حکومت نزدیک و جاجرم مقرب الخاقان
شیرالیه مفوض گردید که مراتب رشادت و
کفایت و کار دانی و حسن سلوک خود را با رعایا
بیش انپیش مسعود خاطر خطیر خسروانی داشته
انولایت را از تعذیات طوائف ترکان محروس
و آنها را مطیع و منقاد این دولت جاوید نماید
نمود بطریق چنانچه دلخواه اولیای دولت علیها
در آن صفحات بدو و از جانب سنی احوال
ملوکانه یکثوب جبهه ترنه کشیر بشیرالیه خلعت

حکومت مرحمت گردیده و روانه محل مأموریت
میشود و عالیجا میرزا اسمعیل خان را هم که در
استر اباد سابقا بمباشه مقام خارج بود بجبهه
صدقت و راستی او بعلاوه بمباشه مقام
خارج پیشکاری انولایت نیز بمباشه
مفوض فرمودند که از روی صدقت و راستی
سجدهات محوله بخود پردازد و یک ثوب جبهه
ترنه کرمانی بمباشه رالیه خلعت مرحمت کرد
مقرب الخاقان عبدالله خان سپهچه که قبل از
فوت پدرش مرحوم محمد حسن خان سردار گلران
یزد و کرمان از انجا بعزم عتبه بوسی در باطون
شاهای بیرون آمده بود در یزد خبر فوت مرحوم
سردار بشیرالیه رسیده سه چهار روز در انجا
توقف نموده روانه دربار هالیون گردید و در
چهار دهم ماه محرم الحرام وارد دار الخلافه
شد و از جانب سرکار اقدس هالیون شاهی
و جناب امجد الشرف ارفع صدر اعظم کمال التفات
و تلیت و نوازش در حق مقرب الخاقان بشیرالیه
بجای آمده یک ثوب جبهه ترنه از جانب سنی احوال
ملوکانه با و خلعت مرحمت گردید که از لباس تن
بیرون آمده بامید واری تمام مشغول خدمت این
دولت جاوید مدت علیه گردد

موجب اخباری که درین روزها بولیای دولت علیه
رسیده است جناب عظمی الامراء العظام مقرب الخاقان
عباسعلیخان میرنچ و سیف الملک سفیر دولت
علیه مامور دولت بهیه روس که در دوازدهم محرم
از تبریز بجل ماموریت حرکت کرده بود در ۱۷ ماه بروز
وارد سرحد شده و صاحب منصبان دولت بهیه که
به پذیرائی و معانداری مامور بودند بموجب دستور
کاخانوف پوشیف بارطوف مراچانوف سربک
توچانوف میرنچ نایب شیر چخو
چان سیر رووف میرس حکیم
با جمعی سادات سواره و صاحب منصبان دیگر و ده
عزاده کاکه و ده عزاده رشک که چند روز قبل
وارد شد مستطوره و در جنابش رالیه بودند
از ورود بایضا ف رودارس جمعی صاحب منصب
شیرینی مبارکباده و رود فرستاده کمال توقیر
و احترام را بجل آورده اند و روز دیگر هم که در آن
سرحد توقف کرده است صاحب منصبان مزبور
آمده نهایت احترام و پذیرائی را معمول داشته اند
و جنابش رالیه نیز کمال مهربانی را با آنها نموده در
یوم ۱۹ از رودارس عبور نموده مجدداً صاحب منصبان
تا کنان رودارس استقبال نموده و سادات
و سواره صف نظامی کشیده احترام عمیکه را بطور
ثابت بجل آورده اند و بعد از صرف چای و قهوه
با نهایت شکوه و آراستگی با همراگان روانه

محل ماموریت شده اند

دیگر از جمله اخباری که این اوقات بدر بارها یون سی
سید محمدخان ظهیرالدوله حاکم بهرات این روزها بنای
سوسلوک با امانی بهرات گذاشته اعالی وادانی آن
ولایت را از خود رنجانده از جمله کریمیدادخان هزاره
بهیوجی بقتل رسانده و از سفر قورات که برشته بود پوت
بیروج و بدنه شهر بهرات به سبب اخیر حرکت رستم
کرده بودند گفته بود میخوانم بدانم بهرات را به پوت
خراب کردیانه با بجله ازین بقوله حرکات رالیه تعدیات
او بجزه و ضغفا و اخذ جریمه از هر کسی بدون جنایت و
کسای تو طایفه هزاره از او سبب قتل کریمیدادخان
سبب و نفرت ما بین او و امانی آن ولایت
فرستاده اهل آنجا لا علاج هزاره را بشهر کشیده و آورده
مشا رالیه را گرفته اند و در جزو بنوایشان هزاره محمدیوسف
افغان که در حران مشغول خدمت بودند نوشته که
خود را بتعجل بهرات رساند مشا رالیه نیز بوصول این
خبر فوراً بدون اینکه کسرا خبر نماید یا اینکه نوابان
حکمران حران مطلع بشود بهرات شتافته و امانی شهر
از افغان و هزاره و غیره او را بجلومت خود لعین کرده
و با الفل در کمال استقلال مشغول حکومت آن ولایت است
حالیجا رستم سلطان که از قدیمی چاکران بود از قرار حکم نظام
بیادری توچان مهابه که سرافراز گردیده در پارزدیم محرم

مأمور با خلوص و بستان شده دار انحلافه طهران

هوای شهر و اطراف این روزها در کمال لطافت
و نهایت فراوانی و ارزانی حاصل است و خلط
حسابی از کسی ناشی و صادر نمیشود و ناخوشی و باز
قرار مذکور هنوز رفع نشده است و لکن روز بروز تناسل
و از قرار روزنامه شهر در ایام شت فقط از
ناخوشی و باریاده از پازده شانزده نفر تلف
نشد و اندامیدست که انشاء الله این روزها بامده
مرتفع و رفع ثلثش مردم بشود

در شب جمعه گذشته که بیت هشتم ماه محرم الحرام بود
عالیجناب میرزا محمد ولد اخوند ملا عبد الجلیل لاهیجانی
که در دار انحلافه مشغول تحصیل علوم دینی است با جمعی
بقصد زیارت امامزاده و حب العظیم حضرت عبد العظیم
از شهر بیرون رفته در حوالی دروازه شاهزاده
عبد العظیم کتیه پولی که یکصد و چهل تومان وجه شرفی
و ریال در آن بوده است پیدا کرده بعد از ورود
بشاهزاده عبد العظیم جوایب صاحب پول شده اند و اخلاص
معلوم شده بود که وجه مزبور از سینه چاقش کباب
بود و است پس از انکشاف و علامات کتیه را داده
و وجه مزبور را تمام و کمال تسلیم صاحبش نموده و هر
قدر صاحب بخواند اصرار کرده است که پنج شش تومان
بجای خود بردارد قبول نکرده است

لاهیجانی
۱۵۴۶

سیر و لایات

از در پایسجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان
نوشته اند در ایام دهه عاشورا در جمیع مکانها و غیره
تبریز مجلس روضه خوانی و تعزیه داری جناب سید الشهدا
با خلوص نیت برپا نموده اند و نواب ستایش هزاره
و الا تبار نصرت الدوله و معتقد در بار شهر حشام
مقرب انخاقان قایم مقام کمال مراقبت و مویشت
بعین آورده اند که در آمدن دستجات سینه زن از
محلات از احدی حرکت خلافی ناشی و صادر نگردد
و در جمیع مجالس بعد از ذکر مصیبت و تعزیه داری
بدعای بقای وجود و فایض ایجو و هایون اقدام نموده

و دیگر نوشته اند که عالیجاه نادر قلیخان مافی که حکومت
اردنق از اب مامور شده است با اهل ایالتها بیاد
سلوک نموده و در یک از دعات منزل علیجه قرار
دا داده است که محصلین دیوان در خانه رعایا منزل
نکنند و مالیات دیوان را قسطی معین کرده که خود رعایا
در سرفضا آورده میدهند و لزا و کمال ضامن برادرند

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند نواب ستایش
حسنت الدوله در دهه عاشورا رسم تعزیه داری را بهتر
از هر سال بعجل آورده و بقرار معمول همه روزه در تالار طوطی
مجلس تعزیه داری برپا داشته و روز عاشورا بعد از
نقش جهان تعزیه در آورده مردم بجای خود کلاههای گوناگون

روغی چراغ یک منبیه و دوی هزار
 مانش یک منبیه هزار دینار
 سخود یک منبیه هفتصد دینار
 لوبیا یک منبیه هزار دینار
 کاه یک خروار یک تومان
 هیزم یک خروار پنجاهار
 قد خوب صفتها یکمن شاهی یک تومان
 نبات یکمن شاهی یک تومان
 حلویات یکمن ایضا شش هزار
 اسرار آباد و آباد و بر و جرد و
 و خراسان و خراسان و عراق و عثمان
 ازین ولایات اخباری رسیده است

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور
 الولايت قرین النظام است و نواب مستطاب
 شاهزاده والا تبار مویده الدوله حکمران مملکت
 فارس در نظم ولایت و رفاه و اسودکی نو کرد
 رعیت اهتمامات کافی معمول میدارند و بقانون
 معمول همه روزه در دیوانه نشسته بفرایض مردم
 رسیدگی می نمایند
 و هم چنین مقربان خان شجاع الملک مشیر الملک
 در انجام خدمات دیوانی و وصول و ایصال الیای
 و رسیدگی معاملات و محاسبات کمال سعی و

معمول میدارند سایر چاکران دیوانی و جناب
 نظام هر یک در انجام خدمات محوله خود نهایت
 اهتمام را دارند و نظام متوقف شیراز همه روزه
 مشغول مشق میباشد خاصه توپچیان که برآفتاب
 و اهتمامات عالیجاه عبدالحسین خان سرزنش
 نهایت مهارت و چابکی در مشق بهسم رسانند
 و همه روزه مشغول اند

و دیگر نوشته اند که یازده عراده توپ با یکصد
 پنجاه ریس اسب توپخانه و یکصد و هفتاد نفر
 توپچی بسمراهی علی سلطان بهارلو و محسود سلطان
 خرقانی از دربارهای یونان و مورفارس شده بودند
 و در اواخر دیگجه وارد آنجا گردیده بلاخط و سان
 نواب مستطاب مویده الدوله رسیدند و نواب
 معتمدی الیه مقرر داشتند که شکستگی خرج عراده
 توپها را تعمیر نموده و هشت عراده از آن توپها را
 با توپچی روانه سبدر ابو شهر نمودند

و دیگر نوشته اند که در ایام دیهه عاشورا در جمعی
 و مساجد مجلس روضه خوانی و ذکر مصیبت و تعزیه
 جناب سید الشهدا پر پا بود و در هیچ جا از ایجاد
 حرکتی خلاف ناشی و صادر نگردیده با کمال
 آرامی مجالس روضه خوانی و تعزیه دار پیرایه عای
 بقای جود اقدس شایسته ختم کرده اند

دیگر نوشته اند که امور طرق و شوارع فارس
از بندر بوشهر الی شیراز و از آنجا الی این
اصفهان در کمال انتظام است و عالیجاه محض
سوار فراسوران در هر یک از منازل گذشته
معاون خواهد شد

بخط و حر است مشغول اند و مترودین ابودیه خاطر
عبور و مرور نمایند و دزدی در راهها اتفاق
نیفتاده است که اینک در او آخری کچه خداوند
نایب چایار خانه با عیال خود بسرا قافله از
منزل خان خره بمنزل ده بید می آمد است در
راه جمعی از قطاع الطرق بر سر قافله رنجیده
با چند نفر از کاشی رخسار نموده اموشان را
برده بودند عالیجاه محمد رضا خان نصف شب
مطلع شده با سوارانی که بسرا داشته
متعاقب سارقین شتافته و با آنها رسیده
طرفین بیکدیگر تعلق خالی کرده و نفرات سارقین
بر خیم کلو از یاد رآمده مابقی فرار کرده و خود را
به پناه کوه کشیده بودند عالیجاه مشارالیه آن
دو نفر را سر نموده سر آنها را بجهت نوراب
مؤید الله و له فرستاده و جسد آنها را در همان
موضع عبرة للترقین بچ و سنگ گرفته

دیگر نوشته اند که در منزل خان خوزه
آب و چشمه که محمد جعفر بیک غلام چایار پیدا

دیگر نوشته اند که در منزل خان خوزه
آب و چشمه که محمد جعفر بیک غلام چایار پیدا

قروین

از قراریکه در روزنامه قروین نوشته بودند
و و تقریر عایای زاجکان یک رئیس قاطر
از دارالخلافه وزیده بقروین آورده بودند

د و نفر سر باز از گذارش مطلع شده کیفیت را
سبر تنک خود حالی کرده آنها را گرفته نزد حاج
مقرب انخاقان حاجی حسنعلیخان پیکار فرودین
فرستاده قاطر داد و است بهار اختلافه
و در زندان محبوس اند

دیگر نوشته اند که عالیجاه آقا حسن نایب فرستاده
باتفاق آقا فرج الله قزوینی و قاطرچی عالیجناب
حاجی میرزا مفید پاره شال ترمه و جبه ترمه
کتبه خود که بر سه در قزوین بجهت تعزیه داری
برپا میکند فرستاده بود و اشیاء مبرور را با قدر
اموال حاجی میرزا مفید در قشلاق قزوین بقت
کرده بودند یک نفر سهر قاطرچی نیز همراه آنها بود
مقرب انخاقان حاجی حسنعلیخان فرستاده او را
و قاطرچی چوپندری را آوردند و تحقیق نموده معلوم
شده بود که یکسر مادیان و یکسر اسب یا بود
از قاطرچیان پادشاهی از شاهزاده عبدالعظیم
در دیده جهان پسر داده بقزوین فرستاده
بودند مالها را از او گرفت که بعد از عا شورا
بهار اختلافه بفرستاده قاطرچی شاکر در مزبور بجهت
مطالبه اسباب عالیجاه آقا حسن و عالیجناب
حاجی میرزا مفید در حبس است تا اموال سرود
از او دریافت شود

قم و کاشان و کرمان و کرمانشاهان

و کروکس

از این ولایات در این هفته اخباری نرسیده است
کروستان

از قرار یک در روزنامه کروستان نوشته اند
در ماه محرم الحرام امسال مقرب انخاقان
والی کروستان زیاده از سالهای دیگر
د به عا شورا ام اسم تعزیه داری جناب عالی
معمول داشته و در هر مجلس بعد از تعزیه و ذکر
مصیبت بدعا گوئی ذات اقدس شاهنشاهی
داشته اند

دیگر نوشته اند که امسال از اوایل بهار و تابستان
الی بیستم شهر ذیحجه الحرام هوای کروستان
در نهایت اعتدال بود و ناخوشی در میان دم
بسیار کم بود و حاصل صیفی و شتوی خیلی زیاد
بعل آمده و الگور باغات فراوان آمده بود و
در عشره و آخر ماه مزبور چهار پنج شبانه روز هوا
منقلب گشته و سرد شده و برودت چند
تشد نمود که تمام الگور باغات خشک گردید
و بعضی از حاصل نیز ضرر بسیار رسیده بود
در عایای آولایت ازین حمله خیلی متضرر شده
کیلان و مارندران و نهاوند و

همدان و یزد

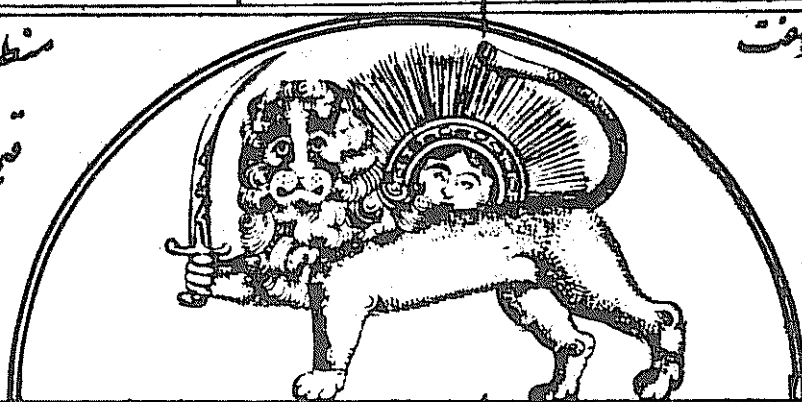
ازین ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است

روزنامه وقایع اتفاقیه ستايج پوچم سیه برسم صفر المظفر مطابق سن ۱۲۸۸

نزدایتِ جبرِ ہفت

قیمت روزانه

پیشہ و شغل



تعداد

۱۰۰

اجبار و احكام ممالك محمد و سادات

از دوی گمان

در شب پنجشنبه ششم این ماه که شب عید مولود مبارک
آقدس مایون شاهی بود جشن ملوکانه و عات
داودیه فرام آید جمعی از شایران و کاند عظام
بیشتر فیاض حضور مبارک بودند اسباب شاهی
از قریب خانه مبارک بحضور مایون برده انشب
بیش و شادمانی بسر برده روز پنجشنبه اقبال
اعیاد بزرگ سلام عام اتفاق یافته انسانی و
علیه و مقربان حضرت گردون بسط سینه و
وصاحب منصبان نظام و خوانین عظام و پیران اسلام
و چاکران و بارگروان و حشام و سلام عام حاضر شد هر یک در
مرتب مقام خود شرفیاب حضور مبارک گردیدند و جرایب
شلیک توپ و زنبورک بقاعده معموله شد و علیجا خطیب
ادای خطبیه طبع بنام آقدس مایون نمود و بدعای بقا
وجود فایض انجود ختم و علیجا پیش الله اقصیه عزرا
که بجهت عید مولود مایون برشته نظم کشید و در

سلام عام عرض نموده مورد تحسین ملوکانه گردید و
بعد از انقضای سلام عام بقانونی که در شهر بیدار
سلام دیوانخانه بسر در بدیوانخانه تشریف فرمائی
بسر در بعمارت داده و یہ تشریف آورد و صحاب
طرب و سایر اهالی ارده از وضع و شرف و کانی که
از دار الحکومت بجهة زیارت وجود فانیس بجو و همایون
شاهنشاهی براه دیدار رفقه بودند از زیارت وجود
مردک دیده راجع روشن و آینه و آینه و آینه
طرب و غیره از انعام ملوکانه بهره ببرد
بر چند بقا بر حسب امر اعلیحضرت شاهنشاهی
انتظام امور و ترتیب ثواب اشرفه الامیر نظام
کفایت و در این جناب جلالت اب اشرف المجرم
صدر اعظم افخم محمول و موقوف شده بود ولی از اینجا
بکثرت مشغول و تلی و مراقبت امور نظام مالک محج و
پادشاهی که لیلاً و نهائاً اوقات تشریف خود را
بر رسیدگی آنها مصروف دارند و حضرت و رحمت

زیاد برای جناب معزی الیه حاصل بود و موجب
تعویق بعضی از امورات دولتی میشد بناءً علیه جناب
معزی الیه از خاکپای هایون علیحضرت شایسته
خله الله ملک و سلطان مستدعی شد که نظام امور
متعلقه بنواب معزی الیه را بعد از امیرالامرا لغت
مقرب الخاقان عزیزخان سردار کل عا کر مضو
محول و مفوض فرمایند سرکار علیحضرت شایسته
استدعای جناب معزی الیه را مقرون با جابت
فرموده منصب پیکاری نوات شرف والا سر نظام
بعد از مقرب الخاقان شایسته حمت و مفوض
فرمودند که با کفایت کافی و درایت وافی مشغول
تر بیت و نظم امور در خانه و عمل جابت متعلقه بنواب
معزی الیه باشند و موازی یکثوب قباز بلوس
بدن مبارک بضمیمه یکقبضه قه کلل با لباس از جابت
سنی بجواب هایون بافتخار مقرب الخاقان شایسته
مرحمت و عنایت شد

چون مراتب خدات و اتهامات عالیجا مقرب الخاقان
مهر علیخان شجاع الملک در وصول و ایصال وجوه
قطعات لایات فارس و نظم بندرات و سرحدات
بعض خاکپای مبارک علیحضرت شایسته
در پیشگاه حضور هایون زاید الوصف مستحسن و مقبول
افتاده بود لهذا این اوقات محض و فور رحمت ملوک
در باره عالیجا شایسته یک قطعه نشان از مرتبه
سیم میرنجلی بافتخار عالیجا شایسته مرحمت و

ارسال شده فرمان مبارک نیز شرف صدور
یافت

دارالخلافه طهران

هوای دارالخلافه طهران درین روزها بسیار خوب است
و مطلقاً ناخوشیها کم شده است خصوصاً ناخوشی
و با که تنزل نموده و تخفیف کلی یافته است چنانچه
از قرار روزنامه یومیه شهر از اول هفته الی یوم شنبه
باز و هم اینچاه بروزی و نفر رسیده است امید
کلی است که انتشار بد کلی رفع بشود

درین روزها وزوی با صفها کم رفته دیوار قلعه را
سوراخ کرده او را گرفته بودند و در مقام مطالبه اموال
سروقه برآمده مذکور داشته بود که من و دو نفر رفیق
دیگر نیز داریم که از طایفه عرب گامی میباشند
انها را نشان داده و گرفته اند بالفعل در شش
نواب مستطاب شاهزاده والا تبار و شیر مرزا
حکمران دارالخلافه طهران و توابع میباشند که اموال
مردم از آنها سترو شده بعد حکم آنها بشود

سایر ولایات

ادربایجان

از قرار یک در روزنامه آذربایجان نوشته اند در
ایاتم دهم عاشورا علاوه بر کلیه دولتی که از اتهامات
نواب مستطاب شاهزاده والا تبار نصره الدوله و
مقرب الخاقان قائم مقام
کمال اقطاع را داشته است محض مزید حصول

د عاکوفی ذات اقدس همایون شاهی
مقرب الخاقان شاهی الیه کتبه علاحدہ در عمارت
خود برپا کرده جماعت تجار و معارف طاق نما
در آنجا بسته هرگونه اسباب چراغ و بلور آلات
با کمال شکوه زینت و آرایش داده تا سیر و
محرم شب و روز مشغول تغزیه داری جناب سید الشاه
بوده اند و هر شب از هر طبقه و هر صنفی جمعی را ضیافت
کرده در هر مجلس بعد از تغزیه و ذکر مصیبت عا
دوام سر و دولت و از دیاد شوکت حضرت
اقدس همایون شاهی قیام و اقدام داشته
و از هر یک از محلات شهر دستجات سینه زن
به یکجه مزبور آمده با کمال آرامی و انتظام مشغول
تغزیه داری بوده اند و از احدی حرکت خلافی
ناشی و صادر نمیشد است
اصفهان و استرآباد و اسدآباد
ازین ولایات درین هفته اخباری رسیده است
بر و جرد

از فراری که در روزنامه بر و جرد نوشته بودند
در ایام و همه عاشورا در حبیب چکای بر و جرد
مراسم تغزیه داری را بطور مشایسته بعمل آورده
و امانی آنجا با خلوص نیت مشغول تغزیه داری و
د عاکوفی ذات اقدس همایون شاهی بوده
و دیگر نوشته بودند که چون نواب مستطاب

شاهزاده والا تبار احتشام الدوله حکمران بروج
و عربستان و لرستان و خراسانی در اوایل
ماه محرم غنیمت سمت عربستان را داشتند در
اوایل ماه دی که اسحرام فوج سیلاخوری ابو الجحج
عالیجاه و لیجان سر متب را در باغ شاه حاضر
کرده بعد از آنکه آحاد و افراد فوج را نفر بتفرقه
کرده مجدداً با زبان دیده مشغول مدارکات
لازمه فوج شدند و جمیع مدارکات آنها را از
طبوس و تفنگ و غیره انجام داده و بعد از این
بدقت باز دید کردند و فوج مزبور با کمال آسایشی
همه روزه مشغول مشق و استعداد آماده اند که هنگام
حرکت بچگونه معطلی ندارند

دیگر نوشته اند که چهار آده توپ که همراه لجه
علیقلی سلطان و توپچیان با مو عربستان بودند
در باغ شاه حاضر شده توپچیان مشغول تیر
و مدارکات سفر بوده اند که هنگام حرکت نواب
حتشام الدوله روانه عربستان شوند

خراسان

از فراری که در روزنامه خراسان نوشته بودند
خلعت آفتاب طلعت همایون که از جانب سیاحت
اعلیحضرت شاهی بافتنی بافتی نواب مستطاب
شاهزاده افخم والا تبار روانه فرما مرجمت شده
بود بعد از رسیدن خلعت همایون نواب
معزی الیه لازمه احترام و توقیر از خلعت همایون

بیل آورده زیب پیکر اعتبار خود ساخته و
 دیوانخانه بزرگ مجلس سلام منعقد نموده بودند
 و جمیع خوانین و اعظم و اعیان و صاحب مصبان
 نظام و سیره حاضر شده خطبه بنام نامی هایدون
 خوانده شد و اختتام مجلس بدعا کوفی و سجود
 هایدون گردیده و برای تهیت چند تیر توپ شلیک
 کرده بودند

از قرار یک در روزنامه نوشته شده بود نواب
 مستطاب فرمانفرما در انتظام و انضباط امور
 ولایت کمال اهتمام دارند و این اوقات بفرستادن
 خود قدغن کرده اند که بیت نفرفراش فرستاد
 همیشه در میان شهر گردش نمایند و از هر کس خلاف
 قاعده و بی اعتدالی نسبت به مردم ظاهر شود
 بابرک خدمت نواب معزی الیه بیاورند که رسیدگی
 نموده در مقام رفع آن برآیند و بگلانتر شهر
 قدغن نموده التزام گرفته اند که جریات و کلیات
 اتفاقیه شهر را در ضمن روزنامه بعضی نواب معزی
 برسانند و از هر کس خلافی صادر بشود عرض
 کنند که در مقام رفع آن برآیند و از اینجه
 رفع بی اعتدالی الواط و او باسش کردید و یکنوع
 فزاعت و اسه دکی برای مردم حاصل گردیده است
 و کسی را جرئت مخالفت نیست و از هر کس برپا
 مالی خواه جزئی و خواه کلی سرقت یا مفقود بشود
 بجز و این که بعضی نواب فرمانفرما میرسد کمال

تاکید و جستجوی آن بعمل آورده قدغن نیامند که
 اموال سروده و مفقوده را از هر کس که بوده است
 استرداد کرده بصاحبش رد نمایند از جمله شخص
 قضایی قدری مال از دیگری سرقت برده بود و بعد
 از آنکه نواب معزی الیه مطلع شد بودند حکم بابترا
 کرده مال سروده را استرداد بصاحبش رد نمودند
 و شخص قصاب را بهای عمل خود رسانده داد بودند
 مهار کرده در بازار باگردانند که مایعبرت دیگران
 و همچنین چند نفر الواط و او باسش که کارشان قمار
 بازی و هفتاده جونی بوده است حسب احکام نواب
 معزی الیه آنها را گرفته بجزر آورده بودند و از هر یک
 لازمه عقوبت بعمل آوردند که بعد ازین مرتکب اینگونه
 حرکات نتوانند شد
 دیگر نوشته بودند که یک نفر ضعیفه فاحشه نیاید
 زنهای مردم را فریب داده با بی نظرف و آن طرف
 و خانه این و آن میزد و بارتکاب فواحش و شغل قمار
 اقدام می نموده است مراتب بعضی نواب معزی الیه
 رسیده حکم فرمودند که او را از ارض اهدش خارج
 کرده پیشا بوب بپزند که دیگر مایرض اهدش نیاید
 دیگر از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته بودند
 از قول جمیع کثیری که حادثه شان شده کرده و
 در آنجا متفق اللفظ مذکور نموده اند این اوقات کمترین
 بهر باز قریب به هزار نفر رفته بوده است الاغ خود را ب

بدید بنزدیکی مسجدی که در جنب حمام بیکر سبکی
 واقع است رسیده الاغ اورم کرده بود سوار
 باطراف خود نگاه کرده دیده بود که در آن مسجد
 سه چهار نفر زن نقاب بر صورت او نیخته مشغول
 بوضو و گریستن و در میان آنها یک نفر زن بلند
 بالائی هست که آمده در در ب مسجد می نشیند و هفت
 دستهای خود را برسم زده با حرکت می کند مبراً
 متحیر شده داخل مسجد می رود کشته کسی را ندیده بود
 و زنهای غایب شده بودند این که از شش راه دم نقل
 کرده بود و هر کس از آنجا عبور میکرد ده است دست
 هتم مسجد می خورد و بر مانده بین حالت را مشاهده میکرد
 و چون داخل مسجد میشد کسیرا میدیده است و
 مسجد می خورد چون دایر نبوده و مدتی در آنجا غار جغت
 میشد و حصیر نهشته است جای پای آن زنهای
 مشاهده کرده مشت خاکی از جای پای آنها برداشته
 بوی عطر از آن خاک استشام کرده بودند مردم
 چون این حالت را دیده بودند از حمام کرده و بخارا
 چراغان کرده و مجلس روضه خوانی در آنجا برپا
 نموده بودند و حالا بجهت ناز و زیارت و نذر و نیاز
 اغلب اوقات از حمام تمام در آنجا میشود
 حمت و خواند در درین هفته ازین
 ولایات نیز اجباری برنیده
 و ارامه
 از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته بودند

این اوقات از قرار تقریر اهل کشتی یک فرزند
 کشتی از میرزا باقر نام کیلانی بجهت خریدن نمک
 از دهنه رودخانه سفید رود داخل دریاست
 خود میرزا باقر قسم در آن کشتی بوده و یک پسر و
 یک نوکر و چهار نفر غلام همراه داشته است بعد
 از آنکه دو سه روز در دریایارفته اند یکروز پسر
 بغروب یک فرزند لکا از دور پیدا شد میرزا
 باقر با احتیاط اینکه شاید ترکان درو باشند
 توپ و تفنگی که در کشتی داشته مستعد نموده وقتی که
 نزدیک شده بودند معلوم شده بود سه نفر
 ترکان در آن لکامشرف بغرق هستند و لکای
 آنها شکست است میرزا باقر از بابت خلاصی آنها
 آن سه نفر را بکشتی خود آورده با خود چند روز
 آنها را در آن کشتی نگاه داشته متوجه شده بود
 در این بین آن چهار نفر غلام مرزور با ترکانان می خورد
 لکاش کرده بودند که میرزا باقر را بقتل رسانند
 یک روزی میرزا باقر با پسر و نوکرش هر سه خنجر
 بوده اند اول میرزا باقر را مقتول کرده و بدیاری
 انداخته بعد از آن پسرش را نیز کشته و بدیاری
 افکنده پس از آن وحشت کرده بودند که شاید
 کسی در دریایا آنها برنجورد خود را بگیرد کشیده
 کشتی را سوراخ کرده غرق نموده بودند و در
 خشکی قصد قتل آدم میرزا باقر را کرده پش رایی
 آغاز جزع و فریاد نموده بودند در آن حین

چند نفر سوار عبد الملکی که بجهت محافظت کنار دریا می رفتند
فریاد و عجز آن شخص را شنیده آمده آنها را گرفته
مقیمه محبوبی بباری آورده اند مراتب بفرمان
تایون رسیده مقرر فرمودند که آن چند نفر کجا
در باری بسزای غل خودشان برسانند
باری آن چند نفر سوار عبد الملکی که خدمت کرده بودند
بذل القات شود

سنان و شاه رود و عراق و
عربستان و فارس این ولایات
درین هفته اخباری رسیده است

کرمانشاهان از قرار یک در ضمن تحریر
روزنامه کرمانشاهان سمت تحریر یافته بود
این اوقات از منزل خانیقین الی نجف شرف
سبب تعرضات اعراب اعتشاش کثیف در آن
حدود حاصل است و از برای زوار و تردد
آسایش و امنیت در آن راهها میترا حمله
از قرار یک نوشته بودند این اوقات زیاده از
چهار صد نفر زوار مازندرانی ورستی را در
کاروانسرای خاثراد که در پنج فرسخی بغداد
یکجا برهنه کرده اند و نه مرد و نه زن را
و چند نفر را زخمی کرده اند و اموال و اسباب
زیادی بقدر میترا سی هزار تومان از آنها بجا
برده اند که آنچه داشته اند همه را از دستشان
گرفته اند

موقوف میباشند
کردستان
از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته است
ایل مندی اسال زیاد دست اندازی بعضی
کردستان و کربلای کوه کرده اند چنانچه در حکام
مراجهت چند قریه معظم کربلای کوه را چا پیده
بعضی از دلت کردستان نیز خرابی رسانده
و اموال و اسباب زیاد از رعایای ارجا
برده اند در بین راه یک نفر از آدمها
مقرب انخاقان میرهشم خان را برهنه
نموده و اسب و اسباب او را هر چه داشته
با التهام گرفته بودند خود او از دست آنها فرار
کرده خود را بسنج رسیده مراتب را
بمقرب انخاقان والی کردستان اطلاع داد
والی نیز آدمی همراه او نموده و میبایست

سرحدات نوشته بود که جمیع راسخدا
برداشتن عقب این منزله تا هر جا رفته باشند
بروند و اموال و اسباب ایشان را
اموال منسوبه مردم را از آنها مسترد نمایند
دیگر نوشته اند که غزای کسبه که در آن
مشغول کسب میباشند در توجیه دیوانی با
کسبه اهل آن ولایت پیچیده شدت نمی نمود
و کسبه آن ولایت از این محبت شکی بود
مقرب انخاقان والی درین باب قدغن کرد
که هر یک از غزای که در بازار مشغول کسب و کار
استند مانند کسبه آن ولایت توجیهات و تحلیلات
دیوانی را داده با آنها مشرکت مساوات
نمایند بعضی از غزای قبول این معنی را کرده و کار
خود را بسته اراده رفتن با وطن خود نمودند
از فرار یک در روزنامه لرستان نوشته است
نواب جلال الدین میرزا با فوج خدا بند و سوار
با جلایان از دسته عربان و از دسته خاجان
یا راجه دی و توپچیان ساخلو لرستان از
اثر حرکت کرده مامور خواهد شدند و نظم
کلی در امرا یلات آن صفحات داده اند خاصه
امور کاکاوند را نظم کامل داده اند با
اهل هرین و سایر ایلات کرمانشاهان
شکایت از آنها داشتند امسال ایل میرزا
نوشته رضا نامه از جمیع اهل هرین گرفته و
نیز نواب مستطاب احتشام الدوله حکمران
بروجرد و بختیاری و عربستان و لرستان
فرستاده اند و امور آن صفحات بهبه جهت
قرین استقامت است تا اواسط ماه صفر که ایلات
بکر میرات حرکت می کنند نواب جلال الدین
میرزا روانه محترم آباد خواهند شد

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان والی در
انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت
ورفاه و آسودگی رعیت اهتمام زیاد دارد
و اهل آن ولایت از حسن سلوک و رفتار
مقرب انخاقان شایسته کمال ضامندی دارند
کر و کس و کرمان و کسلان
ازین ولایات نیز درین مفت اخباری
لرستان

دیگر نوشته اند که نواب غلامحسین میرزا که با
فوج دلفان و پشتکوهی و دالوند ابو الجهمی
عباسقلی خان والی سریتپ مامور بهر تو و بالا
کر یوه بودند امور آنجا را انتظام کامل داده
و از اتهامات و مراجبت نواب محسری الیه
امنیت در آن صفحات حاصل است و پیچیده
خلی و سستی در آن سرحد بکسی وارد نیامده
و تا فل سوشتری که در این اوقات وارد شده

ریا ده از نظم نواب معزی الیه و
میان ایلات سکوند و بالا کرپوه راضی و

بوده اند

دیگر نوشته اند که در اول بهار که ایلات حرکت
بسیار ییلاقات میکردند و دوبار که باس از
قافله شوشتری در چایدر مفقود شده بود
نواب مستطاب حاتم الدوله اموال مفقوده
از طایفه سکوند خواسته بودند آنجا خدمت
نواب معزی الیه الترام سپرده بود که
مال مرزبور در نزد آنها بر وزنهای مورد موافقت
باشند بعد از طوایف حول و حوش مطالبه کردند
معلوم شد که پسر حیدر خان والی که از پدرش
مهر کرده و بآن حوالی آمده بوده است و با
مرزبور بدست او افتاده بود نواب معزی الیه
فرستاده مال مرزبور را از او سترو و بهایش
تسلیم کردند و آنچه از مال را که بمصرف رساند
بود و قیمت آنرا دو ساسوی از او گرفته بضا

مال دادند

دیگر نوشته اند که یک نفر دزد که سابقاً
دارالخلافه طهران دزدی کرده و یک دست اوراق
قطع کرده از دارالخلافه اخراج نموده بودند در
این اوقات بایز در اینجا مرکب سرقشته
بود و سبک کرده دیده والان در حبس است
تا بعد حکم آن بشود

دیگر از قرار که تعمیر اجناس انولات را
نوشته اند همه چیز فزاون و ارزاق آن است
و امالی و رعایای انولات از این جهت کمال
رفاه و آسودگی دارند

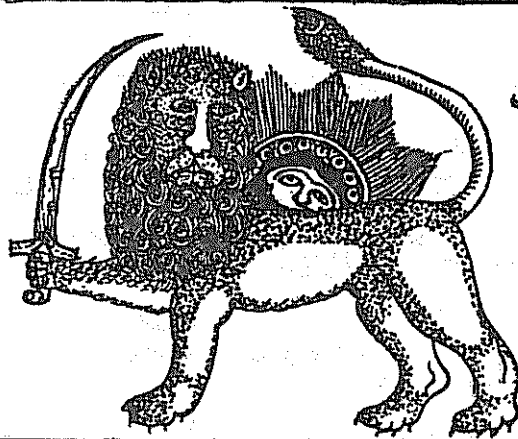
نهادند و همدان و یزد و این
ولایات نیز درین هفته اخباری نبود

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمیس سیم ماه صفر از مطابع الکلیه

منبع دارالخلافه طهران

نزد دریت چند هست

میت روزنامه
پرنه ده شهر



قیمت اعلانات
برطریق شهر

احبار و اخلاص مالک و سیه پادشاه

دارالخلافه طهران

که علی التوالی بارندگی خوب میشود و هوای بسیار
طایم گردیده است و بجهت صفا و خوبی هوا در روز
شنبه بیستم نیز اعلیحضرت قوی شوکت
شاهنشاهی میل سواری فرموده بقرع و کشت اطراف
دارالخلافه مبارکه تشریف فرما گردیدند

چون درین اوقات هوای دارالخلافه طهران
خوب شده و رفقا خوشی بکلی گردیده است اعلیحضرت
قوی شوکت شاهنشاهی خلعه الله ملکه و سلطانه که
در او دین تشریف داشتند در چهاردهم اینماه
از آنجا بیاباغ بخارستان تشریف فرما گردیده و
غزیت چند روزه توقف در آنجا دارند تا بابت
سعد تشریف فرمای ارک مبارکه بشوند و در این اوقات
که موکب همایون در داودیه تشریف داشتند
وجود مبارک بسیار خوش گذشت است و
این روز که باران مطلوب و بجهت زار عین بیاف
کلی دار و زمینت قدوم بجهت لزوم حضرت است
همایون شاهنشاهی دامت شوکت از روزیکه تشریف
فرمای بخارستان شده اند و دین روز است

نظر با تهماتی که از عایلیجا مقرب انخافان موسی
پیر جناب اشرف امجد مخم صدر اعظم در
خدمتگذاری اوقات توقف موکب همایون
در داودیه بلکهور رسیده و خاطر اقدس
از حسن خدمتگذاری خود خرسند و آسوده
خدمات او مطبوع و تسخ خاطر اقدس
افاده در این اوقات یک ثوب کلیجه از
لبوس تن مبارک در ازای خدمات ایشان
با و خلعت حرمت گردید

نظر بطور محنت ملوکانه در باره عده الامراء
مترتب انخاقان محمد ناصر خان ایشک آقاسی با
در روز پنجم گذشته که روز عید مولود مسعود
اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه
سلطان بود یک ثوب جبهه ترمه از بلوس تن
مبارک بمقر انخاقان مشار الیه خلعت مر
فرمودند

چون در این اوقات مرحوم منوچهر خان تجوید
و جوه خزانة اصفهان وفات یافته بود لهذا
عبدالحسین بیک غلام شیخ مت را منصب تجوید
و جوه خزانة اصفهان سرافراز یک ثوب جبهه
مشار الیه خلعت مرحمت فرمودند و این روز
روانه محل ماموریت میشود

نظر بکلیه خدمات سابقه و لیاقت و استحقاق
عالیجاه سرالسمیح خان پیکار استرآباد و سایر
مهام خارجة آنولایت در این اوقات حبس
یک قطعه نشان از مرتبه اول بهر کی مرحمت و
مهر لعلان مبارک نیز شرف صد و یافت که نشان
منور را او نیزه پیکر اعتبار و افتخار خود ساخته
میش از پیش مراتب خدمتگذاری خود را مشهود
اهداس با یون شاهنشاهی دارد

فوج فزادنی ابوالجحی عالیجاه محمد حسن خان سیرت
که از خدمت خراسان بدر بار جهاندارهایون
مراحت کرده بودند و در دوازدهم این ماه

وارد دارالخلافه مبارکه گردیده و در روز
چهارم که موکب هایون از داودیه تشریف
فرمای نگارستان می شدند در بالای نگارستان
صف نظامی کشیده در کمال شکوه و آراستگی
بنظر مبارک رسیده صاحب مضبان و
احاد و افراد فوج منور مور دختین و نوازشا
ملوکانه گردیدند

سایر ولایات
اوز با یجان و اصفهان و استرآباد
و استرآباد درین هفته از این ولایات
اخباری نرسیده است

بر و جرو از قراریکه در روزنامه برود
بودند در روز ششم ماه صفر که روز عید مولود
اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه
و سلطان بود ثواب مستطاب شاهزاده
تبار احتشام الدوله خان میرزا حکمران برود
و عربستان و لرستان و بختاری در
عید منور چرخانی نموده و روز عید را تقابون
اعیاد بزرگ مجلس سلام انعقاد داده چنان
و صاحب مضبان نظام و اعظم واعیان
ولایت بسلام حاضر شده اجرای شلیک
توب نموده خطبه بنام نامی اقدس هایون
اداو بدعای بقای وجود فایض اسجود خستام
یا فقه اهل اسلام شربت و شیرینی صرف نموده سلام

منقصدی گردیده است

و مکر نوشته بودند که هر سال فصل پائیزه
مختلف از قبیل نوبه خش و مطبقه و محرقة در آنجا
زیاد بود اما سال بحمد الله این امراض کمتر از
سالیهای دیگر بوده است و لکن اطحال از ناخوش
سرخجه زیاد تلف شده اند

بسطام

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری پیر
خراسان

از قراقرم در روزنامه خراسان نوشته اند
مورآتو لایت از اتهامات نواب مستطاب
شاهزاده محمد و الایبار فرمانفرما قرین نظام
و نهایت فراوانی و ارزانی در ارض اقدس
حاصل است و امور قراولخانهها انضباط تمام
دارد و افواج قاهره متوقف ارض اقدس
بهمه روزه حاضر مشق میشوند و صاحب منصبان
کمال اهتمام در مشق و انضباط امر آنها دارند و
موافق حساب با امانی آنجا سلوک دارند و
از کسی نسبت بکسی تعدی و خلاف حسابی ظهور
ندارد و زوار بسیاری از هر یک از ممالک
محموده علی التوالی مابرض اقدس می آیند
و میروند و همیشه پنج شش هزار زوار در آنجا
چهارشنبه و در آیام دهم عاشورا نواب فرمانفرما

حکم کرده است در ضمن جدید روضه متبرکه که ضریف
چادر پوشش بسیار بزرگی زده و اوضاع تعمیر
داریرا در آنجا با اوضاع تمام فرایم آورده
لازمه مخارج را کرده اند و بجهت مرید دعا کوفی داشت
اقدس سالیون اعلی حضرت شایسته هی خلد الله
ملک و سلطانه اطعام و جهان بسیار بفقرا و عجزه
و ساکنین نموده اند

و مکر از قراقرم در ضمن روزنامه خراسان از
اخبار مرید و جنوق نوشته بودند در جنوق
این شخصی را که بعد از مقدمه خان جنوق بجهت
خودشان بزرگ برقرار کرده بودند چون سابقا
بزرگ خود را طوره می نامیدند و مشهور بطوره
هستند این شخص را پادشاه نامیده بودند
درین روزها ترکمانان آنجا اجماع کرده و او را
بامیر احمد خان جمشیدی و ده پانزده نفر از سرد
معتبر آنجا بقتل رسانیده اند و ما بین ترکمانان
جنوق این اوقات منازعه کلی است

و مکر نوشته بودند که نواب مستطاب
شاهزاده محمد و محمد فرمانفرما چند روزی است
مراجعی دارند و عایجه حسنعلی خان سرستپ
فوج کروکوس با نظام امور شهر و قراولخانهها
رسیدگی کامل مینماید و اهل شهر از حسن سلوک
مشارایه رضامندی تمام دارند

خمس و دارالمرز و سنان و هر دو

ازین ولایات نیز درین مهغه اخباری رسیده است

عراق

از قرائیکه در روزنامه عراق نوشته بودند امور

الولایت از اتهامات مقرب الخاقان میرزا حسن خان

قرین نظام است و در ایام و همه عاشورا تعزیه دار

جناب سید الشهدا بطور شایسته بعل آورده و

اوقات لیالی و ایام عاشورا را صرف تعزیه داری

و حصول دعا کوئی ذات اقدس بایون علی حضرت

شاهی خلد الله ملکه و سلطانه داشته و محض

مزید دعا کوئی وجود مبارک بفقرا و ضعفا و ارباب

استحقاق خصوصاً اطعام و آن نموده است

و دیگر نوشته اند که در سیاهستان خانه میرزا آقا

نامی را بریده و اسبابی سرقت کرده بودند صاحب

مال آمده مراتب را بمقرب الخاقان میرزا حسن خان

اظهار داشته بود مشایخ را به فرستاده و نفقه

از آن و زده را که در تحت احتیاج حاکم بودند و داد

اموالی که برده بودند تا ماسته کرده و دو نفر دیگر را

ضابط سیاهستان نوشته داده است که تا بگاه

دزدان را بداند یا از عهده مالی که در نزد آنها برآید

و هم چنین چند نفر دزد بقریه بجنف آباد و امان رفقه

خانه را بریده بودند صاحبان مال عارض شده

و آدم متفحص سابقین تعین گردیده بزرگ مال را

در سیران شتره پیدا کردند دزد و بدست آمد

اموال سروده از آنها سرده و آنها بتنبیه کامل

عربستان

از قرائیکه در روزنامه عربستان نوشته اند امور

انجا از حسن مراقبت و مویب نواب مستطاب

چشم الدوله بهرجه قرین نظام است و بر سر

و توپچی و مستحفظ که در قلعه جات کوت فیلی و جریه

و غیره مامور حفظ و حراست هستند تا مامور خدمت

خود و همه روز مشغول مشق میباشند و بایست

حسن سلوک با اهالی انجا رفتار دارند و کمال

اهمیت و انتظام در آن ولایت حاصل است

و بعضی امراض که در میان مردم بوده است

بکلی رفع گردیده است

و دیگر نوشته بودند که چون در موسم پائیز

بسیار از سمت مسقط و روس الحیمه و سایرین

بجهت خریدن خرما ببحیره و شط العرب و بصره

خرما با برگیری کرده بمبئی میبرد و از آنجا بهند

و فرنگستان میفرستند درین سال از قرائ

مذکور چند ایام مسقط ممانعت از آمدن جهان

مربور میکرد و است ولی از قرائ اخباری که در

ثانی بحیره رسیده بود ممانعت را موقوف کرد

و جهازات بجهت حمل خرما ببحیره و شط العرب

بصره روانه شده اند

دیگر نوشته بودند اسال سخته طعنان آب
 بهار قدری رسد و صند و قهای سندی
 آب برده بود و نواب مستطاب حشام الدوله
 مجدداً علمه و اسباب و تحواه و آذوقه با
 فرستاده و علمه بسیار مشغول انداختن شده
 سبب شده اند و از قراریکه نوشته بودند
 ستم نور را در کمال استحکام تمام کرده اند
 و با الفضل نواب امیرزاده در ستم نور
 اردو زده و بعضی جزئیات آن که ناتمامی
 و است مشغول تمام آن بوده اند که الی
 آخر محرم ثانی الله با تمام شد

دیگر نوشته اند که در این اوقات جهانی
 از بند عسک و آنه بصره بوده است در حوز
 بصره ده نفر دزد بگری علی الغفله داخل جهان
 منور شده دست بنهب و غارت گشوده
 اهل جهان نیز بدفاع اقدام نموده بزدان
 غالب آمده اند و برده نفر دزد را مقتول
 بدر بار خیمه اند و خود فتح غنیمت بصره نموده
 از بها نجا با ما کن خود مراجعت کرده اند

دیگر نوشته بودند که جهانی از تنگستان
 بارگیری نموده به بصره میبرد و اند در نواحی
 بصره جمعی درزدان دریایی بجهاز ریخته بنای
 غارت گذاشته بودند اهل کشتی نیز بمقام دغا
 و جدال برآمد پیش نفر از اهل کشتی و پنج نفر

از دزدان مقتول گردیده باقی اهل جهاز بر کشتی
 بودند

دیگر نوشته بودند که چون این اوقات حکام
 وصول مالیات آن صفحات است عالیجاه شیخ
 حاکم خان نهایت اهتمام را در وصول و اصال
 مالیات دارد و ولی چون خرمای آن صفحات هنوز
 بفرش نرسیده است مالیات تمام وصول نشده است

فارس

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده است
 قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند
 در ششم این ماه که روز عید مولودا علی حضرت قوی
 شوکت شاهی خلد الله ملکه و سلطانه بود
 تشبازی و چراغان کرده و روز مراسم
 عید سعید را بطور شایسته معمول داشتند
 ششم را معرب انخاقان حاجی حسنعلی پان
 قزوین صیافت سکین نموده جمعی از اعزّه و
 اعیان و نوکرهای پادشاهی را دعوت کرد
 و در شب منقّم نیز عالیجاه خانبا با خان سرمنک
 صیافت کرده جشن عید مولودا مسعود و بیایون را
 بقسم خوب بجهل آورده اند

دیگر نوشته بودند که در ایام دهنه عاشورا
 در قریه ارداق روز عاشورا تعزیه داری کرده و
 تعزیه نیز خالی می نموده اند تعزیه از مال سر بازار

خود بجز و بدر رفته یک نفر از رعایای آنجا مقتول
شده بود و مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان
مقام تحقیق و تفحص برآمد معلوم شده بود که
قتل آن شخص بعد نبوده است مقرب الخاقان
شارالیه و عالیجاه خانباخان سربیک
و جوی بجهت مخارج صغار و بزرگان آن شخص
مقتول داده بودند

دیگر از قراریکه نوشته بودند اندام محارست محلات
شهر و طرق و سوارع قزوین انتظام تمام
و قوافل و مترددین اسوده خاطر از آنجا
عبور و مرور نمایند و در باب گزیده و مستحفظ
شهر و محلات سابقا قرار بر این بوده است که
که خدای هر محله از هر خانه مبلغی معین فراخور
آن خانه می گرفته و مواجب گزیده میداده اند
که شبها را مشغول حراست محلات و محافظت آنها
مردم باشند مع ذلک باز سرقت و دزدی
در محلات اتفاق می افتاد درین اوقات این
مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان موقوف نموده
و آقا حسن نامی را بر گزیده شخصی کرده و بجا
نفر گزیده کارآمد معتبر باسم و رسم شخص کرده
که مواجب آنها بقرار تقدیل از اهل محلات بانهار
شبها بجا فط و محارست محلات و بازارها و دکان
و خانه های مردم مسئول باشند و از آنوقت که آن

۱۵۶۴

قرار داده شده است کمتر دزدی اتفاق می افتد
و اگر بذرست سرقتی واقع شود اموال مسروبه
با تمام گزیده و مستحفظ بدست آمده بصاحبش تسلیم
سارق تنبیه کامل میشود و نیز قرار شده است
که بعد از چهار ساعت از شب کسی در کوچه ها عبور
و اگر بی سنگام کسی را در عبور ببیند بگیرد از محله
چند نفر از آدمهای عالیجاه خانباخان شب
بیرون آمده بودند مستحفظ آنها را گرفته نزد عالیجاه
خانباخان برده و شارالیه نیز آنها را تنبیه کامل
نموده و قدغن کرده بود که اگر بعد ازین از نو گریه
یا صاحب منصب متعلق بمن هر کس باشد شب وقت
و بعد از چهار ساعت که قرار شده است از منزل
بیرون برود مورد تنبیه و مواخذة نگین خواهد گردید
و باین سبب سرباز و صاحب منصبان شارالیه
بیکلام قدرت یک شبها بی وقت بیرون بیایند ندارند
دیگر نوشته بودند که در بار و طکوب خانه قزوین
در شب چهارشنبه سیزدهم محرم دیکامی که
بار و طمیکو بیدند آتشی از دکان بار و طکوبی
حادث شده آنچه بار و طم در آنجا بود تشریف
و یازده نفر عمده و بار و طکوب که در آنجا مشغول
کار بودند یکی سوخته و تلف گردیده و لی سرباز
بجای دیگر مکرده بود

قسم و کاشان ازین ولایات نیز

درین هفته اخباری پدید است

کرماتشان

از قراریکه در روزنامه کرماتشان نوشته بودند

در ایام عاشورا نواب مستطاب عماد الدوله

حکمران کرماتشان در مراسم تعزیه دار

جناب اباعبدالله الحسین اهتتام زیاده لعل آورده

و محض حصول دعای خیر بجهت بقای وجود فانی

افسوس علین شاهنشاهی دامت شکست اطعام

ساکنین و احسان بقرا و عجزه در لیلی و ایام

مموده اند

دیگر نوشته بودند که نواب عماد الدوله بجهت

و حراست روزاری که از خاک محروم با بجا

آمده و روانه عتبات عالیات میشوند آنچه در

شهر توقف می کنند یکصد نفر سواره پیاده شخص

کرده اند که شبها محافظت روزار را بکنند که

قطاع الطریق محفوظ باشند و روزار از آفتی در

رفاه و آسایش میباشند و همین از کرماتشان

الی قصر شیرین که سرحد خاک دولت علیه حمایت

قرار داده اند که همه حاسوار تحفظ همراهِ برادر

بوده آنها را سالماً از آن راهها عبور داده

بنازل برسانند

دیگر نوشته اند که درین روزها سخاوای شخصی

در خارج شهر مفقود شده بود کما شهاب

اقا محمد صالح حاجی علی نام تنخواه منور را پیدا کرده

بود و جارجی بشهر و خارج شهر انداخته بعد از دو

روز صاحب تنخواه پیدا شده آمد و وجه خود را

تمام و کمال دریافت کرده بود

دیگر نوشته بودند که میدان توپخانه و نقاره خانه

کرماتشان برادر خرابی بسیار شده و از رونق

و سکو سابق افتاده بود و نواب عماد الدوله قرار

تعمیر آنها را داده اند که بهتر از ایام سابق شود

و با الفعل هر روزی سی نفر بنا با عله زیاد در آنجا

بنائی میباشند و مخرب میدان منور در کمال

خوبی و صفا با تمام خواهد رسید

دیگر نوشته بودند که در دوازدهم ماه محرم ام

مرحوم میرزا نصر الله اردبیلی مشهور بصدر الممالک

ایزدی پیوسته و نواب عماد الدوله حکم کرده اند

جنازه او را با کمال احترام برداشته اند

دیگر نوشته اند که نواب عماد الدوله چند روز است

بجهت انتظام بلوک بالادربند با بجا رفتن اندو

انجارا انتظامی کامل داده اند از جمله چهار نفر از آنها

و در مشهور انولایت که مدتها بود بدست غنی آید

دسگیر شده اند و نواب معزی الیه آنها را بشهر

فرستاده در انبار محسوس تا بعد از مراجعت حکم آنها را بجا

دیگر از قرار یک تیر اجناس کرمان را
 کند م اعلی خرواری یک تومان و کندی
 خرواری شش هزار و پانصد دینار و جو خرواری
 شش هزار و پنج یک من ده شاهی و در غن
 یک من دو هزار و یکصد و سی و سایر اجناس این
 قرار شده است
 کردستان و کز و کس و کرمان و
 کسلان ازین ولایات نیز درین هفته
 احبّاری نرسیده است

لرستان

از قرار یک در روزنامه لرستان نوشته بود
 چون هر ساله فصل پائیز که ایلات کبری است
 حرکت میکردند چه از دماط اطراف و چه
 میان خودشان سرقت و دست اندازی
 بآل یکدیگر میکردند امسال از اتهامات
 جلال الدین میرزا در کمال آرامی و انتظام حرکت
 کرده اند و هیچ وجه از احدی چیزی سرقت
 نرفته است و نواب معزی الیه نیز حسب احکام
 مستطاب حاکم الدوله در خاوه مراسمت
 عید مولود مسعود علی حضرت شاهنشاهی و
 بعل ادرده اند و همچنین نواب غلامحسین میرزا
 در هر وجه عید مولود مسعود بهائون مراسمت
 و اساس جشن فراهم آورده اند

اعلانات

چند طغرا اسناد و نوشتجات و تنگ انال
 میرزا عبد الرسول مقیم رشت بموجب تفصیل دین

سواد قباله بسم میرزا عبد الرسول یک یک یک یک یک یک
 « » « » « » « » « » « »

ایضا تنگ طهارت فیه
 « » « » « » « » « » « »

ایضا تنگ بسم میرزا عبد الرسول
 « » « » « » « » « » « »

با بعضی نوشتجات دیگر در یوم تا سواد در
 مفقود شده است هر کس پیدا کرده باشد
 به قرقخانه روزنامه که در میدان ارک است
 و بیست تومان مژدگانی بکشد

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاج
 عبدالمحمد باسمه چی در محله نزدیک دروازه
 و ولای الطباع شده از این قرار فروخته میشود

- الوار النعمانیه سه تومان —
- وسایل باغبنت یک جلد ده تومان —
- حاشیه نظامی بیت و پنجهزار —
- سریر دو تومان —
- زبدۃ المعارف دو تومان —
- معراج العاده یک تومان —
- شاهنامه چهار تومان و نیم —

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم شهریور مطابق با سن ۱۲۷۲

شماره بیست و چهارم

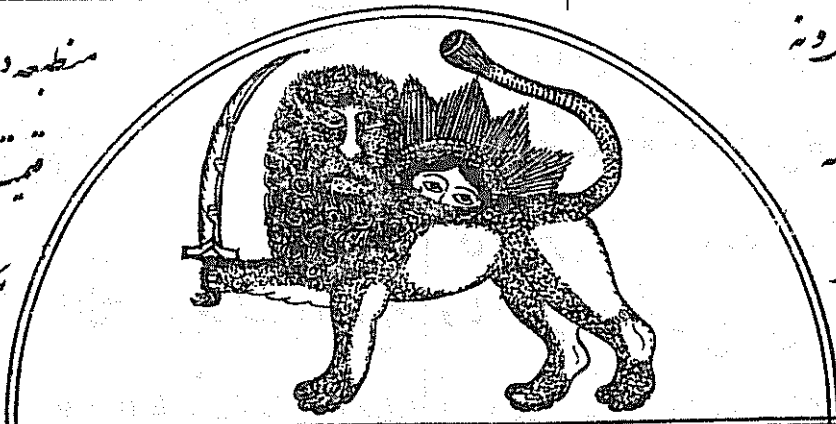
قیمت روزنامه

هر نسخه و یک شبر

منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط یک شبر



اخبار و احداث ممالك محروسه پادشاهی

و از اخلاف طهران

هوای و از اخلاف طهران از وقتی که موکب هایون
اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه بنگارستان
تشریف فرما گردیده اند در نهایت خوبی و ایستادگی
و چنانچه در روزنامه هفته گذشته نیز نوشته شد
اغلب اوقات ترسخی در هواست و چون این
اوقات دینه اخر ماه صفر است در بسیاری از
تکایا و ساجدها و خانها مانند ایام دینه عاشورا
مردم مشغول تعزیه داری جناب سید الشهدا شدند
اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی نیز در روز شنبه
حرکت از نگارستان فرموده از دروازه شمیران
وارد شهر گردیدند امانی و اعیان و از اخلاف ناما
و قوگور و معابر عبور موکب هایون بزیارت وجود
فانیض الحودا و اقدس فایز آمد موکب شاهنشاهی از

میدان جدید تشریف فرمای ارک مبارک سلطان
شدند

الغلام صورت تشریفاتی که در روز و در جناب عمده الامر
سیف الملک عباسقلیخان میرنجه سفیر کبیر و
علیه ایران مامور دولت بهیه روس تقطیع از جانب
کارگذاران دولت بهیه روس در تقطیع بعمل آمده

در روز و در جناب معنی الیه بدین موجب رسیده

جنرال ماجور محرابی که از جنرال قسطنطنی لای کارگذار امور
معتبرین طایفه کرجی است خارج مملکت قفقازیه

پولکویک قلی ملین بکریکی پولکویک دایور سوار نظام
تقطیع دولفر

پولکویک دایور سوار نظام اجوان چاکینا رهسور و فانیض
چاکین قفقازیه و حاکم مملکت مازندران

میرزا اسکندر باور و میرزا
کینیا ز بهودف
سواره را اندازم که مشغول
است با شهرند
صد نفر

سواره نظام
و پنجاه نفر
جمیع کارگذاران امور حاجه
کامی اجرای دفتر خایه بگری

بزرگ و کارگذاران تعلیس هر یک با اتباع خود
استقبال نموده بحد ملاقات جمیعاً از کالکها
پیاده شده و کمال احترام و پذیرائی را بعلی آوده
جناب معزی الیه نیز لوازم مهربانی را با آنها نمود
داشته و تاباغ مانیتو که فریب بهشت و عمار
عالی دارد و در آنجا شیرینی و سایر سبزیجات
و پذیرائی حاضر ساخته بودند آمدند که بفرمایند
بدین موجب با جمیع کشیری از صاحب منصبان و دیگر

جنرالانو کینیا جنرال لئی جنرال و اندریوف
محرر محنتی

دیم در باغ صف کشیده احترام شایسته بجا آورده
و جناب ایلمچی کبیر پیاده شده و بیای رفتند بعد
از صرف چای و شیرینی و قهوه بیرون آمدند
عزاده کالک و کاری علیحد بسیار خوب حاضر
ساخته بودند جناب معزی الیه با اجرای سفارت
نشته و رین بین پلیس سطر شهر تعلیس با تمام حرا
پلیس آمده لازم احترام را نمودند بعد از آن کلمات
شهر با همه معارف و اعیان از تجار و غیره باطل علم
که اظهار کمال احترام و شادمانیت آمده لازم احترام

و استقبال را بعلی آوردند و همه سکنه شهر
تعلیس از مسلمان تبعه دولت علیه ایران و تبعه دولت
یهیه روس و ارمنی و گرجی و یهودی و غیره کلاً که
با استقبال و تماشا آمده بودند در دو طرف
صف کشیده بمقتاد رس کاو و کوسفند که از آنجا
سی دشت رس کاو و کوسفند از تبعه دولت علیه
و مابقی را اهل تعلیس قربانی کردند در دم دروازه
قراول خانه که بود قراول آنجا را دوساوی نمود
ادای احترام نظامیه و سلام با بیدق و چیل و
نمودند و در حین ورود بشهر شروع بانداختن
توپ کرده بیت و یک تیر توپ بجهت احترام شلیک
کردند و بدین ترتیب تا قراول خانه بزرگ دم
در خانه جناب جلالنگاب جانشین مملکت قفقاز
آمده قراول آنجا را نیز دوساوی کرده احترام
نظامیه و سلام باطل نمودند و منزل جناب ایلمچی
کبیر را در خانه ناچار لینگ شتاب یعنی امیر نظام
که خانه آن بهتر بود معین نموده بودند دم در منزل
فوج صالدا که و تعلیس هستند صف نظامی کشیدند
و جنرال باور اسب کا ماندات شهر یعنی طبعه بیک
سر نظام استیاده بعد از پیاده شدن جمیع صالدا
پیش رفت کرده سلام نظامی نمودند و در دم در خانه
هم جنرال برسیوف و برادر کینیا ز بهودف که پیش
دیوانخانه پالایست که عظم دیوانخانه است
با سایر رؤسای دیوانخانه و صاحب منصبان اهل
نظام و اهل قلم صف کشیده بودند احترام شایسته

هر يك بقاعده خود بپوش آورده جز اول بر سولوف
 و تبار متعفی نمود و جناب مغزی الیه با هر يك علیهم
 السلام اسم هر بانی را مرغی داشته بمنزل آمد
 و بلافاصله جناب کینیا زیه بود شیرینی و
 یا جودان خود بیمار کباب منزل فرستاد و صاحب
 بر بوساعتی در آنجا لوازم احترام و پذیرائی را
 بپوش آورده و عند خواهی نموده مراجعت کردند و
 دو نفر جودان و سه نفر افسر یعنی کارگذار
 بعلاده پیشخدمتان معین کردند که همیشه مواظب خدمت
 باشند و ساعت فاصله جناب کینیا زیه بود
 بپوش آمد و مراسم اتحاد و تهیت و روضه و
 آورده جناب ایلچی کبیر نیز اظهار شرف بلافاصله
 او نموده و بعد از صرف چای و قهوه بمنزل خود مراجعت
 نمود و فردای روز و روز و جناب ایلچی کبیر بنای
 بازوید داشتند جناب کینیا زیه بود و شربت
 احترام مجلس بازوید را در خانه جناب جلالت
 جانبین قرار داده بودند و جمیع صاحب منصبانی که
 در مجلس حضور داشتند از اهل شیر و اهل قلم با
 رسی خودشان در اطرافها صف کشیده بودند
 بودند در عین و روز و جناب ایلچی کبیر خود جناب
 کینیا زیه بود و تادم در اطاق سیتی استقبالی
 نموده جز اولها و صاحب منصبانیکه از باب احترام
 در آنجا صف کشیده بودند معفی نموده پس از
 عالی و قلیان و شیرینی بمنزل مراجعت نموده بلافاصله
 خود جناب زیه بودت با بعضی از جز اولهای بزرگ

بازوید آمده بعد از صرف چای و شیرینی و
 و قلیان در کمال خوشحالی و مسرت بمنزل خود مراجعت
 نمودند

چون توقیر و احترام جانب علمای اعلام و فقهاء
 عالی منطور خاطر حقانیت کزین اقدس تبارین
 شاهنشاهی و امت شوکت است و شخص این کانی
 متدین که هر يك از علمای اعلام را در وقت شرف
 حضور مبارک بطور اعزاز و احترام بجهل می نمود
 تا یون بیاورد و لازم بود لهند درین اوقات
 که مرحوم حاجی ملا محمد نظام العلماء رحمت ایزدی
 پیوست نظر بامانت و تقدس و دیانت عباد
 مقرب الخاقان نصر الله خان شایسته این منصب
 آمده و در این اوقات منصب جلیل نظام العلماء
 از جانب سنی ابجوانت ملوکانه بمقرب الخاقان
 مشایخه مفوض گردید که سر و کار طبقه علمیه
 مجتهدین عظام و علمای اعلام با او بوده در وقت
 و احترام آنها لوازم اهتمام را بپوشیاورد و هر وقت
 که شرفیاب حضور مبارک میشوند آنها را با
 و احترام تمام شرفیاب سازد و انجام مأمول و
 منوط بواسطه مقرب الخاقان مشایخه باشد و
 بکمال قشال سر بجهت عاتمه و مکتوب جبهه ترمه مقرب
 مشایخه خلعت مرحمت گردیده و فرمان این
 نیز در باب منصب مقرب الخاقان مشایخه
 صد دریافت

چون مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام

سجده انجام بعضی خدمات از خراسان برکاب
حضرت انتخاب استند و درین روزها بدرگاه
هایون شاهی دامت شوکت آمد لهذا عالیجناب
میرزا محمد قوام الدوله را منصب وزارت خراسان
سرافراز و فرمان هایون درین باب شرف
صدور یافته یکثوب چیه ترمه نیز بمقرب انخاقان
ملوکانه باد خلعت مرحمت کردید که از روی کفایت
و درایت بموارد مغل پیشکاری خراسان و
انجام خدمات و معاملات دیوان قدرشان برود
و این اوقات روانه محل ماموریت می شود
نظر بلاخطه خدمات سابقه و لایحه عالیجناب مقرب انخاقان
آقاخان سریت ایلات قزوین که در نظر هر
اثرهایون بنصبه ظهور رسید خاصه چندین قبل
که حسب الامر سجه نظم امورات و رفع اعتق
کیلان مامور شد بعد از ورود باسجاد انجام
خدمات مرجوعه سعی وافیه و جهد کامل بطوری
منظور و مقصود او لیای دولت قاهره بود
بجمل آورد و اعتناش آنجا را بزودی سرش
نمود و خدمت محو که را از فرط کفایت و کاردانی
که داشت بخوبی و درستی صورت انجام داد
لذا درین اوقات او را منصب جلیل میرنجی
سرافراز و فرمان هایون درین باب شرف
صدور یافته یکثوب چیه ترمه نیز بمقرب انخاقان
— مشارالیه خلعت مرحمت کردید
چون فرج مراغه التوا بجهتی نتیجه الامراء العظام

جعفر قلیخان سریت چندین قبل از دربارهایون
مرخص گردیدند و خود مشا را لیه سجه انجام بعضی
امورات فرج مزبور در رکاب فیروزیه انتخاب
بود درین اوقات که کارهای خود را صورت
انجام داده از حضور باهر انور مبارک مرخصی حاصل
نموده روانه اوزربایجان بود محض ظهور غنایت
ملوکانه دربار مشا را لیه یک ثوب کلیه انور
تن مبارک باد خلعت مرحمت کردید که سبب
مفاخرت و مباهات او بوده و در انجام خدمات
محو له بخود بیش از پیش خاطر اقدس هایون را
خرسند دارد

نظر بطور صلاحیت و شایستگی مقرب انخاقان
عصده الملک و وثوق و اعتماد سرکارا علیحضرت
نوی شوکت شاهی ایدالتجیش و ابداله
عمیشه برایت کفایت و امانت و دیانت او
در این اوقات بمنصب متولی باشی کری حضرت
للام ثامن علیه النجته و الشنا منصوب و برقرار
و خلعت هایون باد مرحمت گردیده این روزها
روانه خواهد شد

امور دار الخلافه طهران در نهایت انتظام است
و عموم چاکران دربارهایون از اعالی و ادانی
نظام و غیر نظام هر کس در کار و خدمت خودجا
و سعی میباشند و احدی قدرت حرکت خلاف
ندارد و امور قراولخانه نهایت انتظام دارد و
و شرارت اتفاق نمی افتد

سایر ولایات

آذربایجان از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند از اتهامات نواب مستطاب شاهزاده والای تبار نصره الدوله و معتقد دربار سپهر شام مقرب الخاقان قایم مقام امور مالیات و انجمن است و مالیاتی انجمن در رفاه و آسودگی مستند ولی غلام علی بجهت کم بودن حاصل قرضی تعمیر بهرانه بوده است

دیگر نوشته شده بود که در روز نهم ماه صفر که عید مولود مسعود و هالیون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی دامت شوکت بود در شب آنروز جمیع بازارها و کاروانسراها و دکانها را چراغانی و این بندی نموده و قوسوهای دول ثلثه تختای نیز منازل خود را چراغان نموده لوازم جشن و سرور ابله آورده عموم خلق مشغول عیش و شادی بوده اند و در روز نهم نواب شاهزاده والای نصره الدوله بقانون سایر اعیان و بزرگان این سلام عام داده میران پنجه و سترپان و صاحب مضبان و خوانین عظام و سایر جاگدان و لیوان هایون و راطاق نظام در نزد معتقد دربار سپهر شام قایم مقام جمع شده و صرفه شربت و شیرینی کرده و بعضی از شعر هم قضاید در اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی برشته نظم

بودند و در آنجا خواننده شمول ضلالت و جواز کردیده اند بعد از آن تمامی اهل سلام خدمت نواب شاهزاده نصره الدوله حاضر گردید و اجرا شلیک توپ شده ادای خطبه بلنج بنام آستان هالیون و اختتام به از دیاد شوکت ابد مقرون گردیده لوازم تهنیت عید سعید مولود در بطور شایسته بعمل آورده است

دیگر نوشته شده بود که عالیجاه اسکندر خان پاشا اول جودان باشی که از جانب سنی احوال اقدس هالیون شاهنشاهی حامل خلعتهای نواب مستطاب شاهزاده والای تبار نصرت الدوله و معتقد دربار سپهر شام مقرب الخاقان قایم مقام امور مالیات و انجمن است و مالیاتی انجمن در رفاه و آسودگی مستند ولی غلام علی بجهت کم بودن حاصل قرضی تعمیر بهرانه بوده است

دیگر نوشته شده بود که در روز نهم ماه صفر که عید مولود مسعود و هالیون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی دامت شوکت بود در شب آنروز جمیع بازارها و کاروانسراها و دکانها را چراغانی و این بندی نموده و قوسوهای دول ثلثه تختای نیز منازل خود را چراغان نموده لوازم جشن و سرور ابله آورده عموم خلق مشغول عیش و شادی بوده اند و در روز نهم نواب شاهزاده والای نصره الدوله بقانون سایر اعیان و بزرگان این سلام عام داده میران پنجه و سترپان و صاحب مضبان و خوانین عظام و راطاق نظام در نزد معتقد دربار سپهر شام قایم مقام جمع شده و صرفه شربت و شیرینی کرده و بعضی از شعر هم قضاید در اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی برشته نظم

معمول بر سه بار بار و دو کاکن بر سه جمیعاً بکلیت نوشت
رفته بطور تمیز حلال مهر شجاع قیام و اقدام نموده

دیگر نوشته اند که بعد از ایام دهم عاشورا باز در
تکایا و مساجد و خانها مجالس تعزیه داری برپا
و معتقد در بار سپهر شام قایم مقام شهبای
جمعه را مجالس تعزیه داری و روضه خوانی دارد
و مجالس تعزیه داری بدعای بقای وجود فایز
تا یون خستام می یابد

فوج اول خاصه که پنجه سان احضار تبریز شده
سان آنها بدقت دیده شده و موجب
سنة ماضیه را از محل دریافت کرده بودند و
سه ماه دیگر را نیز بعد از سان باستحضار
شکر نویسان در اطاق نظام نفیض دریافت
کرده مرخص خانه شدند

و جمیعین از توپچیان طوایف آذربایجان نیز که
در بار تالیون شده بودند توپچیان طوایف
در بنفتم صف و ارد تبریز کرده و موجب
محلی را دریافت کرده بودند و موجب
دیگر در اطاق نظام با آنها داده شده روانه
دارانخانه مبارکه شدند

فوج دهم خوی ابو اجمعی عالیجاه نجفعلی خان سرتک
در پنجم ماه مزبور وارد تبریز شده و فوج بهادر
انصار استقبال نموده در بالای باغ صفا چادر زد
از یازدهم ماه مزبور تا یازدهم موجب انهار

بناچار پرداخته روانه نمودند

فوج جدید فخر ابو اجمعی عالیجاه یوسف خان
سرتک نیز یازدهم ماه مزبور وارد تبریز گردید
و از روز ششازدهم بنای دادن موجب آنها
بوده است که بفاصله دوسه روز موجب آنها
پرداخته شده روانه شوند

دو دسته از افواج بهادران که بر حسب حکم
اولیای دولت روز افزون مأمور بستان
نزد نواب مستطاب شاهزاده والا بتاریخ
خان میرزا بودند چون مدتی در درب خان قرار
بودند مرخص خانه گردیدند که یازده روز
بعیال خود کرده بعد به تبریز آمده و موجب
حضور دریافت در وانه محل موقت شوند

مقرب الخاقان عباسقلیان میر پنجه که حسب الامر
قد رفته را علیحضرت شاهشاهی دامت شکوه
مأمور گرفتن یک فوج جدید امیریه بود و از آنجا
گردیده و معتقد در بار سپهر شام مقرب الخاقان
قایم مقام احکام مؤکده بهمه حکام نوشته اند که
سر باز جدید و او طلب بدهند و ملاحظه نمایند
که بعضی محلها که سر باز زیاد دارد مجد و گیرند که
مایه کثت مالیات دیوانی میگرد و چنانچه عیث
خرابی اغلب دلت زیاد می سبب است

دیگر نوشته اند که عالیجاه سخی خان ایلیانی حاکم مرغه
مدتی بود که در تبریز بود و درین اوقات بشغل حکومت
خود مأمور و روانه مراغه گردید و بعد از رسیدن

او برافه مقرب الخاقان حسین پاشا خان
میرنجه بهتر برآید چه نفروز و در مراغه گرفته بود
و ستاد آنها را بقیه نرسا و رند تا تحقیق احوال
استرآباد و استانبول آباد و وضعها
و بروجرود و لبطام ازین ولایات
درین هفته اخباری بنود

خراسان

از قراریکه در ضمن روزنامه این ولایت نوشته
در این اوقات فرمان مهرلعان اعلیحضرت
قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه
که برافزاری عالیجاه اراض خان و سایر
سرخی شرف صدور یافته بود با تعلیق جناب احمد
اشرف افخم صدر اعظم بانجام رسیده و امید
نام برای آنها حاصل گردیده پنج شش هزار خان
آنها در کمال امیدواری و صداقت در مقام
و اطاعت این دولت قوی مکت علییه میباشند
بعضی از ترکمانان سرخی که بقایای آن اطراف
رفته و کاهی سرت و دست اندازی با طرف
نیکند عالیجاه اراض خان و ترکمانانی که در مقام
خدمتگذاری هستند در خدمت نواب مستطاب
نمازاده ائتم فرمانده متعهد شده که جمیع
نورافراهم آورده در مقام مالت آن اشخاص
آمده آنها را نیز در مقام چاکری و اطاعت و فرمان
در آورند

پوست بخارانی و سایر اجناس سجه خراسان
حل کرده بودند صحیحاً و سالمآ و اراض افند
و بجهت خدمتگذاری ترکمانان سرخی آن راهبها
دارد

خوار خرم و سمنان و همدان
و عراق و عربستان و قزوین و
و کاشان ازین ولایات نیز در هفته
اخباری بنود

کرمانشاهان

از قراریکه در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته
بودند در محله مشهور بجلف خانه بچه خانه تا
ساعت از شب گذشته چند شب متوالی سکند
می انداختند و بعضی را اعتقاد این بوده است
که آجینه این سکهارامی اندازند صاحبان خانه
مراتب را بعضی نواب عماد الدوله حکمران کرمان
رسیده بعد از تحقیق مراتب معلوم شده بود
که چند نفر از الواط و اشعار مرتکب این عمل میشوند
نواب مغزی الیه فرستاده آنها را آوردند و
متنبیه کاملی از آنها بعل آمد که دیگر بعد ازین مرتکب
اینگونه افعال نشوند

دیگر نوشته بودند که حاجی علی عسکر نام طهرانی
شخصی اصفهانی طلب داشت و شخص مدیون
قرار کرده حاجی علی عسکر شربش در شخص او بود
این اوقات کمان بودن او را در کرمانشاهان
کرده مراتب را بجایگاه فتح الله خان و شهباشی

نواب عماد الدوله اظهار داشته بود مشا رالیه
آن شخص اصنامانی زاپید کرده و وجه طلب را تمام
و کمال از او دریافت و تسلیم حاجی علی عسکری

بود

کرمان

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته بودند
چاپار که از دربار جهاندار بآنجار روانه شد
وارد گردیده احکام علیه و نجات انسانی دولت
قاهره که مبنی بر اتفاقات و تسلیم و دجونی
بازماندگان مرحوم محمد حسن خان سردار بود
رساند موجب امید واری آنها بخواطای این

دولت قوی شوک علیه گردید

دیگر نوشته بودند که بعد از فوت مرحوم محمد حسن خان
عالیجاه میرزا شفیع وزیر کرمان به بلوکات آدم
فرستاده و نوشته بودند که مالیات دیوانی را
داد و ستد ننماید تا حکم از اولیای دولت
علیه برسد در این اوقات که حکم اولیای دولت
علیه رسیده و اذن داده بودند که مالیات دیوانی را
وصول و ایصال نمایند عالیجاه مشا رالیه چنانچه
هزار و شصت تومان از باب قضا خزانه مصوب
چاپارانغا و دربار جهاندار بآنجار روانه داشته
و امور آنولایت را بهرجه منظم و پیشه مشغول
انجام خدمات و وصول و ایصال قضا مالیات

میباشد

دیگر نوشته بودند که عالیجاه شیخعلیخان سرپرست
فوج خلع با نهایت نظم و حسن سلوک با اهالی آنجا
رفقاری نماید و نهایت رضامندی از نظم و
معقولیت او دارند و سرماز جمعی مشا رالیه
همه روز در میدان باغ مشغول شت میباشند
و انتظام تمام در امر آنها حاصلست و کسی از آنها
قدرت شرارت و حرکت خلاف ندارد

کردستان و کروس و گیلان و
لرستان و مازندران و نهاوند
و همدان ازین ولایات نیز درین مهفت
اخباری بنود

یزد

از فراری که در روزنامه یزد نوشته بودند خلعت
مهر طلعت هایون که بجهت مقرب انخاقان محمدلو
مرحمت و ارسال شده بود و پرتو وصول بآنجار
مقر بآنجاقان مشا رالیه بجهت توقیر و احترام خلعت
هایون تا بایع دولت با جمیع اعظم و اشراف و اعیان
و خواین و صاحب مضبان نظام با استقبال
شافت و خلعت هایون را در باغ منورین
پیکر مفاخرت خود ساخته با امید واری و دیگر
تمام مشغول انتظام امور آنولایت و انجام خدمات
دیوان قدرشان میباشد و اهالی آنجا از مشغول
خاطر اقدس ملوکانه در حق مشا رالیه کمال شکر گذار

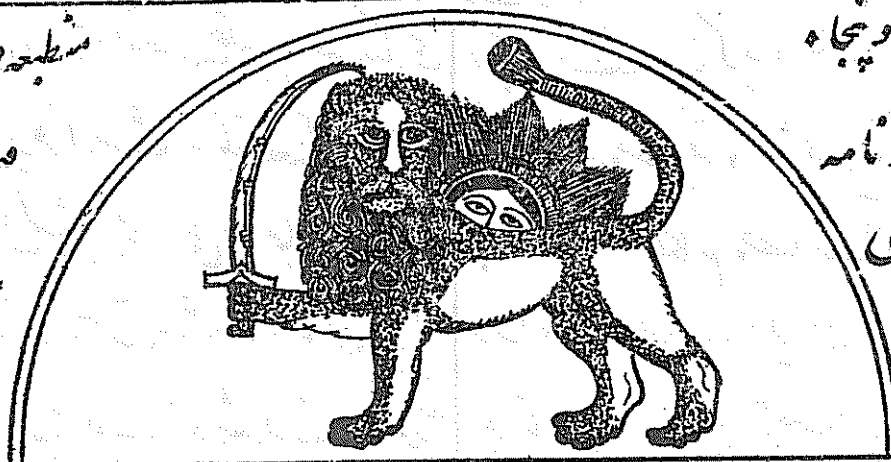
دارند

روزنامه قایم انقاییه تاریخ یوم بیستم خرداد ماه سهریج الاول مطابق سال ۱۲۷۲

مره ولایت و پنجاه

قیمت روزنامه

هر نسخه دوشاهی



مطبعة دارالخلافه طهران

میت اعلانات

هر طریخی هر

اجبار واحد ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که ماه صفر و ایام تعزیه دار
 مقتضی گردیده است چاکران دربارهایون
 هر روزه بدرب خانه حاضر شد مستوفیان
 عظام و شکر نویان کرام و در دفتر خانیان
 و امنای دیوانخانه مبارکه و صاحب منصبان
 نظام و سران و باستان دربارهایون
 در منازل خود که در دربار خانه دارند در
 سر سخن و کار و انجام خدمات مرجوعه بخود
 میباشند و بجهت طاعت هوا افواج قاهر نظام
 نیز از توپچی و سواره نظام و سربازان هر روز
 در میدان ارک و میدان خارج و روازه
 دولت مشغول مشق میباشد و صاحب منصبان
 و محبین نهایت اتمام در مشق و انتظام امر آنها

دارند و هوایم گاهی بارندگی می کند و شب
 دوشنبه گذشته و روز آن یکشنبه
 باران بسیار خوبی که زیاده منفعت برای زراعت
 دارد آمده و بالعقل هوا نهایت خوبی و طاعت
 باقصدای فضل دارد
 چون در این اوقات حکیم کلک که فرزند که در
 دربارهایون منصب حکیم باشکری داشت
 وفات یافت و رجوع این منصب جلیل لعبد
 شخصی که شایسته و قابل باشد لازم بود لهذا
 از اطبای فرنگستان عالیجا حکیم پولاک که
 بدکاوت و فطانت و خدایت و مهارت در طب
 و جراحی مشهور معروف و چند سال است که
 درین دولت علیه سمت نوکری دارد و در تعلیم
 شاگردان دارالفنون و معالجات امراض مرتب

جودت ذمن و قابلیت او مشهود خاطر اهدس
 بایون دلمخوط نظر اولیای دولتی ابد مفردن
 گردیده درین روزها منصب حکیم باشکری
 حضور بایون برقرار شده یکقطعه کمر الماس
 و یکطاقه شال کشیری اعلی از جانب سنی انجوا
 ملوکانه باو خلعت مرحمت شده فرمان ملکان
 مبارک و در باب منصب او شرف صدور یافته
 و هر روزه در سر نهاد حضور بایون حسب الامر
 حضور بهم رسانیده و خواهد رسانید

سایر ولایات

آذربایجان و اسر آباد و
 این ولایات درین نعت اخباری نبود

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته
 نهایت امانت در آنجا حاصل و امور شهر و ملوک
 به جهت قرین نظام و انضباط است طرف
 و سوار و قرا و خانهای شهر من جمیع الجهات
 منظم و منسق است نواب مستطاب حتمت الله
 بعد ایض و مطالب رعایا رسیدگی کامل دارند
 و حسب احکام نواب مغزی الیه اکثر مادیهای شهر
 و بلوکات را تنقیه کرده و می کنند و امید دارند
 که ان شاء الله تعالی در سال آینده زراعت
 بسیار خوب و فراوان بعمل بیاید و این نیز نهایت

اعتدال را داشته است و ماکولات و غیره در
 کمال و فوز و ارزانی بوده است

دیگر نوشته بودند که چون بعضی از قلاع فریدن که
 محل شخص و مقام تدراسرار و مفتدین آن محال
 بود و با استحکام و حصانت آنجا مغرور گشته
 در ادای مالیات دیوان و انقیاد حکام و
 و نمایان نگاهل عصیان می نمودند و اغلب
 اوقات قلعتجات مریوره را محکمه خود قرار داده بنا
 شرارت و هرزگی و تعدی بر عایاک داشته اعانت
 بنایب و مباحثه محال مریور میگردند نواب مستطاب
 حتمت الدوله در این اوقات فرستاد قلعتجات
 که محل اجتماع اسرار مریور و حکم خانه زنبوردشت
 خراب نموده اند و ازینجسی رعایای محال مریور
 کمال شکر گذاریدارند که دست تجاوز و سر
 و مفتدین از سر آنها کوتاه و اسباب رفاه
 و امانت برای آنها فراهم آمده بفرات و سعادت

مشغول عیشتی میباشند

دیگر از قراریکه لتعیر اخبار اصفاها را نوشته
 بودند که کم بوزن تبریز یک من سصد دینار
 و جو یک من شش و نیم و تخم و یک من هفت شاهی
 و عدس و ماش و لوبیا یک من هفت شاهی
 و گوشت یک من نهصد دینار و برنج یک من نهصد
 و روغن یک من دوازده و نیم شاهی را اجناس نیز این منظمه معر بوده

بروجرد و لبطام و حواله ازین
ولایات نیز درین هفته اخباری بود

خراسان

از فرار یکم در روزنامه خراسان نوشته بود
سجده نهایت اعلیت و رانولایت حاصل است
وامالی آنجا با کمال اسودکی بدعا کوفی از دنیا
عمرو دولت ابد مدت سرکار اعلیحضرت قوی
شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه مشغول
میباشند

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده
احتم و الا تبار فرما تا چهل روز با کمال
شدت ناخوش و بتری بودند و چند
روزی نتوانستند بسلام بنشینند ولی درین
اوقات سجده الله قدری ناخوشی ایشان روی
سجونی و بیسودی نموده هر روز بسلام می نشستند
و مطالب عزالین مردم رسیدگی نمایند

دیگر از فرار یکم نوشته بودند دوسه روز پیش
از آنکه نواب شاهزاده محمد یوسف بهرات رود
نخیر الله و له چپا رسد نفر سوار فرستاده بودند که
از بیرجند اسیر و اموال چپاول کرده بیاورند
یکی از قلاع بیرجند رسیده از فرار مذکور هفت
از سادات آنجا را سر بریده و قدری اسیر گرفته
و اموال غارت کرده بودند و از آنجا تعلقه دیگر

رسیده خبر وصول آنجا که بجایگاه میر علم خان
رسیده بود و دستخوار دولت نفر سواره
و یکصد و پنجاه نفر تفکیکی که حاضر داشته است پی
را ردیف سواره نموده و خود را بسواره نفر لور
رسانده طریق مشغول زد و خور و گردیده جایگاه
میر علم خان بسواره نفر لور خالبا آمده تقدیرت
نفر از آنجا را سر نموده و تقدیرت شد و نفر زنده و
کرده اموال و اسرار آنها را از آنها سر و نمود
بقیه اسیر معدودی سگت خورده و زخمی
رو بواوی فرار نموده اند و تا وصول بهرات
چون نواب شاهزاده محمد یوسف شیر بهرات
رسیده و سگت جمعیت سعد محمد خان پریشان
شده بود در راه نجات را از آنجا نیر بسته دیدند
بودند هر چند نفر نسبتی واری و متواری شدند
جمعه و سمنان ازین ولایات نیز
درین هفته اخباری بود

شاهپرو

از فرار یکم در روزنامه اینولایت نوشته اند
عالیجاه عباسقلیان که از دربارهایون بکوت
شاهرو دما مور لوبالعد از رود با آنجا نظمی تمام
در امورات آنجا داده و در منازل عرض راه
هر جا قنات لازم بوده است در آورده و بجهت
رفاه زوآر و عابرین اتمام ریاضت نموده است

از جمله قنات صدر اباد را که جناب امجد الشرف
افخم صدر اعظم از خود و جوی محض حصول
ثواب و دعای خیر بجهت ذات اقدس شاهان
شاهنشاهی دامت شوکت و اوده بودند در آنجا
قنات بسیار خوبی در آورده و آب زیاده
گردیده است و حاتم و یحیال و آب انبار در
آنجا ساخته است و زوآر و عابرین از حصول
رفاه و اسودکی و منزل منور زیاده شاکر
و دعاگوی این دولت جاوید علیهم السلام

و دیگر نوشته بودند که سرحدات استجارا و همه
جواهر مستحفظ گذاشته دست تظاول
طایفه ضاله ترکان از آن صفحات بکنی کوتاه
گردید و کمال اعیان بجهت زوآر و عابرین حاصل
عراق و عربستان و فارس و
فراتین و قس و کاشان
ازین ولایات نیز درین مهفته جاری بود
کرمانشاهان

از فرمای که در روزنامه این ولایت نوشته است
نواب مستطاب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان
که بزرگترین سرحدات رفقه بودند تمامی آن سرحدات
استقامی کامل داده اند و بجهت اینکه تسخیر و مخرج
بر رعایا و ایلات و دیار بطور اختصار با چنانچه
نفران نوکر بقدر لزوم حرکت کرده و در هیچیک از
دعوات و بلوکات سیورسات از کسی مطالبه
نکرده اند و بقدر مقدور در تعمیر خرابیها و آباد

مزارع اتمام نموده و در سه پل که محل عبور قوافل
بود و از ندرتی خراب شده عبور قوافل و متبرکین
از آنجا با بصوبت بیشتر میشد تنخواه داده و بسیار
کاشته اند که با کمال استحکام بازند و آب
امیرزاده علیقلی میرزا سربس و سایر خوانین و
سیر کردگان هر یک در محال خود با سواره و کوه
اراسته آمده و در حضور نواب عمادالدوله سال
داده اند و مواجب آنها را تا ما بر داخته استقام
تمام در کار آنها داده اند و بجهت تهنیت عید مولود
مسعود علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی قلد
ملکه و سلطان به شهر مراجعت نموده اند در ششم
ماه صفر که شب عید مولود هالیون بود کل باران
چراغان کرده بلوآزم جشن و شادمانی و آیین
عید سعید پر داخته و روز عید را در باغ انقاد
عام داده اند و اجرای شلیک توپ کردند
ادامی خطبه بنام اقدس شاهنشاهی و استقام
بدعای بقای وجود فایض الحود و هالیون و از دنا
شوکت دولت ابد مقرون شده جمیع اعظم و
واعیان و خوانین و صاحب مضبان نظام
در مجلس سلام حاضر بوده بعد از صرف شربت
و شیرینی سلام منقضی گردیده است

و دیگر نوشته اند که بجهت اتهامات اولیای دولت
علیه حسن رعیت داری و خوش رفتاری بخوا
مستطاب عمادالدوله شهر و بلوکات نسبت
آبادی تمام یافته بعضی از قری و مزارع که خراب

خالی از سکنه بود درین اوقات همه کلیه آبادی و
شجران باغات و باغین و زراعات گردیده
همچنین در خود شهر که مائشان رنیاوه از هزار دست
عمارت جدید البنا احداث شده و قیمت خانه
ورین ترقی گئی نموده چنانچه خانه که سابقاً بصد
مئی خریدند حال بصد تومان بیفروشدند

اخبار و ول خارجه

از فرار یک در روزنامه جریده السحوات نوشته
جناب محمد بیک افندی پسر جناب جلالتاب شیدا
صدر سابق دولت عثمانی که سفارت کبری بدر
دولت فرانسه مامور و روانه شده بوده است
بعد از ورود جناب سفیر کبیر شارلیه به پاریس
یکماه در آنجا ناخوش شده و رسانیدن اعتماد
نامه که همراه جناب سفیر بوده است با علیحضرت
امپراطور فرانسه تا آخر افتاده و رسم شرفیابی
بهم نیاورده بود بعد از رفع ناخوشی جناب مشارالیه
در روز سی و یکم اکتوس فرنگی بحضور اعلیحضرت
امپراطور شرفیاب شده و بدادن اعتمادنامه
موفق گشته است از جناب اعلیحضرت امپراطور
بجناب مشارالیه خطاباً با اظهار کمال خیرخواهی و موافقت
نسبت بذات شوکت ستمات و در محافظت امور
دولت عثمانی در حالت یکدل و یکجبهت بودن با و
انگلیس سعی و همت نمودن و بذل کمکت کردن در تقویت
قوت و قدرت ذات اعلیحضرت پادشاه عثمانی
در کار گردیده است و از ماموریت جناب سفیر مشارالیه

که دایم در خدمات بزرگ و عهده دولت و ملت
و پسر ذات و شخص عالیقدر بوده است اعلیحضرت
فرمان اهل در منوبیت نموده است
دیگر نوشته بودند که در بیت و نهم ماه ذیحجه در
بغاز طونه از شدت طوفان چهار قطعه کشتی یونانی
سکته و غرق شده است

دیگر نوشته بودند که از واپورهای تجارتی استر
یک فروند واپور که مسی با فرقیابوده است در وقت
آمدن از ترسیه در مقابل آله ساقزنجکی نشسته و
اهل واپور در پور با حل سلامت و رانده اند و
هنوز کیفیت احشایان معلوم نبوده است

یکی از واپورهای کونپونی دولت استریه بسبب باز
بودن رودخانه طونه برای رفتن از اسلامبول نقلیه
و از قلاعه یونیه لغیر شده است که از اسلامبول
نقلیه و دوازده برود و در یک هفته باز برجا با اسلامبول
از طرف دولت فحیمه استریه بقومپانیه واپورهای
بمالک دولت عثمانی کار می کنند الی ده سال
در پرتال بیت و چهار کیلومتر آنچه که بر کیه ده
داده شده که تجارت قومپانیه رواج بگیرد و منافع
کلیه لطرف دولت راجع شود و در تحت قومپانیه
مرلور الان سی قطعه واپور موجود است و بیت
قطعه واپور بزرگ هم در انگلیس می سازند و
باتام بود و است بنا به تفصیل و بیانی که مذکور شد
بعد از داده شدن وجه اعانه بقومپانیه واپورهای
از طرف دولت استریه که پیش ازین از ترسیه

و در روز با سلامبول می آمدند حالا وصول آن
در شش روز از جانب قومیانیه بیان و اعلام
گشته است

مثل واپورهای دوبر که دولت انگلیس و دولت فرانسه
ساخته اند از طرف دول اسپانیا و لیجیا و فلک
نیز خواسته اند که در انگلیس برای آنها از اینجور
و به ساخته شود و خواهش کرده اند اگر چه برای
دول جیبینی ساختن کشتی ممنوع است لکن بعد از
تمام شدن پنجاه قطعه واپور دوبر که در دستگاه
و کارخانه های انگلیس در دست دارند و کار می نمایند
از جهت مساعده به دول فرپوره اظهار بیان کرده اند

سبب متکی و کمی فائیه دولت اسپانیول از مالی
بلا و پول ریاد و قرض کرده است چون ریاده این
از مالی ولایت قرض گرفتن جبریده از صرافان
معتبر و از بعضی تجار که پرورده نفت دولت بوده
بطور اجبار پانصد هزار کیسه پول گرفته اند

و یکر چنانچه در فرم ۲۴۵ این روزنامه نوشته شده
اعلیحضرت پادشاه انگلیس که پاریس پایتخت
دولت فرانسه غنیمت نموده بودند با اعلیحضرت
امپراطور فرانسه ملاقات نموده و در حین صحبت از
جانب اعلیحضرت پادشاه انگلیس اظهار کمال محبت
و یکجائی دولتمین انگلیس و فرانسه کرده است که
الی الابد این مواعیت پدیدار بوده بعد از آنکه
جنب و معاشرت با بین دولتمین تصور شود
بود

۱۵۸۰

در اوقات تعطیل مجلس کبیر شویخانه انگلیس چون
اعلیحضرت پادشاه انگلیس غنیمت کشت و تفریح
نموده بود و امور مهمه و بعضی مواد خارجی و جنگلی
دولت فرپوره بوزیر جنگ موقوف شده که مانند
سنوات سابقه باقتضای امور جاری دارد

و یکر نوشته اند که در اوقات معاودت اعلیحضرت
پادشاه انگلیس از پاریس اعلیحضرت امپراطور
کبانی که از دولت فرپوره همراه پادشاه انگلیس
نشانهای مخصوص دولت فرانسه التفات نموده اند

و یکر نوشته اند که در اوقات توقف اعلیحضرت
پادشاه انگلیس در پاریس که نواب و لیهود
فرپوره نیز همراه بوده است اعلیحضرت امپراطور
فرانسه بعضی تحف و هدایا و تصاویر نواب و لیهود
داده اند که بعضی از آن تصاویر جنبی غرابت و تماشایی
داشت است

در اوقات غنیمت اعلیحضرت پادشاه انگلیس
بعد از مقصد و چهل هزار کس از اطراف واکان فوجیه
تماشا آمده بودند و از دو هام ریاده تماشاخانه ای
و هم چنین پادشاه ساردینیه نیز در آن اوقات پاریس
آمده و چندی در آنجا اقامت نموده و از آنجا غنیمت
لندن پایتخت انگلیس را داشته است

و یکر نوشته بودند که اسل حساب کرک فرانسه را که
بودند بیت میان فرانسه از سالهای دیگر زیاد اند
بوده است و اینجی سبب کمرانه و خرسندی دیوان
فرانسه بوده است

در یکی از روزنامه‌های فرانسه که سابقاً بنامد می‌شد
نوشته اند که شخصی در ولایت فرانسه شکایت کرد که
شکار خرگوش پروند رفته بود و سگی که همراه برده بود
چند قدم از او پیشتر گذشت و سگ را گاه اینسان و گاه
فریاد داشت صاحبش پیش رفت افعی بزرگی دید کردن
افراخته و چهارپای دیم که یک زرع و یک ربع باشد
درازی قد او بود و بسیار باد شک انداخت کلوله پیش
خورده بود و زخم شکریه در عقب کرده بسیار داشت
و اضطراب خود را بالای درخت کشید افعی چنان چنان
بپای درخت رسان نگاه بالای درخت کرد و لکن بجهنم
کلوله قوتی در او نمانده بود و نتوانست از درخت بالا برود
و گشت و قدری رفته افتاد بعد از مدتی که بسیار خاکی
که افعی چنان شده و دیگر حرکت ندارد از درخت فرو آمد
او را بریده با تش در چپ خود انداخته خود آمد و افعی را بکشت
و متعلقان خودشان داده بعد از مدت روزی که خواست
او را بکشد در سر افعی سان پوست و گوشت الماسی ایدار دید که کزایی
انجا او را هزار تومان قیمت کرده بودند آن شخص بپای
رفته و کیفیت را بدست العلوم علی التفصیل بیان کرده بود

در یکی از روزنامه‌های انجلیس نوشته اند که شخصی در مملکت
سکاتلند است که در وی زمین از او پر زورتر کسی دیده شده
میگوید تو تشن بر تبه ای که دوش خود را بر یک شکر
پرو و آب را نیم زرع از زمین بلند میکند و این کس از جمله
زارعین است و در کوهستان آن مملکت ساکن است

از مملکت مصر نوشته اند که عباس پاشا نماینده مملکت
در عمارتی که نزدیک بوشکویست بجهت شکار آهوی دشتی
داشت و چند سر تازی شکاری بجهت پاشای نوبر از ولایت
انجلیس آورده بودند که در همان ولایت انجلیس آنهارا تازی
آهویسانند و با آن تازیها مشغول شکار بود و بنا داشت
بماند و والد پاشا از زیارت پت الله الحام مراجعت نماید
پاشا درین سفر سخت زیاده کشیده بود کشتی بخار که بجهت او
کنار بحر المأمور در شهر سویس حاضر کرده بودند با او جدا و متعلقا
در او نشسته قدری را ندانند گاه کشتی بکشتی و کم نماند
بود که غرق شود و توشیش تمام داشتند درین بین یکی از کشتیهای
بخار و ولایت انجلیس که از مصر آمده وستان کردش بنامند با
سمت آمده بود و والد پاشا را با او همایش کشتی خود را در
بجده سلامت رسانید بعد از رسیدن سجد و کمره متعلقه را
و با در آنجا شدت داشت سپاری از آدمهای ادا و باو
ناخوشیه تلف شده بودند و خود والد پاشا چشم درد
گرفته بود و معلوم نیست که بعد از معالجه چشمش خوب بود یا نه
و هر دو فک والد پاشا بمصر مراجعت بکنند پاشا بنا دارد که
قاهره روانه شود و چون که قاعده است که سالی یک دفعه بمصر
از قاهره بمصر علیا خواهد رفت

در شهر اسکندریه منظر حسن پاشا میر شورتخان مملکت مصر بود
حسن پاشا بنا داشت عدالت خانه برپا نماید که نصف اهل عدالت
از اهل فرنگستان باشند و نصف دیگر از اهل خود مصر و از
دول خارج ساکن اسکندریه راضی باین عمل نبودند چه که بنا
به شکوهی باین اهل فرنگستان با اهل آن ولایت رجوع بجای

از نور بشود آنها گفته بودند که ادم عادل معترض بجهت راه بردن این
 عمل لازم است و سپار کم یافت میشود بلکه وجود ندارد و باین جهت
 را نمی شده بودند از دیوان علای اسلابول حکم شده بود
 که در مصر مشورتخانه دیگر بنا بکند از نقد مقب بدیوان احکام عدالت
 و این مشورتخانه از اعیان مصر میباشد باید آنچه بدیوان خفت
 دارد در آنجا مشورت نمایند و اهل این مشورتخانه را باید انسانی
 اسلابول پسند نمایند و از برای پاشا همین قدر اختیار است که
 موافق مشورت آنها رفتار نماید یا نه اما صورت مشورت دین
 آنها باید بوجه معتنی با اسلابول برسد کل ولایات مصر
 آرام بود و قدری رو بترقی داشت در فصل پاییز که آب
 رود نیل کشیده و کم شده بود توشش داشتند که مبادا حاصل
 بعیل نیاید اما در آخر پائیز که آب رود نیل دو باب بالا آمد
 کفایت حاصل را کرده بود و در خصوص حاصل پنبه نوشته
 بودند که چون هنوز نخیده بود معلوم نبود که از سالهای پیش
 زیاده تر یا کمتر شود اما پیشتر از سالهای دیگر کاشته بودند
 رود نیل پر از کشتیها بود که حاصل میان ولایت را بکند
 بگردند و تجارت فراوان در آنجا داشتند پول زیاد داشتند
 عوض قیمت اجناس میرفت پول طلای انگلیس را که پوینیا
 و هر یک دو تومان و دو هزار یا دو هزار و پانصد دینار
 پول ایران است در آنوقت بسیار آورده بودند و نیلی در آنجا
 متداول شده خصوص در میان اعراب انولایت و در یک هفته
 حساب کرده اند که پست و پنجاهاروپه که تخمینا مبلغ چاه
 پنج هزار تومان پول ایران چاشت پست تجارت آمده و بزارعین
 رسیده بود و چون که شش هفته پهن طور پول فراوان میرفت
 این تئ چهارصد و چهل هزار تومان پول انگلیس است رعایا و

۱۵۸۲

زارعین مصر رسیده و غیر از این مبلغ بزرگ که از پول انگلیس
 داده شده پول زیاد هم از ولایت روم هم از فرانسه
 و اسپانیول و منس با آنجا آمده است

اعلانات

حسب الحکم دیوان اعلی قیت اعلانات درین روزنامه باین تفصیل است
 پیشتر از چهار سطر باشد یک هزار دینار کمتر هم باشد یک هزار دینار
 و اگر پیشتر باشد از قرار هر سطر پنج شای تجار و غیره را اعلام
 میشود که هر کس خبری و خوشی داشته باشد و بخواهد بجلال
 نماید درین روزنامه از غیر نوشته میشود

موسیور و جازری نام تاجر فرنگی چند بار مال التجاره بدار
 آورده که بفروش برساند در خانه اللهو بردی آقا زکریا
 سفارخانه دولت بهیه انگلیس در محله عباس آباد منزل دارد و موافق
 تفصیل ذیل اجناس آورده است و غیر از این تفصیل خبرهای

تخت ساجد	دست بند و غیره	لبان دوس صبا	تول افیه طلا خا
از طلا و غیره	نظامی		
تخت صید لعل	ساعت مجلسی	قوله که در طریش	ساعت نقره و طلا
خوانین و کتاب	طباخچه دارد		
آبای صینی از قهر	سمع کافوری	باروط مجلسی	چتر بسیار و خوب
قوطر موزیکان	دستکش از پشم	جامه صمصصان	زین و برک فرنگی
	نظامی و غیره		

چون بجزارر کاه اولان منقل کردن بنیاه پراهن و نکا
 محمد کلاخون یا
 جیبازدن اطافه ابریشی

دیگر اعلی که تازکی دارد سپار آورده است که بعضی تا سجال
 باین ولایت بهج نیامده بود از خوانین و خاص و عام اهل
 و از آنجا و مبارکه را اعلام میکند که هر که ام مایل باشند
 بیایند و تماشایند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریور سال ۱۲۸۲

مزه ویت و بجه و یک

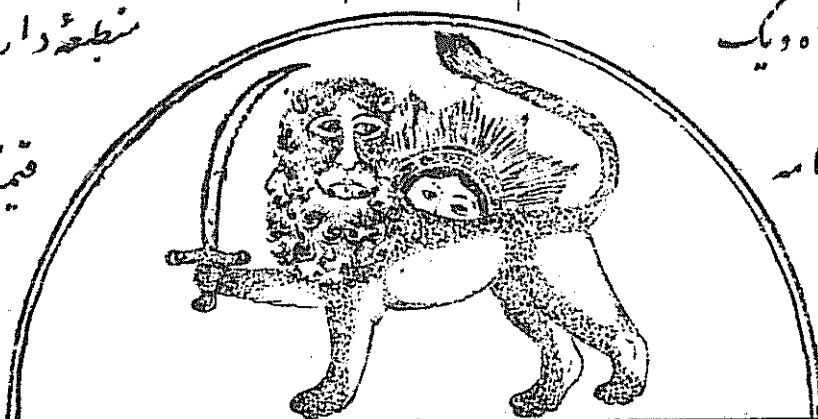
منطقه دار الخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه و شبی

هر طریخی



اجبار و احضار ملک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

شکار و بدل انعام و تفریح آن عات مشغول بودند

نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک سلطانی معاف

فرمودند

در روز شنبه و اینماه سواره شکاری شکار

جمعی عالیجاه مصطفی قلیخان در میدان ارک حاضر گردید

جوانان خوب با اسبان ممتاز و صلاح ارابه

کشیده اعلیحضرت شاهنشاهی پدالیه شکار

سواره فرمودند تشریف فرمای میدان شده و ملاحظه

انهارا فرموده همگی از حضور مبارک گذشتند چون

کمال آراستگی و نظام داشتند مورد تحسین اعلیحضرت

شاهنشاهی و اممای دولت علیه گردیدند جناب

امجد انجمن صدر اعظم نیز در حضور مبارک بودند

معاودت اعلیحضرت شاهنشاهی بعمارت باغ جناب

معظم بجه رسیدگی محاسبات و معاملات دیوانه

در روز پنجشنبه اینماه اعلیحضرت امیرکامیون

شاهنشاهی خلد اندلکه و سلطانه بجه ملائت

بوا و خرمی اطراف دار الخلافه غریمت گشت و

فرموده حب الامر از سر باز و غلام و عهده مقرر شد

بود که پیش از ورود و موکب کامیون شکارگاه دو

بروند و از اطراف هرگونه شکار از وحش و

بانجا براندا مویرین اطراف اقدام برانند شکار

نموده و اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای بانجا

گردیده شکارچه فرمودند و بدست مبارک مشغول

تیراندازی و شکارزدن شدند و بجای که مصدر حد

شده و شکارزده بحضور مبارک آوروند انعام یافت

مرحمت فرمودند شکارچه که مخصوص این دولت علیه

و تماشای خوب دارد بانجمله تا حوالی عصر بزد

و قرار امور مستوفیان عظام بد قرقخانه مبارکه
و نهار را هم در آنجا صرف نموده تا حوالی عصر مشغول
رسیدگی محاسبات و معاملات بودند و فردای
آن روز هم باز بد قرقخانه مبارکه رفته مشغول رسیدگیات بودند
چون بعضی اویای دولت علیه رسید که بعضی از
روسا و سرکردگان قشون در مواجیب و جیره که از
دیوان اعلی بنو کرده شده و افراط و تفریط میکنند
حیف میبوی واقع میشود و انیم حله موجب پریشانی
نواکر میگردد و که بعضی لابد میشوند به سبب و قبحه میروند
سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی صان الله ایام سلطنته
عن البتاهی امر و مقرر فرمودند که برای هر یک از
آحاد و افراد نوکر بعد از این اگر چنین چیزی اتفاق
افتد که سر کرده و رئیس او از مواجیب و جیره که از
دیوان اعلی داده میشود بخورد و برساند همان نوکر
آمده بجناب جلالت ثاب اشرف امجد صدر اعظم
عرض حال خود را نموده جناب مغزی الیه رسیدگی
نمایند اگر واقعا سر کرده حیف و میل کرده باشد
استرداد نموده عاید عارض سازند و از سر کرده
هم مواخذة نمایند و الا اگر تا بهین محض شرارت و
برزگی خواسته باشد افرات و هتان بسر کرده
بگوید البته مورد مواخذة و تنبیه خواهد شد بدین
باینکه برای هر ادنی عیسی ممکن است که روزی
دفعه عرض خود را بجناب معزنی الیه بکند اگر عرض نگردد

کسی به سبب برود معلوم است محض شیطنت است
والا هر کس عرض حسابی داشته باشد و عرض کند البته
اولیای دولت علیه بعضی او غوررسی خواهند نمود
چون در این ایام فرخنده و فرجام که اعلی وادانی
و خاص و عام در حمد امن و آسودگی میباشند و بد
ظلم عطف این دولت قوی آیت فارغ البال و مرفه الحال
بشکرا این موبت و حصول دعای خیر حبه ذات
اقدس بایون شاهنشاهی خدا الله ملکه و سلطانیه
دولت علیه و مقربان حضرت کرد و نبط سینه
هر یک بقدر سعادت و اقدام به احداث آثار خیر و تعمیر
مقبره که نمایند از جمله مقبره دربار سپهر ام معرب الخاقان
میرزا محمد صادق قائم مقام اوقاتی که در دربارها و ن
بود از جناب اشرف ارفع صدر اعظم اذن و اجازت
کر دید که در روضه مقبره رضویه علیه آلاف التهنیه
اثاری بنا گذارد و توحید خانه بقعه مقبره را آینه بندی
نماید اگر چه خود جناب معظم بشکرا سلامتی و صحت
وجود مسعود بایون شاهنشاهی بنای این کار را داشتند
ولی میفادانما الأعمال بالنیات اقدام مقرب الخاقان
مثالیه را هم باین کار بازار خود دانستند و اذن
دادند و مقرب الخاقان مثالیه آینههای مصغای
باتخواه و عمل و اسبابی که لازم بود با عرض فیض بنیان
فرستاده مأمورین در ماه صفر با انجام این کار اقدام

نموده و در کارند و امیدست که در این اوقات
برزودی صورت تمام پذیرد

انظر بحسن خدمات عالیجاه محمد تقی بیک حیثیت
که در نظر اقدس هایون مستحسن و مقبول افتاده
بود در این اوقات او را بلقب خانی سرافراز نمودند
و نامن هایون درین باب شرف صد یافت

امور ات قشونی

توپیچیان و زنبورکیان و سواره نظام و افواج
قاهره متوقف دار انحلافه مبارکه همه روزه در
ارک و میدان خارج در وازه دولت حاضر
گشته دو ساعت و نیم مشق مینمایند و همه صبا
در کمال اهتمام در سر مشق و تعلیم هستند

فوج و هم خوی که احضار در بار هایون شده بودند
در روز یکشنبه بفتح اینجاه وارد دار انحلافه مبارکه
گردیدند

توپیچیان فشار رومی نیز که احضار در بار هایون
شده بودند در روز جمعه پنجم وارد دار انحلافه مبارکه
شدند

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه این ولایت
نوشته اند امسال در فصل عقب بارانهای
خوب متوالی در آنجا آمده و از اول عقب تا آخر

اغلب روزها بارندگی شده است بطوریکه
نوشته اند بیچ سال باین قسم باران نمی آید
و این محله باعث امیدواری تمام اهالی ولایت
انجام شده است و امید دارند که پشاورالد سال
سبب وفورات زراعت بهتر و بیشتر از سالهای
دیگر و سبب ارزانی و فراوانی انولایت بشود

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار حشمت الدوله حکمران اصفهان در
انتظام امور انولایت اهتمام زیاده دارند و سر
و شرارت کم اتفاق می افتد و اگر بندرت دردی
بشود با تمام نواب معزی الیه سارق دسگیر و
تنبیه و اموال سرورده مسترد و صاحبش تسلیم شود
از جمله در این اوقات در چهار سوق معصود و دکان
برازی را شب بریده و اجناس او را برده
بودند مراتب عرض نواب شاهزاده حشمت الدوله
رسیده قدغن اکید در پیدا کردن سارق
نموده و چند روزها مورین در تفتیش بودند تا
اینکه بعد از چند روز بعضی از اجناس آن
دکان را در لباس ضعیفه فاحشه پیدا کرده
بودند و معلوم شده بود که سه چهار نفر توپچی مرید
این عمل شده اند آنها را حسب الامر گرفته و
انداختند و باقی اجناس سرورده را از آنها

گرفته بجا بش تسلیم کردند تا بعد حکم سابقین بشود
استرا با و واسد با و بر و مرد
و بظام و حراسان و حرم و حوا
و سمنان و شاهرو و و عراق و عثمان
ازین ولایات درین نفعه اخباری رسید
فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند
امور آن ولایت از اتهامات نواب مستطاب
مؤید الدوله حکمران مملکت فارس در کمال نظام
و انضباط است بجهت تنبیت عید مولود مسعود
اعلی حضرت اقدس همایون شاهساهی ابدالله
در شب ششم ماه صفر که شب عید بود نواب
مغزی الیه بیاض تحت قاجار که جای باصفا و نظر
اند از بشهر شیراز و اطراف دارد رفته و در آنجا
چراغانی و آتش بازی نموده و مالی شهر نیز بیاض
باها بجهت تماشای آتش بازی باغ مزبور برآمده
لوازم جشن و خرسندی در آن شب بعلل آمده
فدای آن شب را نواب مغزی الیه بشهر شیراز
مراجعت نموده مانند سایر اعیان و بزرگ تعقاد
سلام عام داده و سبب اعظم داعیان و سران
و صاحب منصبان نظام حاضر گردیده اجرای
شلیک توپ نمودند و ادای خطبه بلیغ بنام امی
اقدس همایون و ختمام بدعای از دنیا

عسکر و دولت و شوکت ابد مقرون نموده و
حضور سلطنتی وجود فایض ایچود همایون را تقدیم
سکرانه و مبارکباد نمودند
و یکروز نوشته بودند که عالیجاه محمد علیخان سیرت
تحت قاپوی قراجه داغی در مشق و انتظام امور
فوج مزبور نهایت اهتمام را دارد و هر روز
فوج او بشق حاضر شده از طلوع آفتاب الی دو
ساعت از روز بالا آمد مشق میکنند و بعد بخانه
نفر از فوج مزبوره مریض بوده اند عالیجاه شراییه
طیب و سیرت بجهت آنها معین نموده خود نیز در روز
آنها اسرگشی کرده و دلاری میداد
و یکروز از قرار جاری که از لار رسیده بود عالیجاه
علیقینان سربنک فوج قراجه داغی فوج خود را
همه روزه در آنجا مشق میداد و با کمال نظم و حسن
سلوک با اهل آنجا راه میرود و اهل آنجا کمال
رضامندی از نظم و حسن سلوک او دارند
و یکروز نوشته بودند که مقرب الخاقان عبداله
صا ر م الدوله بانهایت انتظام با جمعیت خود از
دارابجر و مراجعت نموده وارد بلوک خفر که مرود
شد و نواب مستطاب مؤید الدوله مقرب الخاقان
میرزا نعیم شکر نویس باشی فارس را با مؤید
سان انواج ابو اجمعی مقرب الخاقان شراییه و
رسید کی حساب مواجب جیره ایام توقف آنها

فارس بودند که سان دیده و سندی خرج گرفته
صنبط نماید و یک قبضه شمشیر کل مرصع بجهت خود صاحب
و چند طاقه شال و جبهه ترمه بجهت صاحب منصبان
فرستاده اند

دیکر نوشته بودند که عالیجاه محمد ابراهیم خان تیسر
افواج سه ده اصغیان در ایام توقف در بند را بوشهر
با کمال نظم راه رفته و امانی انجام بسیار رضامندی
از معقولیت و حسن سلوک او داشته اند و حکم
درین روزنامه بعد از رسیدن فوج نهادند و بجا
ش را بیه با فوج خود از ساحلوی بند را بوشهر
در و انبیر از خواهد بود

عالیجاه مهدیخان سرسنگ فوج نهادند و از فراری که
نوشته بودند فوج مرزبور را با نوپچیان و توپخانه با
کمال نظم از منازل عرض راه عبور داده و وارد بند
ابوشهر گردیده اند و با انجامیم که وارد شد با کمال
حسن سلوک با امانی انجام فرموده است

دیکر از فراری که از عساکر متوقف بند عباس خبر
بود با کمال نظم مشغول ساحلوی انجام میدادند و نو
امیرزاده عبدالباقی میرزا نهایت مراقبت را دارند که
از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر نشود بعد از چهل
نفر از غلوا انجام که فرار کرده بودند نواب مغزی انبیه
اتهارا گرفته بعد از تنبیه نظامی روانه بند عباس نموده
و عالیجاه رضاقلیخان سرتیپ در کمال استقامت مشغول

میباشد

دیکر نوشته بودند که چون برخی از محصولات بلوک
خفک مرودشت و کربال و رامجرد و میضا و شیخ
سن زده و دود بند کربال مشهور به بند جهان آباد
و بند خشک را آب برده بود و راهای آنجا بجهت
مرزور که خسارت با بخار رسیده بود عارض شده
عالیجاهان میرزا علی محمد خان و میرزا بیج مستوفی
حب الامر نواب مؤید الدوله رفته به هزارلو
بارزید بستان آن بند را کرده بودند نواب مغزی
یکهزار و پانصد تومان از بابت مالیات و یکهزار و
پانصد تومان بجا حبان اطلاق حواله نمودند که گرفته
صرف تعمیر و بستن بندهای مرزور نمایند و عمل و بنا
مشغول کار بستند در این روزنامه با تمام خواهد رسید
و بعد از فرستادن میتر و رسیدگی که محقق شد
خسارت کلی بر عایای بلوکات مرزور رسیده است
نواب مغزی البیه پنجاه تومان با آنها از جانب دولت
اعلی تحفیف دادند که با سودگی و امیدواری مشغول
زراعت و عیسی خود باشند

دیکر نوشته بودند که نواب امیرزاده لطفعلی خان
صفحات کوه کیلید به بهمان را منظم ساخته و
مشغول انجام خدمات محوله بخود میباشد

دیکر نوشته بودند که حلقه مرطلعت هاپون و
و حامل میرنچی کی که بجهت مقرب افغانان در علیخان

با فرمان هرلخان مبارک شرف صد دریا قهر
 شده بود در ۲۲ شهر صف با نجا وارد شد و معتبر
 شالیه با جمیع خواجه و صاحب منصبان نظام با
 شرافت لوازم توقیر و احترام را بعل آورده و به
 دیوانی و غیره شربت و شیرینی داده است
 از فراری که در روزنامه بندر ابو شهر نوشته بودند
 حاجه ان میرزا حسن علی خان دریایی و محمد ابراهیم خان
 سرتیپ با چند نفر دیگر از نوکرهای دیوان اعلیٰ بصره
 و سیاحت بحیره خارک رفته بودند در آنجا چه
 نقر از ناخدایان جزیره خارک را و ستاده بودند
 که از دریای خارک در موضعی که صدف یافت می‌شود
 صدف دریا و رفتند ناخدایان رفتند و بعد از شش
 ساعت راحت کرده چهل پنجاه صدف آوردند
 صدفها خود بخود متحرک بودند باین قسم که در کف
 صدف تا حد نصف بهم چسبیده بود و نصف که چسبیده
 نبود باز می‌شد و بسته می‌شد مانند چالواری که دمان چو
 باز کند و بند میان صدفها را بریدند و از یکدیگر جدا
 کردند در ته صدف موضعی که مثل پستان یا کره می‌باشد
 چیزی که بر یک سرخ بود و لزوجی داشت می‌باشد
 ناخدایان گفتند که میان این چیز سرخ لزوج مثل مروارید
 تمامی صدفها را از میان دو حصه کردند و همه آنها آن چیز
 سرخ را داشتند و مروارید در میان آنها نبود مگر در
 آن صدفها که در میان همان سرخی یک عدد مروارید بود
 بقدر دانه خشتا شش یافت شد اینقدر معلوم و معلوم
 شد که دریای جزیره خارک صدف مروارید دارد
 دیگر آنکه در سمت شرقی جزیره خارک نیز جزیره می‌باشد
 سسی بخارکو و فاصله این دو جزیره از یکدیگر یک فرسخ
 می‌باشد محل مکان صدف میان دریای وسط این
 دو جزیره می‌باشد ناخدایان مذکور نمودند که از میان
 کشتی در آن مکان در ته آب بالای سنگ صدف
 می‌بینیم پس از آن بریر آب می‌رویم و او را از بالای
 گرفته بیرون می‌آوریم از اینقرار معلوم می‌گردد که
 که صدف می‌شود یعنی در دریای خارک چندان عمق
 ندارد و هرگاه عمیق باشد از بالای آب صدف بر
 آب نیستوان دید دیگر آنکه بعضی مذکور نمودند که نا
 و غواصان قلب کرده اند صدفهایی که می‌باشند مروارید
 دارد و کوچک است و بحد کمال نرسیده است آوردند
 از فرار مذکور اگر قلب کنند صدف بزرگ خوب بحد
 کمال رسیده بیرون خواهند آورد که مروارید بسیار
 خوب گران بها در او یافت شود و بعضی مذکور نمودند
 که اهل جزیره خارک خودشان پنهانی از نوکرهای دیوان
 اعلیٰ می‌روند و صدف بیرون می‌آورند و آنچه
 مروارید حاصل می‌نمایند بجانب حبشی می‌برند و بعضی
 می‌رسانند و مشهور است که مروارید خارک بهتر از
 مروارید بحرین است و نیز مشهور است که در زمان حکومت
 شیخ عبدالرسول خان و والده شیخ نصر خان در جزیره

خارک شخصی در صد فی مرواریدی یافت چندان و
از قیمت آن نداشت بملخ دولت روپیه اورا فرو
پس از آن دست بدست افتاد و بهای او بالا رفت
که ببلغ زیاده دسری شد

قره وین و قس و کاشان و کروس
و کرستان و کرمانشاهان و کرمان
و کیلان و مازندران و همدان ازین
ولایات نیز درین مهله اخباری نبود

پرو

از قزاقیکه در روزنامه یزد نوشته بودند عالیجا
مقرب الخاقان محمد یوسف خان سرتیپ در روپیه
مولودا علی حضرت اقدس بایون شافیهی لوازم
تهنیت عید مولود مسعود را از اجرای شلیک توپ و
ادای خطبه و صرف شربت و شیرینی بطور خوب
بعل آورده است

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان بیارالیه
در انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت و
موجبات اسودکی رعیت کمال اهتمام را دارد و
همچنین عالیجا میرزا کوچک خان سرنمک و عالیجا
میرزا حسین سر رشته دار نهایت اهتمام را در انجام
خدمات دیوانی دارند

اخبار و ول خارجه

از قزاقیکه در روزنامه جریده ایحوا دشت نوشته اند

جناب سعید پاشا والی مصر بجهت تماشای عارت
بلور که در پاریس کشف شده در دویم ماه محرم
بکشتی بخار فیض جهاد نام سوار شده از اسکندریه
عزیمت پاریس نموده است که از آنجا بهم بلندن رفته
چندی در آنجا مانده و آنجا اقامت کرده بمصر
معاودت نماید

دیگر نوشته بودند که از دولت ساردینیه سفیری که
در نزد حکمران طوسقانه بود موسیو قزاقی نام را
دولت ساردینیه کاتب محبت جهت اقرار داده بودند
حکمران طوسقانه بسبب بودن او در اختلالات سابقه
او را قبول ننموده و سفیر مقرر بدولت خود اعلام
کرده محض رسیدن این خبر و مطلع شدن دولت
مشارالیه سفیر خود پیش را امر مجاودت نموده باین
سبب فی الجمله برو دتی ما بن دولت ساردینیه
و حکمران طوسقانه واقع خواهد شد یعنی قطع
میباشد

دیگر نوشته بودند که در ایتالیا بعضی شراکت و
افساد از پاره اشخاص ظاهر شده بود و در لومبار
پانصد ششصد نفر را که سبب این امید نداشتند که
و حبس انداخته بودند در ضمن استخلاص مجوسین سرنم
االی آنجا هجوم آورده بودند که این مجوسین نیز
خلاص نمایند ما مورین جنبطیه بمالفت برآمده اهل
آنجا نموانسته بودند مجوسین را متخلص نمایند که

یک دو نفر بخانه پوز نام مستر خاص با پای روم
که بزرگ مذهب کتولیک عیسوی است گریزانده و
شارالیه کو یا بهمانه اینکه اینها ناخوش مستند
نگاه داشته است دیگر بعد از آن خبری نرسیده
که گجارتی رفته اند و در گجارتی هستند

و دیگر نوشته اند که سابقا بجهت کار کردن در نهر
که دو وجب آب باشند و در جایهای تنگ سحر
جباری نمودن از جانب دولت فحیمه فرانسو
شش قطعه کشتی بخارتیز رفته و قرار شده بود بسیار

از قرار مذکور محضات عدیده در ساختن این کشتیها
مستور بود و لکن بعضی شبهه کرده بودند که بنا خندان
محضات داشته باشد در این اوقات که کشتیها
مربور بعضی ساخته شده محضات ریا و از آنجا
میشود از جمله یک قطعه از آن کشتیها از مار ساپا

با اینکه هوا بحایت طوفانی بوده است در بنده روز
بر سعادت اسلامبول آمده است و باقی آن کشتیها
نیز پی در پی ساخته شده و در کار آمدن پلها

و دیگر نوشته اند که از جانب وکلای دولت عثمانی
جته خزین چهار قطعه کشتی بخارتیز راع دار بلندن
سفارش شده بود است قرار داده شدن قیمت
و کیفیت کشتیهای مربور را نوشته بودند

و دیگر در روزنامه فرانسه نوشته اند که عهد نامه

تجارتی که فیما بین دولت عثمانی و دولت یونان
قرار یافته بود بنا بر آن شایخی متحد پادشاه
یونان بکارگذاران وزارت خارجه عثمانی داده است

و دیگر نوشته اند که سفیر دولت عثمانی در ونیز پاشا
دولت استریم چون در این ایام مصدر خدمت

بزرگ شده بود و زمان مأموریت از همه مأموریتها
مشکله بود لهذا اعلیحضرت سلطان او را مرتبه اول
مراتب مناصب که تازه برقرار شده است مرفوع

کرده و نشان افتخار مجیدیه نیز از مرتبه اول عطا

کرده اند
و دیگر نوشته اند که امیر عبدالقادر که در این اواخر
رفته بود در آنجا ناخوش شده و از اعلیحضرت
امپراطور فرانسه اذن حاصل کرده است که بشهر
پروسه مراجعت نماید

و نیز نوشته اند که گویا از اهل انجمنس کوپانی هم
رسیده است که بامناهی دولت عثمانی تکلیف ساختن
راه آهنی کرده اند

و دیگر نوشته اند که چهل و یک نفر از شکران و
مکتب سحره دولت ساردینه بجهت سیاحت و
معلومات دریابکشی جنگی نوشته بعضی جاها سیاحت
کرده و در این اوقات بلبرکاه اسلامبول و لنگرگاه

و دیگر نوشته اند که جناب طرافندی سفیر دولت عثمانی که در ونیز
در این اوقات جهت نظم امورات خود با اسلامبول آمده

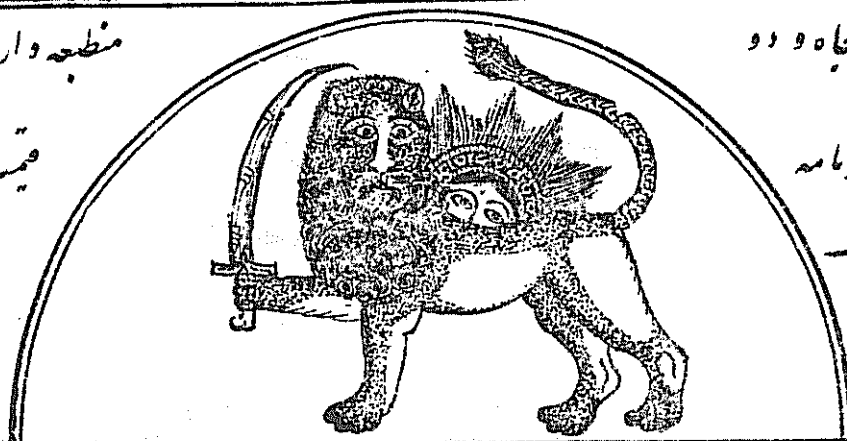
روزنامه وقایع اتفاقیه پنج پویم شنبه یازدهم رجب و المطایر لایون سنه ۱۲۷۱

مزه ریت و پنجاه و دو

منطبه دار الخلفه طهران

قیمت روزنامه
هر نسخه شش

قیمت اعلانات
برابر است



اخبار داخل مملکت محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز یکشنبه گذشته دو ساعت بجزوب
افتاب مانده اعلیحضرت امیرس کا یون شاهی
تشریف فرمای بدست دار الفنون شدند جناب
ارفع اخصم صدر اعظم و امیر الامرا العظام سردار
عاکر مضوره و سایر خواص مقربان حضرت گرد
لبط سینه و صاحب مضبان نظام نیردر
کالیون بودند و بهر یک از اطافهای تعلیم تشریف
بردند و از درسهای سابق شاگردان تحقیق
شده هر یک جواب از روی علم عرض کردند چون
مقرر شده بود که بجهت توپخانه مبارکه شاگردان
جدید معین شوند عالیجاه رضاقلیخان ناظم دار الفنون
چند نفر مشخص کرده از حضور هر طور اقدس کالیون
گذرانیدند و مجدداً مقرر نمودند که هرگاه دیگر هم
شاگرد با استعدادی پیدا شود بیاورد و شاگردان

دو اساز علی که در عسکرم دو اساز بی آموخته بودند
منصبه طور رسایند و بسیار سخن و مطبوعه
ملوکانه افتاد و از انعام اعلیحضرت شاهی بهر باب
گردیدند و نیز چند نفر از شاگردان توپخانه که مواظب
ساعتن سکرو بودند مورد انعام شدند و بمیرزا فضل
که یکی از شاگردان مرتبه اول توپخانه است بجهت
اینکه مشغول درس و تعلیم شاگردان جدید توپخانه
انعام ملوکانه مرحمت گردیده و تا دو ساعت در
تشریف داشتند و بکارهای آنها رسیدگی فرموده
بعد از آن تشریف فرمای عمارت مبارکه سلطانی
گردیدند

اولیای دولت علیه از برای استحضار عاقله خلق
افسوس و دلشنکی خود را اظهار میدارند بجهت ترک
مراوده که این روز نمایان اولیای دولت ایران
و سفارت انگلیس حاصل شده است اما این معنی را

کوشه دانی داخله و خارج عمومآیند که وقوع
این کیفیت که بسبب تکالیف شاقه و خطرناک
جناب بستر موره وزیر مختار دولت انگلیس باین
من غیر حق حاصل گردیده است و ادلیای این دولت
لجاریتر کرده است دلیل نقصان دیو
صادقانه دولتی ایران و انگلیس نخواهد بود و هم

بسیچ وجه من الوجوه خللی بحالت بی طرفی دولت علیه
ایران نخواهد رسید دولت علیه بهان بی طرفی
سابق خود باقی و برقرار است و سفرای دول
یقین در بار این دولت علیه از همه امور مستحضر و ناظر
که خللی در بی طرفی حاصل نشود و نخواهد

چون در این عهد فرخنده که تا ابد پاینده باد بجهت
حصول رفاه و امنیت اغلب صنایع در این دولت
علیه ترقی کرده است از جمله در کارشال بافی کرمان
ترقی زیاد حاصل شده است مرحوم محمد حسن خان
سردار و طاقه شال سفارش کرده بود که بیا
طاقه مفت رکن در قیمت صد و پنجاه تومان و طاقه
سفید و آبی در قیمت صد تومان و این شالها در

پنجده ماه با تمام رسیده بود در همین حیات خود
طاقه مفت رکن را بجهت پیش حضور هاپون و طاقه
سفید و آبی را بجهت جناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم
فرستاده بود که بعد از فوت او شالهای مزبور رسید

احتی بسیار شالهای بی نظیرند تا امروز در کرمان
شال این خوبی بافته شده بود و با شالهای کشمیری
که درین قیمت مت پیش هم که میکذارند همه کس این
شالها را ترجیح میداد امید است که بشا و الله تعالی
یومافو ما هر کوی صنعتی در این دولت علیه خوب

ترقی نماید

در روز چهارشنبه پنجم این ماه که روز عید مولود
جناب خاتم انبیا صلوات الله علیه و علی خیره الطاهرین
و روز خوشسندی و شادمانی عموم اهل اسلام بود
اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه غلده الله علیه و سلطه
تخت مرمر دیوانخانه بزرگ را بفرموده و مسعود و دیوان
زیب و زینت بخشوده انعقاد سلام عام دادند

همای دولت علیه و شاهزادگان عظام و امرای
کرام و خوانین و سران و صاحب منصبان نظام
و سایر اهل سلام بقدر کنجایش دیوانخانه مبارکه
از نظام و غیره هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده
اجرای شلیک توپ و زنبورک گردیده بودند و دیوان
توپ بعد از اسم جناب خاتم انبیا شلیک شد
عالیجاه خطیب باشی ادای خطبه طبع بنام حضرت ختم

مزموده و بدعای بقای وجود فایض الحود هاپون و
از دیار دولت و شوکت ابد مقرون و ختم نموده بعد از آن
عالیجناب شمس الشرافیه غاکه در نهایت این عید سعید بر
نظم کشیده بود و در موضعیگاه حضور هر طور هاپون داشتند

موقع قبول و استیذان یافته اهل سلام تهتیب مبارک
عید سعید را تقدیم نموده سلام متفصی گردید
امورات قسولی

فوج و هم خوی ابو الجحی عالیجاه نجفعلی خان سرنگ
که احضار بدر بارهایون شده بودند وارد دارالخلافه
مبارک گردیده در روز پنجشنبه گذشته در میدان
ارک حاضر شدند و سرکار علیحضرت اقدس
شاهی بجهت ملاحظه آنجا تشریف فرمای میدان مبرور
گردیده و آحاد و افراد فوج مبرور را یکی یکی ملاحظه
فرموده چون کمال ارستکی و انتظام را داشتند
فوج مورد تحسین و الثفات و انعام ملوکانه گردیدند
ولی چون عالیجاه نجفعلی خان سرنگ با فوج سه
قبل ازین بدر بارهایون احضار شده و در آمدن
تقاعد و تکامل کرده بود و معتقد در بار سپهر حشام
مقرب الحاقان قایم مقام از این احوال او شکایت
نجا کای هایون نوشته بود و عرض او چون مقرون
سج ب بود پذیرفته شد لهذا بشیر او را از کمر
بار کرده در اطاق نظام محبوس فرمودند بعد حضوراً
قبیه مضبوطاً فاحوز کناه و تقصیر او بعلل آمد هنوز هم
منظور نظر الثفات نگردیده است تا عبرت سایر
سرتیپان و سربازان و صاحب منصبان شود که از
مذمات محموله دیوان هایون کوتاهی نموده بمحض اجبا
احضار حرکت نمایند

و هم چنین فوج افشار و روحی جمعی عالیجاه یوسفخان
سرنگ نیز که احضار و در بار شوگنزار هایون شده
بودند در این روزها وارد دارالخلافه مبارک گردیدند
و در روز شنبه نهم در میدان ارک صف نظامی
شدند علیحضرت اقدس شاهنشاهی
ایده البیثه تشریف فرمای میدان مبرور گردیدند
اولاً آحاد و افراد فوج مبرور را بدقت ملاحظه
و بعد از آن حکم حرکت بانها داده فوج مبرور کمال
ارستکی و انتظام حرکت و دور مشق نمودند و مورد
تحسین و انعام ملوکانه گردیدند و بعد از ملاحظه
علیحضرت شاهنشاهی نسبت توکانه تشریف
برده و از آنجا بمارت سلطانی تشریف فرما گردیدند
و در روز یکشنبه گذشته ملوکب هایون علیحضرت
شاهی بزم سیاحت و تفرج اطراف دارالخلافه
مبارک که حرکت فرمودند بمیان افواج قاهره نظام
که در میدان خارج دروازه دولت مشغول شق
بودند تشریف فرما گردیده سواره نظام و افواج
قاهره مشق کرده حرکات آنها زیاده پسند خاطر
اقدس هایون شاهنشاهی گردیده مورد الثفات
ملوکانه شدند

سایر ولایات

در بایجان و اصفهان و استرآباد
و اسدآباد و این ولایات در این مقدمه اجبا

بروجرد

از فرار یک در روزنامه بروجرد نوشته بودند و از آن
ماه صفی نواب مستطاب احتشام الدوله حکم آن بروجرد
و عربستان و لرستان و نجف شاهی از بروجرد
حرکت کرده روز بیت و یکم ماه مهر بروجرد و از آنجا
شدند نواب جلال الدین میرزا را از آنجا و خوا
و نواب غلام حسین میرزا را از آنجا و بالا کرکوه خوا
معاظلات دیوانی ابوالجحیی هر یک رسیده تمام
توشالان و خزانین سلسله و دلفان و بالا کرکوه را
خواستند آنجا از مالیات دیوانی آنجا باقی بود
گرفتند که در کرمشیر آید بند و هر یک از خزانین
قدغن شد بدینکه که بقاعده حساب حرکت کنند
چون قرار بود که هر سال بجهت تمامی مالیات جلایلی
در دوسه جامیکرفتند و اینر حله اگر چه منفعت برای
دیوان داشت که وجه مالیات زود وصول میشد
اما برای طوایف ضرر داشت و کاو و کوسفند و ما
آنجا اغلب از سر مالک میشد در این سال محض زیات
جانب ایلات نواب احتشام الدوله قرار دادند که جلوی
ایلات را بخرند تمام با سود کی بکر میرات رفته
موافق مکتات بدی دیوانی را در کرمشیر آید
و از اینر حله نوع رفاهیتی برای آنجا حاصل شده
و عاکوی دولت جاویدت علیه گردیدند
دیگر نوشته بودند که از اول عقرب تا بیستم بارانهای

بسیار خوب در آنجا باریده و هوای آسود کرده اگر چه
بیانات انکوار سرماضر رسیده اما چون باعث
خوبی زراعت بود بارانهای پی در پی موجب شگفت
خاطر همه رعایا و اهالی آنجا گردیده مشغول زراعت میباشند
نرخ کندم قدری رو بترقی بوده است ولی بعد از
آمدن باران تنزل کرد و در شهر بروجرد کندم خرواری
و دوازده هزار است اما کسی نمی خورد و در دشت هر
از کاشان و اصفهان بیایند بهین قیمت میخرند
و جو خرواری هفت هزار و سایر جو بات بقرار میباشند
و ادوستد میشود

دیگر نوشته بودند که ناخوشی و با که سابقا در قم و کا
بروز کرده بود در بروجرد و بروجردی مذاشت و او
ماه صفرد در کلنگانه که از دشت نواب حاکم سلطنت
بواسطه مکارهای آنجا که بهمت محلات و کاشان
و معاودت کرده بودند و دوسه روز ناخوشی بروز
کرده ده بیت نفر تلف شدند ولی چون در همان
روز باران آمد و هوای آسود شد امید کلی است که
بهمان قدر اکتفا شده و رفع گردیده باشد

خراسان

از فرار یک در ضمن روزنامه خراسان نوشته بودند
بقدربعضد نفوسواره ترکان سرحسی بتاحت صفیات
هرات رفته تا قلع پاره که مال طایسن است و مال
ریا د گرفته در هنگام تاحت سوار ترکان و افغانه

جنگ سخت کرده و از طرفین کشته و زخمی بسیار شده بود
 خبر بنواب محمد یوسف میرزا حاکم هرات رسیده برادر
 خود را با جمعی سواره افغان بمر راه آنها بکافرقه فرستاد
 فیما بین محارب صعب شده سواره افغان اسیر و اموال را
 از ترکمانان سترو و چند نفر هم دستگیر کرده اند و
 از افغانه نیز زیاد مقول و زخمی شده اند
 دیگر نوشته بودند که در یکی از محلات ارض اقدسیه
 پیچیده از پدر خود بسیار خوف بوده است الای
 خواسته بود بمنزل برود و الاغ میفرستاد است چون بدو
 رده خون سر از پر شده بود از ترس یک پدشین
 او را خواهد زد بدکان عطاری رفته تریاک خریده
 بخانه آمده افتاده و کسی را نیز خبر نموده بود پدرش
 بر او رفته بود که دیده بود فوت شده است
 دیگر نوشته بودند که یکی از سربازان کروی تقصیری کرد
 بود علیجا حسنعلی خان سرتیپ فرستاده بود که
 بیاورند تنبیه نماید ثار الیه بلبت کریمه جمعی آدها
 سرتیپ او را تعاقب کرده بود و بهرام خان برادر حسنعلی
 گفته بود شما کار نداشته باشید من میروم و او را با
 و زبان خوش او را از لب بیرون می آورم و بعضی
 بهتر که رفته بود در آنجا سرباز مزبور هرزگی نموده و هیچ
 قباح و فسادت فرو نگذاشته نکرده بود مع ذلک
 پیش دستی کرده بنواب مستطاب هزاره افخم و الای
 فرما نفرما عریضه نوشته بود که بهرام خان آمده مراد

زود خواست بعف بیرون بیرون و نواب مغزی الیه
 کرده بود که علیجا حسنعلی خان چوب و فلک برداشته
 بهرام خان را ببرد و در همان صحن تبر که چوب بزند
 علیجا هشتاد ساله سم حب الامر اورا بصحن برده و
 بنای چوب کاری گذاشته بود خدام بقعه تبر که مستحضر
 اجماع کرده گفته بودند که او را با مطلع هستیم که بهرام خان
 هیچ چه تقصیری نکرده و باین شخص سرباز مطلقا حرف
 سر نزوده است تا بضرب و شتم چه رسد ثانیاً اگر
 تقصیر هم داشته باشد در صحن تبر که چوب زدن
 مناسب نیست و درین باب بشما نوشته خدمت
 مغزی الیه واره بودند بعد از تحقیق که معلوم شده بود
 سرباز اقرا بهرام خان بسته است از سر چوب زدن
 او گذشته و با و التفات کرده بودند
 دیگر نوشته بودند که در ششم ماه صفر که روز عید مولود انجمن
 ما این شامشای بدالغیث بود نواب مستطاب فرما تا با یک نفر
 و مکه مزاج داشتند بدیوانخانه بزرگ آمد اتفاقاً سلام دادند و جمع
 واعیان و خوانین هم و صاحبان نظام حاضر شدند بتبیین مسعود اجرای
 توپ کرده و ادای خطبه نامی اقدس طایون و امای از یاد
 و ولایت مقرون نموده تهنیت و مبارکباد و عید بطور تعجب آوردند

حم و وار المر و همنان و شاهرو
 این ولایات نیز درین محقه اجباری نبود
 عراق
 از قراریکه در روزنامه عراق نوشته بودند بتبیین عید مولود مسعود است

طایون شاهنشاهی مقرب الخاقان میرزا حسن خان آدم بولایات
 عراق فرستاده و اعظم و عین را اجبار کرده بود اگر چه عموم
 مردم خود مراقب احترام شاه دمانی این عید مسعود بودند ولی
 سلطان آباد آمده در ششم لوازم این بنی و چراغانی و
 و شاه دمانی را بعل آورده و در تالار دیوانخانه ضیافت نکین
 در ششم بقاعده ایجاد بزرگ مجلس جشن و دمانی برپا کرده
 ادای خطبه بنام آتش تایون و اختتام عبادی بقای سعادت دولت
 روز افزون کرده همه عاظم و اعیان و خوانین صاحبان نظام
 صرف شربت شیرینی و اقدام بپایا دعیه و نمودن

فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته بودند در ششم
 صفر چهارشنبه روز باران بسیار خوب در اغلب
 بلوکات فارس آمده امالی آنجا از نزول حجت الهی که
 ارزانی و فراوانی کمال سکر کداری داشته

۱۵۹۶

و یک از فرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند
 در اوقاتی که عالیجایان میرزا حسن علی خان دریاپسکی و محمد
 ابراهیم خان سر تپ از جزیره خارک مراجعت میکردند
 یک فرسخ که از جزیره فرج پور دور شده بودند باد قطع شد
 بجز آنها تا روز دیگر ساعت از روز بالا آمده و باد
 معطل شده بود بعد از آن اندک بادی وزید بجانب بندر
 شدند در آن حین بفاصله صد قدم بنسکی نمودار گردید
 بقدر کما می نمودار بود بعد از آن بقدر جبهه فیلی از تن او ظاهر
 گردید بجانب خارک میرفت پس از آنکه بقدر دوی هزار قدم
 از جبهه او آنچه پیدایش که بازی و غوغا میکرد و میرفت
 تخمینا پنج زرع قطره و ده دوازده زرع طول او از آب
 بیرون بود ولی سر دم او مطلقا پیدایش و معلوم
 که طول او از سر دم چه مقدار است و این قطر و طول
 نیز که از او مشاهده می شد در دوی هزار قدم فاصله بود معلوم
 در نزدیکی شتر میبود پس از آن از نظر غایب و بنسکی
 نمودار گردید که جفت او بود و از غیب او میرفت و لیکن
 یک دفعه بیشتر ظاهر شد و آنچه از او نمودار گردید بقدر فیلی
 بعد از آن باد شمال وزیدن گرفته بفاصله دوی ساعت
 پنج شش فرسخ راه طی کرده بلندگاه رسیدند
 قزوین و قسم و کاشان و کردستان
 ازین ولایات نیز در این هفته اخباری نبود

کروکس

از فرار یک در روزنامه کروکس نوشته بودند یک نفر یهودی تخی
 یکی از اهل دلت کروکس مات داده بود که او را در بیجا بآدم او
 راه طبع آن شخص حرکت آتیه تخی و سرخو در از خم زده بر دماغ
 رین العایدین خان حاکم کروکس انداخته بود که در راه دزدان مار
 زده و برهنه کرده تخی یهودی را که مسره دایم بر دماغ او
 بفرست و دقیقه بود که دروغ بگوید و میخواست اهل یهودی را بخورده
 جس که ده بودند محض تهدید و نیت و آزاری تو را کرده بود که خود
 سرخو در از خم زده و تخی را در دماغان محل دفن کرده و بجا میخواست او را
 با دوی هزار قدم تخی را در دماغان و او را در خاک در آورده و جس
 کروکسان و کرمان و نهاوند و همدان و پیر و این
 ولایات نیز اخباری نبود

اخبار دول خارجی

بر بعضی مجامع فرستاد که معاینه نمایند

از قراریکه در روزنامه وینه پای تخت استریت نوشته
بودند بعد از محاربه سیواسپول دولتمین استریت
و پروسیه بدول اربعه اخبار داده اند که در با
ستویه و صفای مجلسی دیگر در وینه برپا نموده بلکه رفع
نزاع و غائله دول بشود همه قبول کرده در ماه ریح
در وینه پای تخت استریت مجلسی منعقد خواهد شد و از
جانب دول اربعه و سایر دول و اروپا سفرای با
خوهند رفت که بلکه است اصلاحی باین دول بشود
امنای دولت علیه ایران چون با همه این دول کامل
یکانگی داشتند و ادب دارند امیدوارند که این مصالحه
بمنفعه شده بخاطر خواه طرفین صلاح پذیر گردد
و امور تجارت رواج و رونق بیابد

از قراریکه در روزنامه فرانسه نوشته بودند که
امپراطور فرانسه در کالک خود نوشته از جانی
سجانی میرفته اند شخصی خواسته بود طبایع با امپراطور
خالی نماید بزرگی که اسکاتلندی از اعیان دولت فرانسه
که همراه امپراطور بود رفته و کالک او را تصور کالک
امپراطور نموده طبایع را کشیده بود که خالی نماید یکی
لوکرهای دیوان او را دیده چوبی که در دست داشت
بست او زده طبایع سرانیر کرده دیده خالی شده
و کلوه بزرگ کالک رفته صریحی بکسی رساند آن شخص
گرفته در مقام تحقیق برآمد معلوم شده بود که دیوانه

چون در جنگهای فرنگستان متداول است که طرف
مغلوب دهان توپهای خود را میخ کوب می کنند که از
کالک بفرستد و اگر بدست دشمن بیاید نتواند بکار بپردازد
و از او پیراماری نماید بکری که آن توپ را بسته اند
نوبت برزند حال چندی است که دولت انگلیس تدبیر
و تتبعی کرده آن بیخ را بدین اینکه توپ عیب بکند
دین توپ در می آورد و با همان توپ تیراندازی
میکند
دیگر نوشته بودند که پادشاه پرتغال در این بام
سجده تحلیف سلطنت رسیده خودش حکم افی می کند
و احکام صادره سابقه امنای دولت خود را قبول
کرده و قول کرده است و هر یک از وزرای مملکت را
در منصب و باقی در قرار کرده است
در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود که جاب

سید پاشا والی مصر بعزم سیاحت روانه پاریس
بای تحت فرانسه شده و از آنجا اراده سیاحت
لندن پای تحت انگلیس را داشته است از قرار یک
روز نامه جریده الاحداث که در ثانی رسید نوشته
بودند بعد از رسیدن جناب پاشا رالیه بالاطه احوال
قدری ناخوش شده و از آنجا معاودت باسکینه
نموده است

در این اوقات فرماندانی اردوی دولت است
جناب جنرال قوت پاد پور و ارنه باسلا پول
آمده است

و اپوری در فرانسه ساخته اند که دو دوش او جا
و دیرکش را هر وقت بخوانند میخوانند و باز بلند
میکنند و در هیچ حالت از حرکت باز نمیمانند و لندن
و پاریس امتحان کرده این نوع کشتی را از زیر
پلها دیرک و دو دوش او را خواند و عمود او
و باسلا پول نیز اینچون کشتی آورده از زیر کمر پلی که تازه
ساخته اند گذرانده و امتحان نمودند

در این اوقات سیم چرخ صاعقه از اسلا پول پاریس
پای تحت فرانسه و لندن پای تحت انگلیس میزنند
و سیمهای او را می کشند از قرار یک روز نامه رسیده
لندن نوشته اند بعد از اتمام این سیم صاعقه
اجرای اخبار فیما بین این سه ولایت معظم بزرگ
در مدت یک ساعت خواهد شد

دیگر از قرار یک روز جریده الاحداث نوشته اند پسر اراد
و ولعید دولت پروسه در این اوقات بلند رفتن
و بنا بر روایات واقعه اغلیحضرت پادشاه انگلیس
و خمر خود را بجهت ترویج نامزد او نموده است

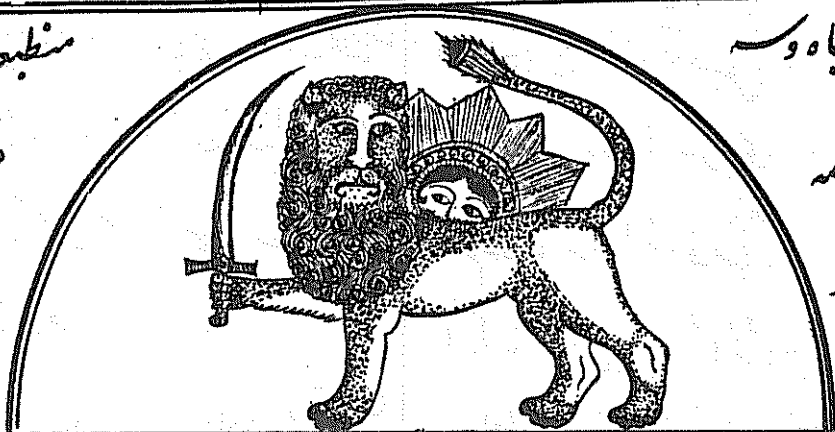
از جانب دولت فیمه فرانسه چندی قبل کشتی معتاد
پنج رزغ طول و بیت و پنج رزغ عرض بنا نموده میساختند
در این اوقات کشتی مزبور را با تمام رسانده و با نسل
آورده اند و در درون آن کشتی هفتده غزاده توپ قلعه کوب
بزرگ گذاشته اند اطراف کشتی مزبور را بقطر و حیات
سه انگشت سیم کشیده اند و بحدی این کشتی متین و مضبوط
که در وقت خالی کردن آن توپهای بزرگ هیچ خرابی
و زیان بکشتی نمیرسد در دعوا در حالت انداختن
توپ ازین کشتی دیر کهایش را پائین می آرند و کشتی
میکذارند و از برای روی کشتی سه تا سرپوشی از آهن
درست کرده اند آن پوشش آهن را روی کشتی می کشند
و مشول تیراندازی و دعوا میشوند

دولت های فرنگستان پسرال مشورتخانه برای قرارداد خالیان
الحقاد میدهند در دولت فلنک سال که مشورتخانه
کشوده شده و پادشاه آن ولایت مشورتخانه مزبور
آمده است از جمله تقریراتی که پادشاه در مشورتخانه
کرده است امثال هم بی طرفی دولت خود را در اجراء
محاربه حاضره دول بیان نموده است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم ربیع الاول سن ۱۲۷۲

نزهت و تفریح و باده

میت روزنامه
پنجمه دهر



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
هر خط پنجاه

اجبار و احضار ملوک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته ملوک هایون علیحضرت قوی
شکست شاهنشاهی میدان اسب دوانی تشریف فرما
گردیده بقانون معموله در اول حرکت و در میان راه
و در ورود به عمارت میدان مزبور شیک زنبورک
کردید و بعد از ورود و دیدن مزبور از اسبهای
خاصه شاهنشاهی و اسبهای سایر انمای دولت
علیه که سوقانی کرده بودند سه دسته جور نموده
اول چهار دوره که هر دوره نیم فرسخ است و دسته
دویم سه دوره و دسته سیم دو دوره اسب دو
کردند و اسبهای که پیش آمدند بکیسهای پول که بجهت
هر اسبی که پیش یاید گذاشته بودند چاکبوساران
آنها بمریق رسیده برداشته و بعد از تفریح و
تماشای اسب دوانی و بذل انعام بشاران و غیره

ملوک هایون بهمان ترتیب بعمارت مبارکه سلطانی
معاودت فرمودند
چون نواب مستطاب عمادالدوله حکمران کرمان
در نظام امور ولایت و رسیدگی کامل بکار خود کمر بست
و انجام خدمات دیوانی مراتب اهتمامات خود را مشهور
خاطر مظهر ظاهر اقدس هایون شاهنشاهی داشت
داشته و انشاهی دولت علیه کمال رضایت ارشاد
کفایت و کار دانی و رعیت داری نواب معزی الیه
داشتند لهذا در این اوقات از جانب سنی انجوا
ملوکانه یکثوب کلیچه ترمه از طبوس خاص بدن مبارک
برسم خلعت با ملفوفه فرمان مهر لعلان مبینی برانگاشته
مراحم شاهنشاهی بجهت نواب معزی الیه غایت و ارسال
گردید
حاشا
بخط سجده ماتی که از عالیجاه محمودخان کلانتر در ایام

و در اوقات تشریف فرمائی موکب هایون در سیر
و ملاقات در مراقبت نظم شهر و محلات دارالخلافه
مبارک که بطور رسیده بود و امنای دولت علیهما
از حسن مذاکره مشارالیه داشتند لهذا در این اوقات
یکشوب جبهه ترمه و یک رشته حامل سفید از مرتبه
اول سربازی با و محنت گردید

نظر بطور محنت ملوکانه در باره عالیجاه محمدقلین
نوری غلام پیچمت و شایسکی و اتهامات او
در انجام خدمات دیوانی در این اوقات حبس
سره کار علیحضرت شاهنشاهی حکومت تربت حیدر
سرافراز گردیده فرمان مهران بایون سر
صدور یافته و ملت حکومت نیز با و محنت شد
در روزنامه های سابقه نوشته شده بود که جمعی
افغانه بتاحنت قایمات رفته بودند و عالیجاه
پیرامیر قاین با آنها جنگ کرده و آنها را شکست داده
و سر و اسیر از آنها گرفته بود و عریضه او بدربار بایون
رسیده و در آن اوقات ملت بامیر قاین و
و نشان از مرتبه اول سربازی بعالیجاه میر علم خان
محنت گردید در این اوقات چهل نیزه سر و چهل
اسیر از افغانه منور که زنده دستگیر شده بودند
مصحوب سی نفر سوار بدربار بایون و ستاده در روز
سه شنبه گذشته سر و اسیر را از حضور هر طور
مبارک گذرانیده انعام ملوکانه سواره منور که سر و

آورده بودند محنت گردید

و همچنین سی و چهار نیزه سر از اشترار بلوچیه که عالیجاه
اما معلیخان گرفته و تفصیل آن در روزنامه نوشته
میشود درین روزنامه سر و اسیر منور مصحوب حاجی
علام مهاجر بدربار اخلافه مبارک که رسیده از حضور
مبارک علیحضرت شاهنشاهی گذشته و نسبت
بعالیجاه اما معلیخان التفات فرمودند

و همچنین جمعی از سواره طایفه ضاله ترکمان بفرم
تاخت صفحات بنظام آمده مال دسیر از آنجا بر
بودند عالیجاه عباسقلین خان حاکم شهر و بعضی
استحصار پنجاه نفر سواره برداشته و آنها را با
کرده رسیده بود و جنگ در پیوسته اسیر و
مال را تا آنگاه از آنها مسترد کرده و مفت نیزه سر و
زنده از ترکمانان دستگیر کرده بود و بقیه ترکمانان
مخدولاً و مکتوباً واری شده بودند و سر و اسیر
درین روز و وار و دیشگاه حضور و از نظر هر طور
گذشته نسبت بعالیجاه عباسقلین خان التفات فرمودند

امورات قشونی

توچکیان و زنبورکیان و سواره نظام و افواج قاف
مشرین در بار بایون همه روزه در میدان ارک و
میدان خارج در وازة دولت مشغول مشق میشدند
و همه صاحب منصبان و معلین کمال مراقبت را در تعلیم
آداب و قواعد نظامی دارند

۱۶۰۰

فوج طهران جمعی عالیجاه محمد رضا خان سر قیپ فوج
دماوندی جمعی عالیجاه ابو القاسم خان سر شک
چون دین مدت تیر اندازی مکرده بودند قرار داد
شد و فشک کلوه دار بانها دادند که در بالای میدان
اسب دوانی نشاندند که شته تیر اندازی نمایند

توپیچان طایفه بچارلو که احضار در بارها چون
شده بودند در این اوقات وارد دار اخلاص مبارک
شده در روز سه شنبه بیت و سیم ایناه در میدان
ارک حاضر گردیدند

سایر ولایات
ادریایچان و استرآباد و اسدیا
این ولایات در این مفعه اخباری نبود

بروجرد
از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند
ستاب احتشام الله که حکمران بروجرد و لرستان
و عربستان و بختیاری در سلخ ماه صفر عالیجا
رستم یک یاور توپخانه مبارکه را با توپیچان
و توپیچانی که مامور عربستان بودند با چهار صد
سرباز دلفان و فوج و لیچان روانه نمودند چون
توپها بزرگ و راهها تمام کوه و شک و عبور
شکل بود و دولت نفر عله بیل دار و کلک دار
بهمراه نموده و بر منزلی را نیز و منزل قرار داد
که باسانی طی منازل نمایند و تجارت و آموگر نیز بجهت

احتیاط که اگر در راه چرخ و عراوه توپها
نماید درست کنند همراه نمودند

و دیگر نوشته اند که چون عالیجاه جعفر قلیخان سر
فوج خدا بند لوا اول بهار که از عربستان مراجعت
کرده مامور خدمت لرستان شده در لشتر

و خاوه در اردوی نواب جلال الدین میرزا
بود بعد از ورود نواب احتشام الله که خاتم
و مراجعت عالیجاه مشارالیه و سربازان و ان
نواب معزی الیه رسید کی بچارلو که و رعیت که

نمودند عالیجاه مشارالیه زیاده خوب رفتار
کرده بود و هم نواب جلال الدین میرزا ازین
سلوک او و سربازان و اتهامات آنها و انجام
خدمات محو که بخود راضی بودند و هم رعایا
لرستان اظهار رضا مندی نمودند نواب میرزا
النفات زیاده و با و و سربازان و نموده اند و هم
سواره با جلال ابو الجحی عالیجاه نوز محمد خان
در ماموریت لرستان از عهده انجام خدمات
مرجوعه خوب برآمده بودند نواب شهادت
فراخور مرتبه التفات نمودند

و دیگر نوشته بودند که در اوقات حرکت نواب احتشام
عالیجاهان نوز محمد خان سر قیپ و لیچان سرتیپ
بختیاری و با جلال و سرباز که حاضر بودند مواجبت در تمام
در یافت نموده با نواب معزی الیه با تداکات شایسته کردند

بسطام و خراسان و داریلمز

ازین ولایات در این هفته اخباری نبود

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند در ماه
صفه بارندگی زیاد در اکثر ولایات عراق شده است
سجده که ضرر زیاد بمجصول باغات و غیره رسانده
و تا حال سه برف در آنجا افتاده و لایق قطع بارش
میشود بطوریکه رعایا مجال برداشتن خرمنها و چین
الگو باغات را نکرده اند و اغلب خرمنها در زیر برف
مانده است و به بدنه قلعه و عمارات سلطان آباد
نیز خرابی رسیده است و اکثر قوای محال و فرائز
نیز سیل بطوری خرابی رسانده است که تنقیه آنها

بسیار مشکل است

و هم چنین دورشته قنات خالصه سلطان آباد
که آب مشرب و بی اهل آنجا منحصر به آنهاست از شدت
بارندگی خرابی بهم رسانده و از هر قناتی ده یا نوزده
پشته خوابیده بود و اهل آنجا از آب تنگی می کشیدند متوجه
میرزا حسن خان دتقیه آنها اتهام نموده و خود سوار شد
بر قناتهای منور رفته و بقدری نفرتی و عله زما در آنجا
گذاشته است که تنقیه نموده آب آنها را بسلطان آباد بجا

نماند که اهل آنجا عسرتی آبی نکشد
و دیگر نوشته اند که در روز بیست و نهم صفر ضعیف و عصر و مبر
یکروز زلزله شدیدی شد اما خرابی بجا بی نرسانده بود
قروین و قم و کاشان و کردستان و کرمان

ازین ولایات نیز درین هفته اخباری نبود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند عالیجا میرزا

در انتظام امور ولایات مباده اتهام دارد و در هفته
آدم بهجه رسیدگی کار مستحقین طرق و شوارع و قرا
روانیه نماید

دیگر در باب سی و چهار نیزه سر بلوچ که مصحوب حاجی خان
علام مهاجر بدر بارها یون و رشاده اند نوشته بودند که
بلوچ در ریک شتران طیس قافله و زوار رازده و دبی را
نیز غارت کرده بودند خبر کرمان رسید عالیجا میرزا
بر حدات اخبار کرده بود عالیجا اها معلی خان سرحد و
استماع با جمعی از اهلو اجمع خود ایلخار و در سه مهر بیست
با آنها رسیده و همگی آنها را که سی و چهار نفر بودند
و اموال منسوبه را با سه نفر طفل سید که اسیر کرده
بودند بر گردانده اموال را بصاحبان تسلیم نمود
و پدران آن سه نفر طفل سید که از ترس بلوچ
در گوشه و کنار پنهان بودند آمده عالیجا هش رالیه
اطفال آنها را با آنها سپرده صاحبان اموال و
اولیای اطفال از اینمختی زیاد شاکر و دعا گو
دولت جاوید مدت علیه گردیدند

کرمانشاهان و کیلان و نهاوند
و همدان و یزد و ازین ولایات نیز درین
هفته اخباری نبود

اخبار دول خارج

از قراریکه در روزنامه فرانس نوشته بودند
دست فرقه عا کرد دولت مزبور که در مشقه
و چهل هفت گرفته شده بودند درین سال با تمام
رسیده و قدری نیز از وعده آنها منقضی شد
بود لهذا از جانب اعلیحضرت لوی ناپلیان
دولت فرانسه اخبار شده است که نتیجه تجدید
و تبدیل عا کرد در این اوقات باز بقانون دولت
مزبور فرقه زده شود

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که یک نفر از
عا کرد فرانس بکشتی بخار موسوم به بکت خیریه
نشته بقا کلیجه میرفت بجهت سرعت سیر کشتی مزبور
مشا رالیه بدریا افتاده بود و در آن حین یکی از عا کرد
عثمانیه که در آنجا حاضر بوده است خود را بدریا انداخته
و او را از ورطه هلاکت خلاص کرده و از غرقاب
بیرون آورده بود

دیگر نوشته اند که در از میرهای آنجا حکم کرده بودند که
از تبعه دولت عثمانی یا تبعه دول خارج کسی سلاخ
همراه نداشته باشد و اگر کسی با اسباب خشن
تنبیه بکنند و درین باب بقولنولهای دول خارج
مقیم از میر نیز اعلام کرده است که به تبعه خود حسب
قدغن نمایند

دیگر نوشته بودند که شخصی در لباس کسبه و اهل محله

یکبار استیاضیات خوابگاه به سکه جلو توپخانه آورد
کذاشت و بعد از نیم ساعت دیگر یکبار دیگر به آن
آورد که در قایق بگذارد و پیرد مباشر که ک
بشکاک افتاده بود که این شخص باید دزد باشد و
این سباب را دزدیده با آن شخص نیز گفت رای
و اسبابها را گذاشته فرار کرده بود و مباشر که
نیز آن سباب را در اسکله گذاشته منتظر شخص
مزبور بود که بیاید آن شب و امروز را نیامده بود
مباشر مزبور آنها را کسوده بود و چندی بته ماهوت
بسط او درآمد بود و در مسره و قد بود آن ماهوتها
قطع کرده و اعلان نموده بودند که در مرکز خانه بزرگ
صاحب آنها آمده است کذا دل خود را یافت نماید
دیگر در روزنامه انگلیس نوشته بودند که از اقوام
پادشاه انگلیس دوق ده کیمریج نام در فنون جری
ماهر و آما کثیره از او ظاهر گردیده و بشق فنون جری
اقدام و اتهام زیاد دارد و در این اوقات چند نفر
از معلمین بنگل شش خوان شخص گردیده و بکفوح
معین کرده اند بآنکس شش خوان که شش شیک نامند
و مشا رالیه با معلمین همه روزه مشغول تعلیم و تعلم
انها باشند

دیگر در روزنامه نوشته بودند که درین اوقات
دولت میان فرانک که هر فرانکی یکدواز دینار
ایران است قرض دولت استریه شخص گردیده است

و موعدا ای آن رسیده از جانب امپراطور است
استریه اجبار شده است که بعضی از اطاک مستعلا
و ولتی به صاحبان اطاک و اربابان مجتبه و اکتدار
نمایند الی چنین بیع و فروش اطاک منبوره قرار داد
فروض دولت منبوره بشود

دیگر نوشته بودند که چند وقت پیش ازین ^{الجهو}
کسیفرا که سالتانه نام داشت الی اینجا اورا
نخواست و احتلال عظیم در انولایت پیدا شده
و خلق هجوم کرده عمارت اورا محاصره کرده بودند
بالاخره خبرال قارونام را بریاست انولایت
برقرار کرده بودند

دیگر از دولت یونان نوشته اند که در این اوقات
قرار شده است که کشتیهای تجار که با انولایت میرود
از هر دولت که باشد تذکره که از قرانتین بآنها
داده میشود تا بهر و تصدیق قونسول یونان برسد
معتبر نخواهد بود و از جانب دولت یونان بهمه سفیر
دولت خارجیین فقره اجبار و اعلام شده است

دیگر نوشته بودند که چون در دولت عثمانی معمول است
که در تازه شدن سال و زرامی آن دولت مجلس
مشورت برپا می کنند و آن روز را ^{سلطان} علیحضرت
دولت عثمانی خود برسد یاست شورای منبوره قرار
میگیرد و درین سال نیز بهر اسبق در دیوان منبوره
شد و علیحضرت سلطان در آن مجلس بوزرای

خود بیکان بیکان سپرده بود که حرب تسلط و حکمی
که بشما داده ام باید خیالتان را همیشه بر ترقی و اسود
رعایای من مصروف دارید

یک نفر از اغنیای دولت استریه بارون و ترج نام
زیاد من شده بوده است و سوای یک نواده
اولاد دیگرند داشته در این اوقات و قات کرده
و پانصد هزار کیسه پول نقدش ظهور نموده و خیلی
اطاک داشته است و متوفای مرقوم بسیار محنت
بوده و تا آخر عمر آنچه جمع کرده بود بعد از مردنش
در کیسهها که گذاشته بود از مخزنها و کوسه و کجیهای
خانه بیرون آورده اند

دیگر نوشته بودند که بسبب بعضی منازعات و کلا
دولت یونان کلاً از شغل و عمل خود دستخفا کرده اند
و بجای آنها اشخاصی دیگر نصب و تعیین شده اند و
رئیس الوکاله بعد از سفر دولت مشا را لیه که در
لندن است محل کشته است

دیگر نوشته بودند که در پانزدهم ماه محرم در بلده با
از اول شب الی صبح باران شدیدی آمده است که باران
باران دیده شده بود از آب آن باران آنچه در کوزه
صنبت کرده بودند رنگ سبز داشته است و آنچه نیز
در خدیرو کوه دالها بوده است باز برنگ سبز مینمود
باین شدت باران و باین رنگ تا بحال دیده شده
و از جمله عجایب است میباش

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم خورشیدی سیم سهریج نی یون لونیل ۱۲۷۲

نمره پست و پنجاه و چهار

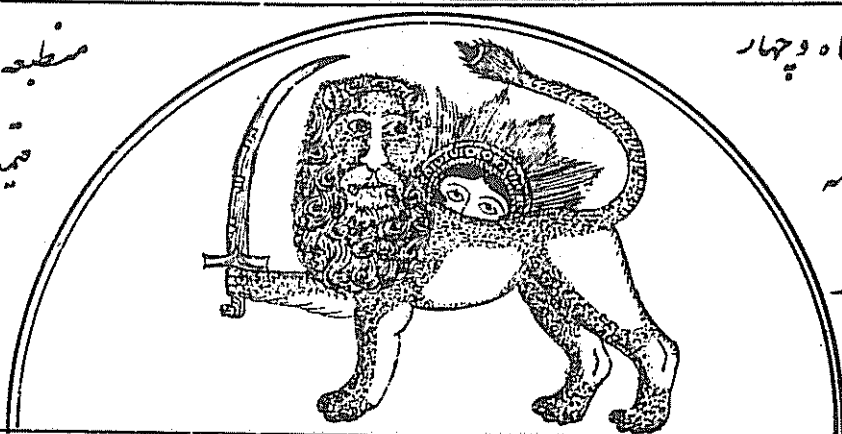
مطبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده هر

هر طر پخش



اجار و احده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

و متعلقان ایشان بعل آمده و نهار را در آنجا صرف

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت قوی شکست

فرموده تا عصر تشریف فرما بودند و بسیار برچوب

شاهشاهی اید البیث سوار شده بلا حظه مشق فوج

مبارک خوش گذشته بعد از صرف عصرانه و چاک

طهرانی جمعی عالیجاه محمد رضا خان سرتیپ و فوج و

بارک مبارک که سلطانی مراجعت فرمودند

جمعی عالیجاه ابوالقاسم خان سرنگ که در بالائی

چون ولایت کرمان ولایتی سرحد است در این وقت

میدان اسب و وانی نشانه گذاشته مشغول تیراندازی

که مرحوم محمد حسن خان سردار حکمران آنجا بر حمت

بودند تشریف فرما گردیده افواج نمبر و در کمال چاک

ایزدی پیوست و جو و شخصی کافی و کار دان بجهت

تیراندازی نمودند و مشق آنهاست چاکر ملوکانه افتاده

حکومت انولایت لازم بود لهند و درین روزها حب

و صاحب مضبان آنها مورد تحسین و اتفاق گردید

اقدس بایون شاهشاهی صان الدایام سلطنته

عن التناهی انسانی دولت علیه مقرب درگاه آسمان

نظریطور و فورم جسم اعلیحضرت اقدس بایون شاه

امیر الامراء العظام غلام حسین خان سپه دار که از

در باره جناب امجد شرف ارفع صدر اعظم در

چاکران در باره بایون و از قدیمی خدمتگذاران دو

یکشنبه گذشته بخانه جناب معظم تشریف فرما گردید

روز افزون و بحسن کفایت و درایت و کار دانی

موصوف است بحکمرانی مملکت کرمان و مضافات

لوازم قربانی و پیشکش و پای انداز از جانب جناب

موصوف است بحکمرانی مملکت کرمان و مضافات

سرافراز و فرمان مهر لعلان مبارک در باب حکومت
 او شرف صدور یافته از جانب سنی ايجو اب ملوکا
 یکشوب جبهه ترنه زمرودی دور بخیره و یکشوب قبا
 ترمه کلی اعلی از طبوس خاص بامیر الامراء العظام
 خلعت مرحمت گردیده این اوقات بمقر حکومت روانه
 و عایجه میرزا محمد مستوفی سرکارات نیز بوزارت
 و پیش کاری کرمان حسب فرمان مبارک سرافراز
 و یکشوب جبهه ترنه کرمانی اعلی بمش رالیه
 مرحمت گردید

چون سواره اوصاف ملوی حواری بجهت بی نظمی و بی مبالا
 جلیل خان سر کرده سواره مزبور بطوریکه کنون
 خاطر و منظور نظر اولیای دولت علیه است نظام
 محض انتظام امور سواره مزبور را بواجب عایجه
 محمد سینان پسر مقرب انخاقان میرزا فتحعلی خان
 فرمودند که عایجه مشا رالیه خود با سواره مزبوره
 مخصوصاً بجهت خدمات نواب شرف ارفع والا امیر
 عاکر منصوره سپرده بنواب معززی الیه

عایجه مطلب خان تفکدار که سر کرده سوار پیاده
 کو داری و بطامی بود چون احضار برکاب مبارک
 شد عایجه عبدالکریم بیک علام مشیخت پسر
 برادر عایجه عباسقلی خان حاکم شاهرود و بطام
 بکر کردکی سواره و پیاده مزبوره مقهور و سرافراز فرموده

فرمان بایون و خلعت مرحمت شده روانه کرد
امورات قشونی
 توپچیان و زنبورکچیان و سواره نظام و افواج قاهره
 متوقفین دار الخلافه مبارکه همه روزه در میدان مشق
 حاضر گشته مشق می کنند و عموم صاحب منصبان
 در سر مشق بوده و در تعلیم سرباز کمال اهتمام دارند

فوج مهندس کرازی جمعی عایجه علیستی خان پسر
 و فوج شازده سم شقای جمعی عایجه حجت الله خان
 سر بنک که احضار در بار بایون شده بودند دارد
 دار الخلافه مبارکه گردیده در یوم سه شنبه غره انباه
 در میدان ارک حاضر گشته سرکار اعلی حضرت شایسته
 بجهت ملاحظه آنها بیدان مزبور تشریف آورده مقرر
 فرمودند فوج کرازی مشق تفنگ کرده و فوج شازده
 مشق دوره نمودند زیاده مستحق و مقبول خاطر ملوکانه
 افتاده مورد حرمت و انعام گردیدند

بعد از ملاحظه مشق و فوج مزبور بمیان توپچی حاضر گشت
 که مشول مشق بودند تشریف برده بانها نیز التفات
 فرمودند و از آنجا به انبار توپخانه مبارکه تشریف فرما
 گردیده توپچیا در کمال ارادت و پاکیزگی در انبار
 چیده بودند زیاده تحسین فرمودند

عایجه هشتم خان سر بنک فوج کره که نامور
 صفیان

بود این اوقات فوج او مرض شدند و خود او
بر کاب مبارک آمده بکلاه شال باو حلقه حرم کرد

درین روزها خبازان دارا بخلاف بعضی اولیای
دولت علیه رسانیدند که بعضی اشخاص از قزاق
تفصیل ذیل و غیر از اینها کانی ستند که غله زیاد

مقرب الخاقان افامحمدن مقرب الخاقان سهرابجان
صند و قدار

مقرب الخاقان مجلیخان لوا حبیب السلطنة
میر پیچ

اقامحرار بهیم پیر حاجی قاجیم میرزا علی طالباسی

حاجر محمدخان قاجار حاجر محمد عیسا هزاره عبد العظیم
بالنیزش هزاره عبد العظیمین

مادات لاریجان حاجر محمد عیسا هزاره عبد العظیم
بالنیزش هزاره عبد العظیمین

حاجر حسن عرب لاسید انرا بهیم در کمر

حاجر محمد اکرم و حاجر عبد العظیم رفیع خان قاجار
قندهار

از ضرورت سالیانه خود دارند و بجهت احکام و
ترقی غله انبار کرده اند منیف شدند و از اینجهت
بقدر ضرورت خبازان برای فروش غله ای عمل

خبازان باین واسطه احتیاجش حاصل کرده است
اولیای دولت علیه اعلام نمودند که در این هفته
اگر صاحبان انبار و در انبارهای خود را باین
و جنس را باینجا زو علاف موافق معمول لغو
اولیای دولت علیه محصل مامور خواهند نمود
که حکم در انبارها را باینجا بیاورند و هر قدر جنس از
در انبار است که بجهت احکام و ترقی غله انبار کرده
است باینجا زو علاف بفرستند و از قزاق نیز معمول
انرا دریافت نمایند البته صاحبان انبار پیشتر غله
دارند بفرودش خواهند آورد که بحکم نکند

سایر ولایات

از پایگان از قزاق که در روزنامه نوشته
بودند از اتهامات نواب مستطاب هزاره
والا تبار نصره الدوله و معتد در بار سپهر
مقرب الخاقان قایم مقام کمال امت و انتظام
در امور ان ولایت حاصل است و عامه رعایا و
برایا با نهایت اسودگی بدعای دوام دولت
جاوید مدت علیه اشتغال دارند

دیگر نوشته اند اما سال حاصل در آنجا خوب
بعلی نیامده و زراعت قدری کم ریح شده بود
و غله تعمیر بهم رسانده و در دار السلطنة تبریز
سابقه کم بسیار خوب بود و از هزار مثقال پانز
هزار دینار و جو خرداری دوازده هزار دینار

بود امسال در خارجها از قبیل خوی و سلماس و
مرند و سرب و کر مرود و شترود و غیره بیت و چند
بهروش میرسد و در خود تبریز سه تومان فروخته
میشد بدین واسطه خازان میخواستند مان را کران
بکنند رفته در بقعه مستبر که جناب سپاه خمر است
نشسته بودند نظر بر اینکه در شهر تبریز اشخاصی بودند
که انبارهای غله متعدد داشتند محمد در بار
چشم مقرب انخاقان قایم مقام ملاحظه فرما
فرا و ضعف از صاحبان غله خواش نمود که هر یک
فرا خود قدری کندم بختاران بدهند و
بقرا محمول سابق قیمت بگیرند که نرخ نا بالائز
و بقرار اولی باند صاحبان غله نیز بقدر هر کس خوا
کندم بقیمت مزبور دادند و بعد از آن مان و اول
وارزان شد و عجز و مسا کین بار فایده و آس
تمام بدعا کوئی دات اقدس بایون شایقی
دارند

دیگر نوشته بودند که یکده سربار جمعی قاسم
سلطان سربسته فوج اول خاصه قراول جناب
امجد الشرف ارفع صدر اعظم احضار در بار بایون
شده بودند هر چند قاسم سلطان خود پیش از
رسیدن حکم جناب معظم بربارت عبات
عالیات رفته بود سربازان او حسب احکام احضار
تبریز گردیده موجب سه ماهه ثانی را در اطاق

نظام دریافت کرده باتفاق صاحب منصبی که داشته
روانه در بار بایون گردیدند
و همچنین توپچیان طایفه تبریزی که به تبریز آمده بودند
موجب سه ماهه ثانی را در اطاق نظام بحتما
لکروپیان عظام دریافت کرده روانه در بار
بایون گردیدند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه جعفر قلیخان سرب
مراغه که از در بار بایون مرضی شده بود در
اوایل شهر بیع الاول وارد تبریز شده چند روز
برای ناتمامی کارهای خود در تبریز مانده بعد از
صورت دادن امورات فوج عینی خود مرضی شده
روانه مراغه گردید

مقرب انخاقان حسین پاشا خان میرنجه بچه
بعضی امورات خود به تبریز آمده بود امورات خود را
صورت داده روانه مراغه گردید

چون در خصوص مالیات مراغه مباشرین تجدید
و موافق قاعده داد و ستد نمیکردند بعضی جایها
که شکست و لاوصول مانده بود مالیات و قری را
مطالبه مینمودند و بعضی دلت که با منفعت بود از آنجا
نیز همان جمع را میخواستند و باین جهت رعایای
دلت شکست فزاری و مالیات دیوانی بزرین
میماند مقرب انخاقان قایم مقام عالیجاه میرزا محمد قاسم
که مأمور خمیری کرده و دبود بجهت تعدیل مراغه فرستاده

و همچنین در ستوآه ماضیه مردم صاحب ملک خودشان
نبودند حکام صبط می نمودند و بهره صاحب ملک در
میان تلف می شد این رسم را نیز بکلیه موقوفه آشت
بعلیجاه یکی خان ایلمانی حاکم مراغه نوشته شد که ملک
را حاضر نموده مالیات دیوانی را با منفعتی که دارد
بخودشان اجاره بدهند و مالیات دیوانی را از
خود صاحبان ملک مطالبه نماید و این قرار داد موجب
امیدواری و اطمینان صاحبان ملک گردید

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند از اتهامات
نواب مستطاب بنزاده و الا بتا حتمت الدوله حکم
اصفهان کمال میت و انظام در امور اتو لای حاصل
و خلاف بی ارکشی ناشی و صادر نمی شود

تو پیمان و افواج قاهره متوقف اصفهان همه روز
مشغول مشق میباشند و نواب حتمت الدوله بجهت
تشویق آنها اغلب اوقات بمیدان مشق می آیند
و مشق آنها رسیدگی می کنند و صاحب منصبان
نهایت اتهام را در انظام امر آنها دارند

دیگر نوشته اند که در شب ششم صفر که شب عید بود
مسعودهایون اعلیحضرت شاهی بود حب احکام
نواب حتمت الدوله و جمع بازار و کاروانسرا را
این سبب و چراغانی نموده و اسباب تشبیری
و عیش و شادمانی فراهم آورده جمیع اعظم و عیان

و صاحب منصبان را آلت نواب مغزی الیه ضیافت
نموده و عیش و شادمانی مشغول بودند و روز
ششم که روز عید بود نواب مغزی الیه با لباس نظام
بمیدان نقش جهان آمدند و افواج قاهره در اینجا
حاضر شده قلعه مرتفع از افواج ساخته شد و توپها
در گوشه حلقه جای داده مشغول شلیک عیش کردند
و کل اهل شهر از عالی و ادانی تماشا آمدند و اظهار
مست و شادمانی نمودند

دیگر نوشته بودند که نواب حتمت الدوله در انظام
امور زراعت قرار خالصه واربانی و تنقیه مادیات
اصفهان اتهام زیاد نموده اند و حب احکام نواب مغزی
رعایا در کار زراعت و بذرافشانی میباشند و تنقیه
مادی نیز از جریب که با تمام رسیده بود نواب مغزی
خود بجهت باز دید اینجا رفتند و عالیجاه عبدالله خان
معمار یاشی را که از فارس آمده و عازم دارنگاه
بود همراه بردند که تنقیه مادی مزبور و تنقیه چشمه
که تازه احداث شده باز دید نماید

دیگر نوشته بودند که اموریجه خانه اصفهان بسیار
منظم است و نواب حتمت الدوله قدغن نموده اند
همه روز کلامی کارکنان و استادان و سایر علمای
جبه خانه مشغول کار بوده عفت نمایند

دیگر نوشته اند که یکی عت از شب گذشته سارقی
در ب دکان حاجی عبدالحسین دلال را باز کرده و

یکصد و هجری از دکان مرلوره سرقت نموده متب
بعض نواب حشمت الدوله رسید قدغن نمودند که با
داروغه حکما سارق را بدست بیاورد مشا را الیه
در مقام تفحص برآمد معلوم شده بود که سیدی بزاز
مرکب این عمل شده است او را با همان جعبه بنزد لواء
معزی الیه آورده بمقتاد تومان وجه نقد و بقدر دو
هزار تومان اسناد و برواه و بقدر سی تومان سایر
اسباب در میان جعبه بود آنها را بصاحبش تسلیم
و سارق را تنبیه نموده چون سید بود از سیاه
او گذشته او را توبه دادند

استرآباد و اسدابا و ازین لایات
درین هفته اخباری بنمود

بروجرد

از قرائکه در روزنامه بروجرد نوشته بودید که
ولایات ابوالجبعی نواب استطالب هزارده و بالا
حشام الدوله کمال انتظام را دارد و در کار نوکر
رعیت رسیدگی کامل دارند با اینکه خلوی بود
برای نوکر مارت دارد خاصه خلوی عربستان
و محمده و لرستان چون کمال زیاد تر مقرر نمود
نوکرانجاها خلوی باشند نظرحسن سلوک نواب
حشام الدوله و اتفاقی که در باره نوکرانجا
انجام نموده اند بعد از انقضای بدست خلوی
باز همان نوکرانجا و طلب بوده اند که در آنجا خلوی

بطام و خراسان و حمزه ازین
ولایات نیز در این هفته اخباری رسیده است

عراق

از قرائکه در روزنامه عراق نوشته اند از انجا
مقرب الخاقان میرزا حسن خان از سنه ماضیه الی
این اوقات سرقت و هرزگی نسبت بابتی بسیار
کم شده و بندرت درزدی اتفاق می افتد مگر درین
روزها زنی لرستانی با پسری بروجردی به دست
شده و از هفتشت خانه برور اسبابی سرقت کردند
بودند صاحبان مال بنزد مقرب الخاقان میرزا حسن
آمده عارض شدند و قدغن شد که داروغه و کفایت
حکما سارق و اشیا مسروقه را پیدا نمایند بعد از
تفحص و تحسین آن ضعیفه و سپهر را بدست آورده بنزد
مقرب الخاقان مشا را الیه آوردند اول انکار داشتند
بعد از تهدید اقرار کرده بودند که مس و اسباب مردم را
زدیده و در خارج بلده دفن کرده ایم فرستاده
اموال مرلوره را بعینها آورده بصاحبان تسلیم
و سارق و سارق را بعد از تنبیه بدست دولتی
سوار داده بودند که برده بخاک بروجرد رسانده
معاودت نمایند

فارس

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده است
که نوشته شود

قره‌وین

از قراریکه در روزنامه قره‌وین نوشته اند در سوا
عقب سرمانی سخت در آنجا اتفاق افتاد بطوریکه
با عثمان انکود و جالیز بند وانه و خربزه را سر ضایع
کرد و آبجای نهر مانج کرد و دوشبانه روز متصل
باران زیاد بارید ولی بجهت حاصل این باران بسیار
نفع داشت و بجهت کمال فراوانی و ارزانی در
انولایت حاصل است و امور آنولایت بهرجهت
منظم است و کسی خلاف حساب و زیادتی نسبت
بکسی نمیتواند بکند و امالی آنولایت در کمال سود
و شکر گذاری میباشد

دیگر نوشته بودند که یک نفر ضعیفه از قریه ابد قی
باشوهرش که غلام سیاه از او کرده بود دعوا کرد
بیرون رفته بود زواری که بقیات میرفتند در
نفس ضعیفه را دیده بابل انداق خبر کرده بودند
مراتب را مقرب انخاقان حاجی حسنخان پیشکار
قره‌وین مطلع شده فرستاد نفس ضعیفه را آورد
و غلام سیاه را هم که شوهر او بود حاضر کردند بعد از
تحقیق از خارج و داخل معلوم شد که همان غلام
که شوهر او بود یکپای او را بسته و او را کشته است
نفس او را دفن نموده و غلام سیاه را حبس کردند
تا بعد از ثبوت شرعی بقصاص رسد

دیگر نوشته اند که چون تیمادی ایام و تعذیات نیا

سابق خرابی بحال رود بار رسیده بود و متفرق
حاجی حسنخان پیشکار با اتفاق عالیجاه خانها
بجهت باز دید و تدارک خرابیهای آنجا رفتند و
زراعات آنجا و سیاه دهن و شال و سایر
آنجا را لطفی کامل داده قرار داد کار آنها را دادند
که از که خدایان و ریش سفیدان بر عایای آنجا
بسیچوچه احجاف و زیادتی نشود و بقدر و نسبت نفر
از تفرد خالصات که بجایهای دیگر رفته بودند
نموده و بامر زراعت و عیسی مشغول اند و امسال
باران هم بموقع و خوب آمده و بخلاف سالهای
دیگر که تخم بذر را در زمین خشک می افشانند
بواسطه بارندگی در زمین آب خورده بذرشان نمی‌کود
و با الفل زراعات خالصات و غیره آنجا
و ختم است

شم و کاشان و کردستان
ازین ولایات نیز درین مهته اخباری رسیده است
کرماتشان

از قراریکه در روزنامه کرماتشان نوشته اند
عالیجاه جانمحمد خان سرهنگ فوج خلیج سوده که
بافوج خود مامور کرماتشان بودند وارد آنجا
کردیده بجای فوج سرنبدی مأمور خدمات آنجا
شدند و عالیجاه ابو الفتح خان سرهنگ فوج سرنبد
بافوج خود مرضی گردیدند و نواب هزاره عا داله

حکمران کرمانشاهان سببه خدمات عالیجاهان
با و التفات نموده یک طاقه شال کشیری بهم رالیه
خلعت دادند

دیگر نوشته اند که در این روزها از بعضی خانه ها
شهر کرمانشاهان حوزده دزدی میشد که خدايان
در تفحص سارق بودند تا در این اوقات شخصی
سبقت گرفته معلوم شد که شالیه روزها را
بخانه های مردم میرفت و هنگام فرصت افتاده
و مجموعه و ازین قبیل اسباب میدزدیده است
بعضی اسباب مردم را از او سرزد کردند و بخت
افزاینده باقی اموال مردم در حبس است تا بعد از آن
آنجا حکم او بشود

دیگر نوشته اند که چند وقت است بارندگی
در کرمانشاهان میشود و به نسبت سابق بسیار
شده است و نرخ غله روز بروز در تنزل است و چیزی
کمال و فواید دارد و عبور روز و قوافل از هر طرفی
زیاد میشود که مردم خرواری دوازده هزار بود بسبب
این بارندگیها تنزل کرده حال به هزار فروخته میشود
و چون که خرواری شش هزار بود حال شش هزار است
و سایر اجناس با کولات نیز بهین نسبت تنزل کرده
و در زمان سال از مندلچ زیاد تر از سالهای دیگر
می آورند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند بعد از
فوت مرحوم محمد حجتان سردار چون ایام حرکت رواج
با رض اقدس بود مردم بوارطه قطاع الطريق
توتی داشتند عالیجاه میرزا شفیع وزیر چند نفر
همراه آنها نموده و بجای یک سرکرده تفکیکی شخصی
قراول خانه را و رکه اخر خاک کرمان و اول دست
لوت است اعلام نموده که پنجاه نفر تفکیکی بر داشته رواج
مبائن برسانند و همچنین در مراجعت باز آنها را با
تفکیکی وارد آورند و شالیه نیز از انظار معمول داشته
در این اوقات رواج صحیح و سالم وارد کرمان گردیده

دیگر نوشته اند که در این اوقات که موسم نسق زراعت
بود عالیجاه میرزا شفیع هر بلوکی که خالصه داشت دو نفر
ادم این فرستاده و بهر یک از ضابط اعلام کرد که ادم
معتبر از خود در هیلوی آنها بگذارد که بقاعده رواج
نماید و اگر عیب نقصی وارد بیاید از عهده برآید
حومه قریه و بعیده که نزدیک بودند بسیار شریک را آورد
خود اترام گرفت و کمال دقت را در انظار ام آنها
دارد

کرویس و کیلان و ماژندران
و ملا پرونهاوند و همدان و سرد
ازین ولایات نیز درین مفت اخباری شنیده است

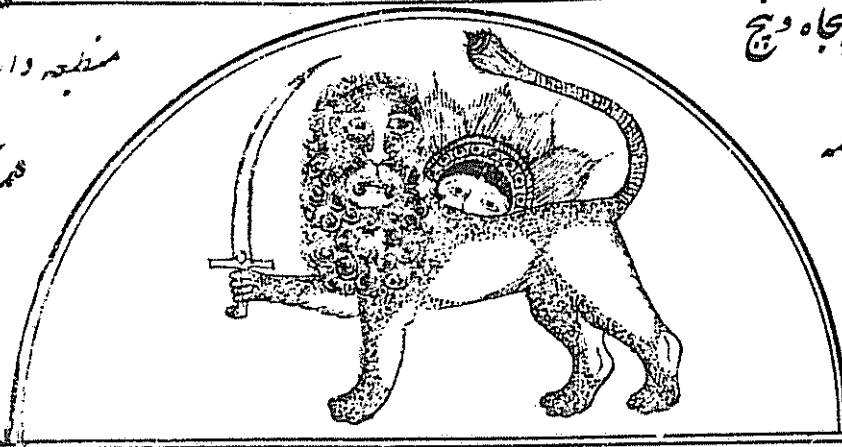
روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه دهم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۲

مردیت پنجاه و پنج

منصبه دارالخلافه طهران

هیت اعلانات

هر پنجشنبه



هیت روزنامه

هر پنجشنبه

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

مسایکن و امداد ایشان جاریست نموده قشون

بر سر قندهار کشیده آنجا را متصرف شده و از او

دارد که از آنجا بفرستد و تصرف هرگز حرکت نماید و

دولت علیه استقلال حکومت هرگز را که از حکام

قابل دفعه و روسایر با آنجا دست اندازی نشود

بجهت حفظ نظام داخله خراسان و فرقه

خود میداند تنخیر و تصرف هرگز و کارشایر

بان تفصیلات و مقدمات که با اطلاع اولیای دولت

علیه رسید و البته خارج از اقدار خود امیر و سید

که بخلاف رای این دولت علیه چنین کاری پیشنهاد

نماید با کمال طاعتی که همیشه داشت صورتاً تصرف

اما باطنا اخلال در حقه عظیم و در داخله مملکت

از خبر صریح که از خراسان بادیای دولت

میتواند برای این نظام داخله خود را باین شدت

چون در این اوقات هوای دارالخلافه طهران

و اطراف کمال بلائیت را دارد و اعلیحضرت قوی

سوگت شایسته غایت شکارگاه جابرو و دهم

در روز شنبه ششم تشریف فرمای شکارگاه

مرزبور کردیدند و قبل از حرکت موکب هایون

سواره و شکارچی مامور شدند که از اطراف

شکار آنجا برانند و پیشانی هایون هم شکار

مرزبور رفت که تدارک سربازان و اسباب

موکب هایون را در آنجا بپسند تا بقرار مهور

چند روزی توقف و تفرج و شکار در آنجا فرمایند

از خبر صریح که از خراسان بادیای دولت

علیه رسید امیر و دست محمد خان سردار کابل

در معرض ترزلن مشاهد نماید لابد است که مقصد
دفاع و حفظ نظم داخله و سمرات خود قشون
برات نفرستد و آن مملکت را از تجاوز و استعمار
محموظ و نظم داخله و دولت را مضبوط نماید و حکومت
برات را نگذارد که بدست غیر انتقال یابد تا بعد
اقتضای مصالح دولتی چه باشد و لکن این حرکت دولت
ایران قرار سابق خود را که عبارت از بیطرفی باشد
بهیچ وجه نسبت با اتفاق دول متفق تغییر نخواهد داد
و همان بیطرفی ثابت و برقرار بوده و خواهد بود

در ایام سابق در عهد دولت خاقان خلد ایشان
فتحعلی شاه مغفور قرار اینطور بود که حکام ولایات
حاکم محروسه پادشاهی سالی یکمرتبه یا دو سال
یکمرتبه بر کاب مبارک در دربار معدلت مدارا پادشاه
حاضر میشدند و این قاعده مستحسنة در ایام دولت شاهنشاهی
مبارک و محمد شاه مغفور انار اقله بر مانده منسوخ و متروک
گردید که حکام تا زمان معزولی هرگز از زیارت حضور
هایون شاهنشاهی صان الله ایام شوکت عن التناهی
مهره مندی شدند و این معنی موجب آن شده است که
بحکم ضرورت لازم شود برای معنی یکی از حکام را
امضای دربار معدلت مدارا هایون نمایند الواطو
او با شش شہت میدهند که حاکم معزول است و بیجا
مفسد را میکشند و بایچه اغلب مهات دولتی که
می بابت با حضور حکام ولایات منظم شود کجا
حق بطور دلخواه اولیای دولت علیه قرین استقامت

نظر بطور قابلیت و شایستگی عالیجاه مقرب انجاقان
میرزا عبد الله خان و وفود مکرمات شاهانه دربار
شاهنشاهی در این اوقات حسب الامر احسن
هایون شاهنشاهی امنای دولت علیه او را بنصب
جلیل استیغای خاصه مفتخر و سرفراز فرمودند و
مهر لجان مبارک در باب منصب رالیه شرف صدور
یافته و یکشوب جبهه ترمه از بلبوس خانه خاص
مقرب انجاقان شاهنشاهی غایت شده و مورد احترام
کامله شاهنشاهی گردید

چون مرحوم میرزا بزرگ لشکر نویس در این اوقات
بر حمت ایزدی پیوست لهذا عالیجاه میرزا باقر برادر
اورا که قابل و شایسته خدمت بود بجای مرحوم رسانید
منصب لشکر نویسی سرفراز فرموده و همان هایون بزرگ

امور رات قشونی

افواج قاهره نظام متوقفین دار انحلافه مبارکه
همه روزه در میدان شق حاضر گشته تا ساعت
مشغول مشق هستند و همه صاحب مضبان کمال
مراقبت را در تعلیم مشق و قواعد نظامی دارند

حسب الامر مقرر شده که افواج قاهره ملزم بکام
هایون را بجهت درست آموخته شدن در تیراندازی
بنفقه یک دفعه فشک شلیک داده موافق قاعده
نظامی شلیک نمایند یوم شنبه سه فوج را
نقوی بنفقه تیر فشک داده در کمال سرعت
چابکی تیر اندازی نمودند

فوج جدید افشار ابوالجهمی عالیجاه یوسف خان
سربلک و فوج شقاقی ابوالجهمی عالیجاه حجت السقا
که از آذربایجان احضار برکاب مبارک شده
بودند و در بنفقه گذشته از حضور مبارک گذشت
اگرچه سان آنها را معتمد دربار سپهر امیر
قائم مقام در آذربایجان دیده بود و مجدداً در
دار انحلافه مبارکه لشکریان عظام سان
انها را دیده و تهنیت و تدارک آنها را از بطوس
و مواجب آنچه باقی داشتند انجام داده اند
خدمتشان کردیدند

چون دو فوج ملایر جمعی مقرب الخاقان عبداللہ

نیت لهذا سرکارا علیحضرت شایسته خلد الله لکم
وسلطانه مقرر فرمودند که حکام ولایات از قرار
تفصیل ذیل محض شرف بدوزی حضور مبارک برآ

حکامی که دو سال یکمرتبه برکاب مبارک باید بیایند
بجهت بعد مسافت و سرحد بودن

آذربایجان	خراسان	فارس
عربستان و لرستان	کرمان	یزد
کرمانشاهان		

حکامی که همه ساله در شب عید نوروز در وقت
سلام تحویل محل باید در حضور هایون حاضر باشند

اصفهان	استرآباد	مارندران
کبیلان	همدان	خمنه
قزوین	بروجرد	هناوند
طایر	عاق	سمنان و دامغان

شاهرود و بظام کروکس کاشان

قسمت ساروه
شب عید آنها که حکام ولایات دور دست و
سرحدات هستند و دو سال یکمرتبه و آنها که نزدیک
هستند سالی یکمرتبه در شب عید آمده برای وقت
تحویل شرفیابی حضور هایون را حاصل نموده و سه
روز بعد از عید مرخص شده اگر در کار مملکت هم
فرمایشی باشد شنیده بروند و بخصوصه همان حال
مراجعت بمقر حکومت خود خواهد کرد

صالح الدوله مدتی در فارس حضور بودند اولیای
دولت علیه مقرر داشتند و فوج فدوی جمعی ^{انجمن}
مصطفی قلیخان میرنچ عوض آنها را مور فارس شوند
برو و فوج حاضر رکاب مبارک شدند ملبوس
انها داده شد و میدان ارک حاضر شده بنظر
مبارک رسیدند و مرضی شدند که در یوم پنجم
بدون حالت معطلی بروند

سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان
نوشته بودند انتظام کامل در امور انولایت حاصل
نواب مستطاب بنزاد و الالباب رضه الدوله و
در بار شهرت شام مقرب انجمن قائم مقام
تام در نظم امور نوکرو رعیت دارند و کمتری خلا
قاعده از کسی ناشی و صادر میشود

دیگر نوشته اند که قافله که مال اصفهان و عراق بود
نزدیک صبح از بیرون دروازه خیابان عبور کرد
یک نفر توپچی شقاقی که در کار و اسرای بیرون
مترل داشت در تاریکی ریمان قاطر را بریده یکبار
با قاطر بکار و اسرا برده رفقای خود را خبردار کرده
بار را باقیه بریده میخواستند فیما بین خود قسمت
والان دار مطلع شده توپچی را گرفته نزد مقرب انجمن
محمد رضا خان بیکر یکی برده او هم مراتب را بمقتضای
شهرت شام مقرب انجمن قائم مقام اخبار کرده

فرستاده توپچی را با بار حاضر کردند و بار را
تسلیم صاحب مال نموده توپچی را بقراول انداختند
بعد حکم آن بشود

دیگر در محله نوبر خانه چند نفر را بریده مملکات و بعضی
انجمن سس برده بودند صاحبان مال بمقرب انجمن
قائم مقام عارض شدند از علایجه محمد رضا خان
بیکر یکی سارق را خواسته بعد از دو سه روز
ضعیفه را گرفته آوردند پس از تحقیق معلوم شد که دزد
اموال آن چند نفر همان ضعیفه بوده است اموال
مردم را بتامه مسترد کرده عاید نمودند و ضعیفه
بپاکار محله سپرده شد که اگر بعد ازین باز مالی از
او ظاهر کرد مسترد شود

دیگر چند سرباز و قاطر از محله شتران
شده بود بعد از تفحص بسیار در خانه میرزا جان نام
توپچی یافته اسب و قاطر را بجهت گرفته بصاحبان
مال دادند معلوم شد که مشارالیه قدیم دزد بود
و مال چند نفر را سرقت کرده با جلیل نام ضیق خود
برده در خانه پنهان کرده اند بعد از آنکه مراتب
سرقت و شتران او بمقرب انجمن قائم مقام
معلوم شد او را اخراج کرده اموال مردم را نیز مسترد
داشته عاید صاحبان مال نمودند و میرزا جان
محبوس است

از قراریکه در ثانی از آذربایجان از قرار نوشتجات

خبر رسید در شب چهارشنبه بیت و چهارم ماه
ربیع الاول ساعت از شب گذشته زلزله شدید
و تبریز اتفاق افتاده زمین حرکت سختی کرد ولی سجد
استی بکشی خرابی بجائی نرسید

دیگر نوشته بودند که چون از الواط و او باشند بعضی
شرارت و هیزکی بنظر میرسد لهذا مقرب انخاقان
قایم مقام فرستاد در کوچه و بازارها جا کشیدند
که هر کس قه بسته باشد قه او را باز کرده بگیرند
و کوشش او را ببرند و همچنین شبها در کوچه و محله از
هر کس خلاف قاعده ناشی و صادر بشود از آن
و ادانی صبح آمده بمقرب انخاقان مشایع
نمایند تا رفع شرارت و بی حاسی نمود و مقصد
بسیاری خود برسانند
اصفهان و استرآباد و اسدآباد
ازین ولایات در این قه اجنای نبود

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند بعد از
حرکت نواب مستطاب احتشام الدوله از بروجرد
اوضاع آنجا از شهر و خارج بروجرد قرار مانی که نواب
مغزی الیه داده اند و کمال انتظام است برای
و اینکه راههای بروجرد تا محل عبور الوار است نواب
امیرزاده اکبر میرزا بهرستی از طرق سوار قرا سواران
فرستاده اند که از خاک بروجرد الی خاک ملا برود
و عراق محاربت نمایند سوارهای مزبور نهایت قوت را

دارند و بجهت حفظ و حرارت آنها تا حال مالی ارکشی
سیرت زرقه است

دیگر نوشته بودند اهل شهر و سیلاخور علیا و سفلی که
نزدیک اند بامور آنها رسیدگی کامل میشود و بامور
بختیاری و جاپلق نیز که دورند نواب اکبر میرزا ادا
فرستاده عبور رسی می نمایند و عالیجا و عبداللہ خان
نایب بختیاری و جاپلق بار عا بطریق خوب سلوک می نمایند
و از هر کس خلاف حسابی سرزند نواب اکبر میرزا عرض
میکند و حکم از این نمایند

دیگر نوشته بودند که از اوایل ماه ربیع الاول تا عشر
آخر ماه مزبور متصل در بروجرد و آن اطراف باران
مبارک بطوریکه مردم را از کار زراعت و کشت باران
فرصت بذراعت فی نمی داد و ذغال نیز بشهر کم می آمد
ولی کندم در یک تومان و دوازده هزار بسیار بود
خریدار داشت

دیگر نوشته بودند که ناخوشی و باز قرار مذکور در بعضی
ومات سرزند بروجرد داشته و از آنجا بعضی و مات
سیلاخور نیز سرایت کرده بود چنانچه در کلکانه بعد
سی نفر تلف شده بودند و در شهر بروجرد نیز خسته
بروزگی داشته است ولی امید داشته اند که رفع
شده باشد

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب احتشام الدوله
در هفتم ماه ربیع الاول که از خرم آباد حرکت میکردند
دور بود که در اردوی نواب محسنی الیه هم ناخوشی

بروز کرده بود و منصور بیک نایب فوج سیلاخو
که جوانی خوب بود با شش هفت نفر سرباز در کروز
و یک شب فوت شدند و در منزل بعد از خرم آباد
و لیجان سرتیپ نیز ناخوش شده و نواب حشام الدوله
تحت روان برای او گذاشته و خود نیز شب منزل
آورفته میرزا مهدی حکیم باشی را که همراه بود
در نزد او گذاشته و خود با اردو حرکت کردند و
مقرر داشتند که هرگاه احوال سرتیپ بهم بخورد تخم
مراحت نماید و اگر خوب شد از عقب اردو بروند
عالیجا به اشارتیه گفته بود که باین همه اتفاقی که پیش
شاهزاده حشام الدوله در حق من کرده اند جان
دارم برخوابم کشت روز دیگر احوش قدیمی بهتر
شد از عقب اردو رفته بود

بطام

ازین ولایت نیز در این هفته خبری نرسیده است

خراسان

از قواریکه در روزنامه خراسان نوشته اند کمال
امیت و انتظام در امور ولایت حاصل است و چون
ماکولات نهایت و هوز و ارزانی را دارد و چهار
پنج شبانه روز باران زیاد در آن ولایت آمده
بجهت صاحبان ملک و زراعت نهایت خوشوقتی را
دیکر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده حشام
تبار

فرمانفرخندیت که ناخوش و علیل میباشند ولی
با وجود ضعف و بیجالی روزی دو ساعت بیرون
آمده با نور ولایتی و عریض مردم رسیدگی مینماید

دیکر در باب وقایع هرات نوشته اند که در این
اوقات قشونی از کابل و قندهار تا فراه و سربار
آمده و از هرات نیز قشونی مقابل آنها رفته اند ولی تا
بحال با هم جنگی نکرده اند و در مقابل یکدیگر هستند
تا بعد چه شود

دیکر نوشته اند که در این اوقات قاضی شیخ جام
و شاهزاده عباس قدیل طلا بوزن یکم ریادتر
با چند طاقه شال ترمه کشمیری و دو بیت تومان جبه
نقد بجهت روضه مستبر که رضویه علیه آلاف الشنا و تحنه
آورده تحویل خدام ذوی الاحترام سرکار فیض انار
نموده و مرخص گردیدند

دیکر نوشته بودند که از اطراف مالک محروس
روآر زیاد علی التوالی بجهت زیارت روضه تبرک
وار و اراض اقدس شده زیارت می کنند و
مراحت می نمایند و همیشه از بهر ولایتی بقدر سه چهار
روز در اراض فیض نیان بستند

حمزه و دار المرز و سنان و عرق
و فارس ازین ولایات نیز در این هفته
اخباری نبود

قزوین

از قرائیکه در روزنامه قزوین نوشته بودند به است
امیت و ارزانی و فراوانی در آن ولایت حاصل
و بعد از بارندگی زیاد که منافع کلی بجهة زراعت کار
داشت هوای بسیار خوب و طایم کرده و رعایا در
کمال امیدواری مشغول زراعت و بذرفشانی
میشدند

و دیگر نوشته بودند که مقرب انجاقان حاجی خان
پیشا قزوین که بجهة رسیدگی امور بلوک رؤبا
و نظم و نسق زراعت خالصات انجاء رفته بود
امورات انجاء را انتظام کامل داده و بعضی از
دعوت که رعایای آنجا فرار کرده باشند و سگان
رفته بودند آدم فرستاده آنها را مطئن نموده
زراعت و عیسی خود آمدند و در اکثر دات خالصه
که رعایا پریشان بودند و تخم نداشتند بذرو
مصالح الا ملک بانها داده و همه بکار زراعت واداره
و بعضی اشخاص نیز که بی چیز و پریشان بوده اند
احوال هر یک تحقیق داده و همه که خدایان و ریش
سفیدان زراعت خالصه و غیره را امیدواری
داده پس از انجام امورات و جمع آوری تفرقه
بشهر مراجعت کرده است

و دیگر نوشته بودند که در زمان حکومت مقرب انجاقان
خسره خان والی در قزوین خانه مشهدی کاظم خان

و حاجی شعبان سراج را که مشترک بودند بریده
بودند و بسیاری از آنجا بفرست برده بودند و در آن
اوقات هر چه نقص کرده بودند اثری از سارق
بنظر نرسیده بود تا در این اوقات شخصی از اکرا
سجاجی شعبان سراج که یکی از صاحبان مال بود
بود که از اسباب خانه تو در خانه محمد نام جلیلو
سراج دارم صاحب مال نیز و میرزا محمد صاحب

اگر ادرفته مراتب را با و حالی کرده و مشا را به
هم همان ساعت آدم فرستاده خانه محمد جلیلو
کا ویدند برکه و نشانه از اسباب مسروقه حاجی
شعبان و مشهدی کاظم از خانه او بیرون آمد چون
خود می که دزد بود و فراری کرمانشاهان است برادر
او را گرفته محبوس کردند مقرب انجاقان حاجی خان
قدغن کرد که اموال مسروقه را حکما میرزا محمد رضا
برادر محمد نام دریافت و بجا بانش تسلیم نماید
چون از اولیای دولت علیه سم در این اوقات
بجهة اموال مشهدی کاظم و انش تعلیمه صادر شد
بود و لهنداش را لیه آنچه از اموال موجود بود بعضیها
و آنچه مفقود بود غرامت آنرا از رادر محمد جلیلو
گرفته رد کرد و بعضی نیز که مانده است در کار گرفتن
میشد

و دیگر نوشته بودند که همه ساله الهی قزوین از باب
بی آبی شهر و خسرت و تنگی بودند امسال مقرب انجاقان

حاجی حسنعلی خان در تیمه قنوه شهر زیاده اهتمام نموده است
خاصه در قنات محله خیابان که مشهور بقنات دولتی است
آب آن مسوی سالهای دیگر شده است و این شهر
ازین مرحله کمال شکرگذاری و دعاگوئی دارند

دیگر نوشته اند که عالیجاه خان با خان سواره افشاریه
کلاً احضار نموده و بموجب آنهارا فردا با آنها عاید
ساخته و آنچه دزد و شریر در میان سواره و سربازان
بود همه را اخراج کرده و عوض آن خاک ن مقبول گرفته
و از صاحب منصبان نیز التزام گرفت که بعد ازین دزد و
شریر در میان سواره و فوج اگر نگاه ندارند مورد
سیاست نظامی باشند

قسم و کاشان و کردستان و کاشان
ازین ولایات نیز درین هفته اخباری نبود

کرمان

از قرائیکه در روزنامه کرمان نوشته بودند خوانین
بلوچستان متعلق بکرمان حتی از کیج و مکران و سب و ترک
که سی چن منزلت بهم است اقبال دین محمد خان و عبداللہ
کرمانی و پسر محمد شاه خان سبزی و مهمم خان کیجی و اینها
وارد بم گردیده بنزد عالیجاه امامعلی خان میرحد داربلو
آمد حسن خدمت خود را اظهار ساختند که چون بنکام حرکت
پادشاهی بسمت بلوچستان ما در تهمیه و تدارک جمعیت
خود هستیم که در بنکام و رود سپاه منصور و مقام خدمتگذاری تا
عالیجاه پشایر الیه انهارا بطواف اولیای دولت علیه امیدوار

را ده مراتب را بجایجا میرزا شفیق اظهار داشته بود
عالیجاه پشایر الیه نیز خدای تعالی سکنین و یک بنزد عالیجاه
امامعلی خان فرستاده بود که بهر کدام که صلاح دانند

خلعت بدید

دیگر نوشته اند که در اوخر دیحجه و اوایل محرم سترای شیدی در کرمان
شد و هوار بطوری سرود کرد که بسیاری از محصلین و میوه باغیان

سرمایه یخ نمود

دیگر نوشته اند که شخصی در فرج زراشیر ناخوش بود و در حالت
وصیت کرد که بعد از مردن شکم مرگش را بکافیه که جانوری در
بعد از فوت مشار الیه شکم او را کافتند جانوری ترکیب چلیک گشت
سه چهار یک وزن داشت از شکم او بیرون آمد

که در کس و کیلان و نهاوند و همدان و یزد
ازین ولایات نیز درین هفته اخباری نبود

اخبار دول خارج

از دول خارج اخبار رسید ولی چیزی مناسب این روزنامهها
مگر اینکه در آتنه پای تخت یونان و نقرضا بطان عسکر فرانسوی
از راه راست بخانه مکان خود میرفتند و نفر از روانی یونانی با آنها بر
یکی قرار کرده و یکی دیگر را گرفته و گفته بودند که اگر تا شب سی هزار نفر
داوی خلاصی و آلامی کشیم سارایه در میان شبانی پیدا کرد و بنزد سفیر
دولت فرانسه که در آتنه بود فرستاده گذارن اخبار کرده بود و سفیر
منوچهر نیز بعد از شاوره با سفیر دولت انگلیس مقیم انجاسی تهران
فرانسه را از وکیل مالیه دولت یونان تا شب دریافت کرده بزرگ
رسانیده ضابطه کرم نور امتحان کرده بود

روزنامه قایم اتقا فی سبیل یوم شنبه شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۲

مذره لیست پنجاه و شش

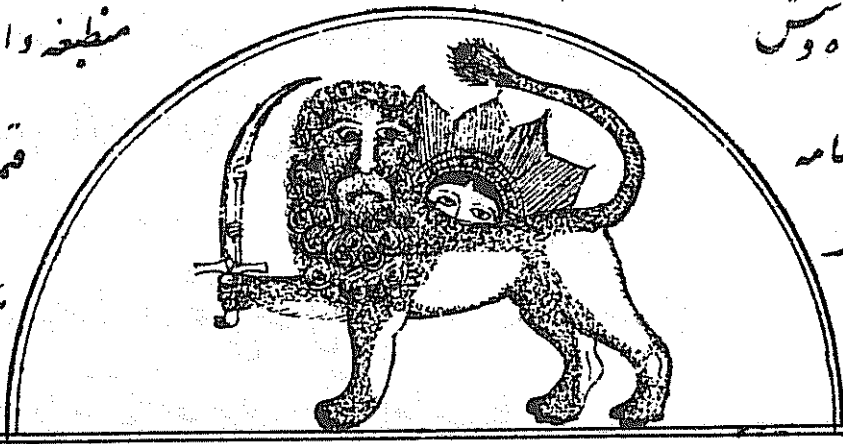
قیمت روزنامه

هر نسخه ده شلر

منطقه وارا خلا فطهران

قیمت اعلانات

بر هر خطی هر



اجبار در همه مالک محروم پادشاهی

اردوی هما یون

اعلیحضرت قوی شوکت شاهی ابد الله
چنانچه در روزنامه معتد کشته نوشته شد
که تشریف فرمای شکارگاه جابرو و دکر دیدند مالکون
در آنجا تشریف دارند و از قرار یک خبر از اردوی
هایون میرسد اغلب روزنامه موکب هایون
تفج و شکار آن صفحی مشغول میباشد و چنانچه
معمول هر سال است که بعضی از علمای اعلام و هرگاه
عظام و سفرای دول متوجع بقیم دارا خلا فطهران
از شکار بهره مند فرموده بکب و غیره بجهت آنها سفر
امسال نیز فرستادند و از قرار مذکور در مذمت
سمت حصار امیر انیر بجهت اینکه جلگه است و شکار
آهومی شود دارند

دارا خلا فطهران

امور دارا خلا فطهران از اهتمامات نواب سبط
شاهزاده محترم والا تبار اردو شیر میرزا حکم
دارا خلا فطهران و توابع و مراقبت مقربان
میرزا موسی وزیر در کمال انتظام است و سایر
در بارهایون از میران بجهت و صاحب مضبان نظام
و غیره هر کس در سرکار و خدمت خود میباشد
و افواج قاهره نظام نیز همه روزه مشغول مشغول
و از جانب صاحب مضبان و معین مستام تمام
در شوق و ادب قواعد نظامی و انتظام امر آنها
و امور شهر و محلات و قرا و خانها نهایت انتظام را
و در دی هیچ نمی شود و اجبار تازه در شهر اتفاق
نیفتاده مگر اینکه چهار نفر زن فاحشه هرزه کاری
میکردند آنها را گرفته حبس حکم نواب سبط شاهزاده
با اسبابان بجایگاه محمد خان شامواری قرار داد

۱۶۲۱

سپرده شد چون کاشانی و اصفهانی بودند مقرر شد که مشارالیه آنها را برده بجاک خودشان رسانده از نوایب مستطاب حمت الدوله حکم ان اصفهان و عالیجاه محمد حسن خان حاکم کاشان قبض رسید که آنها را گرفته بیاورد

و یکروز در نامه شهر نوشته اند شخصی کاشانی در محله خود لاجان زنی و بچه داشت ضعیفه مزبوره و شب ز نامه خود را بهم زده و ارسا میگردیده بود چهری در میان کهنه بسته است تصور تابش کرده بود و حال اینکه در آشفته بوده است بخیا تابش گفته بود قدری خودم بخورم و قدری بطفل بخورم بحال من و او نفع خواهد داشت قدری خود صرف کرده و قدری بطفل خورایند احوال طفل فوراً مقلبت

بفاصله ساعت در گذشته بود ضعیفه را بدو اگر احتمال خوشین دارد

و یکروز نوشته بودند که در عصر روز یکشنبه گذشته میرزا زین العابدین لشکر نویس مباشر سواره ابرهانی در گذر خانهای محله چالیدان در روی دکان قصائی نشسته بود و تفنگ بری در دست او شش بود شخص قصاب تفنگ را گرفته بود و کا

بجده غافل از اینکه تفنگ پر است و چپاش تیر سرمانا که غفله تفنگ خالی شد مقابل او کریم نام فرانس شاهی نشسته بود و دوا چپا بر او

خورد و فوراً جراح حاضر کرده ساچمه را بیرون آوردند بجهیم هلاکت ندارد

چون مرحوم حاجی میرزا کاظم امین ولایت تبریز رحمت ایزدی پیوسته بود نظر بخدمات مرحوم تبار و لیاقت عالیجاان میرزا عبد الله و میرزا رفیع ولد او که معتمد و بار سپهر چشم مقرب انجا قان قائم مقام مراتب قابلیت و استعداد آنها را با ولایات

علیه معروض داشته بود لکن در این اوقات از فرار و طغرافان هر لحان مبارک منصب بمانت تبریز عالیجا میرزا عبد الله معوض و منصب و کالت دیوانخانه تبریز عالیجا میرزا رفیع محول و در حق هر سوابق و خانواری از دیوان قدرشان حرمت گردید که بلوازم حداثت مرجعه اقدام نمایند

لشکر نویس که فوت شده و در هفته گذشته نوشته شده بود میرزا جانی بود و اشتباها میرزا بزرگ نوشته شده بود

سایر ولایات
از بایجان و اصفهان و استرآباد
و اسد آباد و پروجر و بطام
ازین ولایات درین هفته اجاری بود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند اموات از تبار در قریاب برده بودند تبار آمده مرتب را

بعالجاه حسنعلی خان سرتب کروس گفته بودند
 مثالیه نیز بعضی نواب مستطاب شاهزاده
 افخم والا بتبار فرما فرما رسیده مقرر داشتند
 که بفرستد از ترکمانان مروی و سرخی حاضر کرد
 قراری بداد که اموال تجار مسترد شود و ستاد
 ریش سفیدان مروی و سرخی را آورده و بار
 داد که یکماه از عهده مال تجار بیرون بیایند
 بعد از چند روز خبر رسید که عالیجاه خانسوار
 هزاره که در مرو میباشد اموال را بعینه از ترکمانان
 گرفته در این روزها بارض اقدس روانه خواهد
 نمود تجار این محسنی زیاده مشغوف و اظهار شکر
 و دعا گوئی نمودند

دیگر نوشته بودند که قاضی نیشابور چنانچه در
 گذشته نوشته شد از دست آقا سید میرزا
 حاکم آنجا بارض اقدس بکایت آمده بود و بعد
 امام جمعه نیشابور و جمعی دیگر بخلاف او آمده اظهار
 رضامندی از آقا سید میرزا داشتند نواب
 شاهزاده افخم فرما فرما مقرر داشتند تحقیق
 و غوررسی شود و مقرب آنجا قان پاشا خان سرتب
 باین مراتب رسید کی نماید و رین بن خود آید
 نیز بارض اقدس آمده مراتب تحقیق شده معلوم
 گردیده بود که آقا سید میرزا بقدر رسیدن
 مالیات دیوانی اطلاق قاضی را مطالبه و حواله داد

بود قاضی بجهت ندادن مالیات اطلاق خود در صدد
 شکایت و افتاد بر آمده بود و عالیجاه آقا سید
 استشهادی که یکماه قبل از آمدن جمیع مالیات
 حتی خود قاضی نوشته و مهر کرده بود تمسبی بر
 رضایت از حاکم مروی بعضی نواب فرما فرما
 و عرض نموده بود که مالیات اطلاق قاضی را از خود
 ندارم بدسم و بر عتق پادشاهی منست و من
 سرشکن بکنم چون صدق عرض آقا سید میرزا معلوم
 و حسن سلوک او بار عایا مشخص گردید نواب مغربی
 یکشوب جیبسم با و خلعت داده و بجهت رعایت
 جانب علما و حصول دعا گوئی امام جمعه و قاضی را
 نیز خلعت داده همراه عالیجاه آقا سید میرزا
 روانه نمودند

اجباری نبود

کرمان

شیرین

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند عالیجاه
 سرتب فوج خلع تمسب از خود راهم روزه ملغول شود و در
 باطل معولیت قاری کند و نه و نه و نه و نه
 و یزدان و ولایت نیز اجباری رسید

تغیر اجناس در انحلا و طهران درین روزها از مقدار است

گوشت یک من یک هزار دینار	کنم یکخوار دو تومان و شش هزار
برنج غبرلو چهار من دو هزار و پنجاه	جو یکخوار هفت هزار
برنج کرده چهار من دو هزار و شصت	کاه یکخوار پنجاه و پنج
روغن خوب چهار من ده ریال	عدس یکخوار سه تومان
شع یک من دو هزار و پنجاه	ماش یکخوار دو تومان و شش هزار
روغن پراغ یک من هفت عتایی	لوبیا یکخوار سه تومان یک هزار
مات چهار من دو هزار و پنجاه	سجودسی یکخوار چهار تومان
پنیر شور چهار من هفت هزار	ارزن یکخوار پانزده هزار
قذارسی یک من شش هزار و پانصد	کرچک یکخوار چهار تومان و پنجاه
قند یزدی یک من چهار هزار	منک یکخوار پنجاه و دینار
بنات یک من چهار هزار و چهارصد	بیمه یکخوار هشتاد و پانصد
شکر یک من سه هزار	ذغال یکخوار بیست و هزار و پانصد
بن یک من بیست و یک هزار	کنجد یکخوار شش تومان
میخک یک من چهار هزار و پنجاه	خلر یکخوار دو تومان
دارچین یک من یازده هزار و پانصد	یونجه خشک یکخوار هفت هزار و پانصد
فلفل یک من چهار هزار و چهارصد	خرما چهار من سه هزار و پنجاه
زیره یک من چهار هزار و پانصد	پیه کداخته چهار من هفت هزار
زرشک بیدانه یک من سه هزار و پانصد	کشک چهار من دو هزار و پنجاه
زعفران ده سیر پانزده هزار	گشس طعام چهار من سی شاهی
تباکوی اعلی چهار من شانزده هزار	شیره شهد چهار من دو هزار و پانصد
البغوره یک من ده شاهی	نان یکخوار دو تومان و پنجاه
سکنجین یک من دو ریال	
حلویات یک من چهار هزار	

اخبار دول خارج

از قرار که در روزنامه نوشته اند در ابرائیل شخصی
از تجار معتبر لیمونی نام از تبعه یونان که بسیار
مستول بوده است بعد از شنیدن مقدمه محاربات
دول قروضی که داشته است ادا کرده و مبلغ
زیاد هم بدولت روس از خود داده بعد
از آن در منزل خود طپانچه پر کرده و بسینه خود
گذاشته چنانکه آنرا کشیده بود که خود را هلاک نماید
طپانچه خالی شده بود طپانچه را بر زمین زده و با
تیغ دلاکی کلوی خود را بریده و در کف دستش بود
و یونانیان آنجا خبردار شدند که فی را که در منزل
او بودند بجان اینکه شاید بطبع تخواه تاجر بمیرد
اورا کشته باشند همه را گرفته محبوس نمودند
بعد صدوق اورا که کشودند دیدند نوشته است
که بغیر تم نمجید که اینهمه حوادث را بشوم لند
خودم را هلاک کردم
دیگر نوشته بودند که پادشاه دولت فلنک
که والده اش خواهر امپراطور سابق روس بود
در این اوقات شان بزرگ دولت فلنک را
بجهت امپراطور فرانسه فرستاده بود والده اش
فلنک از این معنی از پسر خود آزرده خاطر شده و قهر
کرده بجهت دول الما بنا رفته است
دیگر نوشته بودند که مابین دولتین ساروین

و طونقانه سابقا برودتی حاصل شده بود
و ایلمچی های طرفین بولایات خود مراجعت کردند
بودند در این اوقات دولت فنیمه فرانسه
کرده و مابین دولتین مزبور را التیام داده
رفع برودت از طرفین شده است
دیگر نوشته اند که پای پای رومه که بزرگ مدب
کتولیک علیه است قدغن کرده است که الی کلیسا
شراب و سرکه و انگور از مملکت او بنجارج نهند
دیگر نوشته بودند که از ساروینا بنجاریان
در یاسیم خرج اتشی برای فرستادن خبر عا
کرده بودند و درین کشیدن سیم پاره شده بود
با تکیس برده بودند که درست نمایند و از انگلیس
فلنک نیز صد و نوزده میل راه سیم فرستاده
شده بقرار که در روزنامه آنجا نوشته بودند
در یارده ساعت این اسباب را گذاشته
و بکار انداخته اند
دیگر نوشته اند که چون در لندن هر سال
از جانب تجار و صرافان و کسبه حاکم معین میشود
امسال از جانب تجار و صراف و شاه میر
موسیو صالون بکومت شهر نشسته است
دیگر نوشته بودند که در این اوقات ولیعهد و بی
بعضی محامات لازمه پاریس پای تخت دولت فرانسه

دیگر نوشته اند که در فرات سه بجهه ای که مالی و عت
از حیثت اخیر در رفاه باشند و عمرت کشند و
اعانه معین کرده و صد هزار کیسه که مساوی دو
پول ایرانست با و تحویل کرده اند که برار عین
مساعده قرض بدیند که امور زراعت آنها را
بگیرد و منافع این خواه را از یاده از صد و پنج طلبه
نیکند و گرفتن این صد و پنج نیز بجهه مخارج و
و عملیات او خواهد بود

دولت دینارک در این اوقات قرار نامه جدید
و تاسیس میخواست است بکند در ولایت خود
و از جانب کل و کلا و وزیر امضای قرار دادی
عبدید را کرده بودند و لیچ و برادر دولت تالش
که سه چهار مرتبه ماموریت و مضب حربیه را هم دارد
قرار مزبور را تصدیق و امضا کرده است و است
نموده از اینجهت تمامی ماموریت که تعهد او بود
لغو شده است

از قراریکه در روزنامه جریده الحوادث نوشته اند
امیر عبدالقادر جزایری که چندی قبل ازین بجهه
آب و هوا پاریس پای تحت فرات رفته بود
بعد از چندی اقامت از آنجا بد سعادت سلامت
معاودت نموده چون توقف او سابقا در برو
بجهت شدت زلزله های متعدد در برو
آنجا اکراه داشته و خواهش نموده است که رفته در

اقامت نماید

دیگر نوشته بودند که چون بعضی اوقات بجهه طوفان
در یابیمه و ذغال باسلامبول کم می آمد و ازین
ببردم بد میکردند لهذا حب الامر علیحضرت سلطان
یک کشتی بنجارتا مدت دو ماه مخصوص کشتیها که
و ذغال در آنها حمل میشود معین شد که در اوقات
طوفان کشتیهای مزبور را کشید بکنگره بیاورد
کرایه و اجرت از صاحبان بیمه و ذغال گرفته شود
که در رفاه باشند

دیگر نوشته اند که سکنه یک کشتی را از سوک دره
بکوپری بیرون می آوردند و درین بین ضعیفه با
بدریا افتاده بودند یک نفر اغا که سحر به بکلیس که
در آنجا بوده است خود را با رخت بدریا انداخته
و ضعیفه مزبوره را با طفلانش از آب بیرون آورده بود

دیگر نوشته بودند که در محله بابا حیدر خیانت ازب گذشته از رفاه
این قایق فوجی اش ظهور کرده که غمانیه و سیر جبردار شد و اطفالی
آن اتمام نموده تشرافا خوش کرده بودند و بیشتر از چهار ناله خسته
شده بود

اعلامات

کتاب تاریخ حبیب اسیرت جلد در یک جلد چاپ شده
در بازار صحافان در دکان حاجی نصر الله صحاف خسته
میشود و مبلغ چهار تومان و نیم هر کس خریدار باشد از
دکان مزبور امتیاع نماید

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم خشیبه یوم چهارم شهر ربیع الثانی سن ۱۲۷۲

نمونه ویت و پنجاه هفت

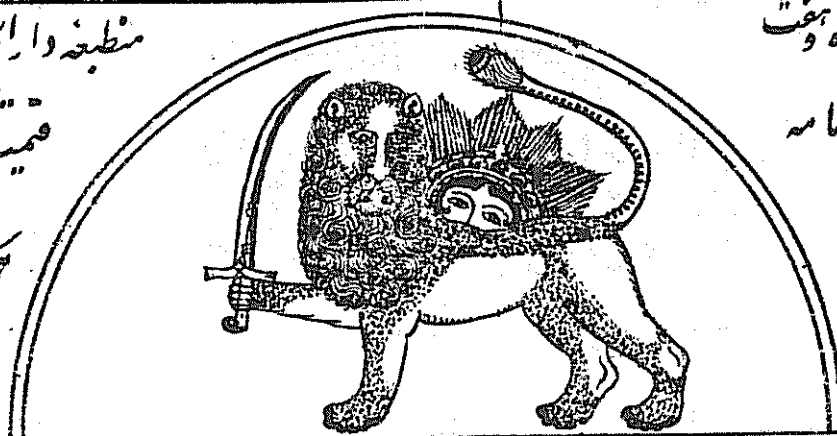
قیمت روزنامه

هر نسخه ده شاهی

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط یک شاهی



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

که درین روزها برف معقولی بیاید و روی

حاصل را بگیرد که حاصل از ضرر خشک سالی

بماند

میرزا فتح الله شکرزایی پاشی که از دربارهای

مرحضی حاصل نموده بزیارت عتبات عالیات

رفته بود در کرمانشاهان برحمت ایزدی پو

خبر وفات او بدارالخلافه مبارکه رسید

بشرف امجدارفع صدر اعظم در خانه مرحوم

مشاریه مجلس فائحه گذاشته جمیع ابرار

اعیان و چاکران دربارهایون مجلس فائحه

حاضر شدند چون مرحوم مشاریه در اول

شباب و باصالت و نجابت و کمال معیبت

و سلامت نفس معروف بود هر کس خبر فوت او را

متأسف گردید

اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی که بشکارگاه

جاجرو و تشریف فرما شده بودند در روز پنجشنبه

اینجا از شکارگاه مزبور مراجعت بدارالخلافه مبارکه

فرموده صاحب منصبان نظام و چاکران دربار

هایون که در شهر بودند باستقبال موکب فیروزی

کوکب شتافته لوازم قربانی و شادمانی را ببلای

و موکب هایون از دروازه شیران وارد شهر

گردید تشریف فرمای ارک مبارکه شدند

در این چند روز است که باقضای موسم هوا

شده است بطوریکه در اینجا لیسایچ میگیرند

روز جمعه برف جزئی آمد ولی چندان مایه دانه

شب شنبه را برفی آمد بطوریکه منینهها را سفید

و چون هوا مستعد بارندگی است کمان کلان است

نظر بطور ایت صدقت و راست قلمی عالیجا میرزا
علی آبادی وزیر کرمان درنده پسند تو شکان پیل
امنای دولت علیه او را از قرار فرمان مهر لجان
مبارک بمنصب استیفای دیوان اعلیٰ سرافراز
فرمودند که مادام ما مورثیت و بعد از آن در ملک
مستوفیان عظام متکلم بوده بوزنم خدمات
مرجوعه بخود پردازد

نظر بحسن خدمات عالیجا بمقرب الخاقان فرخ خان
صندوقه از خاصه که در هر مواعین خدمت و مرآت
کفایت او در حضرت سپهر لبطت سرکار علیحضرت
افندیس تایون شائشی مشهود و معلوم گشته است
لذا محض مرحمت موازی یک قطعه کل کمر متکلم بالکس
در حق او جنت و عنایت فرمودند

چون بالابان سلام و تعظیم بیدق و پیش فک
کل فوج در میان افواج قاهره محض حضور تایون سرکار
علیحضرت شائشی است لهذا امر و مقرر فرمودند
که سرتیپان و سرسکان و صاحبان افواج قاهره
بعد ازین دستور العمل خود را ازین قرار قرار بدهند که
بالابان سلام و تعظیم بیدق عموما موقوف است
مگر برای حکام بزرگ که در سرحدات مستند مشحون
آذربایجان و خراسان و فارس و کرمانشاهان
سوازی اینها برای سایر حکام اذن ندارند که در وقت
مشق و غیره بالابان سلام بزنند لکن پیش فک عیب

ندارد و در وقتی که در مشق هستند و از حکام بر سر فوج
می آیند پیش فک برای حکام بزنند و بالابان سلام
و تعظیم بیدق را موقوف دارند

سایر ولایات

آذربایجان و اصفهان و استرآباد
و اسدآباد و پروجرود و بطنام و حرا
و خمت و وارالمرز و سمنان و شاهرود
و عراق ازین ولایات درین مهفته اخباری نبود

فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند از حسن
مراقبت و اهتمامات نواب مستطاب مؤید الدوله
حکمران فارس امورات ولایت قرین انتظام کامل
عموم نوکر و رعیت را کمال رفاه و آسودگی حاصل
و نواب مغزی الیه بقرار استمراره مهفته دور و زار قرار
داده اند که بهر ایض عموم خلق از اعلالی و ادانی رسیدگی
مینمایند و در این دور و زحاجب و دربان ندارند
هر کس عرضی داشته باشد بی ممانعت و مزاحمت
احدی خدمت نواب مغزی الیه رفقه عرض خود را بیاورد
و بروفق عدالت و حق و حساب حکم آن میشود و سایر
ایام مهفته را با انتظام امور ولایتی و انجام خدمات
دیوانی میپردازند

و دیگر نوشته بودند که جمیع بلوکات فارس که در
گذشته ساخته بلخ خوارکی داشته امسال نسق و

وزاعت آنها بر وجه اخل عمل آمد و هر کجا که بذر مساعد
لازم داشت نواب مؤید الدوله بتصدیق مقرمانا خان
شجاع الملک و شیر الملک دادند و در امور زراعت
بلوکات نقصانی باقی نماند و در موسم عقرب نیز
بارانهای ستوالی خوب آمد اگرچه برای تنباکو و سایر
محصول صیفی قدری ضرر داشت ولی نتیجه کشت و
ریز و بذرافشانی بسیار خوب و زراعت کاران
ازین مرحل بسیار شغوف و شکر گذار بودند
دیگر نوشته بودند که چون از محمد حسن خان برار جانی
در انجام خدمات و اعمال احکام و اوامر دیوانی
تکامل و نافرمانی به نور میر سید نواب مستطاب
مؤید الدوله بجایگاه محمد ابراهیم خان سرتب افواج
اصفهان مقرر داشته بودند که در مراجعت از بندر
ابو شهر شارالیه را گرفته بشیر از بیاورد و عالیجاه
شارالیه نیز در ورود به برار جان او را گرفته بود
طایفه برار جانی قدری بهرزی اقدام نموده شش هفت
نفر از آنها و سه چهار نفر از سرباز اصفهان را زخمی
و مقتول شده بودند عالیجاه شارالیه او را نگرفت
بشیر از آورد و بالفعل در قراول توپخانه مبارکه پیا
دیگر نوشته بودند که سربازان فوج قراجه دانه
و شیرازی که متوقف بشیر از پیا شدند همه روز
در کمال شکوه و آراستگی در میدان در خانه

مشغول مشق میباشند و نواب مستطاب مؤید الدوله
سجده تشویق آنها اغلب اوقات را خود میداند
امده مشق آنها رسیدگی می نمایند و از صاحبان
و معطلین کمال اهتمام در مشق و انتظام امر آنها
و دیگر نوشته بودند که چند روز قبل بته امانتی آخیر
حاجی محمد صادق تاجر اصفهان سرقت نموده بودند
مراتب بعضی نواب مؤید الدوله رسیده قدغن نموده
که عالیجاه میرزا علیخان بیکر بسکی حکما اموال سرور
بدست بیاورد شارالیه نیز چند روز در تعقیب بود
تا معلوم شد که غلام سیاهی از همسایگان تاجر مذکور
وقت شب از پنجره حجره راهی بوده است کثوده
و آن بته امانت را برده است امانت را گرفته
بصاحبش رد کردند اما غلام سیاه از خوف سیاه
ناگاه خود را بچاه آبی انداخته و با چاقوی که همراه
کلوی خود را بریده بود که خود را هلاک نماید یعنی بچاه
فرستاده او را نیم جان بالا کشیدند و قریب
پیا شد
و دیگر نوشته بودند که فتح الدوله نامی که از شایسته
و اشترار بود شرب نموده و زخمی بر انگیزی زده بود
و احب احکام نواب مستطاب مؤید الدوله گرفته بودند
و معلوم شد که شارالیه در ایام قرات مقصد
و هرزگی می شده است از چند روز مان فوخته خان

۱۶۲۹

خدمكان داخل قایلین عبدالحمید خان داروغه شیراز
بود و در ایام حکومت نواب بهرام میرزا گرفتار شده
بواسطه استخلاص حاصل کرده بود و در خدمت نواب مؤیدالدوله
نیرنجی توسط کرده و سید تومان پیکش میدادند
نواب معزی الیه محض انتظام امر ولایت قبول نموده
حکم بیست او نمودند تا دیکری بعد ازین مرتکب
وافت و نشود

شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز که از اجله و
علمای اعلام بود در ماه ربیع الاول در شیراز رحلت
ایزدی پیوست نواب مؤیدالدوله حکم کردند چنانچه
او را در کمال احترام برداشته و مجلس فاسحه برپا
او گذاشتند و خود نواب معزی الیه هم مجلس
فاسحه حاضر شده لوازم احترام را بجا آوردند
سیدی از بندهای بلوک کربال که از بندهای امیر
عبدالله
و ملی بود و بر و خرابی بهم رسانده و بدو واسطه
چین چاه پارچه قرار و دهنده بی آب و لم یزرع
بود و چنانچه در روزنامه های سابقه نیز نوشته شده
نواب مستطاب مؤیدالدوله اتهام زیاد درین
بند بر نموده و مخارجی که بر او رفته بود داده
و قدغن اکید کرده اند که بند بر او را در کمال استحکام
ببندند بنا و عمل زیاد با اسباب در کارند و
بانهایت مناسبت و استحکام صورت تمام خواهد یافت

و اینر حمله سبب عا کوفی کل مالی بلوک فرورفته
و دیگر نوشته بودند که صفحات بند عباسی و لاری
از حسن مراقبت و اتهامات نواب امیرزاده عبدالباقی
در کمال انتظام است با بعضی اشخاص که مکنت
داشتند نسبت بکین و عجزه اجحاف و تعدی
در این اوقات بسبب مراقبت نواب معزی الیه
احدی با حدی خلاف حساب و تعدی نمیتواند
بکند

دیکر نوشته بودند که خلعت مهر طلعت یون که از
جانب سنی اجواب ملوکانه بجهت نواب امیرزاده
عبدالباقی میرزا رحمت و ارسال شده بود با نجارلو
وصول افکنده نواب معزی الیه لوازم استقبال
احترام خلعت مهر طلعت را بجا آورده ریب برود
اعتبار و افتخار خود ساخته صرف شربت و شیرینی
موزده اند

دیکر نوشته بودند در اخبار شیراز که در سه ماه قبل
دختری بسن پنج شش ساله که پدر و مادری نداشته
در خرابه مرده و خشک افتاده بود جمعیه دیده و مرده
بنواب مؤیدالدوله عرض کرده بودند نواب معزی الیه
مقرر داشتند که عالیجاه میرزا علیخان بیکر بکی و کدخدایان
حقیقت این عمل معلوم نمایند در آن اوقات تقصیر کرده
چیزی معلوم شده بود از آنجا که خون آن صغیره بانهایت

دامن گیر قاتلش شود غلامی سیاه درین اوقات
 بجمع حکایت نموده بود که دختری بدین صفت
 قبل بفلان خرابه برده شراب خوردم و درستی با او
 مباشرت کردم و دختر هلاک شد او را در همان
 انداختم و رفتم آن اشخاص که این حکایت را شنیدند
 بکده خدای محله اجناب نموده و غلام سیاه را گرفته
 ثواب مؤید الله و له آوردند و در حضور ثواب مغری الیه
 بعد از استغفار بارتکاب این عمل شنیع اقرار کرده بود
 لهذا ثواب مغری الیه او را دادند بمان خرابه که این
 در آنجا از او سر زده بود برده سیاه است نموده
 عمل ناشایست رسانند

دیگر از قراریکه تحیر اجناس شیر از انوشته بودند
 کندم و خرواری که تومان و پنجاه و جو خرواری و
 دو هزار و پانصد دینار و برنج چهل یک من مفصل
 و برنج شهری یک من نه شای و روغن یک من و
 سصد دینار و گوشت یک من مفصل دینار و شکر
 یک من سه هزار دینار و نبات یک من چهار هزار
 و سایر اجناس نیز باین منته تعیر دارد و فراوانست

دیگر از قراریکه در روزنامه بندر ابو شهر نوشته بودند
 امور انولایت از هر حیث منظم و مضبوط است
 میرزا حسنعلی خان دریا بکی و حاکم بو شهر کمال اهتمام
 انتظام امور آنجا دارد و مستحقین طرق و شوارع در حد
 بر پا کردند اهل جزیره مزبور مطلع شده چند فروند
 روبرق باستیلاص آنها فرستاده آنها را از
 کشته بیرون آوردند مقارن بیرون آمدن بکی آنها
 بزور قهقارش مزبور غرق گردید و این از نقصات

مرجوعه بخود اهتمام داشته تجارت و قوافل را
 بمنزل میرسانند و هم چنین توپچی و سربازان
 بندر مزبور در کمال نظم و حسن سلوک بارعایای آنجا
 رفتار مینمایند و کمالی انولایت نهایت رضایت
 از انتظام و معقولیت آنها دارند و از جانب جناب
 اهتمام در مشق و ادب نظامی آنها بعمل می آید

دیگر نوشته بودند که چون خبر آمدن فوج نمانندی
 بخلوی بندر ابو شهر رسیده بود عالیجا میرزا
 یک نفر سلطان فوج فریدن را با اعتقاد و بیچ نفر
 سرباز دسته او که در جزیره خارک خلوی بودند
 خواسته نامورین بکشی نشسته باسی و پنج نفر کشتی
 روانه بندر ابو شهر کرده به بعد چهار ساعت که در
 دریا کشتی را ندید طوفان شدیدی شده کشتی
 اختیار از دست کشتیانان رلوده امواج او را
 غرقه دریا که جای شهر خطرناک است حرکت داده
 شراع کشتی پاره شده و بعضی از چوبهای کشتی
 شکست سه روز و سه شب در روی آب گرفتار
 اضطراب بودند بعد از سه شبانه روز بیکم
 خارک رسیدند علم سیاه که علامت کشتی شکسته
 بر پا کردند اهل جزیره مزبور مطلع شده چند فروند
 روبرق باستیلاص آنها فرستاده آنها را از
 کشته بیرون آوردند مقارن بیرون آمدن بکی آنها
 بزور قهقارش مزبور غرق گردید و این از نقصات

خداوندی بود که اگر ساعتی دیرتر زور قما با آنجا
میرسیدند همه آن سربازها و کشتی بانان غریق لب
قمامی شدند

دیکر در روزنامه بند را پوشه نوشته بودند که در
۷ و ۸ صفر باران زیاد در آنجا آمده و آب بسیار
جدید البنا بقدر نیم رزغ از آب باران برشته
دریا یکی قرار داد با همان آب آب باران را
کرده آبش را بیرون نمودند که بوی ابله و کچ و ساروج
از او رفع شده بعد از آن از آب باران دیگر که
پر بکنند که آبش صاف و مشروب باشد و در
امالی آنجا صرف نمایند و ماموسم تابستان
قدغن است که آب آنجا صرف نمایند

دیکر نوشته بودند که عالیجاه عهدیگان سرنگ
که با سرباز ابوالجهمی خود و شت عاده توپ مامور
بند را پوشه شده بود در ورودش رایه لوازم
استقبال و احترام از جانب عالیجاه دریابکی
توپچی و سرباز متوقف آنجا بجا آمده و فوج و توپخانه
در جنب برج بحری قرار گرفتند که بعد از ممکن آنجا
ساخوی سابق مرخص باشند و از قرار که نوشته
عالیجاه مشایره توپچارا در عرض راه از بعضی جای
کوستان و خطرناک بصورت تمام گذاشته است
و جهت معطل شدن توپچا و بریدن راه خود و سرباز
و توپچی ابوالجهمی او سختی در زحمت بسیار کشیده تا به

بمنزل رسانده اند و بجهت ظه کردن توپچا در که و ک
و کوستان سه چهار رسل اب توپخانه تلف و
شت نفر توپچی و سرباز مجروح گردیده اند و بعد از

ورود به بند را پوشه سرباز و توپچی و مستعد
از دم جزیره خارک بجهت ساحوی فرستاده است
و از مامورین جزیره مبرور که یکصد نفر بودند اند در
جزیره خارک یک فروند کشتی آنجا طوفانی شده
در بین اینکه از آن کشتی کشتی دیگر سرون می آمدند و در
نفر آنجا را با آذوقه که در کشتی داشتند با و برگرداند
به بند را پوشه مراحت داده بود ولی بجهت اسی
با آنجا نرسیده همگی با آذوقه سالما با حل سرون

دیکر نوشته اند که چون سقف وسط بازار بند را
موافق یکدیگر نبود و هر وقت باران می آمد بجهت عابری
تر و مشکل میشد عالیجاه دریابکی قرار داد که سقف
آنجا را تجدید کرده موافق هم بپازند و وسط بازار
را هر دو داب و طوفین را بجهت عبور مردم سنگ
نمایند و پنجره بازار را مبرور بگذارند که در تابستان هوا
نسیم داخل آنجا شده سکنه آنجا از گرما صحت
نمانند با بچه بازار را مبرور بطور خوب ساخته شده است
که اهل بازار همه حبه اسوده باشند و نیز در وازا
در آنجا کار گذاشته و پاسبانان معین شدند
که اموال مردم از طول سابقین محفوظ باشد و

۱۶۳۲

سبب نرید و عاکونی کسب تجارت آنجا شده است
قره وین و قسم و کاشان و کرد
و کمر و کس و کرماتشان ازین
ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده
کرمان

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند
افیت و انتظام در امور انولایت حاصل است
و عسوم کنه و رعایای آنجا در عین اسود
و فراغت مدعا کونی دوام دولت ایصال
استغال دارند و عالیجا همیشه را شفیع در
انتظام امر طرق و شوارع اهتمام رسانده
می آورد و قراونخانه های عرض راه همه جا
مستحفظین مشغول حفظ و حرارت میباشند که
عابرین و متردین با سود کی عبور و مرور یابند

دیگر نوشته بودند که یک ثوب جبهه ترمه که از
جانب سنی ایچو اب اقدس هالیون شایان
سجده عالیجا شیعلی خان سرب فوج خلج قسم
مرحمت و ارسال شده بود با بنجا پر تو وصول
نکنده عالیجا شارالیه لوازم استقبال
و توقیر و احترام خلعت مهر طلعت هالیون را
بعل آورده زیب برود و شش مفاخرت میباشند
خود نموده لصاحب مضبان و غیره شربت

دیگر نوشته بودند که یک ثوب جبهه ترمه که از
جانب سنی ایچو اب اقدس هالیون شایان
سجده عالیجا شیعلی خان سرب فوج خلج قسم
مرحمت و ارسال شده بود با بنجا پر تو وصول
نکنده عالیجا شارالیه لوازم استقبال
و توقیر و احترام خلعت مهر طلعت هالیون را
بعل آورده زیب برود و شش مفاخرت میباشند
خود نموده لصاحب مضبان و غیره شربت

از فراری که در روزنامه یزد نوشته اند کمال

ایشیت و انتظام در امور آن ولایت حاصل است
و رعایای آنجا در کمال ذاعت و آسودگی مشغول
و عاکوفی دولت به مدت قاهره پیاپی شدند
عالیجاه مقرب الخاقان محمد یوسف خان سرتپ
و نایب الحکومه یزد و سایر مباشرین در
نظم امور ولایت و رعیت اهتمام کامل دارند

از قلعه دار انخلافه بعضی اراضی خالصه با جارترا
اعلیحضرت اقدس سهایون شاهنشاهی صان
ایام دولت عن التناهی موجب فرمان مهر
لحان مبارک قریب بچهل هزار رزغ موجب
تفصیل ذیل با تصام حجاب و مرمود حسل
باع حنرو خانی مانع قورخانه باع امان الله خانی

دیگر از قرار یک رزخ اجناس دارالعباده
یزد در نوشته اند کذا میکنش به قصد خج
دینار که خرواری سه تومان بهفت هزار
پانصد میشود و جو خرواری دو تومان و بهفت
پانصد دینار و سایر ماکولات نیز باین
منظمه مسخر و فراوان بوده است

و هجری آب بملکیت عالیجاه محمد تقی خان محمدرضا
منقل و واکذا فرمودند لهذا اعلان میشود که
هر کس بفرقه راز اراضی مزبوره خریدار باشد
از عالیجاه شاه را این تسبیاع نماید

چنانچه در بهفته گذشته نیز اعلان شد کتاب
حبیب السیر ستمه جلد در یک جلد چاپ شده
در بازار صحافان در دکان حاجی نصر الله
صحاف فروخته میشود مبلغ چهار تومان و نیم
هر کس خریدار باشد از دکان مزبور تسبیاع

اجبار دول خارج از فرانسه و جدید الحوائج
اسلامبول در این روزها رسید ولی آن
که مناسب این روزها میباشد بنود
نوشته شود

اعلانات

چون جمعیت و کثرت دار انخلافه مبارکه که طر
روز بروز سمت از دیادمی پذیرد و برای
ساکنین و مسوطنین بجهت ضیق جای مکان صحت
حاصل است لهذا بجهت توسعه منزل و مقام آنها

ایضا کتابهای چاپی در کارخانه حاجی عبدالمجید
در محله نزدیک دروازه دولا بازار انقرا فروخته

الوار النعمانیه سه تومان
وسایل بافندست ده تومان
ختم نظامی دو تومان و نیم
سرایر دو تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم ششم شعبه شوالی الاول سنه ۱۲۷۲

نزد حیات و نجات

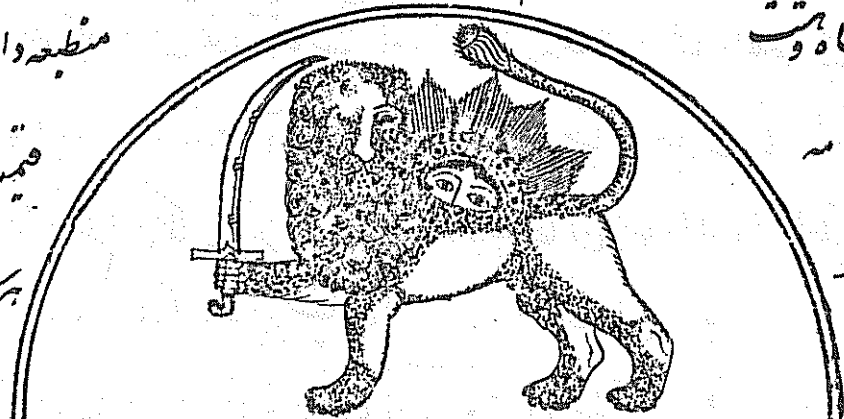
قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

بر هر خط



اجبار دوله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه ۲۱ ماه ربيع الثاني علیحدت
 اقدس هیاتون شاهی شریف فرمای قصر
 قاجار گردیدند و تا عصر در آنجا تفریح و توقف فرمودند
 بعد از صرف عصرانه و چای بارک مبارک سلیطه
 و ممت سلطنت عظمی مراجعت فرمودند
 و حید العصری محمد زمانی جناب شیخ عبدالحسین
 تعالی که بجهت زیارت روضه متبرکه رضویه علیه السلام
 والحقه بارض اقدس رفته بودند در این اوقات
 به دارالخلافه طهران مراجعت نمودند امالی دارالخلافه
 و ضیعا شریف از علما و سادات و شاهزادگان عظام
 و خوانین و غیره لوازم استقبال را بعجل آوردند
 بعد از ورود و جناب معظم ایه به دارالخلافه جناب
 اشرف امجد ارفع صدر اعظم بلاخط توقیر و احترام

جانب علمای اعلام و فقهم الله تعالی بدیدن ایشان
 رفتند و آنروز تا مغرب در آنجا بودند و از
 جانب سنی اجواب اقدس هیاتون شاهی
 لوازم تعقدات را در باره آن بعجل آوردند
 چون اولیای دولت علیه رسیدگی بکارهای
 شاگردان مدرسه دارالفنون و تحصیلات علوم
 حربیه و طبییه و غیره آنها را لازم میدانند در این
 اوقات نیز جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم
 گذاشتند که چند روز بدرسه منبوره رفته
 بکارهای شاگردان و مصلحت رسیدگی نمایند از تعلیم
 در روز یکشنبه ۲۷ ماه ربيع الثاني بدرسه
 منبوره رفتند و بکارهای بعضی از شاگردان
 رسیدگی نموده تا نزدیک غروب آفتاب در آنجا
 بودند و بعد از آن نیز هر روز بدرسه منبوره رفته

۱۶۳۵

مستول رسیدگی کار آنها بپایان شد که فراخور
ترقی هر یک نشان و علاوه موجب درختی آنهاست
شود و بعد از امتحان علوم تحصیلی آنها ترقیات
در روزنامه‌های آینده نوشته خواهد شد

نواب شاهزاده فرمانفرما حکمران مملکت خراسان
مدتی بود که مریض بودند و اخبار کمتر مزاج ایشان

در روزنامه‌های خراسان به ار بخلاف طهران

در این اوقات داعی حق البتیک اجابت گفته

در ارض اقدس فیض قرین بجوار رحمت ایزدی

پیوسته اند چون از اجله شاهزادگان عظام بودند

سرکار اعلیحضرت اقدس ملایون شاهنشاهی مقرر

فرمودند که در مسجد شاه طهران مجلس فاتحه برای

نواب غفران آباء مشا را به با کمال احترام بگذارد

و محسوم شاهزادگان عظام و مقربان دربار

حشام بلوازم تعزیت اقدام نمایند و در روز

۲۹ ربیع الثانی در مسجد نور مجلس فاتحه منعقد

شده و عبادات و قراءت تلاوت کلام الهی

و طلب مغفرت و لوازم تعزیت پرداخته عموم اعالی

و ادانی مقررات که تا سه روز بمجلس فاتحه حاضر

و بحسب امداد قدر قدر ملایون اعلیحضرت شاهنشاهی

ایالت و حکمرانی مملکت خراسان تعزیه کفایت

کفالت نواب استطا شاهزاده والا با حاکم السلطنه

سلطان مراد میرزا محمول و مفوض شده فرمان

شرف صدور یافت و بکثرت خرفه خرفه تر می نمود
نیز از طبوس بدن مبارک برسم خلعت بافتار پونا
معزی الیه رحمت شده بصحابت عالیجا میرزا
فراشباشی جناب جلالت آباء شرف امجد اکرم

مومن سلطان اعتماد الدوله العلیه صدر اعظم

ارسال شد

در روزنامه هفتگه گذشته در باب تعظیم نظامی

افواج قاهره شرحی نوشته شده بود لکن چون

قدری مختصر نوشته شده بود محل ابهام و شبهه

برای بعضی از اهل نظام گردید از آنجهت تبصریح

نوشته میشود که تعظیم بیدق فوج برای جمیع حکام

محمود و عموماً موقوف است و تعظیم بیدق برای

هیچکس نباید بشود لکن پیش فکر کل فوج در وقت

مشق برای شاهزادگان و حکام بزرگ سرحدات بطوریکه

در روزنامه سابق نوشته شده است عیب ندارد

برای سایر حکام و ولایات کوچک آنها نباید بشود مگر

همان تعظیم صاحب منصبان که در سرفوج مستند در حالت

مشق کافی است بجهت توضیح نوشته شده

چون محاسن بلاغت و فصاحت و مداحی و شایسته

عالیجا همش الشرا میرزا محمد علی متخلص بپوشش همیشه

اوقات در سلامهای اعیاد و غیره قصاید و غزلیات

لالی آبدار و در مدح سرکار اعلیحضرت قوی شوکت

شایسته

ہمارے شاہشاہی شہنشاہ دار

از نتایج طبع و قاعده برشته نظم کشید معروض
پیکاه حضور هر ظهور میدارد مقبول و مستحسن خاطر
ملوکانه افتاده مستوجب مرحمتی تازه آمد لهند در این
اوقات عالیجا هشار الیه را بموجب فرمان هر
لمعان مبارک بلقب جلیل خانی سرافراز فرمودند
که موجب ارتفاع رتبت او گردید پیش از
بلو از مداحی و شناختنی قیام و اقدام نماید و میو
یکشوب جیه ترمه نیز از جانب سنی ایچانب ملوکانه
با خلعت مرحمت گردید

دیگر نوشته بودند که خانه عالیجه محمد سحیل خان
نوری را بریده قدری اجناس از خانه اش
بودند معتمد در بار شهرت ام مقرب الحاقان
قایم مقام عالیجه محمد رضا خان بیکر بسکی غن
نمود که حکامان را پیداناید مشا را الیه بآید خدا
مخبر چند روز در تفتیش بود تا یک نفر سید معتمد
با آلات و ادوات دزدی از قبیل ریمان
کند و اسباب دزدان باشد کندن و فصل

چون اشتراک لفظی بعضی اوقات باعث اشتباه
در مرقه ۲۵ این روزها میرزا زین العابدین
که نوشته شده بود تعلی درست ادش بوده
عقله خالی شده و دودانه ساچه آن بسر کیم نامی
فراش خورده بود مثالیه میرزا زین العابدین
نگارو بوده است نه عالیجا میرزا زین العابدین
شکر نویس

سایرولات

در بایجان از قرار که در روزنامه آذربایجان
نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقب و اهتمام
واب مستطاب هزاره والای تبار نصره الدوله و
در بار سپهر حشام مقرب النجفان قایم مقام کمال
لنصب و انتظام را دارد و عسوم الی و کله آن ولایت
در نهایت آسودگی و فراغت بدعا کونی و ذاتی است

و منیج طویل باد و نفر تو پچی مراغه که رفیق او بودند
گرفته آوردند چون شهود عدیده که همان سباب
باشد موجود و جای انکار نبود مقرب بزدی خود
گردید و نشان مال مسروقه از ایشان ظاهر شد
علامه بر آن عالیه یحیی خان المغانی نیز از مراغه
نوشته بود که آن دو نفر تو پچی در مراغه نیز مرکب
سرق شده اند لهذا مقرب انکا خان مشایر
تو پچیان را اخراج کرده و قدغن نمود که اموال
مسروقه تمامه از آنها مسترد شده بعد حکم تنبیه
شد

دیگر نوشته بودند در قریه ماتحان یک نفر سرباز
فوج مراغه ابوالحسنی عالیجا جعفرقلنجیان سرتیپ در
حالت مستی زده یک نفر سپه دوازده ساله را
بقتل رسانده مقرب الخاقان قایم مقام فرستاد

سربازان از آنجا آورند و در شرف مقول در نزد عیال
میرزا حسین شاه کز اندیشه موت رسانند حکم
شرعی گرفتند مقرب الخاقان قایم مقام بر
حکم شرع سربازان را اخراج و بدست وراثت مقول
داد و قصاص کردند

فوج چهارم تهریزی ابوالجحی عالیجا علیخان تهر
که بر حسب حکم اولیای دولت قاهره مامور جیلان
بودند تهریز حاضر شده در اطاق نظامیان
اتهارا دیدند و مواجب سه ماهه ثانی آنها
داد و شده با تعلق عالیجا محمد طاهر خان یا
وسایر صاحب مضبان روانه محل ماموریت
کردیدند

توچیان طایفه مقدم و خوی و سلس نیز که
احضار در بارهایون شده بودند مواجب سه
ثانی ایشان در اطاق نظام باستحضار لشکریان
داد و شده روانه دارالخلافه طهران گردیدند

فوااین قضایانین هایون و احکام اولیای دولتی
که بعد از معتمد دربار سپهر حشام مقرب الخاقان
قایم مقام در خصوص احضار افواج خاصه و بهادران
و قهرمانیه و دویم نصرت و مخبران شقای و مرغه
جمعی بکنند رخان سرنک و سواره فشان و چپا
دولتی و سپهچین بعد از سیرتپان و سرنک مکان

افواج مزبور شرف صدور یافته بود و در حصول
بخشیده و مقرر شده بود و بعضی از ایشان در
دوم جمادی الاولی و بعضی در غره جمادی الثانی
در رکاب نصرت احتساب حاضر گردند از افواج
مرغومه فوج بهادران و فوج قهرمانیه و تهریز
بودند مقرب الخاقان قایم مقام قرار داد که این
و فوج مواجب سه ماهه ثانی خودشان را
در اطاق نظام گرفته مخصوص خانه شوند که برخورد
در خانه خودشان مانده و سرکشی بجان خودشان
کرده و در بیت و چیم رنج الاول روانه گرد
و از چهار و هسم ماه بنای دادن مواجب
فوج بهادران را گذاشته اند و در هجده
ماه ربیع الثانی بوفج قهرمانیه مواجب داد و خوا
شد و مواجب فوج خاصه شریفه چندین شتر داد
شده کاری نداشته اند از عالیجا و محمدخان
الترام گرفتند که در بیت و چیم ماه فوج را
تمامه در تهریز حاضر نماید که بدون معطلی روانه
در بارهایون باشند و همچنین الترامی از عالیجا
قاسخان سرتپ گرفته شد که بزودی فوج
مخبران را حاضر نماید که مواجب سه ماهه ثانی
در یافت نموده روانه گردند و بجهت فوج نصرت و
فوج مرغه و سواره فشان مخصوصا لشکری حب الامر
فرستاده شده که بدون معطلی فوجها را بر داشته بیاورند

فوج جدید مراغه نیز مواجب سه ماهه ثانی خود را پرداخته
و مصلحتی در کارشان نیست عالیجاه پیر و وزیر خان نیز
به تبریز آمده حسب الحکم مقرر گردید که رفته سواره
چهار دوی ابوالجحیی خود را برداشته بیاورد
اصفهان

از قرار یک روزنامه اصفهان نوشته اند که
مستطاب شاهزاده والا بشار حشمت الدوله در
انتظام ولایت و اسود کی رعیت و انجام صدقات
دیوانی اهتمام و مراقبت تمام دارند در اوایل
ماه ربیع الثانی چند روزی تکریم مزاج بهم رساند
تا خوشش شده بودند ولی بجهت درجهان گذرم
روزها صحت یافته و بدینوخانه آمده بعد از چند روز
رسیدگی کرده بودند
و دیگر نوشته بودند که عالیجاه میرزا زکی مستوفی
اصفهان حسب الحکم نواب شاهزاده همه روزه
در دفتر خانه مشغول محاسبات و تشخیص معاملات
دیوانی میباشند
و دیگر نوشته بودند که کنجی خان بجهت قلعہ خود
معزور و با و امر دیوانی اطاعت نمیکرد و در اداره
مالیات دیوانی ابرقو تعلل مینمود نواب حشمت الدوله
سر باز فرستاده قلعہ او را با دوسه قلعہ دیگر که محل
تکن اشرا و مفتدین بود خراب کردند کنجی خان
کرده بشیر از رفته بود نواب معزی الیه افتاد
و خود را در

و دیگر از قرار یک تسخیر اخبار اصفهان را نوشته
بودند در این اوقات بقدر مسطور ذیل است
بر پنج بوزن شاه یکمن یک هزار و سیصد الی
روغن بوزن یاضا یکمن شش هزار و ده سی
یکمن هفتصد و بیار ۱۸۰
یکمن ششصد و بیار ۱۶۰
یکمن دو و عباسی ۱۸۰
یکمن صد و بیار ۱۶۰
یکمن هفتصد و بیار ۱۸۰
یکمن ششصد و بیار ۱۸۰
یکمن یک هزار و بیار ۱۸۰
یکمن هفتصد و بیار ۱۸۰
یکمن شش هزار ۱۸۰
یکمن یک تومان ۱۸۰
یکمن چهار هزار ۱۸۰
سایر اجناس نیز بهین منتهی معزور و بر چینی
و خود را در

استر آباد و اسد آباد و سر و حره
و بطام و خراسان و خمت و دمار
و سمنان و عراق ازین ولایات دین
نفعه اخباری بنود

فارس

از قراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بود
یک نفر شیپورچی برات نام از فوج نهاوند
تا سه چهار ساعت بارفقای خود نشسته صحبت
میداشت منکام خواب هر کس بکوشد خواب
صبح که بیدار شد شیپورچی بیدار شد رفقا
ببر او رفتند دیدند مرده است با اینکه هیچ
نداشته است از قراریکه رفقای او مذکور در آن
بودند قدری پول داشته شب پولها را بیرون
آورده و بسیار با آن پولها بازی کرده و آنها
خوشوقتی ریاد نمودن ظاهر این است که از ذوق
پولها فحاه کرده باشد

و همچنین حاجی عبداله پیله و ربیانی که در شهر
سکن داشته است تا چهار ساعت از شب گذشته
در یکی از مجالس مصیبت جناب سید الشهدا حاضر
و مشغول تغذیه داری بوده بعد از آن در کمال صحت
بجانه خود رفته و شام خورده و کمی بخت خواب داده
اما نوقت فوت شده بود

مروین و سمنان ازین ولایات نیز اخباری پیر

کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته اند دو نفر
ابریشم که بقدر بیت و چهارمین بوده است باجه
توپخانه و قدری توپخانه ناشی نام یهودی سرقت کرده
بودند شبانه داروغه در صد شخص برآمده اشیاء مزبور را
بعینه از خانه اللهیار نام یهودی بیرون آورده و نزد حاج
محمد حسن خان حاکم کاشان آورده بود اللهیار یهودی فرار
کرده بطرف اصفهان رفته بود عالیجاها را الیه و نفر
سوار فرستاده او را در میان سو و قمر و کر قمره آورد
بعد از تنبیه و تحقیق گفته بود که چهارمین ابریشم نیز از شخص
شعرافانی باجه توپخانه را از مال حاجی حبیبی سرقت کرده
فلان دهنه مسجد خود مان پنهان کرده ام عالیجاها را الیه
اشیاء مزبور را نیز آورده بجاناش تسلیم و یهودی مزبور
محبوس است تا سرقی دیگریم اگر کرده باشد بر او

دیگر نوشته بودند که در یکی از محلات کاشان جوان بزاری
بس بیت له شب بادرش بجهت خبری امری نزاع کرده
بعد برخواست با طاق خارجی رفته لوله تریا در آب حل
کرده و بر کشیده بود بعد از ساعتی پدر و مادرش
بصفت احوال او افتاده وقتی بر او رفته بودند که ملا
کروستان و کروکس و کرمانشاهان و کرمان و
کیلان و طایر و نهاوند و همدان و یزد
ازین ولایات نیز در این نفعه اخباری بنود

روزنامه قایم اتفاقیه پانچ یوم شنبه ششم صبح جمادی الاولی مطابقت با سن ۱۲۶۲

منطبع دارالخلافه طهران

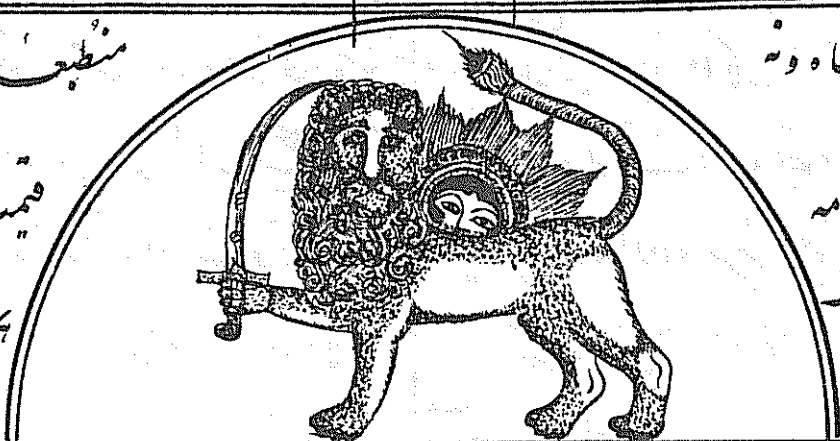
نمره پانچ و نه

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط پانچ

هر نسخه دوش



اخبار واحده ممالك محروسه پادشاه

و مواد دین و دولت مساعی جمیده مبذول دان
از آنجا که بعضی از اراضی ارک مبارکه مجهول الما
بودند و بحسب قانون شرع مطاع بجهت حلیت نما
عامة ناس از مجتهدین عظام اجاره می شد
در این اوقات که مدت اجاره اراضی منبوره
منقضی شده بود جناب امجد اشرف ارفع
صدر اعظم افخم مقرر داشتند که در محضر جناب
شیخ عبدالحسین که از فحول مجتهدین عظام و فقه
تعالی است تجدید اجاره اراضی منبوره بشود
که نماز در آنجا بجهت عامه حلیت شرعی دان

شیخ مشکور مجتهد نجفی که از جمله احبده علمای راسخین
و اعزّه فقهائ مسالین عتبات عالیات بود و در
اوقات سمر در آن مشاهد فیض قرین داعی حق را

دارالخلافه طهران
از آنجا که سرکار علیحضرت اقدس هایون پاشا
صلوات الله علیه و سلطانه توقیر و احترام جانب
علما و اعلام را همیشه منظور دارند و در روز شنبه
سه این ماه بیدین جناب مجتهد العصری شیخ
سلمه الله که در این اوقات از زیارت ارض
قدس مراجعت کرده بودند تشریف فرما گردید
بعد از ملاقات ایشان و اظهار تفقدات ملوکات
از آنجا بیدین جناب حاجی ملا رفیع کیلانی که از
اعزّه علما و ورین اوان از کیلان به دارالخلافه
آمده اند تشریف برده لوازم احترامات را در
بار ایشان نیز تعبیل آورده از آنجا ببارک مبارکه
سلطانی مراجعت فرمودند

چون انسانی دولت علیه در امور ملک و ملت

لبیک اجابت کعبه بجوار حمت رب العالمین
انتقال نموده خبر فوت او که بداراخلای طهران
رسید علما و فقها و مجتهدین داراخلای مبارکه
بجهت توقیر و احترام مرحوم شارالیه مجلس فائحه
گذاشته تا سه روز لوازم تغذیه و تلاوت کلام
مجید را بعل آورده محمدم اشرف واعیان و امان
داراخلای بمجلس فائحه خوانی حاضر شده در روز
سیم نیز جناب امجد اشرف ارفع الفخیم صدر
اعظم بفائحه خوانی رفته و مجلس فائحه را با
نهایت اغزاز و احترام برپید

سابقه مراتب افسوس و دلتنگی دولت ایران
از ترک مراوده که جناب ستموره وزیر مختار
دولت انگلیس باین دولت نموده و تلو روزنامه
نمره ۲۵۲ بیان کردید و این ترک مراوده
مبنی بر جهاتی بود که در ضمن روزنامه مذکور
شده است و همان افسوس اولیای دولت

حاکمان باقی است اما چون اولیای دولت
کمال میل بر بقای دوستی و اوستن ایران و
دارند و آن ترک مراوده منحصر بر او نیست
بود یعنی فقط حرف دولتی را جناب وزیر مختار
متروک داشت لهذا عالیجاه محبت و متانت
همراه موسیو استیونس قونسول دولت انگلیس
در داراخلای مقیم و متوقف است که بامور تجاری

رسید کی ناید عموم تجاری که متعلق بدولت
انگلیس هستند هر چه مطلب تجارتی داشته باشند
در هر بلد و از بلاد مالک محروسه دولت
علیه ایران توقف دارند بقونسولهای دولت
انگلیس در طهران و تبریز و همچنین بایلیو متوقف
بو شهر و کمال اطمینان اظهار نمایند

چون مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله
خاطر اولیای دولت علیه را از حسن اتمامات
در خدمتگذاری دیوان قدرشان بپایان
خرسند و در نظر بطور التفات انمای دولت
علیه در باره مقرب الخاقان شارالیه در شب
شنبه گذشته جناب اشرف امجد ارفع الفخیم
صدر اعظم با جمعی از مقربان حضرت گردون
بصیافت مقرب الخاقان شارالیه رفتند
کمال اسباب و تکلفات صیافت از جانب
مقرب الخاقان شارالیه بعل آمده بعد از صرف
شام بخانههای خود مراجعت نمودند

عالیجاه محمد حسن خان سرتیپ فرامانی چون در
خراسان و اسفارسمت مرو و سرخس و آخال و
وکلالت بطور حسن از عهده ادای خدمات محوله
برآمده حسن خدمت در نزد اولیای دولت علیه
معلوم و مشهود گردید لهذا بعد از مراجعت از ارض
آقدس سرکار علیحضرت آقدس بپایان

موازی یک قبضه شمیر مرق طلای کل رضع
 بجایگاه مشارالیه حمت فرمودند
 نظر باینکه مراتب خدمتگذاری و مردم داری
 مقرب انخافان میرزا حسن خان حاکم عراق در
 نزد اولیای دولت علیه ظا بهر شد لهذا محض
 مرحمت موازی یک ثوب جیه از جانب
 سنی ایچو اب هالیون در حق او مرحمت نمودند
 کردید
 در هفته گذشته یک نفر از جمله الواط و اشهر
 که غالباً با قورخانچیان محصور بود شب شرب نموده
 یک نفر در خانه ارمنی باقیه زخمی نموده که قوی
 بموت است و یک نفر سید را نیز در حالت
 در محبوس باقیه مقتول کرده بود جایگاه میرزا رضا
 که خدای محله مشارالیه را دسگیر کرده است
 بعضی اقدس هالیون شاهشاهی رسید
 فرمودند او را آورده فراتان غضب در
 میدان ارک بسزای عمل ناشایست خودش
 رسانیدند و حسب الامر اقدس هالیون از جانب
 اولیای دولت علیه قدغن اکید شد که قراول
 در کوچه و محله را منته باشد که کسی شراب نخورد
 و نخورد و هر کس مرکب شرب و شراب نشود
 مورد تنبیه و مواخذه باشد
 سایر ولایات

آذربایجان و اصفهان و استرآباد
 و اسد آباد ازین ولایات و هفت
 اخباری رسیده است
 بروجرود
 از قراریکه در روزنامه برودسرد نوشته بود
 کمال امنیت و آسودگی برای عموم اهالی ولایت
 حاصل است و یکی اهالی برودسرد و سیداحوز
 و بختیاری و جاپلق در عین رفاه و آسایش
 بامور عمری خود و دعا کوفی ذات اقدس هالیون
 شاهشاهی اشتغال دارند و بخلاف ازمنه سابق
 در این اوقات بهیچوجه سرفت و خلاف
 اتفاق نمی افتد
 و بکرنوشته بودند و راول ماه ربیع الثانی در
 بروجرود ناخوشی و باشت کرده بروزئی
 نفرات بیت نفر رسیده بود چون هوای ماه
 قوس زیاد و گرم بود چنانچه احتیاج باش
 نمی شد تا در شب ششم جدی برف زیاد
 بطوریکه در اغلب زمینها بقدری که برف
 نشست بعد از آن هوا کمال برودت را بهم رسانید
 و درینچهاربانی گرفتن یخ گذاشتند ناخوشی
 و باینر سبب برودت هوا تحقیف گشتی بهم رسانید
 چنانچه بعد از آمدن برف و سرد شدن هوا
 هر کس فوت کردید بعد از تحقیق معلوم شد که از ناخوشی

سابق بوده است و بعد از سر شدن هوا و
کسی ازین ناخوشی گرفته بوده است

دیگر از قراریکه از اردوی نواب مستطاب
والا تبار حشام الدوله خبر رسیده بود قلیل
ناخوشی و با که در اردوی نواب مستطاب رسیده بود
آنهم بجهت بکلی رفع گردیده است اما علی خرم آباد
تویش داشته اند که این ناخوشی از اردوی
نواب شهباده مباد با آنجا سرایت کند از قراریکه
نوشته اند در آنجا مطلقا ظهور و بروز نمی نمود

عالیجاه ولیخان سرتیپ چنانچه در روزنامه های
نوشته شد در عرض راه ناخوش شده بود و
او با صاحب مضبان حبس حکم نواب شهباده
روانه محرمه شده اند و مقررشده است که اگر
احوال مشارالیه خوب شد خودش بفرج
بشود و الا برادر او موسی خان بفرج مزبور
برود

دیگر نوشته بودند که نواب جلال الدین میرزا
از خرم آباد حرکت نموده اند و توقف چند روز
انجا بجهت حرکت دادن طایفه کاکاوند بکمریات
و تمامی آنها را از نزدیک خاک کرمانشان بکمریات
حرکت داده اند و بعد از ورود بصید مرقاری
کار طایفه مزبوره داده می شود که بهیچوجه قدرت
تقدی با مالی کرمانشان داشته باشند

دیگر از قراریکه از ارستان نوشته بودند کمال
افیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و با
انجا با نهایت امید واری مشغول نظم امورات
خود میباشند و کسی قدرت خلاف حدیث
و عابرین و مترددین با سودکی و اهلینان از آنجا
عبور و مرور نمایند

بطام

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده
خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند
افیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و عموم
امالی آن ولایت بدعا کوفی ذات اقدس هاید
شاهی اشتغال دارند و نواب غفران مآب
فرمانفرما که در شانزدهم ماه ربیع الثانی بجو
رحمت ایزدی پیوسته بودند و در روز
ایشان را بجهت سرحد بودن آن ولایت و مصلحت

بروز نداده بودند تا بعد از ورود مقربا آنجا خان
غضد الملک متولی باشی و سام خان اینجانی
قصیه فوت نواب غفران مآب مشارالیه را با
شه اخبار نموده امالی ارض اقدس بجهت توقیر و
جمع بازار را و ده کاکین بجهت جنازه مرحوم شهباده
باز و حام تمام بصحن متبرکه رضویه علیه الاف الشان و
آورده در حرم مقدس در سردایه که جناب امام

ارض اقدس با بقا چته خود ساخته بود چته و بهر کس میداده است میخورده و مدبوش شده
مدفن مرحوم شاهزاده بطیب خاطر مصاحبه و والد آن
منوچه در آن مکان فیض بنیان مدفون ساختند
و در توحید خانه مبرکه مجلس فاسحه خوانی گذاشته
جمع علمای سادات و خدام ذوی الاحترام و اهل
و احیان از نوکر و رعیت بمجلس فاسحه خوانی حاضر
شده تا چهار روز بلوازم تعزیت و طلب مغفرت
و تلاوت کلام الهی مجید و اطعام بفقرا و مسکین
پرداخته خیرات و مبرات زیاد نمودند و بعد از آن
چهار روز مجلس فاسحه را با نهایت اغراق و حرام
برچیدند

دیگر نوشته بودند که بقدر مقصد خانوار با خردی
که در ازمنه سابقه بهرات رفته و در اینجا کن
شده بودند در این اوقات از اینجا که چیده
تا لوف مراجعت می نمایند و عالیجا میرزا رفیع خان
برائی مقصدی که چاندن خانوار مزبور است که آنها
سالم به با خضر آورده در او طمان خود ساکن سازد
همه و وار المرز و سنان و میرزا
ازین ولایات نیز در این هفته اجباری بریده
عراق

از فرار یک در روزنامه عراق نوشته بودند شخصی
ناپاک متقلب حلوئی می نخت است محض شیطنت
و در آن بذر البنج یا دوای دیگر داخل میکرده است
کرفته نزد مقرب انخاقان میرزا حسن خان حاکم
عراق برده بودند مقرب انخاقان شارالیه در حضور
جناب حاجی سید محمد باقر مجتهد آنجا ماجرایی را از او

تحقیق نموده کما جری نقل کرده خود اقرار بقتل آن شخص
نموده بود بعد از آن مقرب انخافان ماث رالیه
محبوس نگداشته مراتب را با ولیای دولت
علیه معروض داشته و از جانب سنی اجواب
هایون حکم شد که در هانجا او را بدست ورثه مقول
بهند نام نهاد و فی القصاص حیوة ورثه مقول
او را بزرای خود برسانند

فارس و قزوین و قم و کاشان
و کردستان و گروس و کرمان
ازین ولایات نیز در این هفته اخباری رسیده
کرمان

از قرائیکه در روزنامه کرمان نوشته اند بآنها
کارگذاران دیوانی و مراقبت عالیجاان میرزا شیخ
و شیخی خان سر تپ فوج خلع امور آن ولایت
نظام و انضباط است و عالیجا میرزا شیخ تمام
در وصول ایصال مالیات دیوانی دارد و از صاحب
فوج خلع ابوالجهمی عالیجا شیخیخان هر یک یکی از
بلوکات حسب الحکم بجهت وصول باقی مالیات
و در کار وصول و ایصال میباشند و امور شهر
محلات کرمان نیز منضبط است و بآنها هم کلام تر و
که خدایان سرفت و شرات از کسی ناشی و صادر
نمیشود

دیگر نوشته اند که در بیستم شهر ربيع الثاني فرمان

قضا جریان هایون که در باب حکومت امیرالامرا
مقرب انخافان غلامحسین خان سپه دار شرف صدر
یافته بود بانجا پر تو وصول افکنده و جناب حاجی
سید جواد و در مسجد جامع فرمان هایون را بجهت
ایلی انجا خوانده و ضعیف و شریف از اعلی و ادلی
زبان بشکرانه و دعا کوئی ذات اقدس هایون
شاهنشاهی خلد المملکه و سلطانه کشوده

دیگر نوشته بودند که چندی بود که در کرمان بطوریکه
بایت بارندگی بشود شده بود ولی در عشر ثانی
ربیع الثانی بارندگی شده و برف در کوته
آمد است

کیلان و نهاوند و همدان ازین
ولایات نیز درین هفته اخباری بود
میرزا

از قرائیکه در روزنامه یزد نوشته اند امور آن
از حسن مراقبت و اتمام عالیجا مقرب انخافان
سر تپ و نایب الحکومه منظم و منضبط و سکنه
و ایلی انجا در عین فراغت و آسودگی مشغول دعا
و ذات اقدس هایون شاهنشاهی میباشند و
بسیچ وجه از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر
نمیشود و امور طرق و شوارع نیز منظم و مستحفظ و در هر
از منازل مشغول حفظ و حراست میباشند و زوار
و قافله نیز از خراسان در این اوقات وارد

در این اوقات وارد

۱۶۴۶

اخبار دول خارج

از قراریکه در روزنامه فران نوشته بودند و در

که مابین دولتین فرانسه و پرتغال داده بودند

اوقات بنحواش طرحین بنحوی التیام یافته بود و با

این گفتگو این بوده است که یکی از گشتهای دولت

فرانسه در روز عید امپراطور دولت موزور یکی

بنادریل لنگر انداخته بود و بید قهائی که علامت

سرور و مافی است افراخته بیکریکی بند موزور

احترامات لازمه که در چنین اوقات مابین دول

متحابه متداولت بعمل میآورده ناخداای آن

کشتی گذارش را بپاریس نوشته و سفارت

فرانسه که در پاریس است درین باب بوزیر دول

خارج بنیل شکایت نوشته بود و مژار الیه و خوا

کاغذی مبنی بر عذر خواهی نوشته بود که بیکریکی

نقصیده و تلفظ چنین روز نبوده است من بعد

و بیچیک از بنادریل چنین امری که خارج از

اصول اتحاد است بروز و ظهور نخواهد کرد

و بیکر نوشته اند که امپراطور فرانسه خبر آن کان

که سابق سردار عساکر مأمور بقرم بود بملک سوید

سفارت مخصوصه فرستاده و نشان فرانسه

بصحابت مژار الیه بجهت پادشاه سوید ارسال

داشته بود و روز و مژار الیه او را بایشان

و اعزازات لازمه پذیرفته بودند و در روز سلام

خود پادشاه سوید آنچه لازمه احترام بوده است

در حق سفیر مژار الیه بعمل آورده بطریق دوستانه

با او رفتار کرده بودند

و بیکر از قراریکه در روزنامههای فرانسه نوشته اند

که بیاور این روزها گفتگوئی مابین دولت انگلیس و

چند دول بجهت فرار بهاروی داده و دول موزور

از دولت انگلیس خواش کرده اند که قرارداد

هفت سال پیش ازین را در خصوص فراریهای مجری

بدارد و حکم جدیدی نیز بان قرارداد ملحق کند که

هر وقتی در خصوص استرداد و بیرون کردن

و مقصرین از دول متحابه و متحده با انگلیس خواش

نمایند با ادله و برایین دولتی دولت انگلیس

رد نماید

و بیکر نوشته بودند که برادر امپراطور فرانسه

که چندی قبل از کال که افتاده و شرف بموت

بود از قراریکه از خرج صاعقه خبر رسیده است

اطبا خوب و زود از عهد معاینه برآمده اند و او

از ورطه هلاکت استخلاص حاصل شده است

و بیکر نوشته بودند که وزیر لشکر قدیم دولت انگلیس

که بجهت سیاحت بدریای سیاه رفته بود در

مراجعت با سلا مبول سلام سلطان فرانسه

و مورد التفات خاص شده است

و بیکر نوشته اند که سفیر دولت انگلیس که پیش ازین

در پطرزبورغ بود در این اوقات بجای سفیری که از
دولت انگلیس مقیم وین و پاریس تحت دولت است
بود مامور آنجا گردیده است
دیگر نوشته اند که چون در این اوقات در
شبهات قتل زیاد واقع شد از جانب دولت عثمانیه
احکام مضبوط بکار گزاران کلانتریه شده است
که با سه بازان و قراولان شهری دول متحده
متوجه باشند که من بعد چنین امری روی ندهد
و سبب ای سایر دول نیز اظهار شده است
که آنها هم امداد نمایند و آدمی از خود نزد کار گزاران
کلانتریه بگذارند که هرگاه از تبعه آنها کسی مرتکب
اعمال شود گرفته بدست کلانتریه بدهند و از قریه
میکویند الضباط کلانتریه اسلحه بول کتار کلانتریه
پاریس و لندن غایت
دیگر نوشته بودند که اولیای دولت عثمانیه نوشته
رسیده به همه سفارتخانه ها نظر بعد غنی که سلطان
بجهت بردن کندم کرده است نوشته اند و قرا
داد اند که در مدت سه ماه هر قدر کندم از
خارج بیاورند کم کرد گرفته نشود
دیگر نوشته بودند که در صفحات عربستان و با
بروز کرده و حجاج را در رفتن و آمدن در قریه
نگاه میدارند
دیگر نوشته اند که در این اوقات در بند کربلا

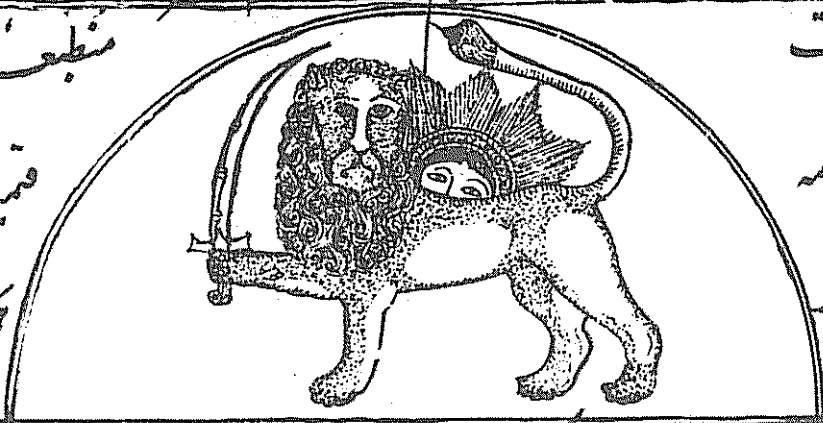
گرد می پیداشد است که هم کشتیها را ضایع
میکند و هم آدم تلف مینماید و کشتیها و قنوق
نقده بیش از دشمن ضرر میرساند
در یکی از روزنامه های یکی دنیای شمالی تفصیل روزنامه
مالک روی زمین را که چاپ میشود از بنقرار نوشته
استریه ده روزنامه افریقا چهارده روزنامه
اسپانیول بیت و چهار روزنامه پرتغال
بیت و شش روزنامه آسیای سی روزنامه
بلژیکا شصت و پنج روزنامه دنیا رک شتاد
پنج روزنامه روسیه پنجاه روزنامه ولایات
دولت است سصد و پنجاه روزنامه مملکت
انگلستان و ایرلند پانصد روزنامه یکی دنیای
شمالی دو هزار روزنامه سایر ممالک چهار
هزار روزنامه آلمان نوشته بودند که درین
کار خانات روز بروز روزنامه زده میشود
یا هفت هفت و نیز نوشته بودند که از هر یک از
این کار خانات در روز یا در هفته چند طر از روزنامه
بیرون می آید و این روزنامه ها که در دول زده
می شود بعضی از آنها رسمی است که عبارت از دولتی
باشد و در آنها بی اذن دولت و چیزی که منافای
دولتی باشد زده نمی شود و بعضی با اختیار خلق است
که هر کس بخواهد کارخانه روزنامه براه می اندازد و روزنامه
میزند و می فروشند

روزنامه قایم اتقا قیاس ریح یوم چهارم جماد الاول مطابق ۱۲۷۲

نزدیک است

قیمت روزنامه

هر نسخه و شهر



منبع دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پنجم

اخبار و نامه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه هم اینها اعلی حضرت قوی شکت نشنا
اید الیه حجت ملاحظه فرمایید که تازان دریاچان
رکاب نصرت انشا شده بودند و سوار شاهسون
ابو اجمعی عالیجا صفر علیخان سرتیپ که در میدان
حاضر گردیدند و تشریف فرما شد جناب شرف احمد
ارفع محترم صدر اعظم و بر مهربان حضرت کزفون
از سران و صاحب منصبان نظام و غیره در حضور مبارک
بودند و تامل ملاحظه فرمایید که تازان را فرموده بودند
که سان آنها دیده شده موجب از ان شکر نویسان
پر داخته مأمورین حرا و غیره را این روز بابت
شایسته روانه نمایند بعد از آن بهمان میدان بفرستند
که بجهت توپهای بزرگ ساخته اند تشریف آوردند
سوار مزبوره بر تیر تیر آمده از حضور مبارک گذشتند
و چون از جبهه اسلح بجهت کمال آراستگی
داشتند مورد تحسین و الثفات گردیدند و انعام و کرامت

در حق آنها محبت شده بعد از ملاحظه آنها اعلی حضرت
اقدس همایون شاهنشاهی محبت بشارت مبارک
سلطانی فرمودند
جناب شرف ارفع محترم صدر اعظم خیانت
روزنامه های گذشته نیز نوشته شد خیر روز
که بمدرسه دارالفنون تجمه رسید کی تحصیلات متعلین
میروند و همه روزه تازان و دیگر غریب افتاد کار
شاگردان مدرسه مزبور مراقبت و رسیدگی نمایند
و در قواعد حربیه و طبیه و غیره آنها و اهتمامات
در تحصیلات شاگردان بدقت غور رسی مینمایند
تجربه و امتحان آنها تمام شده است بعد از انما
امتحان مراتب ترقیات آنها و الثفات که از جانب
سنی الجواب اقدس همایون شاهنشاهی درباره
از نشان و علا و موجب میشود علی التفصیل
خواهد شد
بعد از آن باری که در روزنامه سابق نوشته

چند وقت بود که هوا سرد شده ولی باران و
 نیامده بود و از این حمله فی الجمله تشویشی بجهت اهل زراعت
 حاصل بود تا در این اوقات اول در شب پنجم شب
 باران بسیار تا نزدیک صبح بدار انحلا و مبارک
 و اطراف آمد و بعد از آن روز پنجم شب جمعه
 برف بسیار خوب آمد بطوریکه لهدریکچارک بلکه
 بیشتر برف در روی زمین افتاده است و بعد از آن
 هم باز یک شب الی صبح باران ریاد آمد و در صحرا
 و کوستان از قرار مذکور پیش از اینها باران و
 برف آمده است و اینمعی باعث امیدواری زراعت
 بجهت زراعت کاران شده است و علی الحساب
 زراعت تشویشی از ضرر خشکسالی نیست

باقضای ظهور کرم و غنایت ملوکانه در حق لاجا
 مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان دبیر محترم
 و رضای خاطر مبارک از خدمات مشایخ و اعیان
 اوقات باعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید
 از مرتبه اول شیری با حمایل سرخ سرافراز
 و بعد و فرمان مهر تلحان همان مفتوح گردید

نظر بطور رحمت ملوکانه در باره نواب مستطاب میرزا
 لطف الله میرزا درین اوقات بحکومت ولایت نازندران
 سرافراز گردیده و از جانب سنی بجواب سرفراز
 هایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان مکتوب جمعه
 لاکه دوز بخیره از طبوس خانه خاص بنواب مغزی ای خلعت
 رحمت گردیده این روز با مقرر حکومت روانه میگردند

بلا خطه لیسکی نواب محسن میرزا و فرط رحمت سرفراز علی حضرت
 اقدس هایون شاهنشاهی در باره نواب معتمدی ایله در
 این اوقات منصب حلیل امیر خوری سرافراز گردید از جانب
 سنی بجواب ملوکانه مکتوب جمعه ترم از طبوس خانه خاص
 بنواب سنی ایله خلعت رحمت شد که لازم این منصب حلیل را بعهده
 کفایت خود داشته مراتب کفالت را بطور شایسته مشهور
 و ملحوظ خاطر اقدس هایون دارند

سایر ولایات

اور با پچان ازین ولایت درین هفته روزنامه
 نرسیده است
 اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند
 خلعت مهر طلعت مبارک که از جانب سنی بجواب
 اقدس هایون شاهنشاهی بجهت نواب مستطاب
 حمت الدوله حکمران اصفهان رحمت شده بود
 در نیم ربیع الثانی بر تو وصول بانجا افکنده و نواب
 چون عالیجاه میرزا رضای که خدا در گرفتن حبس
 که در هفته گذشته نوشته شد سیدی مقتول
 و دیگری را زخمی کرده بود و اتهام نموده بودند
 از جانب سنی بجواب ملوکانه مکتوب جمعه ترم از طبوس خانه خاص
 بنواب سنی ایله خلعت رحمت شد که لازم این منصب حلیل را بعهده

معنی الیه لو ارم استقبال و توقیر و احترام
 بپایون را بعل آورده در عمارت مفت دست
 ریب برود و شش اعتبار و افتخار خود ساخته
 مراسم سرور و دمانی و اجرایی شلیک ثوب
 بعل آورده صرف شربت و شیرینی کرده بود
 دیگر نوشته اند که کمال امانت و انتظام در
 حاصل است و عموم مالی آنجا در عین سودگی و
 فراغت هر کس بکار خود و دعا کوئی ذات اقدس
 بپایون شایسته اشتغال دارند و از قرار یک
 بودند در او اخر ربیع الثانی و اوایل جمادی الاول
 سه ماه در اصفهان شدت داشت و حیاء
 برف آمده و برف اخر بقدر یک چهارم یک بوده
 دیگر نوشته بودند که نواب هزاد حجت الدوله
 در بیستم ماه ربیع الثانی سان فوج چهارم
 باستحضار لشکر نوبیان در حضور دیده و موجب
 انحاء را بدون کسر و نقصان بهر یک هر یک از
 احاد و افراد سربازان فرستادند
 دیگر نوشته بودند که تمامی افواج قاهره که در اصفهان
 متوقف میباشند در نهایت حسن سلوک با اهل
 آنجا رفتار دارند و رسوم خلق اصفهان کمال رضا
 از حسن رفتار آنها اظهار نمایند
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد ابراهیم خان
 در بیستم ماه ربیع الثانی وارد میدان نقش جهان
 اصفهان گردیده فوجهای او با کمال آراستگی
 صف نظامی کشیدند و از قرار مذکور از شیراز
 تا اصفهان در تمامی منازل عرض راه با نهایت
 نظم آمده بودند و مطلقا با حدی از سر باز خلاف
 حسابی ناشی و صادر نشده بود و نواب هزاد
 حجت الدوله بمیدان مزبور تشریف آورده و
 آنها را نمودند چون کمال آراستگی و انتظام داشتند
 مورد تحسین گردیدند و موجب آنها را نیز نواب
 معنی الیه بالتواضع بدست خود پرداخته و با
 و افراد آنها را رسانیده از قرار یک نوشته بود
 در بیستم جمادی الاولی عالیجاه محمد ابراهیم خان
 عازم دربار بپایون خواهد گردید
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه نصر الله خان سیرپ
 فوج کلپایگانی با فوج خود وارد اصفهان گردیده
 میدان نقش جهان با کمال آراستگی صف نظامی
 کشیدند و نواب هزاد حجت الدوله بمیدان
 فوج مزبور آمده وقت رسیدگی با حاد و افراد
 صاحب منصبان آنها نمودند چون کمال آراستگی
 داشتند مورد تحسین گردیدند
 و همچنین عالیجاه مقرب الخاقان مصطفی قلیخان سیرپ
 با افواج خود وارد اصفهان شده نواب هزاد

فوج با استقبال آنها فرستاده و خود نیز در وقت ورود آنها بمیدان نقش جهان بمیان آنها رفته افواج و صاحب منصبان را ملاحظه و رسیدگی نمودند و قرار دادند که بعد از حرکت افواج و در بهار روانه مغزی الیه بانجا رفته سان آنها را دیده و آنچه از موجب و غیره برای آنها حواله شد بود و مصاری داشته روانه نمودند و دیگر نوشته بودند که عالیجاه میرزاکی بامشوقان اصفهان همه روزه در دفترخانه نشسته مشغول رسمیه کی محاسبات ولایتی و وصول و ابلات دیوانی و نظم و نسق زراعات و غیره میباشند و نهایت اهتمام را درین باب دارند

استراپا و
از قراریکه در روزنامه استراپا نوشته اند که جعفرقلیخان ایلمخانی که از دربارهایون بکومت اولیامور بود و در ششم شهر ربیع الثانی با سرباز فوج عرب و شص و پنجاه نفر سواره شادلو و چهار صد نفر سواره چکنی و شادلو و سواره زردینی و دو بیت نفر سواره عرب و عجم و چهل نفر سواره کوکلان و گه و صد و پنجاه نفر سواره سحرانست وارد استراپا شده در وقت ورود مقرب الخاقان شادلو الیه کل امالی شهر بعد از یک فرسخ ذکور او انما با استقبال رفته بودند و اینکه قدغن کرده بود که جماعت انما تیه سجه اسکیمبا

از ترکمانان دشت با نهاد دست اندازی بشود به استقبال نیانیدن و انهمانی را قبول کرده و گفته بودند که ما با خاطر جمع هستیم که بسبب ما موت ایلمخانی باین ولایت بعد ازین ترکمانان یا غی جرت ندارند که بقصد چپاول و دست اندازی باین صفحات بیایند با بجهل و اوزم استقبال و احترام را بعل آورده کمال خوشوقتی داشته اند و بعد از ورود مقرب الخاقان مشا را الیه از طوایف ترکمان بسیار داوطلب آمده و آنها را خدمتگذاری کرده بودند آنها را بعواطف اولیای دولت علیه امید واری داد و گفته بود که خدمت عموم ترکمان وقتی مقبول او یک دولت علیه است که آنچه اسیر مال برده اند تاهای پس بیاورند و شما نیز بروید و در میان خود مصلحت نمائید اگر صلاح خود را در رد کردن اسیر امید آیند آنها را سالمًا غانما بیاورید و الا جواب انهم حله را این بدید تا بمقتضای تکلیف خود رفتار کنیم و همچنین طایفه اتابای ترکمان و طایفه جعفر بای ترکمان نیز آمده هر چهار اسیر آورده بودند مقرب الخاقان شادلو با آنها نیز همین فقره را خاطر نشان کرده گفته بودند که بتدریج دست از پی برده آنچه اسیر در میان ایلمخانی ما باشد حکماً بدست آورد و تسلیم می کنیم و مقرر شد که امالی استراپا و اسیرانی که اسیر ترکمان برده اند مقرب الخاقان ایلمخانی بدهند و ترکمانان نیز بر حسب

همگی آنها را رد نمایند و همچنین بایده موت نیز نیست
اسیر آورده و بهین جواب رشتند و متعهد
هر چه اسیر در میان خودشان است
اسد آباؤ و خراسان و حرم
و سمنان و شاهرود و عراق
ازین ولایات نیز درین معصه اخباری رسید

فارس

از قراریکه در روزنامه شیر از نوشته بودند
نواب مستطاب شاهزاده و الایثار مؤید الله
حکمران فارس همه روزه بقرار استمر سابق
مشغول نظم امور ولایت و تحصیل موجبات
آسودگی کفویت و انجام خدمات دیوانی میباشند
و بجهت حسن مراقبت نواب عسری الیه نهایت
و انتظام در آن ولایت حاصل عساکر مأموره بک
در محل مأموریت خود با انجام خدمات متجمله بخدمت
میباشند

و همچنین مقرباً انخاقان شجاع الملک و شیر الملک
در انجام خدمات دیوانی و انتظام امور نوکرو عت
نهایت اهتمام و طوبت را دارند
و بیکر نوشته بودند که امور طرق و شوارع از بند
الی اصفهان از حسن مراقبت عالیجاه محمد رضا خان
کمال نظم را دارد و قوافل و عابریں در عین اطمینان
و آسودگی عبور و مرور می نمایند

و بیکر نوشته اند که عمال و مباحثه بن بلوکات فارس
نهایت مراقبت را در نظم و نسق زراعات و وصول
و ایصال بالیات دیوانی دارند و مالیات
دیوانی را بحیطه و سول رسانده عاید حوالجات
دیوان اعلی و قسط حرات عامه داشته و مید

قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند
آن ولایت به جهت منظم و مضبوط است
و رعایا و برایا در کمال آسودگی و فراغت مشغول
رعیتی خود و دعا کوئی دولت جاوید مدت علی
میباشند و از قراریکه در روزنامه ربیع النانی نوشته
بودند چند روز هوا سرد شده و برودتی پیدا کرد
بوده است و لکن رعایا و دهقانین با مشغول در
و بذرافتنی بوده اند

و بیکر نوشته بودند که یک ثوب کلیجه ترمه از طبوسین
مبارک که بجهت مقرب انخاقان حاجی حسن خان
قزوین از دربار عدلت مدارجست شده بود
چهارم شهر ربیع النانی باسجا پر تو وصول افکنده
مقرب انخاقان مشاییه باوجه اعیان و امان
قزوین و صاحب منصبان نظام عسیره لوازم
استقبال و توقیر و احترام خلعت مطلق شایسته
بعل آورده و زیب برودش افتخار و اعتبار خود
در منزل خود شربت شیرینی با مجلس داده است

دیگر نوشته بودند که از جانب ما مورین مها
سار و نیا بجهت آوردن غلت و کاه پسر و رسول
دولت مزبور باد و نفرضا بطبقتی بنجاشه بطر
با پیمون میرفته اند و نزدیکی ساحل آنجا درین کشتی
با اهل آن کشتی میخواستند بیکدیگر بیرون بیایند
هوای دریا طوفانی شده و زور قهقاری که نشسته بودند
بخشکی بیاید کلاً از لطات امواج شدید غرق شده
آن سه نفر و همگی اهل زور قهقاری مزبور غریق گشته
فنا گشته اند مگر یک نفر از اهل کشتی که او را زور قهقاری
بخشکی انداخته بوده است

و همچنین چندی قبل نیز یک طوفان عظیمی در دریا ظاهر
شده بود و از کشتیهایی تجارتنی که به تجارت رفته
شده بودند بعضی بیابانی افتاده و از درون دریا
نیز از سید کشتی متجاوز بجهت زیادتی آب میخواستند
بیرون بیایند

دیگر نوشته بودند که از جانب اعلیحضرت امیر
فرات توسط جناب قاضی و بریکشان مخصوص
بجهت دولت اسوج فرستاده بودند بعد از ورود
با آنجا از جانب دولت اسوج نیز در مقابل آن
یک نشان علامت اتحاد و یکاکی که از مفضل
قبل ازین که وضع شده بوده است تا این اوقات
بسیاری از دول خارج واده شده مگر یکی
اعظم دولت فرانسه در چهل و پنج سال پیش ازین

در این اوقات بجهت دولت فرانسه ارسال
دیگر نوشته بودند که پادشاه دولت سار و نیا
چندی قبل ازین که غرمت پاریس بای تحت دولت
فرانسه را داشت درین بین مرخص گشته و بهرسانه
و ناخوشی بطوری شدت کرده بود که زمانم تمام
دولتی را بعهده و لیعهد دولت خود واکدار کرده
بود و باین واسطه آمدنش بپاریس تا خبر افتاد
بود در این اوقات از قراریکه نوشته اند از آن
ناخوشی صحت یافته و حکامان عمان اداره دولتی را

بکف کفایت خود در آورده این روزها غرمت
بپاریس بای تحت فرمان دارد
دیگر نوشته بودند که اعلیحضرت امیر
بغرمت شکار و تفریح بطریق کشت و سیاحت در
صفر به تریسته آمده و بعد از چند روز توقف در آنجا
بسمت وندیک عازم بوده است

دیگر نوشته بودند از اهل فرانسه و انگلیس در وینیه بای
یک کپانیه بسمت میان فلان کشتی از شاه میرافان
فرستاده و در وینیه ان مشهور ویر صرافان استریه قرار داده
شده است که هر کس طاک خود را در صورت استقلال برین
بگذار و نفع آن کمتر از معمول سابق گرفت نشود
و از جانب دولت استریه صد ساله ایتالیایی
مزبور اعطا شده است

قسم و کاشان و کردستان
و کروس و کرمانشاهان و کرمان
و سیلان و مازندران و طایر و نها
و همدان ازین ولایات نیز در این مکتب اجاز
رسیده است
میر و

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته بودند چون
در سنوات سابق ایام دهنه عاشورا که در عمارت
دیوانی آنجا مجلس تفریه داری برپا میکردند بجهت
ضیق مکان و کثرت تفریه داران هم بعمارت خرابی
و هم به تفریه داران بد میگشت چون کمیست عمارت
دیوانی بسبب بقیه تفریه که شاهزاده فاضل علیه الرحمه
در جلو بقعه تبرک منینی هم صرف که محل عبور مردم و محرو
بنظمی آید افتاده بود درین سال عالیجا مقرب انجا
محمد یوسف خان سرپن و نایب الحکومه و کارکنان
شاه را به آن زمین را بکلیه وسیع بسیار خوبی که هم
باعث آبادی ولایت و هم بر شکوه عمارات دولتی
و بقعه تبرک افزوده شده ساخته اند تا می جرز تا
آن از آجر خسته بنائی و بندگشی شده مانند تکایای
حوب داران و طهران شده است و وجه مخارج آن
از منافع آب و قنات است که از مخارج تفریه داری ایام
عاشورا زیاد آمده بود و بنای آن تا پای طاق رسید
و مستی بکلیه دولتی گردید و عقیرت کمال خوبی صورت

اتمام خواهد یافت

و ختمین در حوال و خوش تکیه مزبور اراضی بمصرف
بود عالیجا میرزا کوچک خان سرمنک و جناب
میرزا محمد ولی صدران اراضی را بشراکت مستماع
نموده طرح بازارچه با صفائی انداختند مثل بمکتب
بیت باب دکان و یک باب حمام عالی و عالیجا میرزا
کوچک خان منافع شصت باب دکان و نصف حمام
که سهم او بود قرار داد که هر ساله صرف تفریه داران
جناب ابا عبدالحسین علیه السلام بشود با بمحله ساخته
شدن تکیه و بازارچه و حمام مزبور سبب مزید دکان
مالی آنجا بجهت دوام دولت جاوید مدت علیه
کردیده است

احبار و اول خارج

از قراریکه در روزنامه خبریده الحوادث اسلامبول
نوشته اند در باب راه آهن گذشته از سرعت
حرکت او فواید کثیره او نیز آشکار است سابقا راه
آهنی از اسکندریه تا مصر بنا گذاشته بودند و راه
مزبور بنصف رسیده بود در این اوقات راه
مزبور با تمام رسیده و بمصر متصل گردیده است
و راه واسطه شهر ربیع الاول با آلائی که با اصطلاح
عثمانیه جمیعت عیش و سرور است راه مزبور را
افتتاح نموده اند و عبور کالکها از آن راه
برقرار شده است

دیگر نوشته اند که کربلای محمد علی نامی شیرازی
 ساکن قزوین نزد مقرب الخاقان حاجی حسن علی
 پیشکار آمد و مذکور داشت که بایستی در
 راه لنگران با هم رفیق بودیم تا بیک منزل
 زنجان که آمدیم سید فهمیده بود که در میان
 من بچاه تومان وجه نقد است و قتی که من بچاه
 منی از منزل بیرون آمدم سید در منزل بود
 مراجعت که نمودم دیدم بچاه در خروجین نیست
 و برده اند و بغیر رسید که مطلع نبود بایستی
 حرفی ازین فتره در میان نیامد که میباید
 نماید تا وارد منزل آخر که بقزوین می آید شدیم
 با جمعی از مکارها نقل سکروم درین پن بستید
 مطلع شد که من این حکایت را در میان دارم این
 سر در آمد پیشانی من خالی نمود از تفصلات
 پیش تاب باز نشاء اهل آبادی و مکارها رسید
 گرفته پرسیدند که این چه حرکت بود گفت این مرد
 بمن اقرار است اسناد وزدی مید بد حال وارد
 قزوین شدیم و گذارش این است مقرب الخاقان
 مشارالیه سید را احضار کرده از تخواه آن شخص
 شیرازی جو یا کردید سید در مقام انکار برآمد جمع
 برافه شد و در مرافعه سید قسم را بصاحب تخواه
 رد نمود و صاحب تخواه قسم بلفظ جلاله یاد نمود و
 تخواه را تمام و کمال ان رسید دریافت کرده بان

شخص عاید نمودند از اتفاقات دو روز دیگر میان
 سید را کز مهتاب در قصرت سید علیخان در
 وزدی گرفتند تقصیل یک عس ثاب در باله
 بام بازار کردش میکردند تا بام قصرت رسید
 دیده بودند که از یک سقف طاق سوراخی که
 بجهت رهشائی بود بقدر آدم دو کشت و نموده
 و چوبی بالای آن انداخته کمندی از آن چوب
 میان قصرت او نخته اند فهمیده بودند که وزدی
 پائین است در راه و رخنه تا آدم گذاشته و دال
 خبر کرده بودند دالان دارا بنای تخواه که بسته
 آخر سید سارق را در میان یک صندوق
 قند که خالی بوده است پیدا کرده بودند با منظر
 که در میان صندوق مخفی شده و دو کت تبا
 هم بیالای خود گذاشته است او را گرفته بسر
 مقرب الخاقان حاجی سعلیخان آوردند خند
 محبوس بود بالاخره بلاخط سیادت او
 از علل و سادات شفاعت او را نمودند و بر
 شفاعت آنها مقرب الخاقان مشارالیه از سر
 تنبیه و آزار او گذشته او را اخراج بلد
 دیگر نوشته اند که در این ایام در محله میدان کوسفند
 ضعیفه وضع حمل نموده و طفل و کور متولد شد اندوه
 تولد طفل اول تا دویم سه روز فاصله بوده و هر دو